

کیمپان ۴۸۱

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

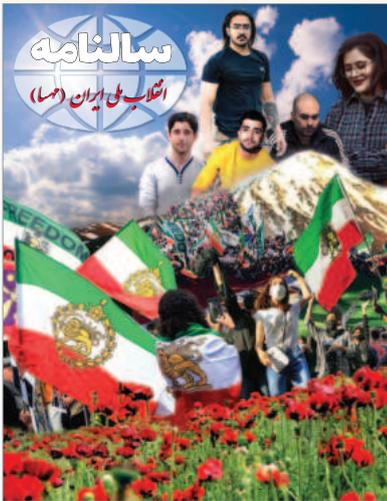
جمعه ۶ تا ۱۲ دپار ۱۳۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۶۶۷

سوگنامه «معدن جو»

متهم ردیف اول: جمهوری اسلامی!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

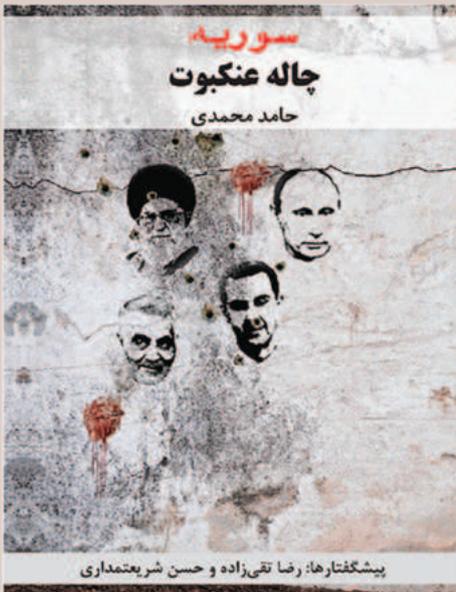
آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۴۷ (۴۸۱)

جمعه ۶ تا ۱۲ مهر ۱۴۰۳
۲۷ سپتامبر تا ۳ اکتبر ۲۰۲۲



سوغنامه «معدنچو»
متمم ردیف اول جمهوری اسلامی

کیهان

فهرست مطالب**

۴	سرمقاله - ایران آینده همگرایی حکومت و جامعه / الاهه بقرط
۴-۶	تیر هفته - سوگنامه «معدنجو» متهم ردیف اول: جمهوری اسلامی! /
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی خطاب به دولت های غربی: در کنار مردم ایران بایستید! /
۸	ضرورت «اقدام هماهنگ» علیه حکومت ایران و نیابتی ها! /
۹	وزرای خارجه عضو «گروه هفت» بار دیگر ارسال موشک های بالستیک از ایران به... /
۱۰-۱۱	حکومت نگران پیامدهای اجتماعی حملات سایبری دامنه دار به... / حامد محمدی
۱۱	عقل ترس ... ۷ خیراندیش (احمد احرار) /
۱۲-۱۳	جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۴) - ... / مهناز افخمی
۱۴	ماله کشیدن روی سخنان مسعود پزشکیان: اعلام آمادگی برای «کنار گذاشتن سلاح»... /
۱۵	سفر قبیله ای مسعود پزشکیان به نیویورک... /
۱۶	ابراز تردید در مورد علت سقوط هلی کوپتر رئیسی پس از انفجار لوازم الکترونیکی... /
۱۶-۱۷	الیزابت استیکنی سخنگوی وزارت خارجه امریکادر گفتگو با کیهان لندن... /
۱۷	اسرائیل و تغییر الگوی جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و... / هدی رؤوف
۱۸-۱۹	اعتراقات پزشکیان در باره جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و تلاش تیم ظریف... /
۱۹	آکسیوس: حزب الله از ایران خواست به اسرائیل حمله کند اما پاسخ مثبت نگرفت... /
۲۰	گفتگوی گروسی و عراقچی در نیویورک: بازی دوقطبی سازی با کلبه واژه... /
۲۱	هشدار اروپا به پزشکیان در مورد ارسال موشک به روسیه و نقض حقوق بشر... /
۲۲-۲۳	متهم به سوء قصد علیه ترامپ: «ترامپ با قطع رابطه با رژیم ایران... /
۲۳	سخنرانی ترامپ در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی» /
۲۴-۲۵	بررسی نقش شاهزاده رضا پهلوی در رهبری جنبش آزادخواهی ایران... / بهرام فرخی
۲۶	شکار فرماندهان حزب الله یکی پس از دیگری: نوبت به «حاج خلیل» رسید... /
۲۶-۲۷	ادعای روبرتز: ممنوع شدن استفاده از دستگاه های ارتباطی در سپاه... /
۲۷	رجز خوانی مسعود پزشکیان: باید اسرائیل را سر جای خود بنشانیم! /
۲۸	حسن نصرالله: ضربه ای بزرگ و بی سابقه خوردیم... /
۲۸	جزئیاتی از «عملیات پیجری»... /
۲۹	میانجیگری جمهوری اسلامی در مذاکرات محرمانه حوثی ها با روسیه برای... /
۲۹	ختنی کردن واقعت جمهوری اسلامی از امریکا... / بهنام محمدی
۳۰	هشدار مقامات اسرائیل به شهروندان لبنان: فوری از مراکز حزب الله فاصله بگیرید... /
۳۰-۳۱	انفجار پیجری ها و بیسیه های حزب الله: پای یک زن در میان است؟! /
۳۱	شکار «حاج تحسین» (ابراهیم عقیل) در جنوب بیروت... /
۳۲	پزشکیان در سازمان ملل: من برای «اصلاحات» آمده ام! /
۳۳	پس از حماس و حزب الله، جمهوری اسلامی در تیررس اسرائیل... /
۳۴	انفجارهای مشکوک در «شهرک صنعتی» گرمسار همزمان با افزایش... /
۳۴-۳۵	بازداشت ۱۲ نفر به اتهام «اقدامات ضد امنیتی»... /
۳۵	ماکرون خندان به دیدار پزشکیان رفت: درخواست از جمهوری اسلامی برای... /
۳۶-۳۷	اطلاعات جدید از فروش تابلوهای موزه «امام علی»... /
۳۷	اولین دوره جشنواره فیلم «زن زندگی آزادی»... / کتابون حلاجان
۳۸	تأثیر «زن، زندگی، آزادی» بر سینمای ایران... / احمد رافت
۳۹	«سیمین پاریس» با زنان هنر مدرن ایران در نمایشگاه بین المللی... / کتابون حلاجان
۴۰-۴۱	چرخه معیوب «کمبود انرژی در ایران؛ مشکل «مصرف مردم» نیست بلکه... /
۴۱	بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب ملی مهسا در آمستردام... /
۴۱	روزگار کارگران معدن طیس... / بهنام محمدی
۴۲	مرگ دلخراش دست کم ۳۰ کارگر در انفجار معدن زغال سنگ طیس... /
۴۲-۴۳	پایان غم انگیز فاجعه ای انفجار «معدنجو» با مرگ همه کارگران محبوس... /
۴۴-۴۵	احتمال زنده بودن معدنکاران محبوس در «معدنجو» نزدیک به صفر است... /
۴۵	مردان در محل کار شلوغ، هوایی می شوند... /
۴۶	تأثیر قوی شدن حزب راست افراطی در آلمان بر امور پناهندگی... / حنیف حیدر نژاد
۴۷	ضیافت پزشکیان در هتل «میلینیوم هیلتون» نیویورک با حضور... /
۴۸-۴۹	تأیید لایحه «عفاف و حجاب» توسط شورای نگهبان... /
۴۹	حکم عجیب دادگاه تبریز در مورد «تمکین» یک زن به همسر... /
۵۰-۵۱	احتمال از بین رفتن ستون های تخت جمشید با توسعه گلسنگ ها... /
۵۱	جشن مهرگان و نوازش ایرانی... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۵۲	تاراج میراث فرهنگی؛ ادامه حاشیه های ماجرای خروج تابلوهای موزه... /
۵۳	پاییز خشک و کم بارش آغاز شد؛ هشدار درباره خشکی حیوانات کشور و... /
۵۴-۵۵	دانش آموزانی که امسال غایب هستند؛ تناقض آمار دانش آموزان... /
۵۵-۵۶	افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی قیمت بنزین از سال آینده... /
۵۶-۵۷	روز اول مهر با دو حادثه در مدارس نایمن ایران... /
۵۸	صدور حکم «اعدام» علیه یک شهروند معترض برای سومین بار... /
۵۸-۵۹	تورم شهر یورماه هم افزایشی بود؛ «هزینه مسکن» بحران اصلی خانواده ها در ایران... /
۶۰-۶۱	بودجه سه هزار میلیارد تومانی قرارگاه «بقیه الله» سپاه پاسداران برای... /
۶۲-۶۳	خبرهای کوتاه... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته / معدنکاران طیس

بازنشر
بازنشر



سوگنامه «معدنجو» متهم ردیف اول: جمهوری اسلامی!



● آنچه در «معدنجو» روی داد، نمونه‌ای از فعالیت مافیاهایی است که در بدنه‌ی حکومت از رانت و ساختار «خودی» و «غیرخودی» بهره می‌برند و به سادگی قوانین الکن را نیز دور می‌زنند.

هیئت مدیره این معدن دارای «رانت» قوی حکومتی هستند. با اینهمه سابقه استانداردهای ایمنی در معدن ایران آنقدر خراب است که بتوان به نظر معدنکاران و شماری از کارشناسان معدن اعتماد کرد و «رعایت نشدن مسائل ایمنی در محیط کار» را به عنوان علت فاجعه‌ای پذیرفت که مسبب آن جمهوری اسلامی است.

از سوی دیگر در رابطه با اطلاعات مربوط به این حادثه تردیدهایی نیز وجود دارد. از جمله آنکه خبرگزاری «تسنیم» حدود یک شبانه‌روز پس از وقوع انفجار، شمار جانباختگان از ۵۱ تن عنوان کرد در حالی که همزمان مقامات دولتی از ۳۱ جانباخته سخن گفتند. تا کنون نیز «تسنیم» هیچ توضیحی درباره آن آمار ارائه نکرده و خبر نیز همچنان در وبسایت این خبرگزاری در دسترس است.

«قلمت بشکند ای روزگار، گر نویسی بر ما چه گذشت»*

آنچه بر دهه‌ها کارگر جانباخته و مجروح «معدنجو» و خانواده‌هایشان رفته سوگنامه‌ای رنج‌آور است. جواد بهشتی از کارگران جوانی بود که ساعاتی پیش از حادثه خبر تولد دخترش را شنید و لحظه‌شماری می‌کرد تا با پایان ساعت کاری شیفت را تحویل دهد و برای دیدن دخترش راهی طبس شود. سید منصور که فقط ۲۴ سال سن داشت و زود ازدواج کرده و یک فرزند یکساله داشت به دلیل فشار بیکاری از مینودشت استان گلستان راهی «معدنجو» شده بود تا با ۱۲-۱۳ میلیون چندرغازی که آخر ماه کف دستش می‌گذاشتند قسط وام ازدواج و اجاره سه میلیون تومانی و خرج خانه را بدهد. پدری هم با پسرش در «معدنجو» شاغل بود و پس از حادثه ساعت‌ها با بیم و امید آنجا بال بال زد و در نهایت پیکر بی‌جان پسر را تحویلش دادند. او خود را لعنت می‌کرد که چرا زمان حادثه شیفت او نبود تا بجای پسر جان بدهد.

در این میان، روایت همسر یکی از معدنکاران که او را به غسل‌خانه بردند و مردی را نشانش دادند که بر اثر سوختگی فقط کمی موی پشت سر و دندان‌هایش باقی مانده ←

آغاز مهرماه ۱۴۰۳ نه فقط برای شهروندان طبس بلکه برای همه ایران با درد و اندوه جان باختن دست‌کم ۵۰ کارگر معدن زغال سنگ «معدنجو» همراه شد. حادثه‌ای با ابعادی تکانه‌دهنده از سوگ و مویه خانواده‌هایی که عزیزانشان را از دست دادند تا کارفرمایان و مدیرانی که «جان» کارگران برای آنها ذره‌ای اهمیت ندارد، با بی‌اعتنایی به رعایت استانداردهای ایمنی و در پناه حکومت با جان معدنکاران قمار کنند.

حدود ساعت ۲۱ یکشنبه اول مهرماه ۱۴۰۳، در ۶۰ کیلومتری شهر طبس، در دل بیابان، انفجاری مهیب بر اثر اشباع گاز متان در تونل C معدن زغال سنگ «معدنجو» و سرایت به تونل B رخ داد. به ادعای منابع دولتی، شیفت با ۶۹ کارگر بسته شده بود که چهار تن از آنها در مرخصی بوده و یا در لحظه انفجار در تونل‌ها حضور نداشتند. اما از ۶۵ کارگر باقیمانده، تا امروز ۵۰ نفر جان خود را از دست دادند. حال برخی مصدومان نیز وخیم گزارش شده است. انفجاری که با رعایت نکات ایمنی از جمله نصب سنسور گاز متان و آژیر خطر می‌شد از آن جلوگیری کرد و یا حداقل شمار قربانیان را کاهش داد.

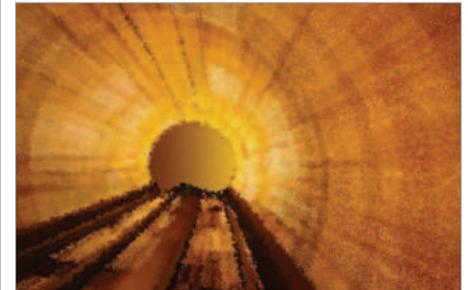
عملیات نجات ساعتی پس از وقوع حادثه شروع شد و تا بامداد روز چهارشنبه چهارم مهرماه با خروج آخرین پیکر و آغاز مراحل پاکسازی تونل‌ها ادامه یافت. یکی از روزنامه‌نگاران حاضر در محل حادثه به آمد و رفت مقامات دولتی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و رئیس «هلال احمر» از تهران اشاره کرده و نوشته هر یک با یک پرواز اختصاصی برای دقایقی در محل حادثه حاضر شدند و به پایتخت بازگشتند. «بازدید» که به گفته این خبرنگار کار ویژه‌ای با آن صورت نگرفت و صرفاً جنبه تشریفاتی داشت. منابع رسمی هنوز علت اصلی جرقه‌ای را که سبب انفجار گاز شده اعلام نکرده‌اند اما آنچه تا کنون مشخص شده کمبودهای غیرقابل انکار در حوزه «امنیت محیط کار» در این معدن است.

نتیجه کارشناسی این حادثه که باید در آینده‌ای نزدیک منتشر شود ممکن است دستکاری شده باشد چرا که اعضای

سرمقاله ایران آینده همگرایی حکومت و جامعه

وقتی از «جامعه» حرف زده می‌شود، منظور یک کلیت و در عام‌ترین وجه آن است و نه تک تک شهروندان و یا جریان‌های انفرادی که می‌توانند بیانگر آن کلیت عام نباشند. یک نکته‌ی مهم در تاریخ معاصر ایران عدم تطابق حکومت‌ها با کلیت جامعه ایران است.

کسی درباره اینکه انقلاب مشروطه با شرایط سده‌ی گذشته و آن دوران ایران و حکومت قاجار و واقعیات جامعه‌ی ایران مطابقت نداشت به بحث و جدل می‌پردازد. چه برای بازیگران سیاسی و ناظران و تاریخ‌نویسان آن زمان و چه بعد و اکنون،



انقلاب مشروطه یک امر بدیهی و ضروری به شمار می‌رود که تلاش کرد تا قدرت حاکم را که از نظر سیاسی در دست سلطنت مطلقه و از نظر اجتماعی و فرهنگی در دست روحانیت مطلقه قبضه شده بود و در نتیجه از نظر اقتصادی مملکت را به فلاکت و نکبت کشانده بود، محدود کرده و در نهایت تغییر دهد.

اما در مورد رشد اقتصادی و فرهنگی دوران پهلوی‌ها در شرایطی که روحانیت مطلقه و طرفدار مشروعه همچنان در کمین نشسته بود تا انتقام بگیرد، بحث و جدل بسیار است. در همین نکته است که موضوع عدم تطابق هم پهلوی و هم جمهوری اسلامی با جامعه عملاً موجود در آن دوران و این دوران، البته در جهت عکس هم، مطرح می‌شود.

به نظر می‌رسد در ایران آینده و بدون جمهوری اسلامی مشکل عدم تطابق حکومت و جامعه بر اساس تجارب دردناک و عینی حل شده باشد. بی‌تردید افراد و جریاناتی که بیانگر کلیت جامعه نباشند، وجود خواهند داشت. درست مانند همه جوامع باز و آزاد. ولی جوامعی که به آزادی و امنیت و رفاه خود پایبندند و برای محافظت از آن تلاش می‌کنند، اینهمه را در قوانین اساسی نیز از نظر حقوقی تثبیت می‌کنند؛ ولی گاه مانند جامعه‌ی آلمان با بهایی بسیار سنگین و تحمل فاشیسم و یا مانند جامعه‌ی خود ایران با تحمل جمهوری اسلامی. تلاشی که اسلامگرایان و همچنین حکومت ایران برای تغییر ترکیب جمعیتی در کشور و مناطق تحت نفوذ خود تا اروپا و آمریکا به کار می‌برند، دقیقاً با همین هدف است. داشتن جوامع غیردموکرات که می‌توانند نظام‌هایی مانند جمهوری اسلامی را برپا سازند! جامعه‌ای منگ و نشسته و عده‌های بی‌پایه برای این جهان و آن جهان که عقل از آن روبرو شده و از آزادی به دام اسارت می‌افتد. جامعه‌ای که یا به پای حکومت به ارزش‌های آزادی و رفاه و امنیت پی نبرده باشد، به بخت خود پشت پا می‌زند چنانکه در ۵۷ زد! حکومتی که آماده می‌شد تا در کنار رشد اقتصادی و اجتماعی از نظر سیاسی نیز با جهان آزاد همگام شود، فقط با تکیه بر چنان جامعه‌ای می‌توانست سرنگون شود تا حکومتی روی کار بیاید که دیر یا زود عدم مطابقت و همگرایی خود را با جامعه‌ی جوان و پویایی که در راه بود به نمایش می‌گذاشت.

در ایران پیش از ۵۷ این جامعه بود که به دلایل تاریخی و فرهنگی با آزادی که سبب امنیت و رفاه آن نیز شده بود، مشکل داشت و نه حکومت! در ایران پس از ۵۷ اما این وضعیت به تدریج برعکس شد! جامعه است که خواهان آزادی‌هایی به مراتب گسترده از پنجاه سال پیش است و حکومت در برابر آن با وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها مقاومت می‌کند!

اینست که می‌توان تصور کرد ایران آینده با حکومت و جامعه‌ای همگرا و منطبق بر هم، این توانایی را خواهد داشت تا خود را از گزند جریان‌های فردی و گروهی ضدآزادی و ضدملی حفظ و آزادی و امنیت و رفاه ایرانیان را تا آینده‌ای نامعلوم تأمین کند.

→ بود و گفته بودند شناسایی اش کن که آیا همسر است، مرزهای تخیل و وحشت را پشت سر می‌گذارد.

غسالخانه کوچک شهر طیس طی دو روز نخست پس از حادثه پر از پیکر معدنکاران بود. به روایت یکی از خبرنگاران، بوی «گوشت سوخته» غسالخانه و اطرافش را پر کرده بود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سفری چند ساعت به «معدنچو» قرار بود به غسالخانه هم سر بزنند اما پشیمان شدند. لابد با پیکرهای سوخته و کاورپیچ‌فی‌شد عکس یادگاری گرفت!

بسیاری از کارگران جانباخته ساکن شهرهایی حتی خیلی دورتر از طیس بودند که در شرایط بیکاری و تورم، برای لقمه‌های نان راهی «معدنچو» شده بودند. تشریفات اداری و اینکه اعضای خانواده‌شان خبردار شوند و برای تحویل پیکر عزیزشان به طیس بیایند زمان می‌برد و کار به جایی رسید که غسالخانه دیگر جا نداشت و به ناچار کانتینری را با چند قالب یخ برای نگهداری موقت پیکرها تدارک دیدند.

از چهار برادری که همگی در «معدنچو» کار می‌کردند، دو نفر که از تونل بیرون آمده بودند زنده ماندند و دو برادر دیگر جان خود را از دست دادند. یک روز پیشتر برادرها فکر نمی‌کردند که ساعاتی بعد باید برای تحویل پیکر بی‌جان عزیزان خود به غسالخانه طیس مراجعه کنند. یکی از برادرها که زنده مانده روی دستش خالکوبی شده: «قلمت بشکند ای روزگار، گر نویسی بر ما چه گذشت»؛ او خبر نداشت که در کنار همه بدبختی‌هایی که بر مردم ایران می‌گذرد، قرار است خانواده او با چه تراژدی دردناکی در «معدنچو» روبرو شود.

وضعیت آنها که زنده از تونل‌های وحشت «معدنچو» بیرون آمدند نیز داستان‌های تکاندهنده خودش را دارد؛ یک نفر مرگ مغزی شد و خانواده‌اش با آه و حسرت برگه پیوند اعضا را امضا و عزیزشان را راهی اتاق عمل کردند تا شاید نجاتبخش جان چند انسان دیگر باشد. معدنکار جوانی مات و مبهوت با چشمانی وحشت‌زده سقف اتاق را نگاه می‌کرد و هرچند دقیقه یکبار فریاد می‌کشید و می‌خواست فرار کند؛ پرستاران ناچار شدند برای اینکه به خودش آسیبی نرساند، دست و پایش را با باند پزشکی به تخت ببندند. چند معدنکار دیگر که در آی‌یو بستری بودند، دچار فراموشی شده‌اند؛ نگاه می‌کردند اما حرفی نمی‌زدند و اعضای خانواده‌هایشان را نمی‌شناختند. پرستاران می‌گفتند شاید چند ماهی در این وضعیت بمانند.

قابل توجه آنکه مقامات حکومتی که سفر تشریفاتی از تهران به طیس داشتند، حتی به دیدار مجروحان و خانواده‌هایشان هم نرفتند. این بی‌مسئولیتی در سوگ خانواده‌ها نیز دیده می‌شود چنانکه بر اساس دستور وزیر کشور پیمانکار باید هزینه‌های خاکسپاری و مراسم را هم بدهد اما آنها به خانواده‌ها گفته‌اند: «فاکتور بیاورید و پولش را بگیرید!»

در چنین شرایطی خانواده معدنکاران حق دارند نگران مستمری و حقوق از کار افتادگی کارگران جانباخته و آسیب‌دیده باشند؛ کارگرانی که بسیاری از آنها مانند «سید منصور» دارای همسر و فرزند و قسط بودند!

باز هم مسئولان به سرعت فراموشی می‌گیرند؟

تراژدی طیس اگرچه تا مدت‌ها از حافظه جمعی مردم ایران که حدود نیم قرن است زندگی‌شان با انواع رنج و سوگ و فلاکت رقم خورده، بیرون نخواهد آمد اما احتمالاً مانند بسیاری از حوادث مشابه توسط مسئولان حکومت پایگانی شده و به دست فراموشی سپرده خواهد شد؛ چرا که اگر ده‌ها حادثه مشابه چه در معادن و چه در فجایعی مانند فرو ریختن ساختمان «پلاسکو» در تهران و «متروپل»

در آبادان در ذهن مسئولان حکومتی باقی مانده بود، بدون شک تا کنون تغییراتی موثر در حوزه قانونگذاری و اجرا و نظارت رخ داده بود!

در این میان، از علی خامنه‌ای تا مقامات دولت و مجلس و قوه قضاییه که مسئولان اصلی این فاجعه هستند، پیام‌های بی‌خاصیت تسلیت صادر کرده‌اند. سال‌هاست که حوادث در معادن و بخش‌های مختلف صنعتی و تولیدی به تهدیدی جدی علیه جان و تندرستی کارگران تبدیل شده اما قوانین موجود کارآمد نیستند و همین قوانین نیز اجرا نمی‌شوند و نهادهای نظارتی نیز وظایف خود را به فراموشی سپرده‌اند. وقاحت در میان مقامات جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفته که علی ربیعی معروف به «بازجو عباد» که از مهره‌های امنیتی رژیم است و در دولت حسن روحانی، وزیر کار بود، در یادداشتی با مرثیه‌سرایی درباره حادثه «معدن یورت» که در سال ۹۶ و در زمان وزارت او رخ داد نوشته «هنوز هم غم بزرگش بر دلم سنگینی می‌کند و با اندیشیدن به آن، بغض راه گلویم را می‌بندد!»

او که گویی هیچ مسئولیتی در اینباره نداشته، نوشته «غالب معادن فاقد ایمنی لازم بر اساس استانداردهای تعریف شده وزارت کار هستند!» وی «سیاست‌گذاری منسجم» را راهگشای حل مشکلات معادن دانسته که «وزارتخانه‌های صمت، کار، کشور، بهداشت و درمان با قرار گرفتن در کانون این سیاست‌گذاری‌ها، می‌توانند در بهینه‌سازی این وضعیت نقش موثری داشته باشند.» او مکانیزه کردن معادن و اختصاص یک درصد پرداخت مجوز معادن به موضوع ایمنی را از دیگر راهکارها عنوان کرده است.

«بازجو عباد» اما توضیح نداده با وجود وقوع حادثه «معدن یورت» در دوران وزارت او و «غم بزرگی» که مدعی است بر دلش گذاشته، چرا اقدامی برای بهبود وضعیت ایمنی معادن انجام نداد و یک «هیچ» بزرگ در کارنامه مسئولیت‌های خود باقی گذاشت؟!

وقتی مافیاهای حکومت می‌کنند!

آنچه در «معدنچو» رخ داده نمونه فعالیت مافیاهایی است که در بدنه‌ی حکومت از رانت و ساختار «خودی» و «غیرخودی» بهره می‌برند و به سادگی قوانین الکن را نیز دور می‌زنند. «شرکت سهامی خاص معدنچو» یکی از شرکت‌های خصوصی بزرگ و قدیمی ایران بود که در سال ۱۳۴۵ و در حکومت پهلوی تأسیس شد. این شرکت مانند صدها کسب و کار موفق بخش خصوصی بعد از انقلاب تباه ۵۷ غصب شد و در اختیار دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ و در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی این شرکت در روندی عجیب و پرابهام به چند نفر «واگذار» شد که همگی سابقه فعالیت در دولت را داشتند.

برای نمونه عزت‌الله قاسمی رئیس هیئت مدیره «شرکت سهامی خاص معدنچو» مدیرعامل یا جزو ساختار مدیریتی بسیاری از شرکت‌های صنعتی و تولیدی مصادره شده پس از انقلاب از جمله «پارس الکترونیک»، «کارتن البرز»، «کفش بلا»، «سپیمان سپاهان»، «کشت و صنعت کارون» و «صنایع مس ایران» بوده است.

محمد مجتهدزاده مدیرعامل شرکت «معدنچو» نیز پیش از چهار سال، از بدو تأسیس «انجمن زغال سنگ ایران» تا سال ۱۴۰۱ ریاست آن را به عهده داشت. چنین سمتی مانند سوابق عزت‌الله قاسمی گویای روابط تنگاتنگ با دولت و دیگر نهادهای حکومتی است.

شاید به همین دلیل است که احمد میدری وزیر کار دولت پزشکیان هنوز ساعاتی از حادثه نگذشته به حمایت از مدیران «خودی» معدن درآمد و تأکید کرد در «معدنچو»

تخلفی صورت نگرفته و این رویداد «واقعا یک حادثه بوده است». بدون شک وزیر کار و دوستانش نمی‌توانستند وقتی هنوز امدادگران مسیر ورود به کانون اصلی انفجار در تونل C را باز نکرده بودند، بتوانند چیزی را درباره وقوع حادثه «بررسی» کنند!

و البته عجیب نیست که با توجه به نفوذ محمد مجتهدزاده در بخش معدن ایران، سعید صمدی دبیر کنونی انجمن زغال سنگ ایران نیز با حضور در صداوسیما حکومت مدعی شد که «معدن طیس ۳۰ سال سابقه دارد، تقریباً جزو معادن خیلی خوب کشور است که تمام مقررات و پروتکل‌های ایمنی را رعایت می‌کرد.»

در این میان باز هم «تحریم» یکی از بهانه‌ی توجیه فقدان تجهیزات ایمنی و ناکارآمدی مژمن دولت‌ها و شرکت‌های وابسته از جمله در معادن شده است. اما یک کارشناس می‌گوید ترکیه یکی از بزرگترین سازندگان تجهیزات ایمنی با قیمت مناسب است و به راحتی می‌توانستند این تجهیزات را وارد کنند.

درست در همسایگی ایران، ترکیه توانسته استاندارد ایمنی معادن را به سرعت بالا برد و نه تنها معادن را مکانیزه کند بلکه در طراحی و ساخت تجهیزات ایمنی از جمله تجهیزات «نجات» موفق شود. در ترکیه کپسول‌هایی طراحی شده که می‌توانند در صورت بروز حادثه‌ای مشابه «معدنچو» کارگران را از انفجار، آتش و ریزش تونل حفظ کرده و تا دو هفته آنها را با دسترسی به امکانات پزشکی، غذا و آب و اکسیژن زنده نگه دارند.

همچنین یک جستجوی ساده در اینترنت نشان می‌دهد اقلام ایمنی زیادی چه ساخت ایران و چه وارداتی در وبسایت‌های فروش آنلاین در کشور عرضه می‌شوند.

متهم ردیف اول جمهوری اسلامی است

حادثه «معدنچو» هرچند یکی از مرگبارترین حوادث مرگبار به دلیل فقدان ایمنی در محل کار به شمار می‌رود اما طی سال‌های گذشته چند اتفاق مشابه با جانباختگان کمتر در معادن ایران رخ داده است. معدن «یورت آزادشهر» گلستان با ۲۱ کشته تا پیش از «معدنچو» رکورددار مرگ در حوادث معدنی کشور بوده است. در سال ۹۱ هم بر اثر اشباع گاز متان و انفجار در معدن «بال شمالی» طیس، ۸ کارگر کشته شدند.

بطور کلی انفجار، برق‌گرفتگی، ریزش کارگاه، فرسودگی تجهیزات، خفگی و حفاری‌های غیرمجاز، از مهم‌ترین دلایل مصدومیت یا مرگ کارگران معدن است که همگی زیر سایه بی‌تفاوتی مسئولان و مدیران به رعایت اصول ایمنی رخ می‌دهند.

در «معدنچو» هم ناکارآمدی و تباهکاری جمهوری اسلامی متهم ردیف اول است. نه تنها این معدن تجهیزات لازم جهت جلوگیری از حوادث را نداشته بلکه تصاویر منتشر شده از پیکر کارگرانی که از زیر آوار بیرون کشیدند نیز نشان می‌دهد که آنها حتی از ابتدایی‌ترین امکانات مانند کفش‌های مخصوص معدنکاران برخوردار نبودند. تصویر پیکر یکی از کارگران او را چکمه‌های پلاستیکی پاره نشان می‌دهد.

زهرای سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفته «این معدن حتی مجهز به آژیر خطر هم نبوده و یا آژیر خطر آن خراب بوده است و به همین دلیل دو کارشناس ایمنی معدن هم جان خود را از دست دادند.»

پیشتر نیز رئیس شورای اسلامی کار استان «خراسان رضوی» گفته بود این معدن حتی به سنسور گاز متان که یکی از نخستین ابزارهای ضروری برای معادن زغال ←

شاهزاده رضا پهلوی خطاب به دولت‌های غربی: در کنار مردم ایران بایستید؛ آنها شرکای شما هستند نه مَهره‌های شما!



شاهزاده رضا پهلوی در اجلاس ملی «شورای اسرائیلی- آمریکایی/ واشنگتن» ۳۰ شهریور ۱۴۰۳/ ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

و جهان عرب و یک فرصتی واقعی جهت آینده‌ای روشن برای فلسطینیان دست یابیم.»
وی در پایان گفت: «اگر دست به عمل نزنیم و جمهوری اسلامی بر سر کار ماند، هیچکدام از اینها ممکن نیست. اما اگر با هم کار کنیم، می‌توانیم رفاه و کرامت را برای مردم خود و ثبات و امنیت را برای جهان خویش تضمین کنیم و از «پیمان ابراهیم» به «پیمان کوروش» گسترش دهیم. ما در حالی بر لبه‌ی پرتگاه تاریخ ایستاده‌ایم که اینچنین در ارزش‌های مشترک و دیدگاه‌های خود متحدیم. اما اکنون زمان عمل فرا رسیده است. و هنگامی که شیروخورشید دوباره برافراشته شود، جهان طلوع جدیدی از صلح را خواهد دید.»

شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ۳۰ شهریورماه در کنفرانس ملی «شورای اسرائیلی- آمریکایی» (IAC) که در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، سخنرانی کرد. وی در مقدمه این سخنرانی با اشاره به موقعیت خطرناک ایران، منطقه و جهان در دومین سالگرد سرکوب مردم ایران در جریان خیزش ملی و اولین سالگرد قتل عام یهودیان در هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ همدار داد که کشورها، ملت‌ها و حتا تمدن بشری در «لبه‌ی یک پرتگاه تاریخی» قرار گرفته است. شاهزاده رضا پهلوی قتل عام مردم ایران در جریان اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه حکومت و همچنین قتل عام یهودیان توسط گروه‌های نیابتی را بهم مرتبط دانست و گفت: «مقصر هر دو اتفاق، جمهوری اسلامی و مردی است که سکان خونین زمامداری آن را به دست گرفته یعنی آیت‌الله علی خامنه‌ای.»

وی در بخشی از سخنرانی خود در این کنفرانس، بر لزوم حمایت جامعه جهانی از مردم ایران تأکید کرد و گفت: «مردم ایران موضع خود را روشن کرده‌اند. آنها هر روز علیه این رژیم مبارزه می‌کنند و این کار را بدون هیچ

● شاهزاده رضا پهلوی روز جمعه ۳۰ شهریورماه در کنفرانس ملی «شورای اسرائیلی- آمریکایی» (IAC) که در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، با اشاره به موقعیت خطرناک ایران، منطقه و جهان در دومین سالگرد سرکوب مردم ایران در جریان خیزش ملی و اولین سالگرد قتل عام یهودیان در هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ همدار داد که کشورها، ملت‌ها و حتا تمدن بشری در «لبه‌ی یک پرتگاه تاریخی» قرار گرفته است.

● وی قتل عام مردم ایران در جریان اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه حکومت و همچنین قتل عام یهودیان توسط گروه‌های نیابتی را بهم مرتبط دانست و گفت: «مقصر هر دو اتفاق، جمهوری اسلامی و مردی است که سکان خونین زمامداری آن را به دست گرفته یعنی آیت‌الله علی خامنه‌ای.»

● شاهزاده در بخشی از سخنرانی خود بر لزوم حمایت جامعه جهانی از مردم ایران تأکید کرد و گفت: «مردم ایران موضع خود را روشن کرده‌اند. آنها هر روز علیه این رژیم مبارزه می‌کنند و این مبارزه را بدون هیچ حمایتی از جهان خارج انجام می‌دهند. آنها مرا با پیامی به اینجا فرستاده‌اند: آنها نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای آزادی خاورمیانه و جهان از شر این رژیم واپسگرا مبارزه می‌کنند. آنان را تنها نگذارید وقتی که آنها به خاطر همه‌ی ما با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند!»

● او در بخش دیگری از سخنرانی خود درباره اقدام جهت سپردن جمهوری اسلامی به زباله‌دان تاریخ گفت: «این امر مستلزم رهبری در ایالات متحده، اسرائیل و یک شریک ایرانی است. خانم‌ها و آقایان، من اینجا هستم تا این شراکت را به شما ارائه دهم و به عنوان یک شریک در صلح دست خود را به سوی شما دراز کنم. از طریق این شراکت، از طریق این اقدام هماهنگ است که می‌توانیم به آزادی برای مردم ایران، امنیت برای اسرائیل و ایالات متحده

→ سنگ است مجهز نبود. به همین دلیل کارگران به صورت تجربی، برای نمونه با افزایش سوزش چشم‌هایشان، متوجه افزایش حجم گاز متان در معدن می‌شدند. از یک روز پیش از حادثه شامگاه اول مهرماه نیز کارگران به کارفرمایان گفته بودند که گاز متان نشت کرده اما کارفرمایان مدعی شده بودند مشکلی نیست، برگردید سر کار! آنها با اصرار دوباره کارگران، موضوع تسویه حساب، یا همان اخراج محترمانه، را پیش پای آنها گذاشتند و کارگران نیز ناچار به کار ادامه دادند. حتی با وجود اینکه سه هفته پیش از وقوع حادثه، بار دیگر نشت گاز متان و فراتر رفتن آن از حد مجاز سبب مسمومیت دو معدنکار شده بود اما باز هم مدیران معدن برای دست‌کم نصب سنسور یا رصد دقیق میزان گاز متان اقدامی نکردند.

روزنامه «فرهیختگان» فردای فاجعه‌ی «معدنچو» در گزارشی اعلام کرد دست‌کم ۷۵ درصد از معدنکاران ایران در شرایط «ناامن» مشغول کار هستند. بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۰ تنها ۲۳ درصد از ۶ هزار و ۲۵ معدن در کل کشور، واحد بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) داشتند. در سال ۱۳۹۶ از ۵۳۵۳ معدن فعال در کشور، ۲/۱۴ درصد از آنها واحد HSE داشته‌اند که این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۴/۲۳ درصد رسید.

بر اساس داده‌های مرکز آمار، ۷۸ معدن در طبرستان وجود دارد که هنوز بسیاری از آنها به صورت سنتی و برداشت با بیل و کلنگ بجای ماشین‌آلات فعالیت می‌کنند.

شاهد شیرین مدیرعامل یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه معدنکاری نیز گفته قوانین و دستورالعمل‌های زیادی در رابطه با معادن وجود دارد از جمله دستورالعمل ایمنی در معادن زیرزمینی زغال سنگ که در سال ۱۳۹۸ از سوی سازمان برنامه ابلاغ شده است. وی افزوده: «در صفحه ۱۰ این دستورالعمل در زمینه جلوگیری از انفجار و دلایل انفجار مطالبی آورده شده است. همچنین در خصوص انتشار گاز متان تأکیدی دارد و انفجار در معدن معدنچو دقیقاً به دلیل انتشار گاز متان بوده است.»

فرهاد طهماسبی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی معتقد است خلاء قانونی در رابطه با ایمنی معادن وجود ندارد و باید وزارت کار، وزارت صمت، دستگاه‌های نظارتی و سازمان نظام مهندسی معدن ایمنی معادن را رصد کنند. اینهمه در حالیست که وقتی قوانین و مقررات هیچ ضمانت اجرایی ندارند، نهادهای نظارتی و کارفرمایان نیز خود را به زحمت نمی‌اندازند. نتیجه‌ی این وضعیت «روی کاغذ ماندن» قوانین و دستورالعمل‌ها و در نهایت حوادث دلخراش و مرگباری مانند «معدنچو» است.

این حجم از بی‌تفاوتی نسبت به معادن ایران و زندگی و سلامت کارگران در حالی چهار دهه است فاجعه می‌آفریند که ۸۶ درصد از ظرفیت زغال سنگ غرب آسیا در ایران قرار دارد که از این میزان بیش از ۷۶ درصد معادن آن در طبرستان واقع شده و «معدنچو» رتبه‌ی دوم این معادن را دارد.

انفجار «معدنچو» و کشته شدن معدنکاران طبرستان مشتاقانه خورار است که نشان می‌دهد ساختار ناکارآمد، مافیایی و فاسد جمهوری اسلامی چگونه دارایی‌ها و منابع متعلق به ملت را به جیب زده و برای حفظ جان کارگرانی که با دست‌مزد ناچیز جیب کارفرمایان و مالکان را پر می‌کنند اهمیتی قائل نیست.

* آنچه از قصه‌ی پرغصه‌ی کارگران و خانواده‌هایشان در نخستین روزهای پس از حادثه «معدنچو» روایت شده، تنها بخش کوچکی از گزارش‌های نوشتاری و تصویری روزنامه‌نگاران و شهروند خبرنگاران است که طی روزهای گذشته منتشر شد.

که وقتی این ایدئولوژی پر از نفرت توسط رژیمی حمایت می‌شود که می‌خواهد آن را از طریق خشونت اجرا کند، بسیار خطرناک‌تر است.

پس وقت آن است که بگوییم دیگر بس است. زمان ترسیم یک خط قرمز فرا رسیده است. متأسفانه این خط قرمز باید با خون غیرنظامیان بی‌گناه ترسیم می‌شد، با خون نیکای ما و شانی شما، پویای ما و هیرش شما.

تنها راه برای ارج نهادن به فداکاری‌های آنها و جلوگیری از قربانیان بی‌گناه بیشتر و برقراری صلح برای اسرائیل، آمریکا، جهان عرب و هموطنانم در ایران این است که جمهوری اسلامی را یکبار برای همیشه به زباله‌دان تاریخ بفرستیم. اما چگونه؟

دوستان من، در سال گذشته ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها با همبستگی کنار هم ایستادند اما همبستگی دیگر کافی نیست. اکنون زمان آن فرا رسیده است که بیشتر از ایستادن در کنار هم دست به اقدام بزنیم؛ زمان آن است که دست در دست هم عمل کنیم. همانطور که با هم در برابر این پرتگاه ایستاده‌ایم؛ پرسشی که امروز در برابر شما قرار دادم ساده است: آیا آماده انجام اقداماتی بیش از ایستادن در کنار هم هستید؟ آیا آماده‌اید با هم عمل کنید؟

مردم ایران موضع خود را روشن کرده‌اند. آنها هر روز علیه این رژیم مبارزه می‌کنند و این مبارزه را بدون هیچ حمایتی از جهان خارج انجام می‌دهند. آنها مرا با پیامی به اینجا فرستاده‌اند: آنها نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای آزادی خاورمیانه و جهان از شر این رژیم واپسگرا مبارزه می‌کنند. آنان را تنها نگذارید وقتی که آنها به خاطر همه‌ی ما با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند! مردم ایران شرکای شما هستند نه مهره‌های شما! مهره‌ها مصرف‌شدنی‌اند، مردم من نه!

آنچه ما در این شراکت نیاز داریم فراتر از عکس گرفتن و تجمع و پست‌های رسانه‌های اجتماعی است. آنچه ما نیاز داریم یک کمپین مشترک و هماهنگ است. ما باید فشار حداکثری را علیه جمهوری اسلامی از سر بگیریم. باید از مردم ایران حمایت حداکثری کنیم. و ما نیاز داریم که حداکثر ریزش از رژیم را تسهیل کنیم تا بتوانیم بطور مسالمت‌آمیز از این دیکتاتوری جنایتکار به دموکراسی سکولاری که مردم ایران برای آن مبارزه می‌کنند، گذر کنیم.

این امر مستلزم رهبری در ایالات متحده، اسرائیل و یک شریک ایرانی است. خانم‌ها و آقایان، من اینجا هستم تا این شراکت را به شما ارائه دهم و به عنوان یک شریک در صلح دست خود را به سوی شما دراز کنم.

از طریق این شراکت، از طریق این اقدام هماهنگ است که می‌توانیم به آزادی برای مردم ایران، امنیت برای اسرائیل و ایالات متحده و جهان عرب و یک فرصتی واقعی جهت آینده‌ی روشن برای فلسطینیان دست یابیم.

اگر دست به عمل نزنیم و جمهوری اسلامی بر سر کار بماند، هیچ‌کدام از اینها ممکن نیست. اما اگر با هم کار کنیم، می‌توانیم رفاه و کرامت را برای مردم خود و ثبات و امنیت را برای جهان خویش تضمین کنیم و از «پیمان ابراهیم» به «پیمان کوروش» گسترش دهیم.

ما در حالی بر لبه‌ی پرتگاه تاریخ ایستاده‌ایم که اینچنین در ارزش‌های مشترک و دیدگاه‌های خود متحدیم. اما اکنون زمان عمل فرا رسیده است. و هنگامی که شیروخورشید دوباره برافراشته شود، جهان طلوع جدیدی از صلح را خواهد دید.

متشکرم.

مب‌گذاری کردند و افسران نظامی، دولتمردان و رهبران یهودی ایران مانند حبیب‌القائیان را به قتل رساندند.

در دهه ۱۹۹۰، جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن مرکز یهودیان آمیا در بوئنوس آیرس را م‌ب‌گذاری کردند و ده‌ها غیرنظامی را کشتند، در برج‌های خبار در عربستان سعودی م‌ب‌گذاری کردند، شاپور بختیار نخست‌وزیر سابق را کشتند و ده‌ها نویسنده مخالف را در یکسری قتل‌های زنجیره‌ای در سراسر جهان، در ایران و خارج کشور، به قتل رساندند.

در دهه اول هزاره دوم، جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی‌اش اسرائیل را موشک‌باران کردند؛ کمپین جهانی انکار هولوکاست را به راه انداختند؛ سربازان آمریکایی را به قتل رساندند و آزادیخواهان ایرانی مانند ندا آقا سلطان را در جریان جنبش سبز به گلوله بستند.

در دهه ۲۰۱۰، جمهوری اسلامی و دست‌نشانده‌های آن در سفارتخانه‌های اسرائیل در گرجستان، هند و تایلند م‌ب‌گذاری کردند؛ اعلام کردند به دنبال ترور رئیس‌جمهور دونالد ترامپ هستند و بیش از ۱۵۰۰ معترض را که با تظاهرات مسالمت‌آمیز برای آزادی ایران مبارزه می‌کردند، قتل عام کردند.

تا امروز، جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن به سوی غیرنظامیان اسرائیلی و سربازان آمریکایی موشک پرتاب می‌کنند و به چشمان معترضان در ایران شلیک می‌کنند. آنها زمین‌های بازی [کودکان] اسرائیل را بمباران می‌کنند؛ ذهن دانشجویان آمریکایی و مدارس ایرانی را مسموم می‌کنند. آنها کنیسه‌های شما را هدف قرار می‌دهند و به کلیساهای خانگی ما حمله می‌کنند.

با این حال، در مواجهه با این موضوع، ما شاهد همبستگی چشمگیر بین مردم ایران، آمریکا و اسرائیل بوده‌ایم. در راهیمیایی‌های پس از هفت اکتبر، در شهرهای سراسر جهان، مردم پرچم‌های شیروخورشید را که نماد کهن و جاودانه ایران است در کنار ستاره داوود به اهتزاز درآوردند.

مردم ایران در کنار اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها ایستاده‌اند زیرا قبل از اینکه جمهوری اسلامی به سراغ شما بیاید، به سراغ ما آمده بود. تجربه ما یک تجربه مشترک است. ما مبارزه شما را می‌شناسیم.

دوستان من، شما در اسرائیل در محاصره هستید. از جنوب، از شمال، از شرق و از طرف غرب جنگ تبلیغاتی علیه شما در جریان است. همه اینها با هماهنگی، حمایت و هدایت جمهوری اسلامی انجام می‌شود.

واکنش جداگانه به هر یک از این تهدیدات، طوری که برداشت شود یک تهدید جداگانه است، شما را در همان آسیب‌پذیری همیشگی قرار می‌دهد. صرف مبارزه با حماس یا حزب‌الله، امنیت اسرائیل یا آمریکا را تأمین نمی‌کند. شما فقط واکنش نشان خواهید داد و مردم شما هرگز رنگ آرامش را نخواهند دید. زمان صرفاً واکنش نشان دادن به این واپسگرایان باید به پایان برسد.

ایرانی‌ها هم سعی کردند با این رژیم معامله کنند. سعی کردند آن را اصلاح کنند. در زمان همین به اصطلاح «اصلاح‌طلبان» بود که وحشیانه‌ترین قتل عام هموطنانم صورت گرفت. پس وقتی می‌گوییم با چنین رژیمی نمی‌شود معامله کرد و با نیابتی‌های آن نمی‌شود سازش کرد، به ما اعتماد کنید!

وقتی می‌گوییم رژیمی که تروریست‌های حزب‌الله را برای کشتن شهروندان خود وارد میدان می‌کند، هرگز و هرگز از جهاد خود علیه شما دست نخواهد کشید، به ما اعتماد کنید! افزایش یهودستیزی به خودی خود به اندازه کافی جان انسان‌ها را می‌گیرد. اما قرن بیستم به ما نشان داد

حمایتی از جهان بیرون انجام می‌دهند و مرا با پیامی به اینجا فرستاده‌اند: آنها نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای آزادی خاورمیانه و جهان از شر این رژیم واپسگرا مبارزه می‌کنند.

رضا پهلوی در بخش دیگری از سخنرانی خود درباره حمایت آمریکا و اسرائیل برای عبور از جمهوری اسلامی گفت: «از طریق شراکت و اقدام هماهنگ می‌توانیم آزادی مردم ایران، امنیت اسرائیل، ایالات متحده، جهان عرب و فرصتی واقعی جهت آینده‌ی روشن برای فلسطینیان به دست آوریم.»

وی همچنین در ادامه این سخنرانی با اشاره به هزینه سنگین مردم در راه آزادی خطاب به رهبران غرب گفت: آنچه ما در این مشارکت به آن نیاز داریم فراتر از عکس گرفتن و تجمع و پست‌های رسانه‌های اجتماعی است. آنچه ما نیاز داریم یک کمپین مشترک و هماهنگ است. ما باید فشار حداکثری را علیه جمهوری اسلامی به کار بگیریم. ما باید از مردم ایران حمایت حداکثری کنیم. و ما نیاز داریم که حداکثر ریزش از رژیم را تسهیل کنیم تا بتوانیم بطور مسالمت‌آمیز از این دیکتاتوری جنایتکار به دموکراسی سکولاری که مردم ایران برای آن مبارزه می‌کنند، گذر کنیم.

پس از پایان این سخنرانی شاهزاده پهلوی در حاشیه کنفرانس با خبرنگاران از جمله بخش فارسی «صدای آمریکا» گفتگو کرد. وی در این مصاحبه عنوان کرد، مردم ایران می‌خواهند به دنیا بگویند که جمهوری اسلامی مانده آنها نیست و خواهان صلح و ثبات‌اند و می‌دانند که اینها عامل ترقی، رفاه و آسایش است اما رژیم از آنها گرفته است.

ساعتی پیش از سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا سخنرانی داشت. او نیز تأکید کرده که می‌داند جمهوری اسلامی منشأ همه بی‌ثباتی‌ها در منطقه است و هشدار داد در صورت پیروزی کاملاً هریس در انتخابات، خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اقی افزایش پیدا می‌کند.

متن کامل سخنرانی شاهزاده پهلوی در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی» به شرح زیر است:

«عالیجنابان، مهمانان محترم، خانم‌ها و آقایان، ظهر بخیر. من می‌خواهم با تشکر از دکتر ادلسون، آقای کار و تیم آنها برای برگزاری چنین کنفرانس مهمی در چنین مقطع مهمی شروع کنم.

امروز ما در لبه پرتگاه تاریخی قرار گرفته‌ایم، نه تنها برای کشورها و ملت‌ها بلکه برای تمدن. ما در شرایطی خود را در لبه‌ی این پرتگاه می‌بینیم که میانه‌ی دو سالگرد قرار داریم که دقیقاً نقطه خطر را نشان می‌دهد: تنها چند روز پس از دومین سالگرد قتل مهسا امینی و کشتار صدها معترض ایرانی و همچنین در آستانه اولین سالگرد قتل عام صدها غیرنظامی اسرائیلی در «هفت اکتبر» قرار داریم.

این جنایات، این نقض کرامت انسانی، این توهین به انسانیت، صدها کیلومتر دورتر از هم اتفاق افتاده است. قربانیان از دو ملت متفاوت بودند، اعتقادات مختلف داشتند و به زبان‌های مختلف صحبت می‌کردند. مردان مختلف ماشه‌ها را کشیدند، چماق به دست گرفتند و چاقوها را به پیکرها فرو کردند. اما مقصر هر دو اتفاق، جمهوری اسلامی و مردی است که سکان خونین زمامداری آن را به دست گرفته یعنی آیت‌الله علی خامنه‌ای.

با این حال، این دو سالگرد وحشتناک که در بین آنها قرار داریم، رویدادهای جدا از هم نیستند.

در دهه ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی و دستیارانش، رهبر یهودی لبنانی اسحاق ساسون را به قتل رساندند؛ سفارت آمریکا و پادگان تفنگداران دریایی آمریکا را در بیروت

ضرورت «اقدام هماهنگ» علیه حکومت ایران و نیابتی‌ها؛ بازتاب سخنانی شاهزاده رضا پهلوی در اجلاس «شورای اسرائیلی-آمریکایی»



● تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «اقدام هماهنگ» علیه جمهوری اسلامی و لزوم تغییر الگو برای مقابله با تهدیدات حکومت ایران و شبه‌نظامیان که در کنفرانس ملی «شورای اسرائیلی-آمریکایی» (IAC) بیان شد در رسانه‌های اسرائیلی بازتاب پیدا کرده است.

● روزنامه «اورشلیم پست» انتقادات و لیب‌های ایران از «واکنش‌های جداگانه» اسرائیل و آمریکا علیه تهدیدات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار داد.

● روزنامه «تایمز اسرائیل» نوشت صحبت‌های رضا پهلوی «پیامی قدرتمند» به جامعه جهانی برای ضرورت اقدام قاطع علیه جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه تروریسم و خشونت سازمان‌یافته بود.

● شاهزاده رضا پهلوی پس از پایان این کنفرانس در مصاحبه با شبکه «آرتوز شو» (کانال هفت تلویزیون اسرائیل) تأکید کرد، «الگوی [مقابله با جمهوری اسلامی] باید تغییر کند، من فکر می‌کنم برخی از دولت‌های کلیدی از جمله ایالات متحده باید درک کنند در شرایطی که رژیم [ایران] همچنان یک دشمن متخاصم است، شریک واقعی آنها مردم ایران هستند».

سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در اجلاس ملی «شورای اسرائیلی-آمریکایی» (IAC) به ویژه تأکیدات وی بر ضرورت «اقدام هماهنگ» علیه جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان مورد حمایت تهران در رسانه‌های اسرائیلی بازتاب یافت. وی در این کنفرانس که روز جمعه ۳۰ شهریورماه در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، با اشاره به موقعیت خطرناک ایران، منطقه و جهان در دومین سالگرد سرکوب مردم ایران در جریان خیزش ملی و اولین سالگرد قتل عام یهودیان در هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ توسط تروریست‌های حماس هشدار داد که کشورها، ملت‌ها و حتا تمدن بشری در «لبه‌ی یک پرتگاه تاریخی» قرار گرفته است.

شاهزاده رضا پهلوی قتل عام مردم ایران در جریان اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه حکومت و همچنین قتل عام یهودیان توسط گروه‌های نیابتی را بهم مرتبط دانست و گفت: «مقرر هر دو اتفاق، جمهوری اسلامی و مردی است که سکان خونین زمامداری آن را به دست گرفته است یعنی آیت‌الله علی خامنه‌ای».

روزنامه «اورشلیم پست» انتقاد ولیعهد ایران از «واکنش‌های جداگانه» اسرائیل و آمریکا علیه تهدیدات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار داده و تأکید کرده است که این راهبرد آسایش مردم را تأمین نخواهد کرد. شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس با اشاره به اینکه اسرائیل با پشتیبانی حکومت ایران در محاصره نیابتی‌ها قرار گرفته توضیح داد، «صرف مبارزه با حماس یا حزب‌الله، امنیت اسرائیل یا آمریکا را تأمین نمی‌کند، شما فقط واکنش نشان خواهید داد و مردم شما هرگز رنگ آرامش را نخواهند دید. زمان صرفاً واکنش نشان دادن به این واپسگرایان باید به پایان برسد».

«اورشلیم پست» گزارش داد که تقریباً هزار نفر برای شنیدن سخنان رضا پهلوی در «هتل هیلتون» حضور یافته بودند و پرچم‌های ملی ایران و اسرائیل را به اهتزاز درآوردند. روزنامه «تایمز اسرائیل» نیز در مقدمه گزارشی در مورد

به نوشته «تایمز اسرائیل» یکی از قانع‌کننده‌ترین جنبه‌های پیام پهلوی، رد هرگونه امید به اصلاحات در جمهوری اسلامی است. وی در این ارتباط گفت، «ایرانی‌ها هم سعی کردند با این رژیم معامله کنند. سعی کردند آن را اصلاح کنند. در زمان همین به اصطلاح «اصلاح‌طلبان» بود که وحشیانه‌ترین قتل عام هموطنانم صورت گرفت. پس وقتی می‌گوییم با چنین رژیمی نمی‌شود معامله کرد و با نیابتی‌های آن نمی‌شود سازش کرد، به ما اعتماد کنید!»

الگوی مقابله با جمهوری اسلامی باید تغییر کند

رضا پهلوی پس از پایان این کنفرانس در مصاحبه با شبکه «آرتوز شو» (کانال هفت تلویزیون اسرائیل) تأکید کرد، «الگوی [مقابله با جمهوری اسلامی] باید تغییر کند، من فکر می‌کنم برخی از دولت‌های کلیدی از جمله ایالات متحده باید درک کنند در شرایطی که رژیم [ایران] همچنان یک دشمن متخاصم است، شریک واقعی آنها مردم ایران هستند... مردم ایران به دنبال دوستی و روابط صمیمانه با همسایگان ما هستند. به رابطه ایران و یهودیان در کتاب مقدس اشاره شده، این کوروش بود که بردگان یهودی را در بابل آزاد کرد و به آنها کمک کرد تا معبد خود را در اورشلیم بازسازی کنند. ایران به یهودیان فراری از دست هیتلر پناهنده‌گی داد. این در احساس هویت طبیعی ما نهفته است. ما تنوع قومی خود را در گروه‌های مذهبی، از مسیحی گرفته تا زرتشتی تا یهودی، در مقابل رژیمی که سرکوبگرانه با همه چیزهای متفاوت مخالف است، جشن می‌گیریم.»

بهترین ارتش در مقابل جمهوری اسلامی مردم ایران‌اند

شاهزاده رضا پهلوی در مورد مناقشه کنونی به «آرتوز شو» گفت: «مردم می‌توانند راه حلی باشند که دنیا به دنبال آن بوده است. بهترین ارتش موجود، خود مردم ایران هستند. تنها چیزی که آنها نیاز دارند حمایت بیشتر است تا بتوانند اعتصابات و تظاهرات خود را بهتر سازماندهی کنند و بتوانند به این حمایت تکیه کنند. ایرانیان برای مدتی طولانی خواهان حمایت از جهان خارج، به ویژه جهان غرب بوده‌اند.»

کنفرانس ملی «شورای اسرائیلی-آمریکایی» می‌نویسد ولیعهد رضا پهلوی همچنان محبوب‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت سیاسی در بین ایرانیان امروزی به ویژه در نسل جوان و مورد احترام است. او مظهر هویت ملی و غرور ایران است و تاریخ غنی و متمدن ایران را برای آینده‌ای روشن‌تر یادآوری می‌کند. با وجود مخالفت‌های مستمری که او از جانب وابستگان شورش ۱۹۷۹ با آن روبروست شهرت او همچنان رو به افزایش است.»

در ادامه این گزارش آمده، «انقلابیون تروریست خمینی در سال ۱۹۷۹ اعم از مارکسیست‌ها، تجزیه‌طلبان و حتی جریان موسوم به «اصلاح‌طلب»، لفاظی‌های خود را با ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی همسو کرده‌اند. تصویرهای منفی آنها هر روز در رسانه‌های اجتماعی فارسی‌زبان بازتاب می‌یابد. اما با همه تلاش‌هایشان، تنها نام پهلوی می‌درخشد، در حالی که آنها در سایه‌های بی‌مورد خود محصور می‌مانند- قهرمانانی که فقط در ذهن خودشان وجود دارند و از واقعیت‌های روی زمین غافل مانده‌اند.»

«تایمز اسرائیل» سپس می‌نویسد، «در چارچوب حملات و چالش‌های جاری، سخنرانی اخیر رضا پهلوی در کنفرانس اسرائیلی-آمریکایی‌ها به عنوان پیامی قدرتمند به جامعه جهانی برجسته می‌شود. خطاب او فقط بازگویی جنایات گذشته نیست. این فراخوانی آشکار برای اقدام قاطع علیه جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه تروریسم و خشونت سازمان‌یافته است.»

فراخوان اقدام هماهنگ

در ادامه این مطلب آمده «ولیعهد رضا پهلوی کاملاً روشن کرد که همبستگی صرف بین مردم ایران، اسرائیل و ایالات متحده دیگر کافی نیست. وی با تأکید بر اینکه زمان اقدام هماهنگ برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا رسیده، گفت، «اکنون زمان آن فرا رسیده است که در کنار هم قرار بگیریم... وقت آن است که دست به دست هم دهیم.» او استدلال می‌کند که این همکاری تنها راه برای رهایی منطقه و جهان از وحشت رژیم ایران است.

وزرای خارجه عضو «گروه هفت» بار دیگر ارسال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه را محکوم کردند!

روسیه ادامه داده است، وجود دارد.» در این بیانیه آمده، ارسال تسلیحات به روسیه نشان‌دهنده تشدید حمایت نظامی جمهوری اسلامی از جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین است. به گفته آنها، روسیه از تسلیحات ایرانی مانند پهپادها برای کشتن غیرنظامیان اوکراینی و ضربه زدن به زیرساخت‌های حیاتی این کشور استفاده کرده است. وزرای هفت قدرت صنعتی که بارها از جمهوری اسلامی خواسته‌اند «فوری» به تمام حمایت‌های خود از جنگ غیرقانونی و غیرقابل توجیه روسیه علیه اوکراین پایان دهد اینبار نیز همین خواسته را تکرار کرده‌اند. در این بیانیه نیز تأکید شده «انتقال موشک‌های بالستیک، پهپادها، و فناوری‌های مرتبط، تهدیدی مستقیم برای مردم اوکراین و همچنین امنیت اروپا و جهان است.» وزرای خارجه گروه هفت در این بیانیه نگرانی عمیق خود را در مورد نقض حقوق بشر در ایران، به ویژه علیه زنان

حاشیه اجلاس سازمان ملل متحد در نیویورک، بیانیه مشترک صادر کردند.

بخشی از بیانیه مرتبط با افزایش تنش‌ها در خاورمیانه است. آنها از جمهوری اسلامی خواستند تا اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه را متوقف کند و همزمان تهدید کردند که آماده انجام «تحریم‌های بیشتر» یا اتخاذ «تدابیر دیگر» در پاسخ به اقدامات بی‌ثبات‌کننده رژیم ایران هستند.

در این بیانیه تأکید شده است که کشورهای «گروه هفت» از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی جلوگیری خواهند کرد و همه آنها مصمم هستند با همکاری یکدیگر و با کمک سایر شرکای بین‌المللی به تشدید تنش هسته‌ای جمهوری اسلامی رسیدگی نمایند. در عین حال طبق معمول تأکید شد که از نظر آنان دیپلماسی «بهترین گزینه» برای حل این موضوع است.

● وزرای خارجه هفت کشور صنعتی جهان موسوم به «G7»، سه‌شنبه سوم مهرماه ۱۴۰۳ پس از نشست خود در حاشیه اجلاس سازمان ملل متحد در نیویورک در بیانیه‌ای مشترک از جمهوری اسلامی خواستند تا اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه را متوقف کند. آنها همزمان تهدید کردند که آماده انجام «تحریم‌های بیشتر» یا اتخاذ «تدابیر دیگر» در پاسخ به اقدامات بی‌ثبات‌کننده بیشتر رژیم ایران هستند.

● در این بیانیه تأکید شده است که کشورهای «گروه هفت» از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی جلوگیری خواهند کرد و همه آنها مصمم هستند با همکاری یکدیگر و با کمک سایر شرکای بین‌المللی به تشدید تنش هسته‌ای جمهوری اسلامی رسیدگی کنند.

● در بخش دیگری از این بیانیه به ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه اشاره شده است.



نشست وزرای خارجه «گروه هفت» / نیویورک، سپتامبر ۲۰۲۴

و اقلیت‌ها تکرار کرده‌اند. آنها بار دیگر درخواست خود را از جمهوری اسلامی برای اجازه دسترسی به این کشور برای دارندگان مأموریت‌های مرتبط با رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یادآوری کردند. وزرای امور خارجه و رهبران «گروه هفت» شامل کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، آمریکا و نماینده اتحادیه اروپا (جو زپ بول) در سال‌های اخیر بارها در بیانیه‌های مشابه از جمله یک هفته قبل از صدور بیانیه جدید، اقدامات تهدیدآمیز جمهوری اسلامی را محکوم کردند و برای جدی‌تر نشان دادن این تهدیدات، تحریم‌هایی را نیز علیه نهادها و مقامات جمهوری اسلامی اعمال کردند اما هیچکدام از این اقدامات در عمل نتوانسته این تهدیدات را کاهش دهد.

در بخش دیگری از این بیانیه اشاره شده، با توجه به اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هنوز قادر به راست‌آزمایی برنامه اتمی جمهوری اسلامی نیست، آنها از رهبری حکومت ایران می‌خواهند تا فعالیت‌های هسته‌ای را که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارند، متوقف و معکوس کند! در ادامه از تهران خواسته می‌شود که بدون تأخیر بیشتر ضمن همکاری با آژانس، بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد، توافق پادمانی الزام‌آور را بطور کامل اجرا کند. بخش دیگری از این بیانیه مربوط به ارسال موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی به روسیه است. وزرای کشورهای گروه هفت این اقدام را «به شدت» محکوم و تأکید کرده‌اند «شواهدی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی برخلاف درخواست‌های مکرر بین‌المللی به انتقال تسلیحات به

وزرای کشورهای گروه هفت این اقدام را «به شدت» محکوم و تأکید کرده‌اند که «شواهدی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی برخلاف درخواست‌های مکرر بین‌المللی به انتقال تسلیحات به روسیه ادامه داده است، وجود دارد.»

● وزرای خارجه گروه هفت در این بیانیه نگرانی عمیق خود را در مورد نقض حقوق بشر در ایران، به ویژه علیه زنان و اقلیت‌ها تکرار کردند. آنها بار دیگر درخواست خود را از جمهوری اسلامی برای اجازه دسترسی به این کشور برای دارندگان مأموریت‌های مرتبط با رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یادآوری کردند.

وزرای خارجه هفت کشور صنعتی جهان موسوم به «G7»، سه‌شنبه سوم مهرماه ۱۴۰۳ پس از نشست خود در

گزارش اختصاصی کیهان لندن؛ حکومت نگران پیامدهای اجتماعی حملات سایبری دامنه‌دار به زیرساخت‌های اقتصادی است



کنفرانس خبری پزشکبان با همراهی ظریف و عراقچی در نیویورک / مهرماه ۱۴۰۳

شد و جمهوری اسلامی را مجبور کرد با یک باج چند میلیون دلاری توسط شرکتی که هک شده بود موافقت کند.

با اینهمه اما روابط عمومی بانک مرکزی، ۲۵ مرداد ۱۴۰۳، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده بود که «هیچ سامانه‌ای از بانک مرکزی و شبکه بانکی هک نشده و همزمان با روند کاهش دلار در بازار غیر رسمی رسانه‌های معاند با اخبار جعلی سعی در برهم زدن آرامش ذهنی جامعه دارند.» در این اطلاعیه انتشار این خبرها به رسانه‌های معاند نسبت داده شد.

با گذشت حدود دو ماه از این ماجرا در شرایطی که برخی منابع این حمله سایبری را تأیید کرده‌اند، مهران محرمیان معاون فناوری‌های نوین بانک مرکزی عزل شد و نوش‌آفرین مؤمنی جانشین وی گشت.

برخی منابع داخلی از جمله وبسایت «افتانا» که خود را «نخستین پایگاه خبری امنیت سایبری کشور» معرفی می‌کند دوم مهرماه ۱۴۰۳ گزارش دادند «مهران محرمیان معاون فناوری‌های نوین بانک مرکزی پس از افشای نفوذ گسترده به داده‌های شبکه بانکی و کنار رفتن امین مهاجر مدیر امنیت این نهاد، بطور ناگهانی از سمت خود کناره‌گیری کرد.» این خبر ساعتی پس از انتشار از خروجی وبسایت «افتانا» حذف شد اما در سایر منابع بازتاب یافته است.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد شبکه بانکی ایران با طیف گسترده‌ای از انواع حملات سایبری و خرابکاری‌های مختلف روبروست.

واردات تجهیزات شبکه فناوری بانک‌ها به ایران

یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید: «بخش عمده تجهیزات مرتبط با شبکه فناوری بانک‌های ایران ساخت شرکت‌های اروپایی، آمریکا و کانادا هستند که از طریق دوبی وارد ایران می‌شوند، بخش دیگری نیز از طریق شرکت‌های آسیایی در چین و در مواردی محدود از طریق هنگ‌کنگ و مالزی تأمین می‌گردند.»

به گفته همین منبع، «شرکت‌های اصلی سفارش‌دهنده این تجهیزات با بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران

حامد محمدی - انفجار زنجیره‌ای تجهیزات الکترونیک وارداتی حزب‌الله لبنان، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی را نسبت به تکرار عملیات مشابه در ایران و با حملات سایبری به زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه اقتصادی بسیار نگران کرده است.

بخش عمده زیرساخت‌های مرتبط با شبکه فناوری و هوش مصنوعی مورد استفاده در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و بانک‌های ایران وارداتی است و پلتفرم‌هایی که در این شبکه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد بر پایه برنامه‌ها و نرم‌افزارهایی است که اساساً جمهوری اسلامی هیچ کنترلی روی آنها ندارد.

نگرانی‌ها از تهدیدات سایبری و هشدار در مورد «خرابکاری‌های صنعتی» در داخل، همزمان با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر حملات سایبری به شبکه بانکی ایران به حدی رسیده که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ششم شهریورماه ۱۴۰۳ در یک سخنرانی گفت، «در مسئله هوش مصنوعی، بهره‌بردار بودن امتیاز نیست، این فناوری لایه‌های عمیقی دارد که باید بر آن لایه‌ها مسلط شد؛ آن لایه‌ها دست دیگران است.»

دو ماه پس از حمله گسترده سایبری به شبکه بانکی ایران، محمدجواد ظریف با شغل نوظهور «معاون راهبردی» مسعود پزشکبان، در جریان سفر به نیویورک طی مصاحبه‌ای با شبکه MSNBC که چهارم مهرماه ۱۴۰۳ پخش شد، بطور ضمنی هک بانک‌های ایران را تأیید کرد.

او با رد اینکه جمهوری اسلامی پشت حمله سایبری به کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ قرار دارد، گفت «ما خود قربانی هک هستیم و این مسئله که‌ماکان ادامه دارد.»

ظریف در اظهاراتی که در رسانه‌های داخلی نیز بازتاب داشت توضیح داد، «با فراگیر شدن هوش مصنوعی می‌توان یک آینده ترسناک را در زمینه کنترل هوش مصنوعی بر زندگی‌مان در آینده متصور بود.»

منابع خارجی از جمله وبسایت «پولیتیکو» اوایل سپتامبر (اواسط شهریورماه) گزارش دادند در یک حمله سایبری توسط گروهی به نام «IRLeaks» سیستم بانکی ایران هک

● انفجار زنجیره‌ای تجهیزات الکترونیک وارداتی حزب‌الله لبنان، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی را نسبت به تکرار عملیات مشابه در ایران و با حملات سایبری به زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه اقتصادی بسیار نگران کرده است.

● دو ماه پس از حمله گسترده سایبری به شبکه بانکی ایران، محمدجواد ظریف با شغل نوظهور «معاون راهبردی» مسعود پزشکبان، در جریان سفر به نیویورک طی مصاحبه‌ای با شبکه MSNBC که چهارم مهرماه ۱۴۰۳ پخش شد، بطور ضمنی هک بانک‌های ایران را تأیید کرد.

● هک سیستم‌های اطلاعاتی چندین بانک در ایران به برکناری دست‌کم دو مدیر ارشد بانک مرکزی منجر شده است که هر دو مسئولیتی در واحدهای فناوری و امنیت شبکه داشته‌اند.

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید: «بخش عمده تجهیزات مرتبط با شبکه فناوری بانک‌های ایران ساخت شرکت‌های اروپایی، آمریکا و کانادا هستند که از طریق دوبی وارد ایران می‌شوند، بخش دیگری نیز از طریق شرکت‌های آسیایی در چین و در مواردی محدود از طریق هنگ‌کنگ و مالزی تأمین می‌گردند.»

● به گفته این منبع آگاه، «بعد از انفجارهای لبنان، سپاه و وزارت اطلاعات به مدیران شرکت‌های واردکننده هشدار داده‌اند. آنها نیز نگرانی نهادهای امنیتی حکومت را به دلالت‌ها و واسطه‌های داخلی و خارج ایران منتقل کردند اما نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا تجهیزاتی که در گذشته وارد کردند یا در حال وارد کردن آن هستند دستکاری شده‌اند یا نه! حکومت از حملات دامنه‌دار سایبری نگران است زیرا می‌تواند زمینه‌ساز اعتراضات باشد.»

● حملات سایبری و جنگ‌های نوین این فرصت را به حمله‌کنندگان می‌دهد که با کمترین تلفات انسانی بخشی از فعالیت‌های اساسی یک کشور را مختل و برای مدت نامعلومی قفل کنند و حکومت نگران آغاز اعتراضاتی است که فقط منتظر فرصت و یک جرقه است.

→ قرارداد دارند. صاحبان اغلب این شرکت‌ها یا مرتبط با وزارت اطلاعات هستند یا سپاهی‌اند که از طریق شرکت‌های واسطه‌ی پوششی، یا از طریق دلال‌ها و شرکت‌های صوری در خارج از ایران، اقلام را سفارش می‌دهند و سپس از دویی وارد می‌کنند و چند برابر قیمت به فروش می‌رسانند.»

آنچه اکنون مدیران بانکی و فراتر از آن مقامات امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی را نگران کرده، فقط محدود به حملات سایبری و هک شبکه‌های فناوری نیست بلکه انفجارهای زنجیره‌ای پیچرها، بیسیم‌ها و لوازم الکترونیک حزب‌الله لبنان که تلفات سنگینی روی دست حسن نصرالله گذاشت آنها را به شدت ترسانده است.

به گفته این منبع، «بعد از انفجارهای لبنان، سپاه و وزارت اطلاعات به مدیران شرکت‌های واردکننده هشدار داده‌اند. آنها نیز نگرانی نهادهای امنیتی حکومت را به دلال‌ها و واسطه‌های داخلی و خارج ایران منتقل کردند اما نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا تجهیزاتی که در گذشته وارد کردند یا در حال وارد کردن آن هستند دستکاری شده‌اند یا نه! حکومت از حملات دامنه‌دار سایبری نگران است زیرا می‌تواند زمینه‌ساز اعتراضات باشد.»

حملات سایبری و جنگ‌های نوین این فرصت را به حمله‌کنندگان می‌دهد که با کمترین تلفات انسانی بخشی از فعالیت‌های اساسی یک کشور را مختل و برای مدت نامعلومی قفل کنند.

مقامات جمهوری اسلامی بعد از حملات انفجاری لبنان به چشم دیدند که تا چه اندازه در معرض تهدید قرار دارند. پیشتر نریمان غریب پژوهشگر اینترنت با اشاره به حمله گسترده سایبری به بانک‌ها و مؤسسات مالی به مشتریان بانک در ایران توصیه کرده بود، «در اسرع وقت رمزهای عبور مربوط به کارت بانکی، اینترنت بانک و تلفن بانک خود را تغییر دهید. هرکجا به اطلاعات شخصی و مالی شما دسترسی پیدا کرده‌اند، از جمله اطلاعات مربوط به تراکنش‌های بانکی، موجودی حساب‌ها، آدرس IP، آدرس محل سکونت، نام و نام خانوادگی، اطلاعات کارت به کارت‌ها، اطلاعات برداشت از ATM‌ها و سایر جزئیات حساس.»

درباره حمله سایبری گروه IRLeaks به شبکه اطلاعاتی بانک‌های ایران، پایگاه خبری «پولیتیکو» چهارم سپتامبر (۱۴ شهریورماه)، گزارش داد هرکجا ابتدا تهدید کرده بودند که داده‌های جمع‌آوری شده را که شامل اطلاعات حساب مشتریان و کارت اعتباری میلیون‌ها ایرانی می‌شود، در «دارک وب» خواهند فروخت، مگر اینکه ۱۰ میلیون دلار ارزش دیجیتال دریافت کنند، اما بعداً به مبلغ کمتری رضایت دادند. مبلغی که «پولیتیکو» آن را سه میلیون دلار اعلام کرده که از سوی شرکت «توسن» در ایران که مسئولیت امنیت این داده‌ها را بر عهده دارد پرداخته شد.

مدت‌هاست با گسترش درگیری‌ها میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، حملات سایبری و خرابکاری‌های صنعتی در ایران افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته که از جمله می‌توان به اختلال در سیستم فروش بلیت مترو (فروردین ۱۴۰۳)، حمله سایبری به سیستم توزیع سوخت (آذر ۱۴۰۲)، سیستم حمل و نقل راه‌آهن (فروردین ۱۴۰۳) و همچنین حمله سایبری به شرکت ارتباطات زیرساخت و سازمان بنادر اشاره کرد.

محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان ۱۸ شهریورماه در جمع خبرنگاران گفت، «بر اثر غفلت، حمله سایبری دو بار به سیستم توزیع بنزین ما ضربه زد.» حکومت نگران است هرگونه اختلال در عملکرد نهادهای اقتصادی منجر به آغاز موج جدیدی از اعتراضات اجتماعی علیه نظام شود. اعتراضاتی که فقط منتظر فرصت و یک جرقه است.

عقل ترس

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۹۷) اسفندماه ۱۳۸۴



صدام حسین

و سرود می‌خواندند.

یکی از آن روزها که رفته بودم به بازار و نشسته بودم در دکان یک عاقله مرد، از مهاجران ایرانی مقیم عراق، دسته‌ای از بعتی‌ها آمدند و پای کوبان و سرودخوانان گذاشتند، به‌رسم خودشان چند تیر هوایی هم شلیک کردند. در این حال، صاحب مغازه را دیدم که دانه‌های عرق بر جبینش نشسته بود و زیر لب غر می‌زد و دشنام می‌داد.

گفتم می‌ترسی؟ گفت البته که می‌ترسم. گفتم ولی صدام چرا نمی‌ترسد. گفت برای این که دیوانه است. عقل ندارد. آدم دیوانه از چیزی نمی‌ترسد!

و اما این ادعای صدام که فقط از خدا می‌ترسد نیز جای تأمل دارد. باید دید حالا که به سرنوشت هزاران هزار قربانی دوران حکومت خود گرفتار آمده و اسیر زنجیر و زندان شده و به‌عنوان جنایتکار بر کرسی اتهام نشسته ترس از خدا در دلش راه یافته است یا آن که پیش از آن، از خدا هم مثل خلق خدا نمی‌ترسید.

یکی از رهبران حکومت بعث که همراه با صدام حسین محاکمه می‌شود در دادگاه گفته است: این صدام آن صدام نیست که ما می‌شناختیم. برآستی هم این صدام زاهد‌آب ریش خضاب کرده که سرش را در قرآن فرو می‌برد و تسبیح می‌چرخاند و ذکر می‌گوید شباهتی ندارد با آن صدام حکومتگر که صورتش را تیغ می‌انداخت و شیک می‌پوشید، به زندهای خوشگل و غذاهای لذیذ رغبتی وافر داشت و وقتی نزدیکترین کسانش را از مسند به زیر می‌کشید و به خیانت متهم می‌کرد محاکمه و اعدام آنها را تا زمانی که سیگار برگش به‌انتها نرسیده بود از قاضیان و جلادان می‌طلبید.

حاکمان در زمان معزولی

همه شبلی و بایزید شوند

صدام حسین در جلسه اخیر دادگاهی که او را محاکمه می‌کند، گفت «من از هیچکس نمی‌ترسم. از هیچکس به‌جز خدا. این را امروز می‌گویم. از سیزده سالگی گفتم‌ام و ثابت کرده‌ام!»

راست می‌گوید صدام. و در عین حال سندی از بی‌عقلی خود به دست می‌دهد. عقل ترس مثل عقل معاش از علائم عقلانیت آدمی است. ترسو بودن یک مسأله است، عقل ترس داشتن مسأله دیگر.

آدم عاقل باید عقل ترس داشته باشد. هم از خدا بترسد و هم از خیلی چیزهای دیگر مثل از درگیر شدن با حریف قلیچ‌مقار و بی‌کله‌تر از خود.

معلم بزرگ خودمان سعدی فرماید «پنجه با شیر و مشت با شمشیر زدن کار خردمندان نیست.» و افزایش:

چو کردی با کلوخ‌انداز پیکار

سر خود را به نادانی شکستی

در آستانه جنگ خلیج فارس یا «طوفان صحرا»، یکی از دوستان ما رفته بود به عراق. در مراجعت از اوضاع آنجا حکایت می‌کرد. می‌گفت در حالی که آمریکا و متحدانش مشغول پیاده کردن نیرو و سنگربندی در خلیج فارس بودند و هر روز خبرهای تازه‌ای از آمادگی آنها برای حمله به عراق منتشر می‌شد، در بغداد اثری از اضطراب و نگرانی حکومت به چشم نمی‌رسید. «سید رئیس» با آن سیل‌های چخماقی، انگار که بی‌بهره انتظار حمله آمریکا بیا را می‌کشد تا حقیقتش را کف دستشان بگذارد، لبخند به لب در اینجا و آنجا ظاهر می‌شد و به «شعب‌العراقیه» قوت قلب می‌داد. رزمندگان بعتی نیز به سبک پیراهن سیاهان و پیراهن قهوه‌ای‌های دوران رجزخوانی هیتلر و موسولینی در خیابانها رژه می‌رفتند

در آمریکا هم وقتی می‌خواستند تبعیض جنسی را لغو کنند، مخالفان می‌گفتند: حقوق مساوی زن و مرد باعث می‌شود که دستشوییهای مردانه و زنانه یکی شود!

موفق نشدیم حق اشتغال زنان را بدون اجازه شوهر در قانون بگنجانیم زیرا با سنتهای جامعه مردسالار مغایرت داشت

وزیر دادگستری می‌گفت: آیا این صحیح است که فرضاً زن من آزاد باشد برود در کاباره برقصد؟! **بازنش**

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰-۹۷۶)



جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۴)

خاطرات مهناز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

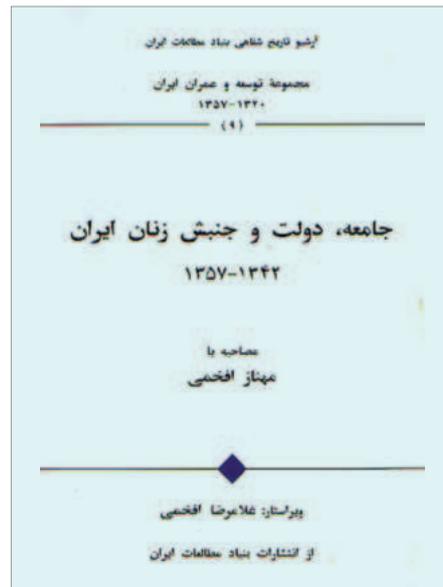
«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهناز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهناز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهناز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می‌گوید. یادآور می‌شویم که خاطرات مهناز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورانی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

و تمدن عالیتری پیش می‌رود، چنین قانونی که متضمن منع آزادی رفت و آمد است در قوانین مملکت باشد. نامه در صفحه اول روزنامه اطلاعات چاپ شد. آقای شریف امامی توجه خاصی به این نامه نکردند، ولی یکی از دوستان و هم‌زمان خوب ما، خانم سناتور منوچهریان، که سالها در زمینه حقوق زنان زحمت کشیده بود، در مجلس سنا راجع به این لایحه نطق کرد. در ضمن صحبت، که ممکن است هیجان زده هم شده باشد، موضع اسلام را پیش کشید و مطلب را به این نحو مطرح کرد که در قوانین اسلام گفته شده هر کس حق دارد هر وقتی که بر او لازم و واجب باشد به سفر مکه برود و کسی نمی‌تواند از انجام چنین سفری جلوگیری کند؛ پس این لایحه گذرنامه که مانع سفر زنان به خارج از کشور است، خلاف اسلام است.

آقای شریف امامی که جلسه را اداره می‌کرد از صحبت از قانونی که ممکن است در ایران باشد و خلاف اسلام باشد، بقدری وحشت‌زده و عصبی شد که شدیداً به خانم منوچهریان اعتراض کرد و بالحن تند مانع شد صحبتش را ادامه دهد. خانم منوچهریان احساس کرد به او اهانت شده و از سنا استعفا داد و آمد در منزلش نشست. من به‌اتفاق خانم هما افضل، که مشاور حقوقی سازمان بود و قبلاً شاگرد خانم منوچهریان بود، رفتیم به دیدن ایشان و خواهش کردیم که از سنا استعفا نکند. گفتیم، شما یکی از دو سناتور زنی هستید که داریم و بودن شما، صدای شما، و سمت‌تان برای ما خیلی مهم است. حرفتان را بزنید ولی استعفا نکنید، چون استعفا به‌معنای جبهه را ترک کردن است و این هم به ضرر خود شما و هم به‌ضرر ماست. خانم منوچهریان گفتند اتفاقاً آقای شریف امامی هم آمد به منزل ما و از لحن صحبتش در سنا معذرت خواست ولی من اصرار دارم که ایشان در جلسه عمومی سنا از من معذرت بخواهد. البته ما خیلی دلمان می‌خواست این طور بشود، ولی هیچ راهی وجود نداشت. یعنی آقای شریف امامی هم در وضعی نبود که بتواند این کار را بکند. در نتیجه متأسفانه این جنگ نه‌تنها به استعفا خانم منوچهریان منجر شد و ایشان از صحنه فعالیت‌بها بیرون رفت، بلکه لایحه گذرنامه به‌عنوان مسأله قابل طرح، برای سالها از جرگه خارج شد. طوری شد که درباره آن در مجلات و روزنامه‌ها دائماً صحبت می‌شد که این لایحه گذرنامه، «آزادی رفت و آمد زنان»، به توسعه فحشا می‌انجامد و زنها را تشویق می‌کند که خانواده‌شان را ول کنند و بروند فرنگ و به قمار و یا مشروب‌خوری بپردازند. هیچکس

مشکل قانون گذرنامه

یک مورد که در همان ابتدای ورود من به سازمان زنان پیش آمد، مسأله قانون گذرنامه بود که طبق آن زن نمی‌تواند بی اجازه شوهر مملکت را ترک کند. خوب، این چیزی بود که خلاف قوانین بین‌المللی، خلاف حقوق بشر، خلاف اعلامیه حقوق زن بود و با توجه به اینکه ما چند سال پیش از طرح قانون گذرنامه، لایحه حمایت خانواده را که مسأله



خیلی مهمتر و حساستری بود به‌تصویب رسانده بودیم، به نظر می‌رسید که طرح این موضوع نسبتاً جزئی و بی اهمیت باشد، چون تنها شامل طبقه‌ای محدود می‌شد. افرادی که می‌توانستند مملکت را ترک کنند و به سفر خارج از کشور بروند، گروه معدودی بودند که در سطح تحصیلی بالاتر قرار داشتند و امکانات مالی داشتند. بنابراین، این مطلب با توده مردم سر و کار نداشت. در نتیجه به‌نظر می‌رسید طرح این مسأله نسبتاً ساده است.

من، به‌عنوان دبیر کل سازمان زنان، یک نامه سرگشاده به آقای شریف امامی، که آن زمان رئیس مجلس سنا بود، نوشتم و از طرف زنان ایران لایحه گذرنامه را مطرح کردم. با این استدلال که درست نیست در ایران که به سوی ترقی

مهناز افخمی - بطور کلی در مسائلی که می‌دانستیم با معتقدات مذهبی برخورد می‌کند و حساسیت برمی‌انگیزد با دقت و بطور کجدار و مریز رفتار می‌کردیم. مثلاً آزادی سقط جنین در چهارچوب قانون مربوط به مجازات جراح و پزشکی که مرتکب نقص عضو می‌شد، طرح شد. آن مجازات در حقیقت حذف شد و در نتیجه جراح و دکتری که سقط جنین می‌کرد، تنبیه یا زندانی و تعقیب نمی‌شد. در بسیاری موارد سعی می‌کردیم کار با ظرافت و دقت انجام گیرد. در مورد سقط جنین نیز آیین‌نامه طوری تنظیم شده بود که زن، هر زمانی که بخواهد با توافق شوهر و در صورتی که زن شوهر نداشت با خواست خود، تصمیم به سقط جنین بگیرد. این تغییر را ما از طریق آیین‌نامه‌های داخلی وزارت بهداشت و اطلاعیه‌های سازمان زنان به اطلاع پزشکان رساندیم و سعی کردیم از طرح آن در جرید و ایجاد سر و صدا درباره آن جلوگیری شود. ولی البته مخالفین رژیم سابق نهایت استفاده را از هر امکانی می‌کردند. مثلاً روزنامه کثیرالانتشار کیهان که سردبیرش هم آدم امروزی و تحصیلکرده غرب بود، یک دفعه در اواخر تابستان سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۷ شمسی) با تیتری درشت که شاید تنها برای اعلام جنگ جهانی داده می‌شد، و یک سال و نیم پس از آزادی سقط جنین، نوشت که «سقط جنین آزاد شد».

من درست خاطرم است شبی که بعد از ظهرش روزنامه کیهان این مطلب را به آن صورت مطرح کرده بود، شهبانو را در کنسرتی که توسط سازمان رادیو تلویزیون ملی ترتیب داده شده بود، دیدم و ایشان از من سؤال کرد، چطور شده این موضوع به این نحو مطرح شده و چرا این کار را کردند؟ گفتم: اصلاً اطلاعی ندارم و خودتان می‌دانید که این مسأله یک سال و نیم پیش تصویب شده و همیشه از طریق آیین‌نامه‌های داخلی مطرح بوده و به جرید داده نشده. ولی چگونه این مطلب از زیر دست سردبیر روزنامه کیهان، در آن زمان خاص، در رفت و به این صورت مطرح شد، هیچ وقت فرصت نشد در این زمینه تحقیق کنم. این از قبیل مسائلی بود که ما با آن روبرو بودیم. به هر حال هدف ما این بود که راههایی بیابیم که در مملکت ما، با شرایط ما، با ارتباطاتی که بین گروههای سیاسی، اقتصادی و غیره وجود داشت و مواضع گروههای با نفوذ مختلف، سازمان زنان به چه نحو کار کند که بیشترین کمک به زنان بشود و بدون سر و صدا بخصوص در ارتباط با قوانین موجود، اقدامی مؤثر کند.

تصویب می‌رساندیم فوراً و گاهی اوقات در همان روز شروع می‌کردیم به تهیه اصلاحیه همان قانون، و چون چند سالی طول می‌کشید لایحه اصلاحی به مجلس برسد، این کار را فوراً شروع می‌کردیم که آمادگی بیشتری داشته باشیم. به ما ثابت شده بود هر وقت قانونی تصویب شود، موضع قبول شده‌ای خواهد بود که در مرحله بعد، شانس تصویب لایحه اصلاحی آن خیلی بیشتر می‌شود. در نتیجه سعی می‌کردیم آن چیزی را که می‌توانستیم در زمانی خاص داشته باشیم، به تصویب برسانیم و آن‌ا شروع کنیم به مرحله بعدی تلاش‌هایمان...

● مشکل شما بیشتر چه بود؟

– بزرگ‌ترین مانعی که وجود داشت، سطح آگاهی مردان و زنان بود که اختصاص به ایران نداشت. در تمام ممالک، حتی پیشرفته‌ترین ممالک هم، این عدم آگاهی، البته به نسبت‌های متفاوت وجود دارد. آنچه بازدارنده است، عدم آگاهی کامل از مسائلی است که در مورد مشکلات حقوقی زن در همه ممالک مطرح است. در مورد لایحه گذرنامه، فرضاً اگر بتوان جامعه را آگاه کرد که این حق آزادی رفت و آمد حق مسلم هر انسانی است، نه اینکه تشویق برنامه‌هایی که خلاف مصالح خانواده است، اگر بشود این آگاهی را به وجود آورد که انسانهایی که مستقل‌اند و آموزش‌دیده‌اند و از نظر حقوقی، اقتصادی و اجتماعی حق تصمیم‌گیری دارند، بامال انسانهای راضی‌تر و خوشبخت‌تری هستند، چه مرد و چه زن، اگر بتوان این آگاهی را به جامعه منتقل کرد که مردانی که در چنین جامعه‌ای هستند، مردانی خوشبخت‌ترند و همه افراد، بزرگ و کوچک، زندگی بهتری خواهند داشت، به‌اضافه اینکه جامعه، جامعه‌ای موفق خواهد بود، در این صورت مسائل خیلی آسانتر حل می‌شود. ولی همانطور که

وقتی دادگاه در یک زمینه این تصمیم را می‌گرفت و ابلاغ می‌شد، رأی دادگاه کافی بود که هرگاه مسأله مجدداً مطرح شود، تصمیم قبلی، قوه اجرایی داشته باشد و دیگر لازم نبود که مطلب دوباره به دادگاه کشانده شود.

قانون حمایت خانواده بعد از انقلاب ملغی شد و بار دیگر مردان مختار شدند که بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، همسران خود را در دفترخانه‌ها طلاق بدهند.

● اجازه کار چطور شد؟

– توانستیم مسأله اجازه کار را از قانون کاملاً حذف کنیم. زیرا هنوز آمادگی نبود و وزارت دادگستری بخصوص، به هیچ وجه حاضر نبود. با وزیر دادگستری بارها راجع به آن بحث می‌کردیم و دائم او مشکلات را مطرح می‌کرد. آقای صادق احمدی وزیر دادگستری مرد شریفی بود، ولی مسأله را به این نحو مطرح می‌کرد که «خانم، اگر فرضاً زن بنده بخواهد برود در کاباره برقصد، این صحیح است؟» و هرچه ما می‌گفتیم که اصلاً مسأله این نیست که زن شما بخواهد در کاباره برقصد، مسأله این است که اصولاً کار شریف است و تعدادی حرفه هست که در نظر بعضی افراد ممکن است شریف نباشد، ولی این موضوع بستگی به شرایط آموزشی و گذشته یک فرد دارد که چه حرفه‌ای را انتخاب کند، کارگر نمی‌افتاد. حق مرد که بتواند مشخص کند البته زنش چه کاری انجام دهد و یا اصلاً کار بکند یا نکند، چیزی بود که به‌هیچ وجه حاضر نبودند در آن تجدید نظر شود. ولی خوب، اقلاً امکان این به‌وجود آمد که توانستیم این حق را به زن هم بدهیم. مثلاً اگر شوهر دزد باشد یا قاچاقچی شود، زن بتواند قانوناً مانع شود. بالاخره منطق غلبه کرد و حاضر شدند که در این لایحه این اجازه را به زن و مرد هر دو بدهند. اهمیتش بیشتر «سمبلیک» بود و برای

حاضر نبود که صدای زنان را گوش کند که مسأله این نیست که زنان بروند خارج از مملکت و مشروب بخورند و یا قمار کنند، مسأله این است که یک بشر حق دارد رفت و آمدش را بدون اجازه بشر دیگر انجام دهد.

کسانی هستند که از امکانات و آزادهایشان سوء استفاده می‌کنند، که هم در بین مردان و هم در بین زنان دیده می‌شوند و این دلیل نمی‌شود که زنان را به‌عنوان صغیر، به‌عنوان کسانی که توانا به تصمیم‌گیری درباره رفت و آمد خودشان نیستند، قلمداد کنند. داستانها بود که در مجلات چاپ می‌شد که مجسم کنید مردی در منزل نشسته و بچه‌ها دورش جمع شده‌اند و اشک در چشمهایشان حلقه زده، چون مادر پاشده و بی خبر رفته است. خوب، سازمان زنان به هیچ وجه در وضعی نبود که در مقابل چنین فعالیتهای منفی تبلیغاتی قرار گیرد. به همین دلیل ما تا سالها لایحه گذرنامه را کنار گذاریم. البته مورد انتقاد دائم سازمانهای خارجی هم بودیم که تحت تأثیر فعالیتهای دانشجویان ایرانی مخالف رژیم که در خارج انجام می‌شد، مرتب موضوع لایحه گذرنامه را مطرح می‌کردند. ولی تمام امکانات و همه دستاوردهایی را که زنان داشتند، اصلاً مطرح نمی‌کردند. فقط این یک لایحه را به‌عنوان یکی از موارد ضعف حقوق زنان در ایران مطرح می‌کردند. با تمام این فشارها، ما لایحه گذرنامه را مطرح نکردیم تا سال آخر، سال ۵۶ که زمینه‌های زیربنایی محکمتر و امکانات آگاه‌سازی بیشتر شده بود. سال آخر لایحه گذرنامه آماده طرح بود که متأسفانه منجر به انقلاب شد. البته پس از گذشت بیش از دو دهه، این محدودیت در اکثریت ممالک اسلامی هنوز وجود دارد.

تجدید نظر در قانون حمایت خانواده

● قانون حمایت خانواده دو مرحله داشت، مرحله دوم چه بود؟

– اهمیت قانون جدید بیش از هر چیز این بود که برای اولین بار در تاریخ ایران و شاید در خاور میانه ولایت کودک پس از مرگ پدر به مادر و یا جد پدری واگذار می‌شد. یعنی برای اولین بار در زیربنای مردسالاری در خانواده تزلزل به وجود می‌آمد. این تغییر به‌قدری برای ما مهم بود که من آن را به‌عنوان یکی از تجربیات زندگی‌م تلقی می‌کنم. به‌خاطر دارم وقتی که خانم دولت‌شاهی از مجلس تلفن کرد که خبر تصویب لایحه را بدهد از خوشحالی اشک به چشمم آمد و زانو زدن زدم و زمین را بوسیدم و بعد به دوستی که شوهرش فوت کرده بود و اختیار بچه‌اش را به عموی او داده بودند تلفن زدم و خبر را به او دادم. موارد دیگر اصلاح قانون، مربوط می‌شد به اضافه شدن مواردی که زنان حق داشتند به استناد آن از دادگاه تقاضای طلاق کنند. در حقیقت ماده ۸ قانون می‌گوید: «در موارد زیر زن یا مرد حسب مورد می‌توانند از دادگاه تقاضای طلاق کنند.» یعنی در این زمینه حقوق مساوی برای زن و مرد تعیین شد.

مضافاً تجدید نظر در قانون حمایت خانواده، آنچه را که در قانون اول وجود داشت، تحکیم و تأکید کرد و تسهیلاتی برای اجرای آن به‌وجود آورد. بنابراین، پس از گذراندن این قانون، امکانات اجرایی قانون اول بیشتر شد. مثلاً در مورد نفقه، مبلغی که مرد پس از طلاق بایستی به زن برای نگهداری بچه می‌داد، زنی می‌رفت به دادگاه ثابت می‌کرد که شوهرش خرجی نپرداخته، دادگاه هم دستور می‌داد که مرد نفقه را بپردازد. مرد هم ممکن بود یک ماه پرداخت کند و بعد ندهد. آن وقت ماهها طول می‌کشید که باز این مراحل طی شود و خرج و زحمت زیاد، تا باز دوباره بشود از دادگاه اجازه گرفت و مرد را وادار به پرداخت خرجی کرد. قانون تجدید نظر در قانون حمایت خانواده ترتیبی داد که



زن ایرانی در کسوت قضاوت

گفتیم مسأله خاص ما نیست. در زمانی که ماده الحاقی تساوی حقوقی زن و مرد به قانون اساسی (Equal Rights Amendment) در آمریکا مطرح بود، با اینکه تنها می‌گفت باید در قوانین آمریکا تبعیض بر اساس جنسیت رفع شود، همه تبلیغات مخالفان این بود که عواقب آن چه می‌شود، و تأکید بر این بود که حقوق مساوی باعث می‌شود که مثلاً دستشوییهای عمومی مردانه و زنانه هم یکی شوند. خلاصه گاهی مطالب به تصوراتی واقعاً ابلهانه منتهی می‌شد که ربطی با اصل موضوع نداشت، ولی در افکار عمومی ذهنیتی پیش می‌آورد که بازدارنده پیشرفت بود. بنابراین آگاه‌سازی، هدف اصلی سازمان زنان بود و هدف اصلی نهضت زنان.

(دنباله دارد)

ماله کشیدن روی سخنان مسعود پزشکیان؛ اعلام آمادگی برای «کنار گذاشتن سلاح» حزب اللهی‌ها را عصبانی کرد



پزشکیان، طریف و عراقچی در کنفرانس خبری با رسانه‌های آمریکایی / نیویورک، مهرماه ۱۴۰۳



روزنامه‌نگاران و خبرنگاران رسانه‌های آمریکایی در نشست خبری با پزشکیان

پاسداران انقلاب اسلامی مورد انتقاد قرار گرفته است. همزمان جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای نزدیک به پزشکیان در صدد ماله کشیدن بر اعترافات او برآمده‌اند. هرچند برخی مقامات و رسانه‌ها ادعا کردند این اظهارات شایعه است اما در نهایت خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صحت آن را تأیید کرد. پزشکیان این اعترافات را بدون فشار و شکنجه و کاملاً داوطلبانه و حتا حق به جانب در حالی در برابر رسانه‌های بین‌المللی در نیویورک بیان داشت که محمدجواد ظریف معاون راهبردی او و عباس عراقچی وزیر خارجه‌اش در دو طرف وی با نگرانی مراقب حرف زدن او بودند!

حمید ابراهیم مهر فعال اقتصادی حامی دولت رئیسی در «ایکس» نوشت: «وقتی تروریست آمریکایی را با تروریست خیالی ایرانی سفیدشویی می‌کنند! وقتی سلاح و امنیت ایران را صرفاً در برابر اسرائیل مفهوم داده و خلع سلاح ایران را نرمالیزه می‌کنند، به پزشکیان بگویند فقط ساکت بماند، تا بتوانیم رئیس جمهوری در شان رئیس جمهور گمشده در کوه‌های ورزقان پیدا کنیم.»

برخی ناظران اظهارات پزشکیان را ناشی از ساده‌لوحی وی ارزیابی می‌کنند اما برخی معتقدند که آنچه او به زبان آورد، با هماهنگی علی خامنه‌ای است زیرا نظام در شرایطی قرار دارد که مجبور است نشان دهد در دولت کسانی قدرت دارند که مخالفت سیاست‌های کلان هستند تا شاید بار دیگر با بازی دوقطبی سازی بتوانند زمینه را برای مذاکره با طرفین غربی و به ویژه آمریکا فراهم کنند.

اصلاح‌طلبان حامی پزشکیان نیز به شدت دست به کار شده‌اند تا برای سخنان او دلیل بیاورند و تفسیرهای مطلوب منافع نظام را بازتاب دهند. یکی از آنها احمد زیدآبادی است که به نظر می‌رسد پس از محمدجواد ظریف مقام دوم توجیه و «علاج» و «ماله‌کشی» را به خود اختصاص داده است. وی در همین ارتباط نوشت «منظور پزشکیان از کنار گذاشتن سلاح همان سلاح منطقه‌ای است.»

عنوان رئیس دولت چهاردهم، روز دوشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۳ در کنفرانس خبری با رسانه‌های آمریکایی درباره «خلع سلاح ایران به شرط خلع سلاح اسرائیل» صحبت کرد. این سخنان که خشم حزب‌اللهی‌های حکومت را برانگیخته در حالیست که مقامات رژیم همواره هر دخالتی در اقدامات گروه‌های تروریستی فلسطین مانند حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان را رد کرده‌اند.

به همین دلیل نیز عباس عراقچی وزیر خارجه دولت چهاردهم که در این نشست خبری حضور نیز داشت، سخنان پزشکیان را تکذیب کرد اما یک روز بعد فایل صوتی آن منتشر شد.

بر اساس این فایل صوتی، پزشکیان در جمع خبرنگاران اعتراف می‌کند که این جمهوری اسلامی است که در غزه و لبنان، طرف جنگ با اسرائیل است. وی گفت: «ما آماده‌ایم تمام سلاح‌های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند و یک سازمان بین‌المللی به منطقه بیاید و امنیت را تأمین کند، اصلاً به آنها هم نیازی نیست و ما خود بلدیم امنیت خود را تأمین کنیم.»

او در بخش دیگری از پاسخ خود به پرسشی درباره ارسال سلاح توسط جمهوری اسلامی به روسیه برای به کار گرفتن در جنگ اوکراین، این موضوع را رد کرد و گفت: «چرا بجای گفتگو باید یکدیگر را بکشیم؟»

پزشکیان با دروغگو خواندن سیاستمداران، آنهم در حالی که خودش رئیس دولت جمهوری اسلامی است، گفت که «من سیاست بلد نیستم و اهل دروغ نیستم» و بعد افزود: «تروریست، تروریست است. چه عرب باشد چه عجم و فارس. چه اسرائیل باشد چه آمریکا چه ایران. اگر ترور کرد، تروریست است. اما نه اینکه اگر یک طرف ترور کرد بگوییم از خود دفاع می‌کند و طرف دیگر هر کار کرد، بگوییم تروریست است.»

این اظهارات که در تناقض با سیاست‌های جمهوری اسلامی قرار دارد به شدت از سوی منابع نزدیک به سپاه

مسعود پزشکیان در اولین حضور خود در نیویورک به عنوان رئیس دولت چهاردهم، روز دوشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۳ در کنفرانس خبری با رسانه‌های آمریکایی درباره «خلع سلاح ایران به شرط خلع سلاح اسرائیل» صحبت کرد. این سخنان که خشم حزب‌اللهی‌های حکومت را برانگیخته در حالیست که مقامات رژیم همواره هر دخالتی در اقدامات گروه‌های تروریستی فلسطین مانند حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان را رد کرده‌اند.

حمید ابراهیم مهر فعال اقتصادی حامی دولت رئیسی در «ایکس» نوشت: «وقتی تروریست آمریکایی را با تروریست خیالی ایرانی سفیدشویی می‌کنند! وقتی سلاح و امنیت ایران را صرفاً در برابر اسرائیل مفهوم داده و خلع سلاح ایران را نرمالیزه می‌کنند، به پزشکیان بگویند فقط ساکت بماند، تا بتوانیم رئیس جمهوری در شان رئیس جمهور گمشده در کوه‌های ورزقان پیدا کنیم.»

برخی ناظران اظهارات پزشکیان را ناشی از ساده‌لوحی وی ارزیابی می‌کنند اما برخی معتقدند که آنچه او به زبان آورد، با هماهنگی علی خامنه‌ای است زیرا نظام در شرایطی قرار دارد که مجبور است نشان دهد در دولت کسانی قدرت دارند که مخالفت سیاست‌های کلان هستند تا شاید بار دیگر با بازی دوقطبی سازی بتوانند زمینه را برای مذاکره با طرفین غربی و به ویژه آمریکا فراهم کنند.

اصلاح‌طلبان حامی پزشکیان نیز به شدت دست به کار شده‌اند تا برای سخنان او دلیل بیاورند و تفسیرهای مطلوب منافع نظام را بازتاب دهند. یکی از آنها احمد زیدآبادی است که به نظر می‌رسد پس از محمدجواد ظریف مقام دوم توجیه و «علاج» و «ماله‌کشی» را به خود اختصاص داده است. وی در همین ارتباط نوشت «منظور پزشکیان از کنار گذاشتن سلاح همان سلاح منطقه‌ای است.»

مسعود پزشکیان در اولین حضور خود در نیویورک به

سفر قبیله‌ای مسعود پزشکیان به نیویورک؛ خودداری عباس عراقچی از سفر به لبنان به توصیه حسن نصرالله



مسعود پزشکیان در نخست نشست مطبوعاتی/ تهران/ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

خطرناک گرفتار شده است و سعی می‌کند کل منطقه را با خودش به این باتلاق بکشد.»

اظهارات عراقچی اما بیش از هر چیز نشان می‌دهد که حکومت با یک تناقض بزرگ روبروست زیرا مجبور است از یکسو برای نشان دادن «اقتدار» خود از جمله پس از ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران دست به اقدام تلافی‌جویانه حیثیتی بزند ولی از سوی دیگر با ادعای جنگ‌طلبی توسط اسرائیل، هرگونه اقدام علیه این کشور ممکن است آتش درگیری‌ها در منطقه را شعله‌ور کند؛ آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی با انبوهی از بحران‌ها به ویژه در زمینه اقتصادی دست به گریبان است.

در این میان، عباس عراقچی قبل از سفر به نیویورک عازم لبنان بود اما در کانال تلگرامی او نوشته شد «به دلیل برخی ملاحظه‌ها به وی پیشنهاد شد که برای انجام این سفر عجله نکند.» برخی منابع نیز گزارش دادند که لغو این سفر به توصیه حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان صورت گرفته است.

مسعود پزشکیان در حالی اولین سفر خود را به نیویورک در مقام رئیس دولت در پیش دارد که جمهوری اسلامی از جمله به دلیل توسعه فعالیت‌های غیرقانونی اتمی، پشتیبانی از تروریسم و حمایت نظامی از روسیه علیه اوکراین به شدت زیر فشار قرار دارد. معلوم نیست در چنین شرایطی متن سخنرانی وی در سازمان ملل صرف نظر از نقل آیه و نهج‌البلاغه با چه مضامینی درباره این مسائل تنظیم شده است تا ارزشی برای شنیدن داشته باشد. یک نکته اما قابل پیش‌بینی است و آن اینکه مثل هر سال رئیس دولت چهاردهم نیز مانند پیشینیان خود برای سالن و صندلی‌های خالی سخنرانی خواهد کرد!

در این میان، سفر نیویورک بخشی از جریان «اصلاح‌طلب» را امیدوار کرده تا پزشکیان شاید روزنه‌ای برای گفتگو با دولتمداران آمریکا پیدا کند؛ هرچند که فضای سیاسی آمریکا به شدت تحت تأثیر انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ و تبلیغات آن قرار دارد و مسائلی که فعلاً برای ایالات متحده اولویت دارد، بسیار متفاوت از مشکلات و درخواست‌های جمهوری اسلامی است.

محمد بهرامی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی خوش‌بینانه در مورد این سفر گفته «سفر رئیس جمهور به نیویورک می‌تواند مقدمه‌ای بر رفع تحریم‌ها علیه ایران باشد.»

از سوی دیگر، عباس عراقچی وزیر خارجه دولت چهاردهم که زودتر از پزشکیان به نیویورک سفر کرده، در یک نشست خبری با اشاره به عملیات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها و وابستگان آن در منطقه گفته است، «اسرائیل قطعاً به اهداف خود برای افزایش تنش و جنگ نخواهد رسید ولی پاسخ جنایت‌های خود را خواهد گرفت.»

عراقچی که جمعه‌شب ۳۰ شهریورماه به برای فراهم کردن شرایط حضور پزشکیان در هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد وارد نیویورک شده، در جمع خبرنگاران هشدار داد که این درگیری‌ها «شرایط بسیار خطرناکی را در منطقه ایجاد کرده و اسرائیل احتمال گسترش جنگ را به شدت دنبال می‌کند.» او معتقد است «تنتاباهاو از سر استیصال به دنبال کشیدن کل منطقه به جنگ است.» یکی از موضوعاتی که عباس عراقچی مطرح کرده است، انفجارهای زنجیره‌ای در لبنان و کشته شدن ابراهیم عقیل در حملات اسرائیل است. وی مدعی شد، «اینها دست و پا زدن‌های یک رژیم مستأصل هست که در یک بن‌بست

● برخی منابع داخلی شنبه ۳۱ شهریورماه گزارش دادند مسعود پزشکیان، با ۳۵ تا ۴۰ نفر همراه برای شرکت در نشست سازمان ملل به نیویورک خواهد رفت. گفته می‌شود در این سفر دو پسرش نیز در کنار دختر و دامادش همراه او هستند.

● هنوز به صورت رسمی مشخص نیست چه کسانی پزشکیان را در این سفر همراهی می‌کنند اما او به دلیل «فامیل‌بازی» و همچنین سفر «قبیله‌ای» از جمله به عراق با موجی از انتقادات روبرو شده است.

● محمد بهرامی نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی خوش‌بینانه گفته «سفر رئیس جمهور به نیویورک می‌تواند مقدمه‌ای بر رفع تحریم‌ها علیه ایران باشد.»

● عباس عراقچی وزیر خارجه دولت چهاردهم که زودتر از پزشکیان به نیویورک سفر کرده، در یک نشست خبری با اشاره به عملیات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها و وابستگان آن در منطقه گفته است، «اسرائیل قطعاً به اهداف خود برای افزایش تنش و جنگ نخواهد رسید ولی پاسخ جنایت‌های خود را خواهد گرفت.»

● عراقچی قبل از سفر به نیویورک عازم لبنان بود اما در کانال تلگرامی او نوشته شد «به دلیل برخی ملاحظه‌ها به وی پیشنهاد شد که برای انجام این سفر عجله نکند.» برخی منابع گزارش دادند لغو این سفر به توصیه حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان صورت گرفته است.

● مسعود پزشکیان در حالی اولین سفر خود را به نیویورک در مقام رئیس دولت در پیش دارد که جمهوری اسلامی از جمله به دلیل توسعه فعالیت‌های غیرقانونی اتمی، پشتیبانی از تروریسم و حمایت نظامی از روسیه علیه اوکراین به شدت زیر فشار قرار دارد. معلوم نیست در چنین شرایطی متن سخنرانی وی در سازمان ملل صرف نظر از نقل آیه و نهج‌البلاغه با چه مضامینی درباره این مسائل تنظیم شده است تا ارزشی برای شنیدن داشته باشد. یک نکته اما قابل پیش‌بینی است و آن اینکه مثل هر سال رئیس دولت چهاردهم نیز مانند پیشینیان خود برای سالن و صندلی‌های خالی سخنرانی خواهد کرد!

برخی منابع داخلی شنبه ۳۱ شهریورماه گزارش دادند مسعود پزشکیان با ۳۵ تا ۴۰ نفر همراه برای شرکت در نشست سازمان ملل به نیویورک خواهد رفت. گفته می‌شود در این سفر دو پسر وی نیز در کنار دختر و دامادش همراه او هستند.

همچنین چند نفر از دوستان ایاس حضرتی مانند مهدی گوهری، علی احمدنیا، مرضیه نورعلی و مهدی طباطبایی هم به عنوان سیاهی لشکر راهی این سفر می‌شوند. هنوز به صورت رسمی مشخص نیست چه کسانی پزشکیان را در این سفر همراهی می‌کنند اما او به دلیل «فامیل‌بازی» و همچنین سفرهای «قبیله‌ای» از جمله به عراق با موجی از انتقادات روبرو شده است.

الیزابت استیکنی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در گفتگو با کیهان لندن؛ پیام ما روشن است: حمایت نظامی از روسیه هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت

● الیزابت استیکنی در گفتگوی اختصاصی با کیهان لندن در پاسخ به این پرسش که آیا در صورت عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس امکان فعال شدن مکانیسم ماشه وجود دارد؟ پاسخ داد: «ما مصمم هستیم که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نیابد و همه گزینه‌ها روی میز است. آنچه برای ایالات متحده مهم است، اقدامات است نه اظهارات.»

● وی تأکید کرد، «اگر حکومت ایران خواهان روابط بهتر با ایالات متحده است، می‌تواند این را با همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، متوقف کردن حمایت از گروه‌های تروریستی و عدم سرکوب زنان نشان دهد.»

● وی در اینباره افزود: «نکته مهم این است که ما همچنین به همراه فرانسه، بریتانیا و آلمان اقدام کردیم. پیام ما روشن است: حمایت نظامی از روسیه هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت.»

الیزابت استیکنی سخنگوی فارسی وزارت خارجه آمریکا در گفتگوی اختصاصی با کیهان لندن درباره انتقال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه و همچنین هشدارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد افزایش غنی‌سازی اورانیوم ممنوعه در ایران صحبت کرد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۲۶ شهریورماه طی سخنانی در کنفرانس عمومی آژانس در وین با ابراز نگرانی از عدم همکاری جمهوری اسلامی گفته بود، «چندین سال است مسائل پادمانی با ایران حل نشده و به نظر می‌رسد که ما به بن‌بست رسیده‌ایم.» مسائل پادمانی مرتبط با NPT و روند نظارت بر فعالیت‌های اتمی تسلیحاتی جمهوری اسلامی است. همچنین رافائل گروسی هشدار داده بود که میزان ذخایر اورانیوم با غلظت ممنوعه در ایران بدون توجه به هشدارهای بین‌المللی همچنان در حال افزایش است و جمهوری اسلامی مواد کافی برای ساخت چند بمب اتم را در اختیار دارد. هرچند مقامات تهران بر اساس فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن ساخت و استفاده از بمب اتم، مدام ادعا می‌کنند هدف آنها از پیشبرد برنامه‌های اتمی صرفاً صلح‌آمیز است.

بر اساس این گزارش‌ها، کیهان لندن از الیزابت استیکنی پرسید که آیا در صورت عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس امکان فعال شدن مکانیسم ماشه وجود دارد؟ وی پاسخ داد: «ما مصمم هستیم که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نیابد و همه گزینه‌ها روی میز است.»

ابراز تردید در مورد علت سقوط هلی‌کوپتر رئیسی پس از انفجار لوازم الکترونیکی اعضای حزب‌الله



آخرین پرواز ابراهیم رئیسی سفر به ورزقان بود

معروف و نهی از منکر استان تهران نیز بازنشر کرد و به دنبال آن شماری از طرفداران ابراهیم رئیسی نیز پرسش‌های مشابه را مطرح کردند. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ۱۱ شهریورماه در «گزارش نهایی» بررسی سانحه سقوط هلی‌کوپتر رئیسی ادعا کرد، «شرایط بد آب و هوا» و «مه غلیظ» بود. در این گزارش و همچنین در دو گزارش اولیه قبل از آن هرگونه انفجار، خرابکاری، احتمال هدف قرار گرفتن هلی‌کوپتر یا سیستم‌های آفندی و پدافندی، جنگ الکترونیک و ایجاد میدان مغناطیسی و لیزر رد شده بود. پس از مرگ رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر ویدیویی از گریه و مویه‌های مادر وی منتشر شد که در آن می‌گفت، «بُکشه هرکی غیر خدا تو را کشته.»

ابراز تردید از سوی طرفداران رئیسی در مورد علت اعلام شده سقوط هلی‌کوپتر نشان می‌دهد که حتا جریان‌های وابسته به انقلاب نسبت به گزارش ستادکل نیروهای مسلح تردید دارند.

در فضای عمومی برخی مردم می‌گویند مرگ رئیسی برنامه‌ریزی جریان‌های درون نظام بود و برخی دیگر معتقدند این اقدام مرتبط با اسرائیل و جریان نفو بود. یکی از کسانی که در مورد سقوط هلی‌کوپتر پرسش مطرح کرد مسعود پزشکیان بود. وی به عنوان نماینده مجلس گفته بود، «از روز قبل از حادثه هشدار نارنجی داده بودند و نمی‌دانم چرا در آن هوا پرواز کردند.»

علی ربیعی مشهور به «عباد» عضو سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در یادداشتی تأکید کرده بود «مسائل فنی و خرابی متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران هم عنوان کرده بود که «ممکن است این حادثه صرفاً به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد.»

● چهار ماه پس از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان، انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌ها، پیجرها، تبلت‌ها و سایر لوازم الکترونیک اعضای حزب‌الله، تریدها در مورد علت سقوط آن هلی‌کوپتر را بیشتر کرده است.

● حمیدرضا مقصدی سرپرست امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم ۲۸ شهریورماه با اشاره به انفجارهای اخیر وسایل ارتباطی در لبنان، پرسید: «دوستان ستاد کل [نیروهای مسلح] بفرمایند که آیا امکان ندارد که آئید همراه خلبان به یک نارنجک سایبری تبدیل شده باشد؟ یا تلفن همراه یکی از مدیران که متاسفانه عموماً هم آیفون هستند؟»

چهار ماه پس از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان، انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌ها، پیجرها، تبلت‌ها و سایر لوازم الکترونیک اعضای حزب‌الله، تریدها در مورد علت سقوط آن هلی‌کوپتر را بیشتر کرده است.

حمیدرضا مقصدی سرپرست امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم ۲۸ شهریورماه در شبکه اجتماعی «ایکس» پرسشی را مطرح کرد که گزارش ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مورد علت سقوط هلی‌کوپتر رئیسی را به چالش کشید.

مقصودی با اشاره به انفجارهای اخیر وسایل ارتباطی در لبنان، پرسید: «دوستان ستاد کل [نیروهای مسلح] بفرمایند که آیا امکان ندارد که آئید همراه خلبان به یک نارنجک سایبری تبدیل شده باشد؟ یا تلفن همراه یکی از مدیران که متاسفانه عموماً هم آیفون هستند؟»

وی در متن دیگری تأکید کرد، «زمانی که یک پیجر می‌تواند به یک نارنجک کشنده تبدیل شود حتماً این امکان برای تلفن‌های همراه هم وجود دارد.»

این نوشته را روح‌الله مؤمن‌نسب، دبیر ستاد امر به

اسرائیل و تغییر الگوی جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان



مسعود پزشکیان از یک زخمی پیجرهای انفجاری در لبنان که به تهران منتقل شده عیادت می‌کند! / ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ / رویترز

اسرائیل با قرار دادن مقادیر کمی مواد منفجره در کنار باتری هر یک از دستگاه‌های «پیجر» پیش از رسیدن به دست حزب الله توانست عملیات هجومی اطلاعاتی-امنیتی بازدارنده‌ی خود را علیه این گروه آغاز کند. حزب الله لبنان این پیجرهای دستکاری شده را بین اعضای خود در سراسر لبنان توزیع کرده و برخی از آنها به دست متحدانش در ایران و سوریه هم رسیده است. این عملیات طی دو روز متوالی به کشته شدن حدود ۳۷ نفر و زخمی شدن نزدیک به ۳ هزار نفر از اعضای حزب الله لبنان منجر شد. عملیات پیجرهای انفجاری که در چارچوب کارهای اطلاعاتی می‌گنجد نشان‌دهنده اهمیت نقش معلومات اطلاعاتی و نفوذ اطلاعاتی اسرائیل نه تنها در میان حزب الله لبنان بلکه در داخل ایران است. دستگاه‌های «پیجر» و بیسیم‌های «واکی تاکی» از طریق یک شرکت صوری که معلوم شد متعلق به موساد اسرائیل است دستکاری شده بود. این دستگاه‌ها که در اصل در تایوان ساخته می‌شوند قبل از رسیدن به حزب الله توسط یک شرکت متعلق به موساد در اروپای شرقی با مقداری ماده منفجره در کنار باتری آنها تکمیل شدند تا به محض رسیدن یک پیام رمزگذاری شده منفجر شوند. نفوذ اطلاعاتی اسرائیل تنها در گمراه کردن حزب الله لبنان یا رژیم ایران در ارتباط با خریداری این پیجرها نیست بلکه مهم‌تر از آن نفوذی است که اسرائیل برای به دست آوردن اطلاعات درباره نیاز حزب الله به خرید «پیجرها» و زمان قرارداد خرید و اجرای آن است. به این ترتیب انفجارهای اخیر یکبار دیگر شکست رژیم جمهوری اسلامی را در برابر برتری اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل ثابت می‌کند.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● از جمله موفقیت‌های برتر اسرائیل سرعت آرشو هسته‌ای ایران، ترور محسن فخری‌زاده عامل هسته‌ای و ربودن یکی از افسران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بازجویی از او در داخل ایران و سپس ترور اسماعیل هنبه در قلب تهران است که بر اساس نظارت دقیق و پیگیری تحرکات رژیم ایران و گروه‌های وابسته به آن انجام گرفت. همه این عملیات‌ها نشان از سرآمدی و برتری تصورناپذیر اسرائیل بر حکومت ایران و «محور مقاومت» اش دارد.

● نفوذ اطلاعاتی اسرائیل تنها در گمراه کردن حزب الله لبنان یا رژیم ایران در ارتباط با خریداری این پیجرها نیست بلکه مهم‌تر از آن نفوذی است که اسرائیل برای به دست آوردن اطلاعات درباره نیاز حزب الله به خرید «پیجرها» و زمان قرارداد خرید و اجرای آن است. به این ترتیب انفجارهای اخیر یکبار دیگر شکست رژیم جمهوری اسلامی را در برابر برتری اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل ثابت می‌کند.

هدی رؤوف (ایندپیندنت عربی) - انفجار دستگاه‌های مکالمه داخلی یا «پیجر» اعضا و وابستگان حزب الله اهمیت نقش معلومات اطلاعاتی در نفوذ میان صفوف دشمن را نشان می‌دهد. اسرائیل در تمامی عملیات‌های اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان، الگوی رویارویی خود را به کلی تغییر داده است. تل‌آویو عملاً به «محور مقاومت» به رهبری رژیم تهران اعلام کرد که قادر است بدون یک جنگ نظامی همه‌جانبه، حملات گسترده‌ای را برای بازدارندگی پیش ببرد. شاید زمانی که رژیم ایران شعار «وحدت عرصه‌های مقاومت در برابر اسرائیل» را مطرح کرد، هیچ تصور نمی‌کرد که تل‌آویو پیش از آن نه تنها از همین اصل پیروی می‌کند بلکه در جهت عکس آن یعنی جنگ همزمان با بیش از یک عرصه خود را آماده‌تر از گذشته کرده است.

اسرائیل و رژیم ایران هر دو به رویارویی و زیان رساندن به منافع یکدیگر از طریق «جنگ در سایه» عادت کرده بودند؛ جنگی که اشکال مختلفی از جمله جنگ دریایی، جنگ سایبری و ترور افراد و شخصیت‌های موثر در این نزاع، داشته است اما تل‌آویو در انجام عملیات‌های نفوذ اطلاعاتی-امنیتی در داخل ایران سرآمد است. از جمله موفقیت‌های برتر اسرائیل سرعت آرشو هسته‌ای ایران، ترور محسن فخری‌زاده عامل هسته‌ای و ربودن یکی از افسران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بازجویی از او در داخل ایران و سپس ترور اسماعیل هنبه در قلب تهران است که بر اساس نظارت دقیق و پیگیری تحرکات رژیم ایران و گروه‌های وابسته به آن انجام گرفت. همه این عملیات‌ها نشان از سرآمدی و برتری تصورناپذیر اسرائیل بر حکومت ایران و «محور مقاومت» اش دارد.

نیروهای اطلاعاتی اسرائیل همچنین به تأسیسات تسلیحاتی ایران در منطقه «مصیاف» در داخل سوریه حمله کردند و دو عضو ایرانی آن مرکز را ربودند. تمامی این عملیات‌ها توسط اسرائیل انجام شده‌اند که برخی از آنها نقض حاکمیت ارضی ایران قلمداد شده اما همه آنها بر نفوذ اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل که رژیم ایران به شدت از آن رنج می‌برد، تأکید دارند. در همین چارچوب است که اسرائیل سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر اقدام به منفجر کردن پیجرهای افراد حزب الله کرد.

➔ آنچه برای ایالات متحده مهم است، اقدامات نه اظهارات.

وی تأکید کرد، «اگر حکومت ایران خواهان روابط بهتر با ایالات متحده است، می‌تواند این را با همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، متوقف کردن حمایت از گروه‌های تروریستی و عدم سرکوب زنان نشان دهد.»



ایزابت استیکنی سخنگوی فارسی وزارت خارجه دولت جو بایدن / ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

پرسش دوم از استیکنی درباره همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی با روسیه بود. وی در پاسخ به این پرسش که در صورت متوقف نشدن پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی از روسیه چه گزینه‌هایی روی میز قرار می‌گیرد؟ گفت: «روسیه محموله‌های موشک بالستیک ایران را دریافت کرده و انتظار می‌رود که طی چند هفته آینده از این موشک‌های بالستیک استفاده کند. این یک تشدید بسیار عمده تنش‌هاست. همانطور که دیده‌اید، ما اقدام کردیم و ایران‌ایر را تحریم کردیم.»

وی در اینبار افزود: «نکته مهم این است که ما همچنین به همراه فرانسه، بریتانیا و آلمان اقدام کردیم. پیام ما روشن است: حمایت نظامی از روسیه هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت.»

دولت بایدن از حدود چهار سال پیش به امید «احیای برجام» روابط خود را با تهران به نحوی تنظیم کرد که میلیاردها دلار پول بلوکه شده به جیب آیت‌الله‌ها سرازیر شد اما نه تنها مذاکرات به نتیجه نرسید بلکه تروریسم در منطقه تقویت شد. با اینهمه در دومین سالگرد خیزش ۱۴۰۱ بایدن برخی اختیارات مربوط به تحریم‌های حکومت ایران را به وزارت خارجه، خزانه‌داری و وزارت دفاع ایالات متحده تفویض کرد. آنچه به «قانون مهسا» مشهور است نیز ذیل همین دستورالعمل قرار دارد.

بر این اساس «قانون توقف خرید نفت ایران» شامل «مسدود کردن دارایی‌ها و سود ناشی از اموال اشخاص خارجی تحریم شده در آمریکا» به اجرا گذاشته می‌شود. همچنین «قانون مبارزه و مقابله با صادرات گسترده موشک‌های ایران» نیز به وزیر خزانه‌داری تفویض شد که این بخش شامل «اعمال تحریم‌ها بر صادرات قطعات و فناوری به ایران» است. «قانون مهسا» راه را برای تحریم علی خامنه‌ای و اطرافیان او نیز هموار می‌کند.

اعترافات پزشکيان درباره جنگ جمهوری اسلامی با اسرائيل و تلاش تیم ظریف برای احیای «جسد پوسیده برجام»!



کنفرانس خبری پزشکيان با همراهی ظریف و عراقچی در نیویورک / مهرماه ۱۴۰۳

آمریکا انتظار ندارد به زودی با دولت ایران مذاکره کند.

دیدار با بلینکن به مصلحت نیست

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ارتباط با احتمال دیدار با مقامات آمریکایی گفت، «ما در صورتی که دیگر طرفین آمادگی داشته باشند، آماده هستیم و می توانیم شروع دیگری برای این مذاکرات در این سفر داشته باشیم.» وی در عین حال تأکید کرده که دیدار با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا «به مصلحت نیست!» و «ما هنوز راه زیادی تا انجام مذاکرات مستقیم پیش رو داریم.»

عراقچی همچنین با اشاره به اینکه برجام به نوعی مدیریت «رفع تخصص» بود، افزود: «وظیفه ما در سیاست خارجی این است که اگر اختلافات و تخصصی بین ما و برخی از کشورها و به خصوص آمریکا به وجود آمده است، آن را کاملاً رصد کرده و تدبیر کنیم که چگونه هزینه ها را برای کشور و مردم کاهش دهیم.»

عباس عراقچی رد و بدل شدن پیامها از طریق سوئیس میان تهران و واشنگتن را تأیید کرد اما هشدار داد که «شرایط بین المللی کنونی از جمله مسئله اوکراین از سرگیری مذاکرات را پیچیده تر و دشوارتر از قبل کرده است.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این پرسش که آیا مجوزهای لازم برای مذاکره صادر شده؟ گفت: «دیپلماتها هیچوقت بدون مجوز کار و حرکت نمی کنند.» روزنامه «هم میهن» روز سه شنبه سوم مهرماه در تیتراژ اول خود اشاره کرده «تیم برجام» شامل سه چهره اصلی مذاکرات اتمی با پزشکيان به نیویورک رفته اند. اغلب روزنامه های داخلی ایران نسبت به «از سر گرفتن مذاکرات هسته ای» ابراز امیدواری کرده اند.

در جریان سفر پزشکيان و تیم همراه به نیویورک زمره هایی نیز در مورد گفتگوهای پشت پرده میان

کرد که جنگ اسرائیل در غزه و با حزب الله لبنان و دیگر نیابتی ها، جنگ با جمهوری اسلامی است!

وی صحبت های دیگری نیز داشت که حاشیه ساز شد، از جمله اینکه گفت «من سیاست بلد نیستم» و همچنین عنوان کرد «اسرائیل نه تنها تا حالا هرگز با مپ اتم تهدید نکرده بلکه اساساً هرگز اذعان نکرده که مپ اتم دارد.» ساعاتی بعد اما عراقچی نقل قول های منتسب به پزشکيان را تکذیب کرد! این اظهارات پزشکيان با انتقاد شدید از سوی حزب اللهی ها و منابع نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روبرو شد.

دفاع ظریف از حق جمهوری اسلامی برای انتقام

به نظر می رسد بار اصلی مأموریت دولت پزشکيان در جریان سفر به نیویورک روی دوش محمدجواد ظریف و حلقه لابیگرنش گذاشته شده است. او که با عنوان نوظهور «معاون امور راهبردی» دولت معرفی شده است، همچنان ارتباط خوبی با رسانه های آمریکایی نیز دارد. ظریف در گفتگو با شبکه ان بی سی نیوز گفت، «ایران آماده همکاری با دیگر کشورها برای پایان دادن به جنگ غزه است.» ظریف همچنین تأکید کرد، «ایران حق دارد ترور هنیه را تلافی کند» و افزود: «به دنبال جنگ نیستیم، اما از خود دفاع خواهیم کرد.»

وی که در معامله اتمی سال ۲۰۱۵ (برجام) میان جمهوری اسلامی و دولت باراک اوباما نقش اساسی ایفا کرد، همچنان به دنبال روزنه ای برای احیا یا جایگزین کردن برجام که عمرش در اکتبر امسال به پایان می رسد می گردد. وی در این ارتباط توضیح داد، «دولت ترامپ با خروج از توافق هسته ای دچار اشتباه محاسباتی شد و آن اقدام باخت-باخت بود.»

با اینهمه پیشتر یک مقام ارشد دولت بایدن گفته بود که

● پزشکيان روز دوشنبه دوم مهرماه در سخنانی اسرائیل را متهم به دام پهن کردن برای جمهوری اسلامی و تلاش برای کشاندن پای ایران به جنگی کرد که به گفته او «پیروزی نخواهد داشت».

● او در نشست با مدیران رسانه های آمریکا، در حالی که ظریف و عراقچی در دو طرف وی با نگرانی مراقب حرف زدن او بودند، گفت: «تروریست، تروریست است، چه عجم، چه عرب، چه آمریکا، چه اسرائیل، چه ایران ما آماده تعامل هستیم. ما آماده ایم که تمام سلاح های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند.» ساعاتی بعد عراقچی این نقل قول ها را که اعتراف به جنگ جمهوری اسلامی در غزه و لبنان با اسرائیل است، تکذیب کرد.

● محمدجواد ظریف که به عنوان مشاور با پزشکيان به نیویورک رفته به شبکه سی ان بی سی گفت، «ایران حق دارد ترور هنیه را تلافی کند.» وی افزود: «به دنبال جنگ نیستیم، اما از خود دفاع خواهیم کرد.»

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا مجوزهای لازم برای مذاکره صادر شده؟ گفت: «دیپلماتها هیچوقت بدون مجوز کار و حرکت نمی کنند.»

مسعود پزشکيان با همراهی محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی به عنوان مشاور و عباس عراقچی معاون سابق ظریف و مسئول مذاکرات اتمی در دولت حسن روحانی به عنوان وزیر خارجه دولت چهاردهم برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفته است.

پزشکيان روز سه شنبه سوم مهرماه (به وقت تهران)، در نشست با رسانه های آمریکایی، اسرائیل را متهم به دام پهن کردن برای جمهوری اسلامی و تلاش برای کشاندن پای ایران به جنگی کرد که به گفته او «پیروزی نخواهد داشت». آنچه او گفت قبلاً از زبان عباس عراقچی نیز مطرح شده بود.

وی در حالی که ظریف و عراقچی در دو طرف او با نگرانی مراقب حرف زدن او بودند، با اشاره به ترور اسماعیل هنیه رهبر گروه تروریستی حماس در تهران و خودداری حکومت ایران از اقدام تلافی جویانه، بدون اشاره به نام آمریکا یا کشورهای مینانجی در اظهاراتی پراکنده توضیح داد: «به ما می گفتند که ما داریم گفتگو می کنیم. شما دست نگه دارید، ما می خواهیم صلح کنیم. ما دست نگه داشتیم ولی صلح نکردند. به ما قول دادند که یک هفته ای صلح می شود. روز به روز اسرائیل بیشتر مردم غزه را می زند و نابود می کند. ما بهتر از هر کسی می دانیم که اگر در منطقه جنگی در بگیرد به نفع هیچکس در منطقه و جهان نیست. ما نمی خواهیم بجنگیم. این اسرائیل است که می خواهد پای ما را به جنگ بکشاند و منطقه را ناامن می کند.» پزشکيان البته توضیح نداد که چرا جمهوری اسلامی جنگ در غزه را تا این حد موضوع و مشکل خود می داند و آن را به سرنوشت سیاست خارجی خود گره زده است!

در این کنفرانس خبری، اظهارات متناقض زیادی از پزشکيان شنیده شد. او در بخشی از این کنفرانس گفت: «تروریست، تروریست است، چه عجم، چه عرب، چه آمریکا، چه اسرائیل، چه ایران! ما آماده تعامل هستیم. ما آماده ایم که تمام سلاح های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند.» او با این سخنان اذعان

آکسیوس: حزب‌الله از ایران خواست به اسرائیل حمله کند اما پاسخ مثبت نگرفت



مراسم تشییع جنازه ابراهیم عقیل از فرمانده ارشد حزب‌الله / سپتامبر ۲۰۲۴

نظر پاسخ ندادند. اسرائیل و حزب‌الله طی دو هفته گذشته به شدت درگیر نبرد بوده‌اند. شمار زیادی از فرماندهان ارشد حزب‌الله در این درگیری‌ها کشته شدند. یکی از آنها ابراهیم قیسی فرمانده واحد موشکی حزب‌الله لبنان است که همراه پنج نفر دیگر روز سه‌شنبه در بیروت کشته شدند. حملات اسرائیل صدها نفر از جمله غیرنظامیان را کشته و هزاران نفر دیگر را در لبنان مجروح کرده است. ده‌ها هزار نفر از جنوب لبنان گریخته‌اند.

بیش از یک میلیون نفر در اسرائیل از منطقه حیفا تا مرز با لبنان زیر آتش گسترده‌ترین حملات موشکی و پهپادی حزب‌الله قرار دارند. اگرچه اغلب موشک‌ها رهگیری شدند اما چندین نفر در اثر اصابت آنها به مناطق مسکونی زخمی شده‌اند. حزب‌الله با کشته شدن بسیاری از فرماندهان ارشد نظامی و به خطر افتادن سیستم‌های ارتباطی آن، متحمل خسارات گسترده شده است. مقامات اسرائیلی گفتند که بخش بزرگی از زرادخانه موشکی این گروه را در چند روز گذشته منهدم کرده‌اند.

این در حالیست که جمهوری اسلامی متعهد شده ترور اسماعیل هنیه را تلافی کند. ایالات متحده و اسرائیل در آن زمان اعلام کردند که نگران این هستند که رژیم ایران یک حمله موشکی و پهپادی دیگر علیه اسرائیل انجام دهد. به گفته مقامات اسرائیلی، لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا روز یکشنبه ۲۲ سپتامبر در جریان یک تماس تلفنی با همتای اسرائیلی خود، یوآو گالانت، احتمال دخالت مستقیم ایران در جنگ لبنان را بررسی کرد.

سرلشکر پت رایدن سخنگوی پنتاگون در همین ارتباط گفت که آوستین در گفتگو با گالانت روشن کرده است که «آمریکا برای محافظت از نیروها و پرسنل ایالات متحده مصمم است تا هر بازیگر منطقه‌ای را از سوء استفاده از وضعیت یا گسترش درگیری باز دارد.»

● پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) به نقل از دو مقام اسرائیلی و یک دیپلمات غربی گزارش داد، حزب‌الله در روزهای اخیر از جمهوری اسلامی خواسته است که به اسرائیل حمله کند، اما ایران تا کنون از این کار خودداری کرده است.

● یک مقام ارشد اسرائیلی گفت که دستور کابینه امنیتی به نیروهای دفاعی اسرائیل، اجتناب از اقداماتی است که به رژیم ایران دلیل یا بهانه‌ای برای پیوستن به جنگ می‌دهد.

پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) به نقل از دو مقام اسرائیلی و یک دیپلمات غربی گزارش داد، حزب‌الله در روزهای اخیر از جمهوری اسلامی خواسته است که به اسرائیل حمله کند، اما ایران تا کنون از این کار خودداری کرده است.

در این گزارش آمده، حمله مستقیم جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل بطور چشمگیری منطقه را بی‌ثبات‌تر می‌کند و احتمالاً ایالات متحده را وارد جنگ فعال‌تری خواهد ساخت. دو مقام اسرائیلی گفتند که مقامات رژیم ایران به همتایان حزب‌الله خود گفته‌اند که برای اقدام علیه اسرائیل «زمان مناسب نیست»، زیرا مسعود پزشکیان در حال حاضر برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک بسر می‌برد. پزشکیان روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر در نشست خبری با خبرنگاران در نیویورک، اسرائیل را طرفی دانست که به دنبال جنگ گسترده‌تر در منطقه است و تاکید کرد که ایران نمی‌خواهد در این تله بیفتد.

یک مقام ارشد اسرائیلی گفت که دستور کابینه امنیتی به نیروهای دفاعی اسرائیل، اجتناب از اقداماتی است که به رژیم ایران دلیل یا بهانه‌ای برای پیوستن به جنگ می‌دهد. نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل و سخنگوی حزب‌الله به درخواست «آکسیوس» برای اظهار

مقامات جمهوری اسلامی و سیاستمداران غربی با کمک دلال‌های سیاسی و لابیگران رژیم مطرح شده است. در همین حال ویدئوی تریتا پارسى از اعضای سابق «نایاک» و یکی از اعضای ارشد «مؤسسه کوئینسی» (وابسته به جرج سوروس) در حال ورود به هتل هیلتون نیویورک محل اقامت پزشک‌ها و همراهان وی خرساز شده است.

راهروهای مقر سازمان ملل در نیویورک و هتل‌های اطراف آن همواره جزو محل‌هایی بوده که برای مقامات جمهوری اسلامی و دلال‌های سیاسی فرصت گفتگوهای پنهان برای طرفین غربی و به ویژه آمریکایی به وجود آورده است. اما اینبار یک تفاوت عمده با سال‌های قبل دارد و آن عدم حضور رابرت مالی مسئول میز ایران در وزارت خارجه دولت بایدن است که جانانه برای مامشات دولت آمریکا با جمهوری اسلامی فعالیت می‌کرد بطوری که به قیمت شغل‌اش تمام شد!

در خبری دیگر، در اطراف هتل هیلتون گزارشگر شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» تلاش کرد از تریتا پارسى پرسش‌هایی را مورد حضور تیم جمهوری اسلامی در نیویورک مطرح کند اما او بدون پاسخ و با گام‌های سریع از هرگونه پاسخی خودداری کرد. وی یکی از شاخص‌ترین چهره‌ها در ارتباط با تیم رابرت مالی برای معامله با رژیم ایران در سال‌های گذشته بوده است.

رابرت مالی و تیم او نقش اساسی در دلالتی میان تهران و واشنگتن داشتند اما از حدود دو سال پیش مجوز امنیتی مالی با اتهاماتی از جمله «سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده» لغو و از وزارت خارجه دولت بایدن کنار گذاشته شد. بلائز مالی پسر رابرت مالی کارمند مؤسسه‌ای است که تریتا پارسى از مدیران ارشد آنجاست.

شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» و مؤسسه «سمافور» مهرماه ۱۴۰۱ در گزارشی تحقیقی «شبکه لابیگران» جمهوری اسلامی را که شامل رابرت مالی و افرادی مثل عدنان طباطبایی، آرین طباطبایی، دینا اسفندیاری، روزبه پارسى (برادر تریتا پارسى) و علی واعظ بودند افشا کرد.

نتایج بررسی هزاران ایمیل مربوط به دیپلمات‌های جمهوری اسلامی، ارتباطات پنهان این افراد با برخی مقامات جمهوری اسلامی را روشن کرد. هدف آنها افزایش «قدرت نرم» حکومت ایران بود.

اینهمه در حالیست که در تهران افراد نزدیک به مرکز اصلی قدرت، بارها با صراحت گفته‌اند که برجام چیزی جز «جسد گندیده و متعفن» نیست.

حدود دو سال پیش (اواخر آذرماه ۱۴۰۱) در شرایطی که جمهوری اسلامی امیدوار به توافق با آمریکا بود، جو بایدن اعلام کرد «برجام مرده، اما فعلاً اعلام نمی‌کنیم.»

اکنون در شرایطی که جمهوری اسلامی زیر فشارهای شدید بین‌المللی قرار گرفته و برجام عملاً شکست خورده و مذاکرات در بن‌بست قرار دارد و واسطه‌ها و دلال‌هایی که بدون رابرت مالی همچنان انگیزه کار کردن با جمهوری اسلامی را دارند کار بسیار سخت و احتمالاً ناممکنی خواهند داشت تا معامله‌ای را بین رژیم ایران و دولت بایدن که دوره‌اش به پایان می‌رسد، جوش بدهند. به ویژه آنکه در آستانه برگزاری انتخابات در آمریکا رابطه با جمهوری اسلامی برای آمریکا در اولویت قرار ندارد.

گفتنی است که برخی افراد وابسته به نظام در داخل ادعا کرده‌اند که برای سفر مقامات جمهوری اسلامی به نیویورک، برای ۱۸۴ نفر تقاضای ویزا شده است! البته مشخص نیست به چند تقاضا پاسخ مثبت داده شده ولی شمار زیاد همراهان پزشکیان در این سفر مورد انتقاد وابستگان رژیم قرار گرفته است.

گفتگوی گروسی و عراقچی در نیویورک؛ بازی دوقطبی سازی با کلیدواژه «خلع سلاح»!



دیدار عراقچی و گروسی در نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۱۴

با طرفین غربی و به ویژه آمریکا فراهم کنند. به هر حال، این سخنان پزشکین خشم اصولگرایان و حزب‌اللهی‌ها را به دنبال داشت. در چنین فضایی محمدجواد ظریف برای ماله‌کشی وارد عمل شد و در شبکه «ایکس» نوشت: «دکتر پزشکین مستدل‌ترین دفاع از مقاومت مردم فلسطین، لبنان و یمن را در نیویورک بیان و با صریح‌ترین عبارات، جنایات رژیم اسرائیل و برخورد دوگانه کشورهای غربی با موضوعاتی همچون تسلیحات، جنگ و حقوق بشر را افشا کردند و نشان دادند که این اسرائیل نسل‌کش است که متجاوز، دارنده سلاح هسته‌ای و تهدید منطقه و جهان بوده و بر بنیاد ترور و آپارتاید شکل گرفته و تداوم یافته است، نه ایران که مدافع قربانیان اشغال و نسل‌کشی، منادی صلح و مطالبه‌گر خلع سلاح هسته‌ای در منطقه و جهان است.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اواسط خردادماه ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای اعلام کرد، «ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران از جمله ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در حال افزایش است و آژانس امکان راست‌آزمایی و نظارت بر تولید اورانیوم و فعالیت سانتریفیوژها، روتورها، آب سنگین و کنسانتره سنگ اورانیوم را [در ایران] از دست داده است.»

همچنین رافائل گروسی به عدم همکاری جمهوری اسلامی برای اجرای توافق‌نامه پادمانی NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی) اشاره کرد و افزود، «هیچ پیشرفتی در حل و فصل مسائل پادمانی باقیمانده ایجاد نشده است.» گروسی طی دو سال گذشته بارها اعلام کرد، «جمهوری اسلامی توضیحات فنی معتبری در رابطه با علت وجود ذرات اورانیوم با منشاء انسانی در ورامین و تورقوزآباد به آژانس ارائه نداده یا آژانس را از مکان(های) فعلی مواد هسته‌ای و یا تجهیزات آلوده [به اورانیوم] مطلع نکرده است.» وی همچنین اشاره کرد که با توجه به عدم پایبندی جمهوری اسلامی به تعهداتش، آژانس در موقعیتی نیست که صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی ایران را تضمین کند.

شبه‌نظامیان برای جنگ نیابتی با اسرائیل! شماری از تحلیلگران از جمله احمدزیدآبادی فعال سیاسی اصلاح‌طلب منظور پزشکین را «خلع سلاح منطقه‌ای و موشکی» تفسیر کرده‌اند؛ اما برخی دیگر گفته‌اند پزشکین غیرمستقیم اعتراف کرد که جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دسترسی دارد و آماده است در ازای خلع سلاح اسرائیل،



ماله‌کشیدن روی سخنان مسعود پزشکین؛
اعلام آمادگی برای «کنار گذاشتن سلاح»
حزب‌اللهی‌ها را عصبانی کرد

«همه سلاح»‌های خود را کنار بگذارد. شماری دیگر اما معتقدند آنچه پزشکین به زبان آورد، با هماهنگی علی خامنه‌ای است زیرا نظام در شرایطی قرار دارد که مجبور است نشان دهد در دولت «کسانی قدرت دارند» که مخالفت سیاست‌های کلان نظام هستند تا شاید بار دیگر با بازی دوقطبی‌سازی بتوانند زمینه را برای مذاکره

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک دیدار و گفتگو کرد.

● وی در همین ارتباط در شبکه «ایکس» نوشت، «دیدار و برقراری مجدد تماس با وزیر امور خارجه ایران در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک قبل از سفر آتی من به تهران مهم است.»

● دیدار گروسی و عراقچی در حالی انجام شد که مسعود پزشکین در دیدار با مدیران رسانه‌های آمریکایی در اظهاراتی جنجالی پس از هشدار نسبت به تهدیدات اتمی اسرائیل گفت: «ما آماده‌ایم که تمام سلاح‌های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند.»
● پزشکین که در این سخنان، جمهوری اسلامی را طرف جنگ با اسرائیل قرار داده، اشاره نکرد منظورش بطور دقیق کدام سلاح است؟ سلاح اتمی یا تأمین مالی و تسلیحاتی از شبه‌نظامیان برای جنگ نیابتی با اسرائیل!

● شماری از تحلیلگران از جمله احمدزیدآبادی فعال سیاسی اصلاح‌طلب منظور پزشکین را «خلع سلاح منطقه‌ای و موشکی» تفسیر کرده‌اند؛ اما برخی دیگر گفته‌اند پزشکین غیرمستقیم اعتراف کرد که جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دسترسی دارد و آماده است در ازای خلع سلاح اسرائیل، «همه سلاح»‌های خود را کنار بگذارد.

● شماری دیگر اما معتقدند آنچه پزشکین به زبان آورد، با هماهنگی علی خامنه‌ای است زیرا نظام در شرایطی قرار دارد که مجبور است نشان دهد در دولت «کسانی قدرت دارند» که مخالفت سیاست‌های کلان نظام هستند تا شاید بار دیگر با بازی دوقطبی‌سازی بتوانند زمینه را برای مذاکره با طرفین غربی و به ویژه آمریکا فراهم کنند.

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک دیدار و گفتگو کرد.

● وی در همین ارتباط در شبکه «ایکس» نوشت، «دیدار و برقراری مجدد تماس با وزیر امور خارجه ایران در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک قبل از سفر آتی من به تهران مهم است.»

● گروسی پیش از این در جریان نشست عمومی آژانس در وین، با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی دیدار کرده بود.

دیدار با عراقچی در شرایطی صورت گرفت که بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمهوری اسلامی همچنان با بازسان آژانس همکاری نمی‌کند و پاسخگوی علت وجود ذرات اورانیوم ممنوعه با منشاء انسانی در سایت‌های اعلام نشده در ایران نیست.

همچنین این گفتگو در حالی انجام شد که مسعود پزشکین در دیدار با مدیران رسانه‌های آمریکایی در اظهاراتی جنجالی پس از هشدار نسبت به تهدیدات اتمی اسرائیل گفت: «ما آماده‌ایم که تمام سلاح‌های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند.»

● پزشکین که در این سخنان، جمهوری اسلامی را طرف جنگ با اسرائیل قرار داده، اشاره نکرد منظورش بطور دقیق کدام سلاح است؟ سلاح اتمی یا تأمین مالی و تسلیحاتی از

هشدار اروپا به پزشک‌ها در مورد ارسال موشک به روسیه و نقض حقوق بشر؛ جو زپ بول: خطوط ارتباطی با جمهوری اسلامی را باز نگه می‌داریم!



دیدار مسعود پزشکیان با شارل میشل رئیس شورای اروپا / نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۴

از عملکرد خود و دستیارانش در قبال جمهوری اسلامی از جمله دیدار با نمایندگان حکومت ایران در نیویورک، تأکید کرد «ما باید خطوط ارتباطی را باز نگه داریم.»
وی در جمع خبرنگاران توضیح داد: «متأسفانه، آخرین وزیر خارجه [حسین امیرعبداللهیان] همانطور که می‌دانید در یک سانحه هلی‌کوپتر کشته شد. من وزیر جدید [عراقچی] را می‌شناسم زیرا در گذشته با او کار کرده‌ام. ما در مورد همه چیز، به ویژه توافق هسته‌ای و حمایت از روسیه بحث خواهیم کرد. ما باید خطوط ارتباطی با ایران را باز نگه داریم.»

وی در توجیه ضرورت باز نگه داشتن خطوط ارتباطی با حکومت ایران گفت: «به همین دلیل است که مدیر سیاسی من [انریکه مورا] در مراسم تحلیف [پزشکیان] در ایران شرکت کرد. ما به گفتگو با ایران ادامه خواهیم داد از جمله برای اینکه به آنها بگوییم چه اشتباهی انجام می‌شود.»

این در شرایطی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا بجای اعزام وزرای خارجه یا مقامات بلندپایه خود، ترجیح داده بودند نمایندگان سطح پایین‌تر خود را برای شرکت در مراسم تحلیف پزشکیان به تهران اعزام کنند.

رسانه‌های حکومتی با برجسته ساختن مواضع بول در مورد «ضرورت باز نگه داشتن خطوط ارتباطی با ایران» آن بخش از صحبت‌های دستیار وی در مورد نقض حقوق بشر و هشدارها در مورد تهدیدات رو به افزایش جمهوری اسلامی را سانسور کرده‌اند.

شماری از تحلیلگران بر این باورند که گسترش تنش‌ها در خاورمیانه، اقدامات تروریستی و افزایش افراط‌گرایی در اروپا و پیشرفت برنامه‌های غیرقانونی اتمی جمهوری اسلامی ناشی از مداخلات رهبران اروپا و دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی است. به باور آنها نتیجه همین روند است که رژیم ایران در جنگ علیه اوکراین با تمام توان از روسیه پشتیبانی می‌کند.

مورد علاقه و نگرانی دوجانبه از طریق دیپلماسی محترمانه رسیدگی کند.»

دیدار مقامات ارشد اروپایی با نمایندگان جمهوری اسلامی با انتقادات زیادی روبرو شده است به ویژه آنکه جو زپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا یکی از کسانی است که با استدلال‌های خود بر اساس منافع اتحادیه اروپا



جو زپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است.

انریکه مورا دستیار بول یکی از کسانی است که برای حضور در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به ایران سفر کرد. بول که او نیز واپسین دوران مأموریت خود را به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا طی می‌کند، در دفاع

در شرایطی که طیف گسترده‌ای از رویدادها از جمله ارسال تسلیحات از رژیم ایران به روسیه و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی، روابط بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی را به پایین‌ترین حد خود رسانده است، مقامات اروپایی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با مقامات حکومت ایران دیدار کردند.

بر اساس گزارش منابع اروپایی، شارل میشل رئیس شورای اروپا با تکرار نگرانی‌های اروپا به پزشک‌ها در مورد «تحویل سلاح به روسیه، بی‌ثبات کردن منطقه از طریق نیابتی‌ها، بازداشت شهروندان اروپایی در ایران، برنامه هسته‌ای و وضعیت حقوق بشر» هشدار داد و از مقامات تهران خواست از افزایش تنش‌ها جلوگیری کنند.

دیدار مقام‌های ارشد اروپایی با نمایندگان جمهوری اسلامی با انتقادات زیادی روبرو شده به ویژه آنکه جو زپ بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا یکی از کسانی است که مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی این اتحادیه است.

بول که واپسین دوران مأموریت خود را به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا طی می‌کند در دفاع از عملکرد خود و دستیارانش در قبال جمهوری اسلامی از جمله دیدار با نمایندگان حکومت ایران در نیویورک، تأکید کرد «ما باید خطوط ارتباطی را باز نگه داریم.»

در شرایطی که طیف گسترده‌ای از رویدادها از جمله ارسال تسلیحات از رژیم ایران به روسیه و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی، روابط بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی را به پایین‌ترین حد خود رسانده است، مقامات اروپایی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با مقامات حکومت ایران دیدار کردند.

شارل میشل رئیس شورای اروپا در واپسین روزهای خود در این مسئولیت، روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) با مسعود پزشکیان دیدار کرد.

بر اساس گزارش منابع اروپایی، میشل در این دیدار با تکرار نگرانی‌های اروپا به پزشک‌ها در مورد «تحویل سلاح به روسیه، بی‌ثبات کردن منطقه از طریق نیابتی‌ها، بازداشت شهروندان اروپایی در ایران، برنامه هسته‌ای و وضعیت حقوق بشر» هشدار داد و از مقامات تهران خواست از افزایش تنش‌ها جلوگیری کنند.

فشار به مقامات جمهوری اسلامی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در حالی صورت می‌گیرد که طی هفته‌های اخیر بارها دولت‌های غربی در مورد ارسال موشک‌های بالستیک دوربرد از ایران به روسیه هشدار دادند و به تلافی این اقدام تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کردند.

مسعود پزشکیان در سفر به نیویورک ادعا کرده که برای مذاکره آماده است. اما مقامات غربی تأکید می‌کنند که به این زودی‌ها، به ویژه تا برگزاری انتخابات نوامبر در آمریکا، هیچ چشم‌اندازی برای گفتگو درباره لغو تحریم‌ها نمی‌بینند.

مجید تخت روانچی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از گفتگو با هم‌تایان اروپایی خود گفت: «ایران آماده است با حسن نیت به وظایف خود عمل کند [و] به مسائل

متهم به سوء قصد علیه رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده:

«ترامپ با قطع رابطه با رژیم ایران باعث فروپاشی خاورمیانه شد!»

اعلام کردند که اسلحه و جلیقه ضدگلوله در محل حادثه رها شده بود. بر اساس این گزارش، در جریان بازرسی ماشین شاسی‌بلند، علاوه بر سایر اشیاء، دو پلاک اضافی، شش تلفن همراه، دوازده جفت دستکش، و فهرستی دست‌نویس از تاریخ‌های ماه‌های اوت، سپتامبر و اکتبر همراه با اماکنی که ترامپ قرار بود در آنها حضور داشته باشد، کشف شد. بازرسان همچنین دفتری یافتند که «ده‌ها صفحه آن حاوی نام‌ها و شماره‌های تلفن مرتبط با اوکراین، مباحثی درباره چگونگی پیوستن به نبرد به سود اوکراین، و یادداشت‌هایی در نقد دولت‌های چین و روسیه بود.»

رایان وسلی روث، فردی که به عنوان مظنون در سوء قصد احتمالی به جان دونالد ترامپ در باشگاه گلف او در فلوریدا متهم شده است، سال گذشته در کتابی که خود منتشر نموده، از رژیم ایران درخواست کرده بود تا رئیس جمهور پیشین آمریکا را به قتل برساند.

در این کتاب با نام «جنگ بدون برنده اوکراین»، وی اعتراف کرده که رأی دادن به ترامپ اشتباهی فاحش بوده و او را به عنوان «دلکنی نابخرد» توصیف کرده است.

او ادامه داد: «من باید بخشی از مسئولیت انتخاب آن کودک عقب‌مانده‌ای را که به عنوان رئیس جمهور بعدی برگزیدیم و در نهایت بی‌فکر و بی‌خرد از آب درآمد، بر عهده بگیرم. اما به اندازه کافی مرد هستم که اذعان کنم قضاوتم اشتباه بود و خطایی بزرگ مرتکب شدم. ایران! از شما پوزش می‌طلبم.» وی این سخنان را پس از سرزنش رئیس جمهور پیشین ایالات متحده به دلیل ترک توافق هسته‌ای با تهران نوشته است.

«شما مجازید مرا به دلیل اشتباه در قضاوتم و نیز ترامپ را به خاطر نابودی توافق هسته‌ای، به قتل برسانید.» این کتاب الکترونیک هنوز به قیمت ۲ دلار و ۹۹ سنت در آمازون قابل دسترسی است. او همچنین نوشته: «به نظر می‌رسد که تمامی مشکلات جهان پیرامون مردانی با حس ناامنی‌های شدید و هوش و رفتار کودکانه می‌چرخد.»

او تأکید کرده: «باید به جایی برسیم که رهبران همواره یک زن باشند تا بتوانیم از این جنون ناشی از تستوسترون و خودبرتربینی مردانه اجتناب کنیم.»

او همچنین به بررسی سایر بحران‌های بین‌المللی مهم می‌پردازد. روث درباره کشور طرد شده و دارای تسلیحات هسته‌ای کره شمالی می‌نویسد: «حل مسائل ما با کره شمالی ساده‌ترین چالش در عرصه جهانی است.»

وی افزوده: «من با کمال میل آمادگی خود را برای رپوده شدن توسط کره شمالی اعلام و حاضرم سال‌ها با آنها همکاری کنم تا به یکایک آنها نشان دهم که آمریکایی‌ها دشمن نیستند.»

صدها پست در شبکه‌های اجتماعی، نشان‌دهنده تغییرات شدید دیدگاه‌های او از چپ به راست و برعکس است.

در زمان‌های مختلف، او به حمایت از برنی سندرز، سوسیالیست دموکرات، یا حتی خود ترامپ پرداخته است. اما اوایل امسال، به وضوح اعلام کرد که از رئیس جمهور پیشین ناامید شده است. او در ماه آوریل در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «دموکراسی در رأی‌گیری است و ما نمی‌توانیم شکست بخوریم.»

تنها سه هفته پیش از آن، سوزان کراب تری، که

غیرنظامی» در اختیار اف‌بی‌آی قرار گرفته، روث ظاهراً پیش‌بینی کرده بوده که در نهایت در کشتن ترامپ ناکام خواهد ماند. وی نوشته: «جهان عزیز، این اقدام به سوء قصد به جان دونالد ترامپ بود، اما از اینکه در انجام آن ناکام ماندم و شما را ناامید ساختم، متأسفم!»

در این پیام آمده: «من با تمام توان و اراده‌ای که در خود یافته‌ام، به این کار پرداختم. اکنون وظیفه شماس است که این مأموریت را به انجام برسانید؛ و من دستمزدی به مبلغ ۱۵۰ هزار دلار به هر کس که بتواند این مأموریت را به نتیجه برساند، خواهم داد.»

در این یادداشت، از نحوه عملکرد ترامپ در امور خاورمیانه انتقاد شده و چنین آمده که وی «روابط با ایران را همچون کودکی قطع کرد و اکنون خاورمیانه دچار فروپاشی شده است.»

بر اساس گزارش‌ها، روث «چندین ماه پیش» از اقدام به این سوء قصد، این یادداشت را در منزل شاهی ناشناس بجا گذاشته بود. در این پرونده، دادستان‌ها خواستار بازداشت او تا زمان برگزاری دادگاه بعدی شدند.

در این گزارش آمده است: «پس از اطلاع از حادثه ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴ در کلپ گلف بین‌المللی ترامپ، شاهد مربوطه اقدام به گشودن جعبه نموده و گفته در آن، مهمات، یک لوله فلزی، مصالح ساختمانی متفرقه، ابزارآلات، چهار دستگاه تلفن همراه و نامه‌های متعدد بوده است.»

روث بیش از یک ماه در محوطه زمین گلف «ترامپ اینترنشنال» در ساحل «وست پالم» کمین کرده و ظاهراً دونالد ترامپ را با یک تفنگ هدف گرفته بود.

اعضای تیم حفاظتی سرویس مخفی ترامپ، رایان وسلی روث را مشاهده کردند که لوله تفنگ را از میان بوته‌ها در حاشیه زمین گلف بیرون می‌آورد و به تعقیب او پرداختند. اندکی بعد، وی را در یک ماشین نیسان اکسترا که پلاکی متعلق به اتومبیل دیگری داشت، دستگیر کردند. مقامات

«باید به جایی برسیم که همه رهبران همواره یک زن باشند تا بتوانیم از این جنون ناشی از تستوسترون و خودبرتربینی مردانه اجتناب کنیم!»

«من با کمال میل آمادگی خود را برای رپوده شدن توسط کره شمالی اعلام و حاضرم سال‌ها با آنها همکاری کنم تا به یکایک آنها نشان دهم که آمریکایی‌ها دشمن نیستند.»

مردی از ایالت فلوریدا که به اقدام جهت سوء قصد نافرجام علیه دونالد ترامپ در روز پانزدهم سپتامبر متهم شده، طرحی را در نامه‌ای به صورت دست‌نوشته نیز ترسیم کرده بود. در این نامه، وی به هر کس که قادر باشد رئیس جمهور پیشین ایالات متحده را به قتل برساند، وعده پرداخت پاداشی به مبلغ هنگفت شش رقمی داده است.

این یادداشت در گزارشی بود که روز دوشنبه ۱۶ سپتامبر از سوی دادستان‌ها، پیش از جلسه به دادگاه ارائه گردید. این گزارش به حضور رایان وسلی روث در این جلسه نیز اشاره داشت، فردی که به دو مورد جرم مرتبط با اسلحه در ادعای سوء قصد به جان دونالد ترامپ متهم شده است.

روث در دادگاه فدرال «وست پالم بیچ» حاضر شد و محاکمه به فرمان قاضی رایان مک کیب، قاضی فدرال ایالات متحده، به پایان رسید. در این جلسه، قاضی حکم به بازداشت روث ۵۸ ساله ساکن‌هاوایی، بدون امکان آزادی با قرار وثیقه داد.

دادستان‌ها اظهار داشتند که روث، که پیش از این ساکن ایالت کارولینای شمالی بود، هیچگونه پیوندی با جنوب فلوریدا نداشته و تنها به منظور قتل دونالد ترامپ به این منطقه سفر کرده است. آنان اعلام نمودند که در موعد مقرر، شواهد لازم را به هیئت منصفه ارائه خواهند داد تا بررسی‌های لازم برای افزایش و تشدید اتهامات علیه او صورت پذیرد.

طبق این گزارش، این یادداشت که از سوی «یک شاهد



رایان وسلی روث پس از دستگیر شدن

سخنرانی ترامپ در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی»: می‌دانم جمهوری اسلامی منشأ همه بی‌ثباتی‌های خاورمیانه است



ارتباط پیش‌بینی کرد اگر کامالا هریس رئیس جمهور شود ممکن است «موجودیت اسرائیل» به خطر بیفتد. بخشی از سخنرانی ترامپ رو به خارجی‌های مقیم آمریکا بود که حامی تروریست‌ها هستند. وی تأکید کرد: «ما طرفداران خارجی جهاد اسلامی و حامیان حماس را اخراج خواهیم کرد. اگر از آمریکا متنفرید، اگر خواستار نابودی اسرائیل هستید فوری شمار را از این کشور بیرون می‌کنیم.» بخشی از سخنرانی ترامپ مرتبط با مسائل خاورمیانه و به طور مشخص تهدیدات جمهوری اسلامی بود.

رئیس جمهور سابق آمریکا، تأکید کرد که می‌داند جمهوری اسلامی منشأ همه بی‌ثباتی‌ها در منطقه است و هشدار داد در صورت پیروزی کامالا هریس در انتخابات، خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی افزایش پیدا می‌کند.

ترامپ با اشاره به حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل که طی آن بیش از ۱۲۰۰ نفر از جمله صدها زن و کودک کشته شدند گفت که اگر او رئیس جمهور بود این اتفاق نمی‌افتاد. نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ اشاره کرد که جمهوری اسلامی حامی اصلی تروریسم در منطقه است اما در دوران ریاست جمهوری وی با اجرای تحریم‌ها حکومت ایران «فاقد منابع مالی» برای این قبیل فعالیت‌های تروریستی بود.

وی در بخشی از این سخنرانی به حملات سایبری گسترده از جانب حکومت ایران به کارزار انتخاباتی خود اشاره کرد و گفت: «ایران اطلاعات دست یافته از طریق جاسوسی در کمپین من را در اختیار کامالا هریس گذاشته! این خودش به تنهایی باید موجب رأی آوردن من شود!»

دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روز جمعه ۳۰ شهریورماه در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی» (IAC) که در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، سخنرانی کرد.

ترامپ در بخشی از این سخنرانی هشدار داد انتخاب هریس پیامدهای وخیمی برای امنیت اسرائیل به همراه خواهد داشت و قول داد اگر او رئیس جمهور آمریکا شود با یهودی‌ستیزی در دانشگاه‌های آمریکا مقابله و روابط آمریکا و اسرائیل را تقویت کند.

وی با اشاره به اینکه در دوره ریاست جمهوری بایدن، «پیوند مقدس آمریکا و اسرائیل با مشکل جدی مواجه شده است» هشدار داد که ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری به «جنگ جهانی سوم» نزدیک شده است. او در همین

● دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جمعه ۳۰ شهریورماه در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی» (IAC) در «هتل هیلتون» واشنگتن گفت، در دوره ریاست جمهوری بایدن، «پیوند مقدس آمریکا و اسرائیل با مشکل جدی مواجه شد.»

● وی هشدار داد که ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری به «جنگ جهانی سوم» نزدیک شده و اگر کامالا هریس رئیس جمهور شود، ممکن است «موجودیت اسرائیل» به خطر بیفتد.

● رئیس جمهور سابق آمریکا، تأکید کرد که می‌داند جمهوری اسلامی منشأ همه بی‌ثباتی‌ها در منطقه است و هشدار داد در صورت پیروزی کامالا هریس در انتخابات، خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی افزایش پیدا می‌کند.

● او در بخشی از این سخنرانی به حملات سایبری گسترده از جانب حکومت ایران به کارزار انتخاباتی خود اشاره کرد و گفت: «حکومت» ایران اطلاعات دست یافته از طریق جاسوسی در کمپین من را در اختیار کامالا هریس گذاشته! این خودش به تنهایی باید موجب رأی آوردن من شود!»

دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روز جمعه ۳۰ شهریورماه در کنفرانس «شورای اسرائیلی آمریکایی» (IAC) که در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، سخنرانی کرد.

ترامپ در بخشی از این سخنرانی هشدار داد انتخاب هریس پیامدهای وخیمی برای امنیت اسرائیل به همراه خواهد داشت و قول داد اگر او رئیس جمهور آمریکا شود با یهودی‌ستیزی در دانشگاه‌های آمریکا مقابله و روابط آمریکا و اسرائیل را تقویت کند.

وی با اشاره به اینکه در دوره ریاست جمهوری بایدن، «پیوند مقدس آمریکا و اسرائیل با مشکل جدی مواجه شده است» هشدار داد که ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری به «جنگ جهانی سوم» نزدیک شده است. او در همین

شاید بهترین خبرنگار در حوزه امنیت خدمات مخفی در آمریکا باشد، گزارش داد: «برخی مقامات امنیت ملی ایالات متحده به این باورند که سازمان‌های مسئول حفاظت از امنیت رؤسای جمهور، رؤسای جمهور پیشین، نامزدهای ریاست جمهوری و خانواده‌های آنها، و همچنین وزرای قبلی و فعلی وزارت امور خارجه، با عناصر اطلاعاتی ایران در رابطه و همکاری‌اند» و این موضوع طبق اظهارات «سه منبع مطلع» مطرح شده است.

به نظر می‌رسد روث فردی ناپایدار از نظر روانی باشد که خود را متعهد و موظف به اجرای طرح‌های جنون‌آمیزی دانسته که ممکن است به اوکراین یا تایوان یاری رساند و در ادامه برای سوء قصد به جان ترامپ گام برداشته است.

با این حال، ارتباطات ظاهری او با یک قدرت خارجی متخاصم نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری در روزهای آتی است. لازم به یادآوری است که پس از تلاش نافرجام برای ترور ترامپ در ماه ژوئیه، منابعی ادعا کردند که «مقامات ایالات متحده» از طرح رژیم ایران برای قتل نامزد جمهوریخواه آگاه بوده‌اند.

این احتمال وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران در روث، که بطور پنهان به دنبال برقراری ارتباط با دولت‌های خارجی بوده، وسیله‌ای آسان برای پیشبرد نقشه خود یافته باشد. هرچند این احتمال ضعیف و شاید کاملاً نادرست باشد، اما قطعاً قانونگذاران در روزهای آینده این پرسش را مطرح خواهند کرد: آیا دولت ایالات متحده از این موضوع آگاه بوده که یک مجرم محکوم شده به اوکراین و تایوان سفر کرده، ظاهراً با افرادی در ایران (به گفته تایمز) ارتباط برقرار نموده، و خیال‌پردازی‌های ترور را در آمازون منتشر کرده است؟ آیا او موفق به ایجاد ارتباطات جدی با دولت‌های خارجی شده است؟

سوزان کراب تری می‌گوید: «از جمله افرادی که با آنها مصاحبه کردم، رایان وسلی روث، مرد ۵۸ ساله‌ای است که اف بی آی در حال تحقیق درباره او به عنوان مظنون در اقدامی است که «تلاش برای ترور» رئیس‌جمهور پیشین، دونالد جی. ترامپ، در روز یکشنبه (۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴) خوانده شده است.» او ادامه داد: «من از طریق همکار و دوست قدیمی‌ام نجیم رحیم از کابل، با وسلی روث ارتباط برقرار کردم. در این پیوند عجیب میان جنگجویان، در حالی که یک جنگ پایان می‌یافت و جنگ دیگری آغاز می‌شد، او از طریق منبعی در ایران، فردی که یک سرباز سابق عملیات ویژه افغانستان بود [لشکر فاطمیون که توسط جمهوری اسلامی از افغانستانی‌ها برای جنگ در سوریه و سرکوب در ایران سازماندهی شده‌اند] و تلاش می‌کرد از ایران خارج شده و در اوکراین بجنگد، از وجود روث آگاه شده بود.»

وی اضافه کرد: «هنگامی که در ماه مارس سال گذشته با وسلی روث صحبت کردم، او فهرستی از صدها افغان را که در ایران، پاکستان و افغانستان پراکنده بودند، تهیه کرده بود و قصد داشت به نحوی آنها را به اوکراین منتقل کند. او به یکی از افغان‌هایی که به وی کمک می‌کرد، گفته بود: من فقط یک غیرنظامی‌هستم.»

*منابع:

گزارش سی ان ان
گزارش ۱۶ سپتامبر روزنامه دیلی میل / عکس‌های رایان وسلی روث در دیلی میل
وبسایت unherd.com
گزارش نیویورک تایمز
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

بررسی نقش شاهزاده رضا پهلوی در رهبری جنبش آزادیخواهی ایران و چالش‌های موجود



سیاسی ارائه دهد، باید از نقد صرف فراتر رود و به ایجاد کنش‌های مؤثر بپردازد.

ملی‌گرایی، چهارچوب گذار از ایده امت اسلامی

در این راستا، توافقی عمیق بر این نکته وجود دارد که ایده ملی‌گرایی، هم در داخل و هم در میان ایرانیان خارج کشور به عنوان یکی از چهارچوب‌های اصلی برای گذار از نظام جمهوری اسلامی به یک نظام دموکراتیک و ملی، مورد پذیرش بخش وسیعی از ملت ایران قرار گرفته است. با وجود این، باید توجه داشت که ملی‌گرایی در ایران، تفاوت‌های بنیادین با ملی‌گرایی در جوامع غربی دارد. در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ملی‌گرایی دهه اخیر اغلب به عنوان واکنشی به فرآیندهای جهانی‌شدن و تضعیف منافع ملی در برابر جهانی‌شدن مطرح شده است. اما در ایران، پس از نزدیک به پنج دهه که جامعه ایران تحت سیطره ایده امت اسلامی قرار گرفته، مردم بار دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که آینده سیاسی کشور باید بر شالوده‌ای از ملی‌گرایی و هویت ایرانی بنا شود.

ایده ایران و ایرانی، در شرایط کنونی، معنایی فراتر از یک بازگشت ساده به گذشته دارد. در حقیقت، ملت ایران با عبور از تجربه ناکام جمهوری اسلامی، به دنبال بازسازی ملی‌گرایی در قالبی مدرن است؛ قالبی که بتواند به عنوان چارچوبی برای همبستگی و وحدت ملی عمل کند و مسیر حرکت جامعه را به سوی یک آینده روشن هدایت کند.

ضرورت فاصله‌گرفتن از رهبری‌های ناکارآمد و ایده‌های فرسوده

یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی در میان مخالفان نظام، مشکل رهبری و هدایت جنبش ملی و آزادیخواهی است. در این زمینه، باید به چند نکته مهم اشاره کرد. نخست، آندسته از گروه‌های مخالف رژیم همچون مجاهدین خلق، چپ‌های کمونیست، یا سلطنت‌طلبان افراطی، که هنوز در ایده‌های منسوخ و ناکارآمد پنجاه سال پیش دست و پا می‌زنند، نمی‌توانند نیرویی کارآمد برای رهبری جنبش

جمهوری وجود ندارد و تنها اجرای صحیح این دو نظام است که تعیین‌کننده خواهد بود. با این حال، با در نظر گرفتن شرایط فرهنگ کنونی ایران پس از نزدیک به پنج دهه دیکتاتوری قرون وسطایی مذهبی، تاریخ کهن کشور، حضور اقوام و زبان‌های متفاوت، و موقعیت حساس جغرافیایی و سیاسی در خاورمیانه، انتخاب نظام پادشاهی مشروطه را مناسب‌تر می‌دانم. در این نظام، پادشاه مشروطه به عنوان نماد همبستگی ملی می‌تواند موجب تقویت بنیان‌های ملی و دولتی شود.

در منطقه‌ای مانند خاورمیانه، که تجربه‌های جمهوریخواهی غالباً به سقوط در دیکتاتوری و یا کودتاهای نظامی پی در پی منجر شده است، نظام پادشاهی مشروطه می‌تواند الگویی موفق‌تر از ثبات و توسعه سیاسی ارائه دهد. این امر، به ویژه در برابر الگوهای جمهوریخواهانه‌ای که یا به نظام‌های استبدادی ابدی منجر شده‌اند و یا به کودتاهای نظامی، بیشتر احساس می‌شود.

از سوی دیگر، همانطور که شاهزاده رضا پهلوی بارها اشاره کرده‌اند، تعیین نوع نظام حکومتی آینده ایران باید از طریق یک انتخابات آزاد و رفراندوم، پس از سقوط رژیم اسلامی، توسط مردم ایران انجام شود. بنابراین، در این بحث تمرکز اصلی بر نقش و رهبری شاهزاده رضا پهلوی در دوران گذار و هدایت جنبش آزادیخواهی مردم ایران و مشکلات پیش راه آن است، نه نوع حکومت آینده.

ضرورت گذار اپوزیسیون از تکرار عیوب رژیم و بازسازی راهبردی

این روزها بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازنگری و بازتعریف در نقش اپوزیسیون به عنوان نیرویی که بتواند بجای تکرار صرف ناتوانی‌های رژیم، خود را به عنوان نیرویی پیشرو و اثرگذار در جهت تغییر اساسی در کشور مطرح کند، حس می‌شود. بارها در مقالاتم بر این مسئله تأکید کرده‌ام و معتقدم که اپوزیسیون اگر می‌خواهد راهبردی کارآمد برای سرنگونی رژیم و به‌دست گرفتن قدرت

ملی‌گرایی در ایران، تفاوت‌های بنیادین با ملی‌گرایی در جوامع غربی دارد. در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ملی‌گرایی دهه اخیر اغلب به عنوان واکنشی به فرآیندهای جهانی‌شدن و تضعیف منافع ملی در برابر جهانی‌شدن مطرح شده است. اما در ایران، پس از نزدیک به پنج دهه که جامعه ایران تحت سیطره ایده امت اسلامی قرار گرفته، مردم بار دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که آینده سیاسی کشور باید بر شالوده‌ای از ملی‌گرایی و هویت ایرانی بنا شود.

آندسته از گروه‌های مخالف رژیم همچون مجاهدین خلق، چپ‌های کمونیست، یا سلطنت‌طلبان افراطی، که هنوز در ایده‌های منسوخ و ناکارآمد پنجاه سال پیش دست و پا می‌زنند، نمی‌توانند نیرویی کارآمد برای رهبری جنبش باشند.

فعالان سیاسی داخل و خارج کشور نیز که عمدتاً در حوزه‌های مدنی و حقوق بشری فعالیت دارند، بیشتر به دنبال کسب نتایج از کمپین‌های حقوق بشری و مدنی هستند و توانایی لازم برای رهبری یک جنبش ملی گسترده را ندارند.

در این میان، تعداد افرادی که ممکن است در ارتباط با رهبری جنبش آزادیخواهی ملت ایران مطرح شده باشند، بسیار محدود است ولی در صدر همه، شاهزاده رضا پهلوی قرار دارد که از حمایت وسیع مردمی برخوردار است. ولی بسیاری بر این باورند که دایره مشاوران وی باید گسترش یابد و افرادی با دیدگاه‌های متنوع‌تر به او مشورت دهند تا بتواند به درستی نیازهای مختلف جامعه ایران را درک کرده و برای آنها راهکارهای مناسبی بیابد.

بهرام فرخی - در پی انتشار مقاله «حکومت بعدی ایران» از الاهه بقراط در وبسایت کیهان لندن، فرصت را غنیمت شمرده و بر خود لازم دانستم که به‌عنوان پاسخی به این مقاله، دیدگاه‌ها و نکاتی را که می‌توانند در روشن ساختن وضعیت رهبری جنبش آزادیخواهی مردم ایران و مشکلات پیش راه آن مؤثر باشند، مطرح کنم. امید است که این نوشته بتواند به تبیین بهتر موضوع و همچنین تسهیل درک صحیح‌تری از وضعیت کنونی کمک کند.

پیش از ورود به مباحث اصلی، ضروری می‌دانم که نقطه‌نظرات سیاسی و شخصی خود را برای خوانندگان عزیز روشن کنم. از دیدگاه من، در شرایط کنونی هرگونه بحث درباره نوع نظام حکومتی آینده ایران پس از سقوط جمهوری اسلامی، نوعی انحراف از مسیر اصلی مبارزه با این رژیم به شمار می‌آید. این به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن اهمیت مباحث حقوقی و سیاسی در مورد انواع سیستم‌های حکومتی نیست؛ بلکه این مباحث تخصصی می‌تواند توسط حقوقدانان و متخصصان سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و دستاوردهایشان در اختیار مردم ایران قرار گیرد. با اینهمه، بحث درباره نوع حکومت آینده نباید به عنوان موضوع شعارهای میدانی مطرح شود، چرا که موجب تفرقه میان مخالفان و منحرف شدن از هدف اصلی مبارزه می‌شود.

در این راستا، شاهزاده رضا پهلوی نیز بارها تأکید کرده‌اند که هیچ برتری خاصی میان دو نوع حکومت پادشاهی یا

دلیل این رویکردهای متناقض از پیوستن به جنبش تحت رهبری شاهزاده خودداری کرده‌اند.

نقش شهبانو فرح پهلوی و تأثیر آن بر جنبش آزادیخواهی

در این میان، نمی‌توان نقش شهبانو فرح پهلوی را نادیده گرفت. او که پس از انقلاب اسلامی به تبعید رفته، در تمام این سال‌ها به عنوان نماد مقاومت و اصالت ایرانی در برابر ظلم و استبداد شناخته شده است. ملکه شهبانو، با عشق به فرهنگ و هنر ایران و با پایداری در برابر مشکلات، همواره به دنبال حفظ میراث ملی بوده است. جایگاه او در میان مردم، چه در داخل و چه در خارج ایران، همچنان پابرجاست و محبوب عام و خاص است. حضور او در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، در کنار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، به ویژه زنان و جوانان، او را به نمادی از استقامت و ایستادگی تبدیل کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند از این میراث عظیم و تجارب شهبانو بهره‌برداري کند تا بتواند جنبشی گسترده‌تر و قدرتمندتر ایجاد کند. رهبری که بر شانه‌های چنین تجربه‌هایی ایستاده است، می‌تواند امید ملت ایران را زنده نگه دارد و با بهره‌گیری از دانش و خرد مشاوران برجسته در حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی، راهی برای اتحاد و همبستگی میان ایرانیان پیدا کند.

راهکارهای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی اپوزیسیون

برای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی کنونی و بازسازی اعتماد میان نیروهای اپوزیسیون، راهکارهایی پیشنهاد می‌کنم. یکی از این راهکارها، عدم دخالت و جانبداری از طیف سیاسی خاصی از طرف افرادی است که به عنوان «مشاور» شاهزاده تلقی شده‌اند و هیچ تأکید و تکذیبی هم در این زمینه صورت نگرفته که آیا آنها چنین نقشی را دارند یا نه.

از سوی دیگر، تجدید نظر در ترکیب مشاوران واقعی شاهزاده و گسترش دایره‌ی آنها با دیدگاه‌های متنوع‌تر و تجارب سیاسی در عرصه بین‌المللی و روابط دیپلماتیک که بتوانند او را در تصمیم‌گیری‌های مهم همراهی کنند، از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. این مشاوران باید فارغ از گرایش‌های «حزبی» بوده و تنها به «منافع ملی ایران» بیاورند و راه‌هایی برای ایجاد «اتحاد» میان نیروهای سیاسی بیابند و از تجارب دیپلماتیک و بین‌المللی آنها برای متقاعد کردن کشورهای لیبرال دموکراسی غرب در حمایت جنبش آزادیخواهی مردم ایران استفاده شود.

رهبری برای آینده‌ای روشن و دموکراتیک

در این روزهای پرآشوب، مردم ایران به رهبری نیاز دارند که بتواند با شجاعت و خرد، آنها را به سوی آینده‌ای روشن هدایت کند. شاهزاده رضا پهلوی با بهره‌گیری از موقعیت خاص خود در عرصه بین‌المللی و حمایت‌های شهبانو فرح، همچنان می‌تواند به عنوان نماد وحدت ملی در این جنبش نقش‌آفرینی کند. اما برای تحقق این هدف، نیاز است که او تصمیمات درستی اتخاذ کند، به شفافیت بیشتری در مواضع خود رسیده و با طیف‌های گسترده‌تری از نیروهای سیاسی به تفاهم برسد.

رهبرانی که با تدبیر و میانه‌روی، مردم خود را به سوی آزادی و عدالت هدایت کرده‌اند، همواره در تاریخ جاودان مانده‌اند.

* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

باشد. این گروه‌ها در حقیقت به دنبال دموکراسی و آزادی برای اکثریت مردم ایران نیستند و تنها اعتراض‌شان به رژیم اسلامی، از سر عدم مشارکت در قدرت است، نه از سر تعهد به حقوق مردم.

همچنین فعالان سیاسی داخل و خارج کشور که عمدتاً در حوزه‌های مدنی و حقوق بشری فعالیت دارند، با وجود ارزشمند بودن تلاش‌هایشان، قامت مناسبی برای رهبری جنبش آزادیخواهی ندارند. در واقع این افراد بیشتر به دنبال کسب نتایج از کمین‌های حقوق بشری و مدنی هستند و توانایی لازم برای رهبری یک جنبش ملی گسترده را ندارند.

نقش کلیدی شاهزاده رضا پهلوی در رهبری جنبش ملی

در این میان، تعداد افرادی که ممکن است در ارتباط با رهبری جنبش آزادیخواهی ملت ایران مطرح شده باشند، بسیار محدود است ولی در صدر همه، شاهزاده رضا پهلوی قرار دارد که از حمایت وسیع مردمی برخوردار است. مقاله‌ی الهه بقرات با تأکید بر اهمیت «ایده» در تحولات سیاسی ایران، به ویژه با اشاره به نقش رهبری ایده‌ها در انقلاب‌های موفق، یک نقطه نظر کلیدی را برجسته می‌کند: اینکه حکومت آینده ایران باید بر پایه‌ی یک ایده‌ی مشخص و مدرن بنا شود.

ایده‌ها و جنبش‌ها به شخصیت‌ها وابسته نیستند و در هر برهه زمانی، کسی پرچم آن ایده‌ها را به دست می‌گیرد. از این رو، جنبش ملی و آزادیخواهی مردم ایران نیز نباید متکی به یک فرد باشد. با این حال، در شرایط کنونی، حضور و رهبری شاهزاده رضا پهلوی نقشی کلیدی در پیشبرد این جنبش دارد.

همچنین باید توجه داشت که در جریان این مبارزه، شخصیت‌های ملی‌گرای جوان و تازه‌نفس نیز در کوره این مبارزات شکل خواهند گرفت و می‌توانند به عنوان نیروهای موثر در رهبری جنبش، در کنار شاهزاده رضا پهلوی، نقش‌آفرینی کنند.

با وجود این، عدم ظهور رقبای جدی برای شاهزاده پهلوی در عرصه رهبری جنبش آزادیخواهی، به این معنا نیست که وی تا کنون موفق به برآورده کردن انتظارات تمام قشرهای جامعه ایران شده است.

در سطور پیش رو سعی کرده‌ام چالش‌های پیش آمده برای جنبش آزادیبخش دموکرات مردم ایران را در ۱۸ ماه اخیر توضیح داده و به نوبه خود به عنوان یک شهروند و فعال سیاسی راهکارهایی ارائه دهم.

بن‌بست اپوزیسیون و چالش‌های رهبری شاهزاده رضا پهلوی

برخی منتقدان بر این باورند که شاهزاده رضا پهلوی تا کنون نتوانسته استراتژی جامع و شفافی برای ایجاد یک ائتلاف بزرگ میان اقشار مختلف جامعه ایران ارائه دهد. این عدم توانایی در جلب حمایت گسترده، به ویژه از سوی جوانان و فعالان حقوق بشر، یکی از مشکلات عمده‌ای است که جنبش آزادیخواهی با آن مواجه است. این گروه‌ها خواستار رهبری هستند که علاوه بر پایبندی به اصول دموکراسی و حقوق بشر، بتواند اتحاد میان گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را متحقق سازد.

یکی از چالش‌های اصلی شاهزاده رضا پهلوی در این مسیر، بازتعریف نقش خود در جنبش آزادیخواهی است. او باید نشان دهد که به تدریج می‌تواند خود را از تصویر وارث یک خاندان سلطنتی جدا کند و به عنوان یک رهبر دموکرات و مدافع حقوق بشر در عرصه جهانی شناخته شود. تنها در این صورت است که می‌تواند اعتماد اقشار گوناگون جامعه را جلب کند و از یک رهبر بالقوه به یک رهبر بالفعل تبدیل

شود. همچنین، از شاهزاده انتظار می‌رود که به صدای واحد و فراگیری در جنبش آزادیخواهی تبدیل شود؛ صدایی که نه تنها نماینده خواست‌های سنتی برخی اقشار خاص، بلکه بازتاب‌دهنده خواسته‌های تمامی قشرهای جامعه، از جمله کارگران، دانشجویان، زنان و اقلیت‌های دینی و قومی باشد. در این راستا، نقش مشاوران شاهزاده و به ویژه کسانی که تأثیرگذاری بیشتری بر تصمیم‌گیری‌های او دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بسیاری بر این باورند که دایره مشاوران وی باید گسترش یابد و افرادی با دیدگاه‌های متنوع‌تر به او مشورت دهند تا بتواند به درستی نیازهای مختلف جامعه ایران را درک کرده و برای آنها راهکارهای مناسبی بیابد.

نقش مشاوران در تصمیم‌گیری‌های سیاسی

نقش مشاوران نزدیک شاهزاده در سال‌های اخیر بحث‌ها و انتقادات فراوانی را به وجود آورده است. برخی بر این باورند که رویکردهای افرادی که به دلیل دیده شدن در کنار شاهزاده، از سوی مخاطبان به عنوان مشاور وی فرض شده‌اند، بجای تسهیل وحدت و همبستگی در میان اپوزیسیون، به ایجاد شکاف و تفرقه دامن زده است. این انتقادات به ویژه در زمانی قوت گرفت که شاهزاده رضا پهلوی، که پیشتر با دیدگاه‌های سوسیال دموکراتیک به عنوان یک رهبر معتدل شناخته می‌شد، به سمت همکاری با جناح‌های راست‌گرای افراطی سوق پیدا کرد.

این تغییر جهت سیاسی، برخی حامیان و منتقدان او را به این سوال واداشت که چرا شاهزاده‌ای با ایده‌های سوسیال دموکراتیک، ناگهان به جریان‌های راست افراطی نزدیک شده است؟ حضور او در جلسات و نشست‌های متعدد این جناح‌ها در خارج کشور، بدون حفظ تعادل با جناح‌های سیاسی دیگر، به عنوان یک تغییر در مواضع او تلقی می‌شود. این تغییر مسیر، برخی فعالان سیاسی را که از او انتظار داشتند همچنان بر مسیر اعتدال و دموکراسی برای هدایت و رهبری جنبش آزادیخواهی مردم ایران باقی بماند، ناامید می‌کند.

چالش‌های رهبری یک جنبش فراگیر

رهبری یک جنبش فراگیر آزادیخواهی، مستلزم توانایی در ایجاد همبستگی و اتحاد میان نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی است. شاهزاده رضا پهلوی، اگرچه همواره بر نقش دموکراتیک و غیرحزبی خود تأکید کرده، اما ظاهراً برخی از این «مشاوران» با تمرکز بر نزدیک شدن به جناح‌های سیاسی خاص، عملاً مانع تحقق یک ائتلاف فراگیر شده‌اند. برای مثال، شاهزاده بارها از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مستقل که دل در گرو ایران عزیز دارند برای پیوستن به جنبش تحت رهبری ایشان دعوت نموده و خواستار اتحاد و ائتلاف نیروها علیه رژیم قرون وسطایی اسلامی شده است اما برخی «مشاوران» با شعارهای تند علیه جریان‌های مختلف سیاسی، آنها را از پیوستن به این جنبش دور کرده‌اند و تمامی زحمات شاهزاده را به باد داده‌اند. دور شدن و به انزوا کشیده شدن بعضی از فعالان سیاسی هوادار شاهزاده در جنبش «زن زندگی آزادی» به‌خصوص در خارج کشور در ۱۸ ماه اخیر نتیجه همین فعالیت‌های تخریبی است.

این تناقضات از نگاه برخی ناظران سیاسی، یکی از دلایل اصلی عدم شکل‌گیری یک ائتلاف قوی در میان اپوزیسیون خارج کشور است. نیروهای سیاسی متعددی، از جمله شخصیت‌های ملی‌گرا و میانه‌رو و دموکرات‌ها و جمهوریخواهان و حتی شخصیت‌های راست معتدل، به

شکار فرماندهان حزب‌الله یکی پس از دیگری؛ نوبت به «حاج خلیل» رسید

● ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) ساعاتی پس از هشدار به شهروندان لبنانی برای دور شدن از مراکز و پایگاه‌های حزب‌الله حملات گسترده‌ای برای خنثی کردن تهدیدات آنها در مناطق جنوب لبنان انجام داد.

● در این حملات تاکتیکی «هدفمند» تمرکز روی انبارهای تسلیحات و زاغه‌های مهمات حزب‌الله بود که در زیر ساختمان‌های مسکونی و آپارتمان‌های شهروندان به عنوان «سپر انسانی» استتار شده بود که هدف قرار دادن آنها مستلزم اطلاعات دقیق بود.

● علی کرکی مشهور به «حاج خلیل» نقش کلیدی در هدایت عملیات‌های حزب‌الله داشت و متخصص جنگ‌های نامتقارن بود. منابع وابسته به جمهوری اسلامی نوشته‌اند او در جایگاه فرماندهی میدانی و برنامه‌ریزی استراتژیک و طراحی عملیات نقش ویژه‌ای داشت. پیش از علی کرکی جمعه شب ۳۰ شهریورماه نیز مخفیگاه ابراهیم عقیل معروف به «حاج تحسین» در یک آپارتمان در جنوب بیروت لو رفت و به همراه شماری دیگر از اعضای حزب‌الله در یک بمباران سنگین کشته شد.

● یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل در جمع فرماندهان ارتش گفت، «بعد از حذف علی کرکی، حسن نصرالله در اوج تنهایی است.»

● به گزارش رسانه‌های عربی، «عبد المنعم مهنا»، «علی أبو ریاء»، «محمد صالح» و «امین سعد» چهار شیخ سرشناس از رهبران حزب‌الله نیز در حملات هوایی اسرائیل کشته شده‌اند.

ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) ساعاتی پس از هشدار به شهروندان لبنانی برای دور شدن از مراکز و پایگاه‌های حزب‌الله حملات گسترده‌ای برای خنثی کردن

تلفات حزب‌الله در حملات اخیر بسیار زیاد است. برخی منابع گزارش دادند بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از نیروهای این گروه کشته و زخمی شدند. به گزارش رسانه‌های عربی، «عبد المنعم مهنا»، «علی أبو ریاء»، «محمد صالح» و «امین سعد» چهار شیخ سرشناس از رهبران حزب‌الله نیز در حملات هوایی اسرائیل کشته شده‌اند.

همزمان وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد که ایالات



تصویری از انفجار انبار مهمات حزب‌الله در حملات اسرائیل / سپتامبر ۲۰۲۴

متحد به دلیل تحولات اخیر در لبنان که خطر وقوع جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر را افزایش داده، نیروهای بیشتری به خاورمیانه اعزام می‌کند. پاتریک رایدر سخنگوی پنتاگون با اعلام این خبر اما جزئیاتی در مورد تعداد نیروهای اضافی یا مأموریت آنها ارائه نکرد.

تهدیدات آنها در مناطق جنوب لبنان انجام داد. در این عملیات علی کرکی مشهور به «حاج خلیل» کشته شد. در این حملات تاکتیکی «هدفمند» تمرکز روی انبارهای تسلیحات و زاغه‌های مهمات حزب‌الله بود که در زیر ساختمان‌های مسکونی و آپارتمان‌های شهروندان به عنوان

ادعای رویترز: ممنوع شدن استفاده از دستگاه‌های ارتباطی در سپاه پس از انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب‌الله

● خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) به نقل از دو مقام ارشد امنیتی جمهوری اسلامی گزارش داد، پس از انفجار هزاران پیجر و بیسیم در لبنان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به همه اعضای خود دستور داده است که استفاده از هر نوع وسیله ارتباطی مشابه را متوقف کنند.

● یکی از این دو مقام ارشد امنیتی به رویترز گفت که سپاه از نفوذ اسرائیل در میان رده‌های مختلف نیروهای خود نگران است و به همین دلیل قرار است در مورد لیست حقوق‌ها و حساب‌های بانکی اعضای سپاه در داخل ایران و خارج کشور و سوابق سفرهای آنها و اعضای خانواده‌شان تحقیق شود.

● این منابع گفته‌اند که نگرانی اصلی جمهوری اسلامی حفاظت از تأسیسات هسته‌ای و موشکی به ویژه تأسیسات زیرزمینی است.

کمتر از یک هفته پس از انفجار بیسیم‌ها و پیجرهای اعضای حزب‌الله لبنان، ادعا می‌شود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای پرسنل خود هشدار امنیتی صادر کرده است.

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) به نقل از دو مقام ارشد امنیتی جمهوری اسلامی گزارش داد، پس از انفجار هزاران پیجر و بیسیم در لبنان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همه اعضای خود دستور داده است که استفاده از هر نوع وسیله ارتباطی مشابه را متوقف کنند. یکی از مقامات امنیتی در اینباره گفت: «عملیات گسترده‌ای از سوی سپاه برای بازرسی همه دستگاه‌ها و نه فقط تجهیزات ارتباطی در حال انجام است.» وی افزود: «بیشتر این دستگاه‌ها یا در داخل تولید شدند و یا از چین و روسیه وارد شده‌اند.»

یکی از این دو مقام ارشد امنیتی به رویترز گفت که سپاه از نفوذ اسرائیل در میان رده‌های مختلف نیروهای خود نگران است و به همین دلیل قرار است در مورد لیست حقوق‌ها و حساب‌های بانکی اعضای سپاه در داخل ایران و خارج کشور و سوابق سفرهای آنها و اعضای خانواده‌شان تحقیق شود.

در یک حمله‌ی هماهنگ دو روزه، دستگاه‌های پیجر، بیسیم‌ها و تجهیزات الکترونیک نیروهای حزب‌الله در نقاط مختلف لبنان و حتی سوریه منفجر شد. در این حملات حدود ۴۰ نفر کشته و بیش از سه هزار نفر زخمی شدند.

لبنان و حزب‌الله می‌گویند اسرائیل پشت این حملات قرار داشته است. اسرائیل اما دست داشتن در این حمله را نه تکذیب و نه تأیید کرده است. با اینهمه بنیامین



رجزخوانی مسعود پزشکیان در مراسم رژه نیروهای مسلح: باید اسرائیل را سر جای خود بنشانیم!



مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت از نیروهای مسلح سان دید / ۳۱ شهریور ۱۴۰۳

ما قدرت نظامی کشور به حدی رسیده» که «دیگر نیازی نداریم تا کسی ما را مسلح کند» و «با قدرت به دنیا اعلام می‌کنیم که علاوه بر دفاع از کشور خود، با وحدت و انسجام میان کشورهای اسلامی، می‌توانیم منطقه خود را در صلح و امنیت نگه داریم.»

پزشکیان در بخش دیگری از سخنرانی خود اسرائیل را «غاصب، خونخوار و جنایتکار» دانست و گفت: «باید اسرائیل را سر جای خود بنشانیم!»

خرگزاری تسنیم گزارش داد در این مراسم ۲۳ فروند انواع موشک بالستیک به نمایش درآمد که شامل موشک‌های «خبرشکن، فتاح، حاج قاسم، قدر، عماد، خرمشهر، سجیل و جهاد» می‌شود. همچنین از جدیدترین نمونه‌ی پیهاده انتحاری «شاهد ۱۳۶ بی» نیز رونمایی شد. گزارش شد، «موشک جهاد» جدیدترین موشک بالستیک سوخت مایع نیروی هوافضای سپاه است که برای اولین بار در این رژه به نمایش درآمد. ادعا می‌شود که بُرد این موشک با «سرچنگی جداشونده شدیدالانفجار» هزار کیلومتر است. مراسم سالیانه رژه نیروهای مسلح در شرایطی برگزار شد که منطقه درگیر سطح قابل توجهی از درگیری‌های مستقیم فرسایشی میان اسرائیل با گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارد.

همزمان افزایش تنش‌ها در خاورمیانه همراه با ارسال تسلیحات نظامی توسط جمهوری اسلامی به روسیه شامل موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری برای استفاده در جنگ علیه اوکراین غربی‌ها را به شدت نگران کرده است هرچند با وجود همه نگرانی‌ها تا کنون فراتر از تحریم چند مقام و نهاد حکومتی کار ویژه‌ای برای مقابله با این روند صورت نگرفته است. در این میان، با وجود رجزخوانی مقامات ارشد جمهوری اسلامی علیه اسرائیلی‌ها اما واقعیت آن است که نیروهای مسلح رژیم دچار ضعف اطلاعاتی و امکانات تکنولوژیک است. بخش عمده تجهیزات نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی فرسوده و فناوری‌های آن مربوط به دهه‌های قبل است.

کمبود تجهیزات و فرسودگی ادوات سبب شده است که بخش اصلی مراسم رژه نیروهای مسلح یعنی رژه جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش و هلی‌کوپترهای هوانیروز از سال‌ها پیش لغو شود چون چیزی برای نمایش ندارند!

● در مراسمی که شنبه ۳۱ شهریورماه در اراضی نزدیک مقبره روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی برگزار شد، مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم سخنرانی کرد و گفت: «قدرت بازدارندگی ایران باعث شده که هیچ اهریمنی به خود اجازه ندهد به خاک عزیز ما تجاوز کند.»

● پزشکیان در بخشی از سخنرانی خود اسرائیل را «غاصب، خونخوار و جنایتکار» دانست و گفت: «باید اسرائیل را سر جای خود بنشانیم!»

● خرگزاری تسنیم گزارش داد در این مراسم ۲۳ فروند انواع موشک بالستیک به نمایش درآمد که شامل موشک‌های «خبرشکن، فتاح، حاج قاسم، قدر، عماد، خرمشهر، سجیل و جهاد» می‌شود. همچنین جدیدترین نمونه از پهپادهای انتحاری «شاهد ۱۳۶ بی» رونمایی شد.

● همزمان افزایش تنش‌ها در خاورمیانه همراه با ارسال تسلیحات نظامی توسط جمهوری اسلامی به روسیه شامل موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری برای استفاده در جنگ علیه اوکراین، غربی‌ها را به شدت نگران کرده است هرچند با وجود همه نگرانی‌ها تا کنون فراتر از تحریم چند مقام و نهاد حکومتی کار ویژه‌ای برای مقابله با این روند صورت نگرفته است.

● کمبود تجهیزات و فرسودگی ادوات نظامی جمهوری اسلامی سبب شده است که بخش اصلی مراسم رژه نیروهای مسلح یعنی رژه جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش و هلی‌کوپترهای هوانیروز از سال‌ها پیش لغو شود چون چیزی برای نمایش ندارند!

در ایران به مناسبت سالگرد جنگ هشت ساله، مراسم رژه سالیانه نیروهای مسلح شامل یگان‌هایی از ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و شبه‌نظامیان پاسدار برگزار شد و پهپادهای انتحاری و انواع موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد و بُردبلند به نمایش درآمد.

در این مراسم که شنبه ۳۱ شهریورماه در اراضی نزدیک مقبره روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی برگزار شد، مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم سخنرانی کرد و گفت: «قدرت بازدارندگی ایران باعث شده که هیچ اهریمنی به خود اجازه ندهد به خاک عزیز ما تجاوز کند.» وی تأکید کرد، «به برکت رزمندگان، دانشمندان و نخبگان

ناتناهاو نخست وزیر اسرائیل در یک سخنرانی عنوان کرد «در روزهای اخیر ضرباتی به حزب‌الله زده‌ایم که فکرش را هم نمی‌کرد.»

از سوی دیگر، مقام امنیتی که به رویترز خبر داده، از ارائه جزئیات در مورد چگونگی ارتباط نیروهای سپاه پس از این دستورالعمل خودداری کرده است. تخمین زده می‌شود



بازدید مسعود پزشکیان از مجروحان لبنانی که پس از انفجار پیجرها به بیمارستان‌های ایران منتقل شدند

سپاه پاسداران حدود ۱۹۰ هزار نیرو دارد. منبع رویترز صرفاً گفت: «در حال حاضر، ما از رمزگذاری سرتاسری در سیستم‌های پیام‌رسان استفاده می‌کنیم.»

به گفته همین مقام، نگرانی گسترده‌ای در میان مقامات حکومت ایران وجود دارد.

به نوشته رویترز، مقامات سپاه برای بررسی‌های فنی با حزب‌الله تماس گرفته‌اند و چندین نمونه از دستگاه‌های منفجره‌شده برای بررسی توسط کارشناسان ایرانی به تهران ارسال شده است.

یکی دیگر از مقامات ایرانی گفت که نگرانی اصلی جمهوری اسلامی حفاظت از تأسیسات هسته‌ای و موشکی به ویژه تأسیسات زیرزمینی است.

او با اشاره به سوابق خرابکاری اسرائیل در برنامه موشکی ایران در سال ۲۰۲۳ گفت: «اما از سال گذشته، اقدامات امنیتی در آن سایت‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.» وی همچنین افزود: «هیچوقت به اندازه کنونی تدابیر شدید امنیتی و تدابیر شدیدی وجود نداشته است.» این موضوع نشان می‌دهد که پس از انفجار پیجرها در لبنان، امنیت بطور قابل توجهی فراتر از سطوح قبلی افزایش یافته است.

منبع اول به رویترز گفت: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از طیف وسیعی از ابزارهای ارتباطی رمزگذاری شده از جمله بیسیم برای برقراری ارتباط امن استفاده می‌کنند.» او همچنین گفت، در حالی که مدل‌ها و برندهای خاص ممکن است متفاوت باشد، تجهیزات ارتباطی نظامی ایران اغلب در داخل کشور توسعه می‌یابد یا از ترکیبی از تامین‌کنندگان داخلی و خارجی تهیه می‌شود.

این منبع همچنین ادعا کرد، «نیروهای مسلح ایران بیش از دو دهه است که استفاده از پیجر را متوقف کرده‌اند.» وی عنوان کرد: «تهران برای جلوگیری از اتکاء به واردات خارجی، به ویژه به دلیل تحریم‌های غرب علیه تهران به دلیل برنامه هسته‌ای، تجهیزات ارتباطی نظامی را از طریق صنایع دفاعی خود توسعه داده است.»

این در شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران در گذشته دستگاه‌های ارتباطی را از کشورهایی مانند چین و روسیه و حتی ژاپن وارد می‌کرده است.

حسن نصرالله: ضربه‌ای بزرگ و بی‌سابقه خوردیم؛ حسین سلامی: به زودی شاهد نابودی اسرائیل خواهیم بود!



لبنانی‌ها سخنانی حسن نصرالله را تماشا می‌کنند

فرصت‌های قابل توجهی وجود دارد اما خطرات بزرگی نیز در پی است. حزب‌الله احساس می‌کند که تحت فشار قرار گرفته و اقدامات نظامی پیاپی ما ادامه خواهد داشت.» وی افزود: «هدف ما اطمینان از بازگشت امن ساکنان شمالی اسرائیل به خانه‌هایشان است. با گذشت زمان، حزب‌الله هزینه بیشتری خواهد پرداخت.» تلفات سنگین حزب‌الله در عملیات بی‌سابقه منسوب به اسرائیل مقامات جمهوری اسلامی را نگران کرده است. برخی منابع غیررسمی گفته‌اند که حکومت نسبت به استفاده از لوازم الکترونیک خارجی به مقامات هشدار داده است.

ما از نظر فناوری بر ما برتری دارد، اما ما را از پا نمی‌اندازد.» دبیرکل حزب‌الله لبنان همچنین گفت که اسرائیل «با این کار، از همه خطوط قرمز عبور کرد» و افزود که از نظر او، این اقدامات «به منزله اعلان جنگ» علیه لبنان است. همزمان با سخنانی حسن نصرالله، صداهای عبور هواپیماهای جنگنده‌های اسرائیلی بر فراز بیروت شنیده شد که دیوار صوتی را شکستند. در واکنش به این اظهارات یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل به عملیات نظامی علیه حزب‌الله ادامه خواهد داد. گالانت در بیانیه‌ای گفت: «در مرحله جدید جنگ،

● حسن نصرالله در یک سخنرانی اذعان کرد انفجارهای زنجیره‌ای بیسیم‌ها و پیجرهای حزب‌الله که بیش از سه هزار زخمی و چندین کشته برجای گذاشت «ضربه‌ای بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ لبنان از نظر امنیتی و انسانی» بود. سلامی در نامه‌ای به نصرالله، اسرائیل را «جنایتکار» خواند و خطاب به وی گفت: «وقتی شما بنیان‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی» آنها را به لرزه درآورده‌اید، دشمن ناتوان از مصاف رودررو، به ارتکاب جنایت در پشت جبهه و بزرگ نمایی دستاورد جنایت دست می‌زند!

● وی تهدید کرد، «به زودی با پاسخ کوبنده جبهه مقاومت، شاهد نابودی کامل اسرائیل خواهیم بود.»

● حسن نصرالله در بخشی از سخنرانی خود تأکید کرد که حزب‌الله «ضربه‌ای سخت و بی‌سابقه» دریافت کرده است. او افزود، «می‌دانیم که دشمن ما از نظر فناوری بر ما برتری دارد، اما ما را از پا نمی‌اندازد.»

● همزمان با سخنانی نصرالله، صداهای عبور هواپیماهای جنگنده‌های اسرائیلی بر فراز بیروت شنیده شد که دیوار صوتی را شکستند.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز جمعه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۳ در نامه‌ای به حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان تهدید کرد، «به زودی با پاسخ کوبنده جبهه مقاومت شاهد نابودی اسرائیل خواهیم بود.»

این نامه ساعتی پس از آن منتشر شد که حسن نصرالله در یک سخنرانی اذعان کرد انفجارهای زنجیره‌ای بیسیم‌ها و پیجرهای حزب‌الله که بیش از سه هزار زخمی و چندین کشته برجای گذاشت «ضربه‌ای بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ لبنان از نظر امنیتی و انسانی» بود.

سلامی در نامه خود اسرائیل را «جنایتکار» خواند و خطاب به نصرالله گفت: «وقتی شما بنیان‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی» آنها را به لرزه در آورده‌اید، دشمن ناتوان از مصاف رودررو، به ارتکاب جنایت در پشت جبهه و بزرگ نمایی دستاورد جنایت دست می‌زند.

فرمانده سپاه در این نامه که به نظر می‌رسد برای دلگرمی نیروهای حزب‌الله نوشته شده ادعا کرد، اسرائیل علی‌رغم برخورداری از حمایت‌های دولت‌های غربی، «به هیچ‌کدام از اهداف خود در جنگ غزه نرسیده» و «زیر ضربات هر روزه مقاومت قرار گرفته و به محاصره» درآمده است. وین تهدید کرد، «به زودی با پاسخ کوبنده جبهه مقاومت، شاهد نابودی کامل اسرائیل خواهیم بود.»

حسن نصرالله تأکید کرد که حزب‌الله «ضربه‌ای سخت و بی‌سابقه» دریافت کرده و اعتراف کرد، «می‌دانیم که دشمن

جزئیاتی از «عملیات پیجری»



با انفجار پیجرها و بیسیم اعضای حزب‌الله از جمله در تشییع جنازه کشته‌شدگان روز قبل ادامه یافت. ماجرای که شبیه به سناریوهای هالیوودی بود. هر فردی که به نحوی با حزب‌الله ارتباط داشت با انفجار «پیجر» و بیسیم این گروه تروریستی آسیب جدی دید و حتا جان خود را از دست داد. بر اساس گزارش‌ها، وابستگان جمهوری اسلامی از جمله مجتبی امانی سفیر رژیم در بیروت نیز از ناحیه چشم آسیب جدی دید. رویترز می‌گوید در پی کشته و زخمی شدن حدود ۲۸۰۰ نفر، لبنان در سردرگمی و خشم و غوغاست!

یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل چهارشنبه ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ در ملاقات با سربازان اسرائیلی گفت: «ما در آغاز مرحله جدیدی از جنگ هستیم، این به شجاعت، عزم و استقامت نیاز دارد.» او بدون اشاره به «عملیات پیجری» دو روز متوالی، از کار ارتش و آژانس‌های امنیتی اسرائیل ستایش کرد و گفت: نتایج بسیار چشمگیر است. سه‌شنبه ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ شبکه گسترده‌ای از اعضای گروه تروریستی حزب‌الله لبنان که مورد حمایت مستقیم مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی در ایران است، همزمان به هوا رفتند! این حمله الکترونیک روز بعد

میانجیگری جمهوری اسلامی در مذاکرات محرمانه حوثی‌ها با روسیه برای دریافت موشک‌های ضدکشتی



نمایش موشک‌های کوتاه‌برد در رژه نیروهای انصارالله در یمن

یکی از منابع رویتز به این خبرگزاری گفت که مذاکرات در زمان ابراهیم رئیسی رئیس پیشین دولت در جمهوری اسلامی آغاز شد. یک منبع اطلاعاتی غربی نیز به رویتز گفته است: «روسیه در حال مذاکره با حوثی‌ها برای انتقال موشک‌های ضدکشتی مافوق صوت یاخونت است و ایرانی‌ها نیز در حال میانجیگری این مذاکرات هستند اما نمی‌خواهند در این معامله اسمی از آنها برده شود.»

و رهبران دولت‌های منطقه خواست «شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند». این درخواست مورد توجه هیچکدام از این کشورها قرار نگرفت. در بخشی از گزارش رویتز آمده، این مذاکرات همچنان ادامه دارد و انتظار می‌رود در هفته‌های آینده دیدارهای بیشتری در تهران صورت گیرد. روسیه پیش از این موشک «یاخونت» را در اختیار حزب‌الله قرار داده بود.

سه منبع غربی و منطقه‌ای به رویتز گفته‌اند که جمهوری اسلامی در مذاکرات محرمانه بین روسیه و شبه‌نظامیان حوثی برای انتقال موشک‌های ضدکشتی به حوثی‌ها میانجیگری کرده است. رویتز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) گزارش داد این مذاکرات نشان‌دهنده گسترش روابط تهران و مسکو است. با وجود این، روسیه هنوز تصمیم به انتقال موشک‌های «یاخونت» (پی-۸۰۰-اونیکس) به یمن نگرفته است.

دو مقام منطقه‌ای که از این مذاکرات مطلع بودند گفتند که حوثی‌ها و روس‌ها دست‌کم دو بار در سال ۲۰۲۴ در تهران ملاقات کردند و گفتگوها برای ارائه ده‌ها موشک که بُردی در حدود ۳۰۰ کیلومتر دارند، با میانجیگری تهران ادامه دارد.

سه منبع غربی و منطقه‌ای به رویتز گفته‌اند که جمهوری اسلامی در مذاکرات محرمانه بین روسیه و شبه‌نظامیان حوثی برای انتقال موشک‌های ضدکشتی به حوثی‌ها میانجیگری کرده است.

رویتز سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) گزارش داد این مذاکرات نشان‌دهنده گسترش روابط تهران و مسکو است. با وجود این، روسیه هنوز تصمیم به انتقال موشک‌های «یاخونت» (پی-۸۰۰-اونیکس) به یمن نگرفته است.

این نوع موشک به حوثی‌ها این امکان را خواهد داد که با دقت بیشتری کشتی‌های تجاری و ناوهای اروپایی و آمریکایی را در دریای سرخ هدف قرار دهند.

پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» حوثی‌ها برای نشان دادن حمایت از فلسطینی‌ها در جنگ غزه با اسرائیل، موج گسترده حمله با نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب را آغاز کردند.

منابع مختلف گزارش دادند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی به اشکال مختلف از این حملات پشتیبانی می‌کنند هرچند تهران گزارش‌های مربوط به این دخالت‌ها را انکار می‌کند.

دو مقام منطقه‌ای که از این مذاکرات مطلع هستند گفتند که حوثی‌ها و روس‌ها دست‌کم دو بار در سال ۲۰۲۴ در تهران ملاقات کردند و گفتگوها برای ارائه ده‌ها موشک که بُردی در حدود ۳۰۰ کیلومتر دارند، با میانجیگری تهران ادامه دارد.

پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» و آغاز جنگ در غزه علیه حماس، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سه بار در سخنرانی‌های خود با صراحت از کشورهای مسلمان

خنثی کردن واقعیت جمهوری اسلامی از آمریکا!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

هشدار مقامات اسرائیل به شهروندان لبنان: فوری از مراکز حزب الله فاصله بگیرید

انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب الله؛ پای یک زن در میان است؟!

● کریستیانا بارسونی - آرچیدیاکونو مدیرعامل ایتالیایی - مجارستانی شرکت «مشاوران بی ای سی» اکنون در مرکز اتهامات مربوط به انفجار پیجرها قرار دارد.

● او در گفتگو با ان‌بی‌سی هرگونه دست داشتن در تولید این پیجرها را رد کرده و گفته: «من فقط واسطه‌گری می‌کنم. فکر کنم اشتباه گرفته‌اید.» از زمان طرح این موضوع تا کنون وی در انتظار عمومی ظاهر نشده و مادرش می‌گوید که تحت مراقبت سرویس مخفی مجارستان قرار دارد. ورودی آپارتمانش در ساختمان مجلی در بوداپست مسدود است و همسایه‌ها و دوستانش هیچ خبری از او ندارند.

انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب الله روز سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۱۴۰۳ در لبنان به کشته و زخمی شدن هزاران نفر انجامید. بنا بر تصاویر منتشر شده از بقایای این پیجرها، شرکت تایوانی «گولد آپولو» آنها را تولید کرده است. اما این شرکت این اتهامات را قبول نکرده و گفته شرکت مجارستانی «مشاوران BAC» تولید این پیجرها را در اروپا در اختیار دارد و این سازمان مسئول تولید این پیجرها است.

کریستیانا بارسونی - آرچیدیاکونو مدیرعامل ایتالیایی - مجارستانی شرکت «مشاوران بی ای سی» اکنون در مرکز اتهامات مربوط به انفجار پیجرها قرار دارد.

او به هفت زبان زنده دنیا مسلط است، دکترایش را در فیزیک ذرات از یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا گرفته، آپارتمانی در بوداپست مزین به نقاشی‌های برهنه از خودش دارد و پیش از این برای کارهای بشردوستانه به آفریقا سفر کرده است. این بانو اکنون در مرکز اتهامات مربوط به معامله پیجرهای منفجر شده حزب الله قرار گرفته است.

او در گفتگو با ان‌بی‌سی هرگونه دست داشتن در تولید این پیجرها را رد کرده و گفته: «من فقط واسطه‌گری می‌کنم. فکر کنم اشتباه گرفته‌اید.»

از زمان طرح این موضوع تا کنون وی در انتظار عمومی ظاهر نشده و مادرش می‌گوید که تحت مراقبت سرویس مخفی مجارستان قرار دارد. ورودی آپارتمانش در ساختمان مجلی در بوداپست مسدود است و همسایه‌ها و دوستانش هیچ خبری از او ندارند.

سابقه‌ای که آشنایان و همکاران پیشین از وی ارائه داده‌اند این است که کریستیانا بارسونی - آرچیدیاکونو زنی بی‌اندازه باهوش اما ناآرام است که فهرستی از شغل‌های کوتاه‌مدت در کارنامه‌اش دارد.

دکتر کریستیانا در سیسیل ایتالیا به دنیا آمده؛ مقطع کارشناسی ارشد را از دانشگاه کاتانیا گرفت و دکترای فیزیک ذرات را از کالج دانشگاهی لندن اخذ کرده است.

یکی از آشنایان، وی را زنی که «به راحتی می‌شود از او استفاده کرد» می‌داند و گفته است: «او انسان خوش‌نیتی است. تاجر مسلک نیست، اما دوست دارد همه چیز را باور کند. زودباور است و به راحتی درباره فعالیت‌های مختلف مشتاق می‌شود.»



تشییع جنازه «ابراهیم عقیل» از فرماندهان ارشد حزب الله / ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

تا از این مکان‌ها دوری کنند.

اسرائیل کاتر وزیر خارجه اسرائیل نیز در پیامی اعلام کرد، «نصرالله مردم لبنان را به گروگان گرفته و در خانه‌ها و روستاهای آنها موشک و سلاح قرار داده تا غیرنظامیان اسرائیل را تهدید کند. این یک جنایت جنگی آشکار است. ما این واقعیت را نخواهیم پذیرفت و با تمام قوا برای تغییر آن اقدام خواهیم کرد.»

وی ادامه داد، «مردم لبنان باید هر خانه‌ای را که به پایگاه حزب الله تبدیل شده، تخلیه کنند تا آسیبی نبینند. تا زمانی که تهدید علیه شهروندان اسرائیل برطرف نشود و ساکنان شمال با امنیت به خانه‌های خود بازگردند، آرام نخواهیم نشست.»

برخی منابع گزارش دادند که اسرائیل خود را آماده حمله به مواضع حزب الله در مناطق جنوبی لبنان کرده است.

حزب الله بعد از تلفات سنگین در انفجار زنجیره‌ای پیجرها و بیسیم‌ها که سه هزار نفر زخمی و حدود ۳۰ کشته برجای گذاشت، تعدادی موشک به اسرائیل پرتاب کرد که اغلب آنها به مناطق مسکونی و همچنین گاوداری اصابت کرد. به تلافی این حملات اسرائیل حملات سنگینی علیه مراکز نظامی و پایگاه‌های حزب الله انجام داد.

در یکی از این حملات «ابراهیم عقیل» از فرماندهان ارشد حزب الله به همراه شماری دیگر از نیروهای این گروه در جنوب بیروت کشته شدند.

سی‌ان‌ان گزارش داد در ۴۸ ساعت گذشته شدیدترین تبادل آتش بین اسرائیل و حزب الله در یک سال گذشته پس از آغاز جنگ در غزه روی داده است.

● سخنگوی ارتش اسرائیل در پیامی فوری به ساکنان لبنان اعلام کرد «از هر کسی که در نزدیکی یا داخل خانه‌هایی است که حزب الله تسلیحات در آنجا مخفی کرده است، درخواست می‌شود فوراً این محل را ترک کرده و از آنجا دور شود.»

● اسرائیل کاتر وزیر خارجه اسرائیل نیز در پیامی اعلام کرد، «نصرالله مردم لبنان را به گروگان گرفته و در خانه‌ها و روستاهای آنها موشک و سلاح قرار داده تا غیرنظامیان اسرائیل را تهدید کند. این یک جنایت جنگی آشکار است. ما این واقعیت را نخواهیم پذیرفت و با تمام قوا برای تغییر آن اقدام خواهیم کرد.»

● سی‌ان‌ان گزارش داد در ۴۸ ساعت گذشته شدیدترین تبادل آتش بین اسرائیل و حزب الله در یک سال گذشته پس از آغاز جنگ در غزه روی داده است.

خبرگزاری رویترز روز ۲۳ سپتامبر (دوم مهرماه) گزارش داد مقامات اسرائیل از شهروندان ساکن مناطق جنوبی لبنان خواسته‌اند فوری از مراکز نظامی حزب الله، انبارهای مهمات و سایت‌های مرتبط با آنها دور شوند.

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل در پیامی مشابه که به زبان عربی صادر شد، اعلام کرد که شهروندان لبنانی هرچه سریع‌تر مناطق نزدیک به پایگاه‌های حزب الله را تخلیه کنند.

هاگاری عنوان کرد، حزب الله طی سال‌ها تسلیحات از جمله موشک‌های کروز را در خانه‌ها و ساختمان‌ها در سراسر جنوب لبنان مخفی کرده است و از ساکنان خواست

پس از انفجار زنجیره‌ای پیجرها، بیسیم‌ها و لوازم الکترونیک اعضای حزب‌الله که بیش از ۴۰ کشته و سه هزار زخمی برجای گذاشت، در حملات «هدفمند» هوایی جنگنده‌ها و پهپادهای اسرائیلی نیز شماری از فرماندهان ارشد این گروه و همچنین چندین سایت و پایگاه موشکی این گروه تروریستی که در دولت لبنان نیز مشارکت دارد، هدف قرار گرفته شد. این حملات از مناطق جنوبی لبنان که تحت سلطه‌ی نیروهای حزب‌الله و عوامل جمهوری اسلامی قرار دارند فراتر رفت و برخی نقاط خاص در شهر بیروت نیز مورد حمله قرار گرفت.

یکی از فرماندهان برجسته حزب‌الله که در عملیات اخیر اسرائیل کشته شد «ابراهیم عقیل» مشهور به «حاج تحسین» است. او از معتمدین حسن نصرالله بود. بعد از کشته شدن فؤاد شکر فرمانده یگان «رضوان» گفته شد که عقیل جانشین وی گردید. آمریکا برای مرده یا زنده‌ی عقیل هفت میلیون دلار جایزه تعیین کرده بود.

مخفیگاه ابراهیم عقیل جمعه شب ۳۰ شهریورماه در یک آپارتمان در جنوب بیروت لو رفت و به همراه شماری دیگر از اعضای حزب‌الله در یک بمباران سنگین کشته شد. ابراهیم عقیل در طراحی و اجرای تاکتیک‌های حزب‌الله نقش مهمی بازی می‌کرد. وی همچنین بر برنامه‌های موشکی حزب‌الله نظارت داشت.



ابراهیم عقیل از فرماندهان ارشد حزب‌الله معروف به «حاج تحسین»!

اکانت فارسی وزارت خارجه اسرائیل می‌نویسد عقیل از طراحان مپ‌گذاری خونین مقابل سفارت آمریکا در بیروت بود که ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۳ روی داد و باعث کشته شدن ۱۷ آمریکایی شد. در این پیام آمده «امروز در چهل و یکمین سالگرد مپ‌گذاری سفارت، ابراهیم عقیل، یکی از طراحان اصلی این حمله که به عنوان رئیس واحد عملیات حزب‌الله خدمت می‌کرد، توسط ارتش اسرائیل در یک حمله هدفمند به هلاکت رسید.»

روزنامه «تایمز اسرائیل» نیز گزارش داد با کشته شدن عقیل، تعداد کشته‌شدگان حزب‌الله در جریان درگیری‌هایی که بعد از «هفت اکتبر» آغاز شد دست‌کم به ۵۰۱ نفر رسید. در حمله اخیر، به همراه ابراهیم عقیل دست‌کم ۱۵ عضو حزب‌الله نیز کشته شدند. خبرگزاری تسنیم این آمار را ۳۷ نفر اعلام کرد. پیش از آن نیز شماری از نیروهای این گروه در حملات هوایی به سایت‌های پرتاب موشک و پایگاه‌های مرزی کشته شده بودند.

فراس الایض وزیر بهداشت دولت لبنان گفته «حملات تروریستی اسرائیل به لبنان، جنایت جنگی محسوب می‌شود.»

شکار «حاج تحسین» (ابراهیم عقیل) در جنوب بیروت؛ آمریکا برای مُرده یا زنده او هفت میلیون دلار جایزه گذاشته بود!

● یکی از فرماندهان برجسته حزب‌الله که در عملیات اخیر اسرائیل کشته شد «ابراهیم عقیل» مشهور به «حاج تحسین» است. او از معتمدین حسن نصرالله بود. بعد از کشته شدن فؤاد شکر فرمانده یگان «رضوان» گفته شد که عقیل جانشین وی گردید. آمریکا برای مرده یا زنده‌ی عقیل هفت میلیون دلار جایزه تعیین کرده بود.

● ابراهیم عقیل در طراحی و اجرای تاکتیک‌های حزب‌الله نقش مهمی بازی می‌کرد. وی همچنین بر برنامه‌های موشکی حزب‌الله نظارت داشت.

● اکانت فارسی وزارت خارجه اسرائیل، می‌نویسد عقیل از طراحان مپ‌گذاری خونین مقابل سفارت آمریکا در بیروت بود که ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۳ روی داد و باعث کشته شدن ۱۷ آمریکایی شد.

● در این پیام آمده «در چهل و یکمین سالگرد مپ‌گذاری سفارت، ابراهیم عقیل، یکی از طراحان اصلی این حمله که به عنوان رئیس واحد عملیات حزب‌الله خدمت می‌کرد، توسط ارتش اسرائیل در یک حمله هدفمند به هلاکت رسید.»

ارتش و نهادهای امنیتی اسرائیل به تلافی حملات موشکی حزب‌الله عملیات پیچیده‌ای را برای کاهش تهدیدات این گروه تروریستی پیش می‌برند که تلفات سنگینی روی دست این گروه تروریستی واپسته به جمهوری اسلامی گذاشته است. یکی از افرادی که به تازگی توسط اسرائیل شکار شد، «حاج تحسین» یا «ابراهیم عقیل» است.

➔ این آشنای کریستیانا بارسونی-آرچیدیاکونو می‌گوید که او به دنبال درآمد بود و می‌خواست شغل‌اش را تغییر دهد. دولت مجارستان روز چهارشنبه اعلام کرد که پیجرهای ارسال شده به حزب‌الله هرگز در مجارستان نبودند و به نظر می‌رسد که شرکت «مشاوران بی‌ای‌سی» تنها به عنوان واسطه عمل کرده است.

بنا بر گزارش‌ها، این شرکت که در ماه مه ۲۰۲۲ ثبت شده، هیچ دفتر رسمی ندارد و تنها طبقه همکف ساختمانی را در بوداپست با سازمان‌های مختلف شریک است.

بر اساس آنچه در وبسایت این شرکت که از روز چهارشنبه از دسترس خارج شده آمده است، بی‌ای‌سی در عرصه «محیط زیست، توسعه و امور بین‌المللی» و همچنین ۱۱۸ زمینه دیگر از جمله شکر، تولید روغن، خرده‌فروشی جواهرات و استخراج گاز طبیعی فعالیت دارد.

بنا بر گزارش مالی بی‌ای‌سی، این شرکت در سال ۲۰۲۲ حدود ۷۲۵ هزار دلار و در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۵۹۳ هزار دلار درآمد داشته است. این سازمان همچنین سال گذشته ۳۲۴ هزار دلار، یعنی ۵۵ درصد درآمدش را صرف خرید تجهیزات کرده است.

به گزارش وبسایت مجارستانی «تلکس»، پیجرهای منفجر شده احتمالاً توسط شرکت بلغاری «نورتا گلوبال» از شرکت تایوانی «گولد آپولو» خریداری شده است.



کریستیانا بارسونی-آرچیدیاکونو/عکس از لینکدین

به گزارش روزنامه «دیلی میل»، رنسون ژوزه مدیرعامل نروژی «نورتا گلوبال» نیز از روز ۱۷ سپتامبر، نخستین روز انفجار پیجرها، برای یک سفر کاری محل سکونت خود را در اسلو ترک کرده است.

طبق نوشته «تلکس»، احتمالاً این شرکت بلغاری مستقیماً از صوفیه فرآیند خرید پیجرها را از شرکت تایوانی انجام داده و شرکت «مشاوران بی‌ای‌سی» تنها نقش واسطه داشته است.

با این حال بلغارستان هم اعلام کرد که این پیجرها هیچگاه به بلغارستان وارد و یا از آن خارج نشده‌اند. این کشور همچنین اعلام کرد که تحقیقاتی را درباره شرکتی که احتمالاً با تدارکات این پیجرها برای حزب‌الله مرتبط است، آغاز کرده‌اند. اسرائیل تا بن لحظه مسئولیت انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب‌الله را بر عهده نگرفته اما شرکت داشتن در این عملیات را نیز رد نکرده است.

به گفته کارشناسان امنیتی، این فرضیه که انفجار باتری‌ها منجر به خسارات وارده شده باشد، بسیار بعید به نظر می‌رسد و احتمالاً مواد منفجره در این پیجرها جاسازی شده بوده است.

پزشکیان در سازمان ملل: من برای «اصلاحات» آمده‌ام! وزیر خارجه اسرائیل: او «عروسک خیمه‌شب‌بازی» است

وی بدون اشاره به بهبود روابط دولت‌های مسلمان منطقه با آمریکا و اسرائیل خطاب به آنها تأکید کرد، «برون‌سپاری امنیت به کشورهای فرامنطقه‌ای به سود هیچکس از ما نیست.» بخشی از صحبت‌های پزشکیان نیز تبلیغ و خطاب به مردم آمریکا بود که گفت: «این ایران نیست که در کنار مرزهای شما پایگاه نظامی ساخته است، ایران نیست که کشور شما را تحریم کرده و مانع از روابط تجاری شما با جهان شده است. ایران نیست که مانع از دسترسی شما به دارو می‌شود. این ایران نیست که مانع دسترسی شما به نظام بانکی و پولی جهان شده است. ما نیستیم که سران ارتش شما را ترور کرده‌ایم، بلکه آمریکاست که عزیزترین سردار نظامی ایران را در فرودگاه بغداد ترور کرده است.» البته در همه‌ی سخنرانی پزشکیان می‌بایست عبارت «جمهوری اسلامی» را جایگزین کلمه «ایران» کرد.

در سخنرانی پزشکیان نیز صندلی‌های خالی بیشتر از حضور نمایندگان دیگر کشورها بود پزشکیان در حالی که جمهوری اسلامی که او نماینده آن است در بحران‌های بزرگ و کوچک داخلی و خارجی بسر می‌برد، به همه کشورها برای «آغاز دوران جدید» فراخوان داد و گفت: «این دوران جدید با به رسمیت شناختن دغدغه‌های امنیتی ایران و همچنین کار مشترک بر سر مسائل مشترک شروع می‌شود.»

«تعامل» با اعضای برجام

در شرایطی که در داخل ایران و همچنین شماری از رهبران آمریکا از جمله جو بایدن می‌گویند «برجام مُرده» است، پزشکیان تأکید کرد، «ما آماده تعامل با اعضای برجام هستیم. اگر تعهدات برجامی بطور کامل و با حسن نیت اجرا شود، می‌توان در مورد دیگر مسائل هم وارد گفتگو شد.»

وی با انتقاد از تحریم‌ها بار دیگر دروغ‌های رژیم را تکرار کرد و گفت: «محرومیت از دسترسی به داروهای حیاتی، یکی از دردناک‌ترین پیامدهای تحریم‌ها است که جان هزاران انسان بی‌گناه را به خطر می‌اندازد. این اقدام، نه تنها نقض آشکار حقوق بشر، بلکه جنایتی علیه بشریت است.» این در حالیست که دارو هرگز جزو مواد تحریمی نه تنها از سوی هیچ کشوری نبوده است بلکه خود جمهوری اسلامی مدعی است که تولیدات داخلی دارد و حتی آنها را به کشورهای همسایه صادر می‌کند! در دوران پاندمی کرونا، علی‌خامنه‌ای بود که دستور داد تا واکسن‌های آن از انگلیس و آمریکا وارد نشود و باعث ابتلا و مرگ هزاران شهروند ایرانی شد.

در این میان، برخی منابع همسو با جریان «اصلاح‌طلب» ذوق‌زده ادعا کرده‌اند که پزشکیان به دنیا «چراغ سبز» نشان داد. برخی طرفداران نظام که از مواضع پزشکیان در نشست خبری با رسانه‌های آمریکایی خشمگین بودند نیز عنوان کردند او در مجمع سازمان ملل حواشی «سخنان اشتباهش» را پوشش داد.

پزشکیان طی سخنانی جنجالی در کنفرانس با خبرنگاران گفته بود، «ما آماده‌ایم تمام سلاح‌های خود را کنار بگذاریم، به شرط آنکه اسرائیل هم همین کار را بکند.» حالا معلوم نیست طرفداران نظام می‌بایست سخنرانی تشریفاتی در سازمان ملل را جدی بگیرند و یا حرف‌هایی را که پزشکیان بدون متن از پیش نوشته شده در نشست با خبرنگاران گفت!



سخنرانی مسعود پزشکیان در سازمان ملل متحد / سپتامبر ۲۰۲۴

«میان‌رو» است. اما در حقیقت عروسک خیمه‌شب‌بازی خامنه‌ای و رژیم افراطی ایران و به شدت در گسترش تروریسم که تمام جهان غرب را تهدید می‌کند مقرر است. ما مجاز نیستیم به دام دروغ‌های رژیم بیفتیم. رژیم ایران باید متوقف گردد پیش از آنکه خیلی دیر شود.»

پایه‌ریزی ورود به عصر جدید!

او در بخشی از این سخنرانی درباره برنامه‌های خودش برای ایران نیز حرف زد و عنوان کرد: «من قصد دارم موانع و چالش‌ها را برطرف و مناسبات کشورم را بر اساس ملزومات واقعی دنیای امروز ساماندهی کنم. من قصد دارم بنیان‌های استوار برای ورود کشورم به عصر جدید و نقش‌آفرینی سازنده و موثر در نظام در حال ظهور جهانی پایه‌ریزی کنیم.»

پزشکیان بدون اشاره به پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی از تروریسم و تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی و تروریستی که یکی از اهداف آنها نابودی کشور اسرائیل است، این کشور را متهم به «وحشیگری» کرد و گفت: «دانشمندان، دیپلمات‌ها و مهمانان ما را در سرزمین ما ترور کرده و از داعش و گروه‌های تروریستی پنهان و آشکار حمایت کرده‌است؛ در مقابل ایران از جنبش‌های آزادیبخش و مردمی حمایت کرده است.»

یکی از پیشنهادات پزشکیان برای حل بحران منطقه، برگزاری «همه‌پرسی» برای فلسطینی‌ها بود. پزشکیان عنوان کرد جمهوری اسلامی «خواهان صلح برای همه» است و با هیچکس سر جنگ و دعوا ندارد، او همچنین مدعی شد «ما خواستار صلح و امنیت پایدار برای مردم اوکراین و روسیه هستیم.»

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی بدون اشاره به ارسال تسلیحات توسط رژیم به روسیه گفت، «جمهوری اسلامی ضمن مخالفت با جنگ و تأکید بر لزوم توقف سریع درگیری‌های نظامی در اوکراین، از هرگونه راه حل صلح‌آمیز حمایت می‌کند و معتقد است تنها از طریق گفتگو این بحران خاتمه می‌یابد.»

● مسعود پزشکیان عصر سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) در هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک سخنرانی کرد و از آمادگی حکومت ایران برای «تعامل با همه طرف‌های برجام» خبر داد.

● او در مقدمه مدعی شد، «من با برنامه‌های مبتنی بر «اصلاحات»، «وفاق ملی»، «تعامل سازنده با جهان» و «توسعه اقتصادی»، وارد کارزار انتخابات شدم و موفق شدم اعتماد هموطنانم را در پای صندوق‌های رأی جلب نمایم!» پزشکیان نگفت که اکثریت مردم ایران در «سیرک انتخابات» جمهوری اسلامی شرکت نکردند و در شرایطی که بیش از ۶۱ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن بودند، پزشکیان تنها با ۱۶ میلیون رأی دستکاری شده به ریاست دولت چهاردهم رسید.

● وی بدون اشاره به پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی از تروریسم و تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی و تروریستی که یکی از اهداف آنها نابودی کشور اسرائیل است، این کشور را متهم به «وحشیگری» کرد و گفت: «دانشمندان، دیپلمات‌ها و مهمانان ما را در سرزمین ما ترور کرده و از داعش و گروه‌های تروریستی پنهان و آشکار حمایت کرده‌است؛ در مقابل ایران از جنبش‌های آزادیبخش و مردمی حمایت کرده است.»

مسعود پزشکیان که برای نخستین بار به عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی در سازمان ملل سخنرانی کرد، مدعی شد «ما خواهان صلح برای همه هستیم و با هیچکس سر جنگ و دعوا نداریم.»

پزشکیان عصر سه‌شنبه ۲۴ سپتامبر (سوم مهرماه) در هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک سخنرانی کرد و از آمادگی حکومت اسلامی ایران برای «تعامل با همه طرف‌های برجام» خبر داد.

او که در یک انتخابات نمایشی روی کار آورده شد تا فریبکاری دولت حسن روحانی و اصلاح‌طلبان را ادامه دهد، در مقدمه عنوان کرد، «من با برنامه‌های مبتنی بر «اصلاحات»، «وفاق ملی»، «تعامل سازنده با جهان» و «توسعه اقتصادی»، وارد کارزار انتخابات شدم و موفق شدم اعتماد هموطنانم را در پای صندوق‌های رأی جلب نمایم!» او اشاره نکرد که اکثریت مردم ایران در «سیرک انتخابات» جمهوری اسلامی شرکت نکردند و در شرایطی که بیش از ۶۱ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن بودند، پزشکیان تنها با ۱۶ میلیون رأی دستکاری شده به ریاست دولت چهاردهم رسید.

بخش عمده سخنرانی پزشکیان که نویسندگان این متن تلاش کردند او را «میان‌رو» قلمداد کنند، مرتبط با وضعیت غزه و لبنان و عباراتی تند علیه اسرائیل بود. وی خطاب به نمایندگان سایر دولت‌ها گفت: «ما در کنار مردم کشورهای شما که در خیابان‌ها علیه اقدامات اسرائیل تظاهرات می‌کنند، ایستاده‌ایم و جنایت علیه بشریت را محکوم می‌کنیم!»

این در حالیست که بر اساس آخرین گزارش جاوید رحمان گزارشگر پیشین سازمان ملل در مسائل حقوق بشر ایران، جمهوری اسلامی به «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» متهم شده است.

یسرئیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل در همین ارتباط در «ایکس» نوشت پزشکیان در مجمع سازمان ملل در نیویورک رژه می‌رود و تلاش می‌کند تا این دروغ را پخش کند او یک

پس از حماس و حزب الله، جمهوری اسلامی در تیررس اسرائیل قرار می‌گیرد؟



شمال اسرائیل حدود ۶ هزار شهروند اسرائیلی را مجبور به ترک خانه‌ها، مزارع و مشاغل خود کرده است و آشفته‌گی‌های اقتصادی بزرگ ناشی از آن به عنوان ادامه تهدید علیه شهروندان شمال اسرائیل ارزیابی می‌شود. همین دلیل باعث شد که مقامات تل‌آویو در ۱۶ سپتامبر اعلام کنند که بازگشت افرادی که مجبور به فرار از شمال شده‌اند، هدف اصلی این جنگ ملی شده است. اسرائیل طی سال گذشته برنامه‌های عملیاتی در شمال را کاملاً محرمانه نگه داشته و همین موضوع پیش‌بینی قطعی تحولات آینده را دشوار کرده است. در رابطه با حماس، تحول قابل توجهی که پوشش کافی برای آن صورت نگرفته این است که به نظر می‌رسد دولت بایدن تا حد زیادی امیدهای خود را برای مذاکره برای برقراری آتش‌بس در غزه، حداقل قبل از انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴، کنار گذاشته است.

درواقع اسرائیل و حماس اهداف متضاد و آشتی‌ناپذیری داشته و دارند. اسرائیل در ازای گروگان‌های خود با آتش‌بس موقت و آزادی برخی زندانیان فلسطینی موافقت کرده بود اما حماس خواستار پایان کامل جنگ و خروج تمامی نیروهای اسرائیلی از غزه بود. به این ترتیب به نظر می‌رسد که تقریباً جایی برای رسیدن به تفاهم وجود ندارد.

بر این اساس، اسرائیل به تلاش‌های خود برای هدف قرار دادن فرماندهان ارشد باقیمانده حماس و تضعیف و نابودی قابلیت‌های نظامی این گروه ادامه خواهد داد. همچنین به نظر می‌رسد که حمله اسرائیل علیه «حلقه آتش» وابسته به تهران فقط یک استراتژی اولیه برای هموار کردن راه شکست تحقیرآمیز رژیم ایران است زیرا تسلط تهران بر غزه چیزی جز ویرانی به همراه نداشته است.

بنابراین پیامدهای عملیات انفجار پیجرها علیه حزب الله احتمال حمله مستقیم اسرائیل به تهران را افزایش داده است.

*منبع: ایندیندنت عربی

*نویسنده: جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق دولت آمریکا

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

حماس در محوطه‌های امن در قلب تهران توسط اسرائیل، قطعاً خشم دشمن اصلی اسرائیل یعنی جمهوری اسلامی و عوامل تروریستی آن را که مستقیم مورد هدف قرار گرفته‌اند به شدت برانگیخته است.

اگرچه آینده اوضاع در خاورمیانه نامشخص است، اما این لحظه فرصتی ایده‌آل برای اسرائیل است تا در پاسخ به استراتژی «حلقه آتش» (حمایت رژیم ایران از گروه‌های نیابتی که در اطراف اسرائیل مستقر شده‌اند)، از جمهوری اسلامی و متحدان آن انتقام گرفته و ضربات خود علیه رژیم ایران و نیروهای وابسته به آن را تشدید کند. اکنون برنامه هسته‌ای ایران ممکن است با بزرگترین تهدید روبرو شود.

اکنون وضعیت میدان نبرد در خاورمیانه چگونه است؟ پس از عملیات معروف به «فاس تلخ» (Grim Call) (عملیات انفجار پیجرها و بی‌سیم‌های حزب‌الله) اسرائیل حملات بزرگی علیه اهداف حزب‌الله در لبنان انجام داد و مشخص نیست که آیا این حملات پایان یافته یا صرفاً مراحل آغازین یک تلاش بسیار بزرگتر ضد تروریسم علیه حزب‌الله با هدف وارد کردن آسیب بیشتر به این گروه و کاهش توانایی‌ها و قدرت تهاجمی این گروه شبه‌نظامی است.

با این حال، زرادخانه عظیم حزب‌الله، که عمدتاً توسط رژیم ایران تأمین مالی می‌شود، و همچنین نیروهای زمینی و شبکه‌های تونل‌های آن در دژه بقاع و سایر نقاط لبنان، آن را به تهدیدی مستمر تبدیل می‌کند که در کوتاه‌مدت از جمهوری اسلامی در ایران برای اسرائیل خطرناک‌تر است. سازمان سیا بطور علنی تخمین می‌زند که تروریست‌های حزب‌الله لبنان ممکن است تا ۱۵۰ هزار فرزند موشک از انواع مختلف داشته باشند.

بسیاری بر این باورند که بقای اسرائیل مستلزم مهار کردن یا از بین بردن حزب‌الله قبل از انجام هرگونه اقدام نظامی بزرگ و مستقیم علیه رژیم ایران است.

از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ به دنبال حمله وحشیانه حماس به اسرائیل، ادامه بمباران موشکی و توپخانه‌ای حزب‌الله در

پیامدهای عملیات انفجار پیجرها علیه حزب الله احتمال حمله مستقیم اسرائیل به تهران را افزایش داده است. اگرچه آینده اوضاع در خاورمیانه نامشخص است، اما این لحظه فرصتی ایده‌آل برای اسرائیل است تا در پاسخ به استراتژی «حلقه آتش» (حمایت رژیم ایران از گروه‌های نیابتی که در اطراف اسرائیل مستقر شده‌اند)، از جمهوری اسلامی و متحدان آن انتقام گرفته و ضربات خود علیه رژیم ایران و نیروهای وابسته به آن را تشدید کند.

در غزه نیز اسرائیل و حماس اهداف متضاد و آشتی‌ناپذیری داشته و دارند. بر این اساس، اسرائیل به تلاش‌های خود برای هدف قرار دادن فرماندهان ارشد باقیمانده حماس و تضعیف و نابودی قابلیت‌های نظامی این گروه ادامه خواهد داد. همچنین به نظر می‌رسد که حمله اسرائیل علیه «حلقه آتش» وابسته به تهران فقط یک استراتژی اولیه برای هموار کردن راه شکست تحقیرآمیز رژیم ایران است.

جان بولتون (ایندیندنت عربی) - حملات حیرت‌انگیز اسرائیل به حزب‌الله از طریق پیجرهای انفجاری و بی‌سیم‌ها، خلاقیت و زیرکی نیروهای اطلاعاتی و دفاعی تل‌آویو و توانایی آن را برای ضربه زدن به قلب مناطق تحت نفوذ دشمنانش به ویژه در میان فرماندهان ارشد حزب‌الله و نماینده متحد رژیم ایران در لبنان نشان می‌دهد.

این عملیات وخامت قابل توجه سیستم و نظم فرماندهی و کنترل داخلی حزب‌الله را در کوتاه‌مدت آسیب‌پذیر کرده است. برای آمریکایی‌ها، کشته شدن ابراهیم عقیل، رهبر ارشد حزب‌الله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا او مسئول مپ‌گذاری در سفارت آمریکا در غرب بیروت در سال ۱۹۸۳ و مپ‌گذاری پادگان تفنگداران آمریکایی و سربازان فرانسوی شرکت‌کننده در نیروی چندملیتی حافظ صلح به دعوت دولت لبنان بود. با کشته شدن چنین فردی حداقل عدالت در حق او اجرا شده است.

علاوه بر حذف ابراهیم عقیل، قتل اسماعیل هنیه رهبر

بازداشت ۱۲ نفر به اتهام «اقدامات ضد امنیتی»؛ حکومت نگران از «تله جنگی» اسرائیل!



بیلبرد حمایت از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» در تهران / اردیبهشت ۱۴۰۳

- سازمان اطلاعات سپاه (ساس) ۱۲ نفر را به اتهام همکاری با اسرائیل و انجام اقدامات ضد امنیتی در شش استان بازداشت کرده است.
- در اطلاعیه‌ای که اول مهرماه ۱۴۰۳ در اینبار منتشر شد آمده، اسرائیل برای «فرار از مخمصه راهبردی» در تلاش برای سرایت بحران به داخل خاک جمهوری اسلامی است و «سلسله اقدامات ضد امنیتی» را طراحی کرده و در دستور کار خود گذاشته است.
- پس از انفجار زنجیره‌ای پیجرها و بیسیم‌های اعضای حزب الله و همچنین حملات تاکتیکی نقطه‌ای برای حذف فرماندهان ارشد آن در نقاط مختلف لبنان از جمله بیروت، نگرانی در بین مقامات جمهوری اسلامی در مورد امکانات وسیع اسرائیل برای ضربات اطلاعاتی و رزمی در ابعاد گسترده افزایش پیدا کرده است.
- محسن رضایی فرمانده سابق سپاه گفته «اسرائیل به پشتیبانی دولت‌های متخاصم قصد جنگ‌افروزی در منطقه و کشاندن ایران به جنگ را دارد؛ ولی ایران در تله جنگی نخواهد افتاد».
- عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز که به نیویورک سفر کرده است همین مسئله را تکرار کرد و گفت، اسرائیل «سعی می‌کند منطقه را به وضعیت خطرناکی پیش ببرد و این واقعاً برای کل جامعه بین الملل، یک خطر بزرگی است که تنش در منطقه امکان افزایش به سایر مناطق را هم دارد».

روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ←

مربوط به انفجار و سوختن میعانات نفتی بوده است. مسئولان محلی می‌گویند در کارخانه‌ای که انفجار رخ داد ۱۲ مخزن میعانات نفتی وجود دارد و احتمال انفجار این مخازن زیاد است.

رضا خانی فرماندار گرمسار می‌گوید «در شهرک صنعتی فجر تا کنون سه انفجار با آتش‌سوزی تا حدودی گسترده رخ داده و دست کم دو نفر با درصد سوختگی بالا به بیمارستان معتمدی گرمسار منتقل شدند».

علت وقوع این انفجارها اعلام نشد اما شایعاتی مبنی بر احتمال خرابکاری مطرح شده که تأیید یا تکذیب آن به صورت مستقل ممکن نیست.

فضای پرتنش منطقه و همزمانی این انفجارها با بازداشت افرادی متهم به «خرابکاری» توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) چنین شایعاتی را تقویت کرده است.

در اطلاعیه‌ای که اول مهرماه ۱۴۰۳ در اینبار منتشر شد آمده، اسرائیل برای «فرار از مخمصه راهبردی» در تلاش برای سرایت بحران به داخل خاک جمهوری اسلامی است و «سلسله اقدامات ضد امنیتی» را طراحی کرده و در دستور کار خود گذاشته است.

بعد از انفجار زنجیره‌ای پیجرها و بیسیم‌های حزب الله که تلفات سنگینی در پی داشت، برخی مقامات جمهوری اسلامی هشدار دادند که اسرائیل قصد دارد جنگ را به صورت اقدامات ضد امنیتی به داخل خاک ایران بکشد.

پیش از این محسن رضایی میرقائد فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از اعضای «مجمع تشخیص مصلحت نظام» با اشاره به انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب الله لبنان درباره تبعات «گسترش ترورهای صنعتی» برای آمریکا و اروپا هشدار داده بود.

وی روز پنجشنبه ۲۹ شهریورماه در «ایکس» نوشت: «ترور دستجمعی، کورکوران و بزدلانه اسرائیل در لبنان با

انفجارهای مشکوک در «شهرک صنعتی» گرمسار همزمان با افزایش تنش‌های منطقه‌ای

- در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی نسبت به «خرابکاری» و «ترورهای صنعتی» اسرائیل هشدار داده‌اند، وقوع چند انفجار مشکوک در شهرک صنعتی گرمسار باعث آتش‌سوزی شدید شد.

- مسئول «هلال احمر» استان سمنان ادعا کرد این انفجار مربوط به سوختن میعانات نفتی بوده است.

- مسئولان محلی می‌گویند در کارخانه‌ای که انفجار رخ داد ۱۲ مخزن میعانات نفتی وجود دارد و احتمال انفجار این مخازن زیاد است.

- علت وقوع این انفجارها اعلام نشده اما شایعاتی مبنی بر احتمال خرابکاری مطرح شده که تأیید یا تکذیب آن به صورت مستقل ممکن نیست.

- فضای پرتنش منطقه و همزمانی این انفجارها با بازداشت افرادی متهم به «خرابکاری» توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) چنین شایعاتی را تقویت کرده است.
- در استان سمنان و به ویژه در مناطق اطراف گرمسار



تصویری از آتش سوزی در مخازن نفتی «شهرک صنعتی» گرمسار / مهرماه ۱۴۰۳

سرفت فناوری کشورهای دیگر نشان می‌دهد که اگر زودتر جلوی این تروریسم صنعتی گرفته نشود و مسابقه صنعت تروریستی در جهان گسترش پیدا کند، اولین قربانیان آن حامیان اسرائیل به ویژه آمریکا و اروپا خواهند بود.»

در استان سمنان و به ویژه در مناطق اطراف گرمسار چندین کارخانه و کارگاه مرتبط با صنایع موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی فعال هستند.

چندین کارخانه و کارگاه مرتبط با صنایع موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی فعال هستند.

تأسیسات «شهرک صنعتی فجر» در شهر گرمسار واقع در استان سمنان روز دوشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۳ دچار انفجار و آتش‌سوزی شد.

مسئول «هلال احمر» استان سمنان ادعا کرد این انفجار

ماکرون خندان به دیدار پزشک‌های رفت؛ درخواست از جمهوری اسلامی برای کاهش تنش‌ها در لبنان!



به ادامه حمایت جمهوری اسلامی از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین هشدار داده است. پزشک‌های رفت در دیدار با خبرنگاران، ارسال موشک توسط رژیم ایران به روسیه را تکذیب کرد و گفت که جمهوری اسلامی با جنگ روسیه در اوکراین مخالف است. خبرنگاری فرانسه در ادامه می‌نویسد، پزشک‌های رفت خود را یک میان‌رو معرفی کرده است. ایالات متحده علناً نسبت به برخورد با او ابراز تردید کرده و شک دارد که او چقدر در سیستمی که در رأس آن علی خامنه‌ای قرار دارد، دارای اختیار و قدرت است.

ماکرون همچنین در این دیدار خواستار آزادی سه تبعه فرانسوی زندانی در ایران شد.

دیدار مقامات ارشد دولت‌های مدافع دموکراسی با نمایندگان جمهوری اسلامی آنهم در سالگرد سرکوب خیزش ۱۴۰۱ با انتقاد ایرانیان مواجه شده است. شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند بعید است وقتی تحریم‌ها و فشار اقتصادی نتوانست پشتیبانی جمهوری اسلامی از شبه‌نظامیان را متوقف کند، درخواست‌های ماکرون با چهره‌ی خندان مانع حمایت‌های مقامات تهران از تروریسم شود.

برخی دیگر نوشته‌اند جمهوری اسلامی عامل اصلی افزایش درگیری‌ها در منطقه است و ماکرون این راه‌نویز فهمیده است. ماکرون هشتم ژوئن (۱۹ خردادماه) در دیدار با جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا گفته بود که فرانسه و ایالات متحده برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه با اولویت اصلی آرام کردن اوضاع بین اسرائیل و حزب‌الله تلاش خواهند کرد و مصمم به «اعمال فشار» بر جمهوری اسلامی هستند.

رسانه‌های حکومتی در ایران، با مانور دادن روی دیدار ماکرون با پزشک‌های رفت و سایر دیدارها از جمله دیدار پزشک‌های رفت با رجب طیب اردوغان، این ملاقات‌های تشریفاتی و رایج را نشانه‌هایی از این موضوع قلمداد می‌کنند که جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی منزوی نیست!

● **امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه روز چهارشنبه سوم مهرماه ۱۴۰۳ (به وقت ایران) در حاشیه نشست سازمان ملل متحد در نیویورک با مسعود پزشکیان دیدار کرد.**

● **کاخ الیزه در بیانیه‌ای اعلام کرد در این دیدار، ماکرون بر مسئولیت [رژیم] ایران در تنش‌زدایی و استفاده از نفوذ خود برای مقابله با عوامل بی‌ثبات‌کننده تأکید کرد.**

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه روز چهارشنبه سوم مهرماه ۱۴۰۳ (به وقت ایران) در حاشیه نشست سازمان ملل متحد در نیویورک با مسعود پزشکیان دیدار کرد. خبرنگاری فرانسه در ارتباط با این دیدار نوشت، «با افزایش تلفات در لبنان، ماکرون با مسعود پزشکیان اصلاح‌طلب خودخوانده در کشوری که توسط مالاها اداره می‌شود و اسرائیل آن را دشمن اصلی خود می‌داند، دیدار کرد.»

کاخ الیزه در بیانیه‌ای اعلام کرد در این دیدار، ماکرون بر مسئولیت [رژیم] ایران در تنش‌زدایی و استفاده از نفوذ خود برای مقابله با عوامل بی‌ثبات‌کننده تأکید کرد.

ماکرون پیش از این دو بار تلفنی با پزشک‌های رفت صحبت کرده زیرا تنش‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله مورد حمایت جمهوری اسلامی افزایش یافته است.

بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران، ماکرون از پزشک‌های رفت خواسته بود که جمهوری اسلامی برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها اقدامات تلافی‌جویانه خودداری کند.

پزشک‌های رفت روز دوشنبه دوم مهرماه در یک کنفرانس خبری، اسرائیل را متهم به دام پهن کردن برای جمهوری اسلامی و تلاش برای کشاندن پای آن به جنگ کرد.

امانوئل ماکرون دومین بار پس از آنکه دولت‌های غربی اعلام کردند جمهوری اسلامی برای روسیه موشک ارسال کرده، با پزشک‌های رفت و برای توقف این اقدام به او فشار آورد. در نهایت دولت‌های غربی تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کردند که تحریم «ایران ایر» یکی از آنهاست. در بیانیه کاخ الیزه تأکید شده که ماکرون نسبت

→ یکشنبه اول مهرماه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد ۱۲ نفر در شش استان به اتهام «همکاری با اسرائیل و انجام اقدامات ضدامنیتی» دستگیر شده‌اند. بر اساس ادعای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) آنها به صورت «شبکه‌ای» قصد انجام «اقدامات ضدامنیتی» در ایران داشتند. در این اطلاعیه آمده، اسرائیل برای «فرار از محاصره راهبردی» در تلاش برای سرایت بحران به داخل خاک جمهوری اسلامی است و «سلسله اقدامات ضدامنیتی» را طراحی کرده و در دستور کار خود گذاشته است.

سپاه پاسداران از بازداشت‌شدگان به عنوان «عناصر مزدور و همکار رژیم صهیونیستی» نام برده است.

جزئیات بیشتری در مورد مشخصات و استان‌هایی که این بازداشت‌ها در آنها صورت گرفته منتشر نشده است.

با وجود فشارهای بین‌المللی، اسرائیل عملیات نظامی علیه حماس و سایر گروه‌های شبه‌نظامی را در غزه و کرانه باختری پیش می‌برد و همزمان در شمال با حزب‌الله نیز درگیر است. پس از انفجار زنجیره‌ای پیجرها و بیسیم‌های اعضای حزب‌الله و همچنین حملات تاکتیکی نقطه‌ای برای حذف فرماندهان ارشد آن در نقاط مختلف لبنان از جمله بیروت، نگرانی در بین مقامات جمهوری اسلامی در مورد امکانات وسیع اسرائیل برای ضربات اطلاعاتی و رزمی در ابعاد گسترده افزایش پیدا کرده است.

تله جنگی

محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و فرمانده سابق سپاه پاسداران، شنبه ۳۱ شهریور، در اظهاراتی هشدار داد که شاید اسرائیل پس از لبنان جنگ را به سمت ایران بکشد. وی بدون اشاره به پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی از تروریست‌های حماس و حزب‌الله گفت: «اکنون نتانهاو کار صدام را انجام می‌دهد و برای کشاندن ما به جنگ تمام‌عیار با آمریکا، مدام در حال تحریک ایران و انجام اقدامات تروریستی همچون حمله به سفارتخانه و ترور اسماعیل هنیه است.»

وی با اشاره به تحرکات اسرائیل در منطقه و ایران، گفت: «اسرائیل به پشتیبانی دولت‌های متخاصم قصد جنگ افروزی در منطقه و کشاندن ایران به جنگ را دارد؛ ولی ایران در تله جنگی نخواهد افتاد؛ بلکه با قدرت و تدبیر پاسخ مزاحمت‌های آنها را خواهد داد.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز که به نیویورک سفر کرده است همین مسئله را تکرار کرد و گفت، اسرائیل «سعی می‌کند منطقه را به وضعیت خطرناکی پیش برد و این واقعاً برای کل جامعه بین‌الملل، یک خطر بزرگی است که تنش در منطقه امکان افزایش به سایر مناطق را هم دارد.» او تأکید کرد، «ما با دقت این اقدامات را رصد و سیاست‌های خود را تنظیم می‌کنیم.» وی همچنین افزود، «رژیم اسرائیل قطعاً به اهداف خود برای افزایش تنش و جنگ نخواهد رسید ولی پاسخ جنایت‌های خود را خواهد گرفت.»

پیش از اینها نیز شماری از کارشناسان و تحلیلگران داخل ایران به جمهوری اسلامی در مورد هدف اسرائیل برای کشاندن حکومت به میدان جنگ مستقیم با آمریکا هشدار داده بودند هرچند که مقامات نظام ادعا دارند برای هرگونه اقدام آمادگی کافی دارند.

از سوی دیگر، مسعود پزشکیان که رفتار و گفتارش سبب شده که کسی او را جدی نگیرد، در مراسم رژه نیروهای مسلح که ۳۱ شهریورماه برگزار شد تهدید کرد که باید اسرائیل را سر جای خود بنشانیم! وی در همین سخنرانی از نیروی هوایی در کنار «دریاداران» با عبارت «هواداران» نام برد! بطوری که کاربران در رسانه‌های اجتماعی نوشتند که او حتماً به نیروی زمینی هم می‌گوید: «زمینداران»!

اطلاعات جدید از فروش تابلوهای موزه «امام علی»؛ فقط دو تابلو با قیمت فروش رفته و معامله بقیه آثار ساختگی بوده است!



● مهرداد باقری رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران: موضوع تابلوها به دستاویزی برای افراد دیگری تبدیل شد و این جدا از دغدغه مدیریت شهری است، متأسفانه فضای سیاسی در برخی رسانه‌ها ایجاد شد.

● محمد آخوندی عضو شورای اسلامی شهر خطاب به مهرداد باقری گفت: شما ما را موعظه نکنید، توضیح دهید که چرا بردید، چطور بردید و چه تعداد از تابلوها برگشته‌اند.

● مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران: فروش تابلوها یک مسئله مرسوم در بسیاری از موزه‌ها است و در این ارتباط بیخودی شلوغ شده است.

● احمد محیط طباطبایی رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم ایران): موزه‌ها حق فروش اموال خود را ندارند و به هیچ‌وجه نمی‌توانند در چارچوب فروش اموال وارد شوند.

حاشیه‌های تابلوهای مفقود شده در موزه «امام علی» همچنان ادامه دارد و در یکی از جدیدترین ادعاها روزنامه «سازندگی» نوشته فقط دو تابلوی این موزه فروخته شده و باقی با قیمت ناچیز و صوری معامله شده و اکنون نزد افرادی از شهرداری و حوزه هنری است. پیشتر اعلام شده بود سی اثر مفقودی از موزه «امام علی» به دویی منتقل و نیمی از آنها در یک حراجی در آنجا به فروش رفته است.

روزنامه «سازندگی» چاپ تهران گزارش جدیدی از وضعیت آثار مفقود شده از موزه «امام علی» وابسته به شهرداری تهران منتشر کرده است. بر اساس این گزارش تنها دو تابلو با قیمت واقعی فروخته شده و بقیه تابلوها به صورت صوری و با قیمت ناچیز معامله شده است. بر اساس تحلیل این روزنامه تابلوهای صوری معامله شده اکنون در دست افرادی در شهرداری تهران و حوزه هنری است.

دیروز سه‌شنبه سوم مهرماه نیز نشست در شورای اسلامی شهر تهران با حضور مهرداد باقری رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برای رسیدگی به موضوع آثار مفقود شده برگزار شد.

سوده نجفی عضو شورای اسلامی شهر تهران پس از این جلسه در گفتگو با خبرنگاران بطور تلویحی فروش آثار با قیمت ناچیز را تأیید کرده و گفته «به نظر من اگر این آثار را برای اینکه به عنوان یک اثر هنری ایرانی در جایی به نمایش بگذارند، به صورت هدیه اهدا می‌کردند بسیار بهتر از این بود که بخواهند به مبلغ ۴۰ میلیون تومان که پول یک گوشی موبایل هم نیست، بفروش برسانند.»

به نظر می‌رسد اعضای شورای اسلامی شهر که حتی چندان بی‌اعتماد به شهردار تهران و زیرمجموعه‌هایش نیستند نیز در جلسه امروز از پاسخ‌های مقامات شهرداری درباره تابلوها قانع نشده‌اند. از جمله علیرضا نادعلی سخنگوی شورای اسلامی شهر تهران گفته «ما در جایگاه نظارتی وظیفه داریم نسبت به برخی از موضوعاتی که پیش می‌آید پی‌جویی داشته باشیم و پاسخ‌خواهی کنیم و مدیران شهرداری نیز موظف هستند که پاسخ‌های شفاف ارائه دهند.»

در هفته‌های گذشته ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران در صحن شورا موضوع به امانت گرفته شدن ۳۰ اثر از

(ثریا) قرار دارد و در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۴۰۰ تأسیس شده است. محمد زرویی مدیرعامل و مسعود نجابتی و عباس حسین‌نژاد هم اعضای هیات مدیره این موسسه معرفی شده‌اند.

این موسسه آخر فروردین ۱۴۰۳ در دویی ۳۹ اثر هنری را فروخته که ۱۴ مورد آن برای موزه «امام علی» است و از مالکیت سایر آثار اطلاعی در دست نیست. جالب اینکه همگی اعضای این شرکت، چهارم تیرماه امسال سهم خود را به حوزه هنری واگذار کرده‌اند و افراد تازه‌ای هم بجای آنها معرفی نشده‌اند. تنها موردی که پس از این اتفاق ثبت شده، یک آگهی روزنامه رسمی است که نشان می‌دهد اسانامه موسسه تغییر کرده است.

«سازندگی» افزوده با این حساب، زمان فروش آثار گنجینه موزه «امام علی»، موسسه خصوصی بوده و سهامداران آن اشخاصی حقیقی. بعد از فروش آثار و واریز سود حاصل از آن هم موسسه هنوز خصوصی است اما احتمالاً با نگرانی ناشی از وقایعی مشابه امروز، ماهیت آن را تغییر داده‌اند که تحلیل این رفتار برای کارشناسان حقوقی کار ساده‌ای است!

یک کارشناس حقوقی فعال در شهرداری تهران نیز گفته که «نه تنها هیئت مدیره سازمان فرهنگی و هنری که هیئت مدیره شهرداری هم نمی‌تواند مصوبه‌ای برای انتقال اموال دولتی به موسسات خصوصی داشته باشد. چرا که اموال شهرداری عمومی بوده و فروش آنها تنها از طریق مزایده عمومی امکان‌پذیر است. پول حاصل از فروش هم باید مستقیماً به خزانه شهرداری واریز شود.»

«سازندگی» نوشته در میان ۱۴ اثر فروخته شده موزه امام علی تنها دو کار-آن هم حدودی- به قیمت واقعی فروخته شده‌اند و این موضوع شائبه فروش صوری کارها را در ذهن برخی منتقدان پرنرنگ کرده است.

در این گزارش آمده که «این موزه بیش از سه هزار اثر را در خود جای داده است. بیش از ۲۵۰۰ اثر ←

آثار هنرمندان مطرح را که در موزه «امام علی» قرار داشت در صحن شورا مطرح کرد و اعلام کرد که از مدت زمان مشخص شده برای بازگشت این آثار حدود دو ماه گذشته و این آثار هنوز به موزه بازنگشته است.

این اظهارات آغازگر ماجرابی شد که هر روز با پیچیدگی‌های بیشتری روبرو می‌شود. اطلاعات اولیه نشان می‌داد این آثار به واسطه یک شرکت خصوصی به دویی منتقل شده و نیمی از آنها در یک حراجی به فروش رفته است. روزنامه «سازندگی» که گزارش سر درآوردن آثار موزه «امام علی» از دویی را منتشر کرده بود اکنون در گزارش جدیدی اعلام کرده فقط دو اثر به قیمت‌های واقعی فروخته شده‌اند.

مهرداد باقری رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران اما طی روزهای گذشته همواره به فراقکتی درباره این موضوع پرداخته است. در جلسه روز گذشته شورای اسلامی شهر تهران نیز مدعی شد که «موضوع تابلوها به دستاویزی برای افراد دیگری تبدیل شد و این جدا از دغدغه مدیریت شهری است، متأسفانه فضای سیاسی در برخی رسانه‌ها ایجاد شد؛ درواقع بخشی که مسئله آنها ضربه زدن به امید جامعه است چنین عمل می‌کنند.»

در واکنش به سخنان مبهم و فراقکنانه مهرداد باقری، محمد آخوندی عضو شورای اسلامی شهر به او گفت: «شما ما را موعظه نکنید، توضیح دهید که چرا بردید، چطور بردید و چه تعداد از تابلوها برگشته‌اند.»

روزنامه «سازندگی» در گزارش جدید خود اطلاعاتی را درباره شرکت وسطه‌ای که آثار از سوی موزه به آن تحویل داده شده منتشر کرده است. این موسسه با عنوان «نگاره آفاق ماهستان» که به اختصار «نام» خوانده می‌شود فعال است.

بر اساس اطلاعات وبسایت «رسمیو» که اطلاعات ثبت‌شده‌ها در ایران را منتشر می‌کند این موسسه در طبقه اول ساختمان حوزه هنری واقع در خیابان «سمیه»

اولین دوره جشنواره فیلم «زن زندگی آزادی» از استرالیا تا سوئد برگزار شد



و بازیگرانی انتخاب شده بودند که در جنبش مهسا فعال بوده‌اند. برخی از آنها از پیش در خارج کشور زندگی می‌کرده‌اند و برخی پس از جنبش زن، زندگی، آزادی مجبور به ترک ایران شده‌اند.

مرجان ساتراپی کارگردان و نویسنده از پاریس، مریم کشاورز کارگردان از آمریکا، میری کامرون کارگردان از استرالیا، پویا محسنی بازیگر از آمریکا، مریم پالیزبان بازیگر از آلمان، اشکان خطیبی کارگردان و نویسنده و بازیگر از ایتالیا، پگاه آهنگرانی بازیگر و کارگردان از انگلیس اعضای هیئت داوران این جشنواره بودند.

سخنگوی این جشنواره می‌گوید: کمیته بازبینی آثار از میان ۲۵۹۸ فیلم که به دفتر جشنواره رسید، ۲۸ فیلم را در چهار بخش مستند، کوتاه، انیمیشن و تجربی به بخش نیمه نهایی و برای قضاوت هیئت داوران معرفی کردند. سپس هیئت داوران از میان ۲۸ فیلم پنج فیلم را به عنوان برندگان جشنواره برگزید که عبارتند از:

جایزه بهترین فیلم سینمای تجربی به - Los Sueños Videodanza به کارگردانی ماریا فرناندا والوخوس از آرژانتین
جایزه بهترین فیلم انیمیشن به - The Nature of the River به کارگردانی اشچنیکو از لهستان

جایزه بهترین فیلم مستند به - SHURA به کارگردانی داوید دامیان فیگوئرا و کیوان شانیان از آمریکا
جایزه بهترین فیلم سینمایی به - Claimant به کارگردانی نادره سعادت از ایران

جایزه ویژه هیئت داوران برای بهترین فیلم به - The Shad- ow Yearning To Fly به کارگردانی الهام احمدی از ایران

● اولین دوره جشنواره فیلم «زن زندگی آزادی» توسط «کانون هنرمندان بدون مرز» «AIFTAA» طی شش روز در شهرهای شیکاگو، تورنتو، مونترال، بریزبن، پاریس، اوسلا و استکهلم برگزار شد.

کتایون حلاجان - اولین دوره جشنواره فیلم «زن زندگی آزادی» توسط «کانون هنرمندان بدون مرز» «AIFTAA» طی شش روز در شهرهای شیکاگو، تورنتو، مونترال، بریزبن، پاریس، اوسلا و استکهلم برگزار شد.

این جشنواره از استرالیا آغاز گشت و با مراسم ویژه پایانی روز شنبه ۲۱ سپتامبر در شهر استکهلم پایان یافت.

هدف از برگزاری این جشنواره نمایش آثار خلاقانه‌ای است که مبارزات و دستاوردهای زنان را برجسته کرده و آزادی بیان را ترویج می‌کند و بر برابری جنسیتی تأکید می‌نماید. انجمن هنرمندان سینما و تئاتر ایران در خارج کشور (آیفتا) با الهام از جنبش اخیر زنان ایران علیه سرکوب و بی‌عدالتی، میزبان این جشنواره است تا صدای این مبارزه را فراتر از مرزهای ایران تقویت کند. این جشنواره فیلم، مستقل و بدون حمایت مالی تدارک دیده شده است. روز اول این فستیوال به صورت آنلاین در استرالیا برگزار شد و روز دوم در پاریس با حضور مرجان ساتراپی و هلن همتی هامارستروم مدیر اجرایی جشنواره برگزار گشت.

همزمان با برگزاری جشنواره شش کارگاه تخصصی توسط هنرمندان سینمای ایران و جهان تولید شده که ویدئوی آنها از حساب‌های رسانه‌های اجتماعی «کانون هنرمندان بدون مرز سینما و تئاتر» پخش می‌شود.

اعضای هیئت داوران این جشنواره از میان کارگردانان

حجم، نقاشی، خوشنویسی، تصویرسازی، نگارگری، کاریکاتور و نقاشی قهوه‌خانه‌ای و تعدادی هم فرش، صنایع دستی و اشیای عتیقه در گنجینه موزه وجود دارد. طبق نظر کارشناسان این گزارش، تنها ۹۵۶ اثر درجه یک هستند و ۵۸۵ اثر درجه دو. بقیه آثار در رده پایین‌تری قرار گرفته و می‌توانند در فهرست آثاری باشند که مسئولان شهرداری می‌گویند، کیفیت لازم را نداشته‌اند. فهرست آثار خارج شده از موزه اما نمی‌تواند در گروه آثار درجه دوم و پایین‌تر قرار گیرد و بی‌شک نام‌ها و آثار خارج شده از موزه کارهای درجه یکی هستند که به گفته‌ی ناصر امانی ظاهراً باید فروخته شدن‌شان را باور کرد و دیگر امیدی به حضور دوباره‌شان در موزه نیست.»

همچنین گفته شده ۶۴ اثر حجم و نقاشی از پرویز تناولی، ۷۰ نقاشی از محمدعلی ترقی‌جاه و ۹۸ اثر از جواد حمیدی، نقاش پیشکسوت. همچنین ۱۹ اثر از علی‌اکبر صادقی، ۲ اثر از سهراب سپهری، یک اثر از بهمن محمص، یک اثر از آیدین آغداشلو و آثاری از سیراک ملکونیان، پرویز کلانتری، فرح اصولی، مهدی سحابی، منوچهر معتبر، حسین خسروجردی، صداقت جباری، آنه محمدتاتاری، ایرج اسکندری، اسفندیار احمدیه و بسیاری نام‌های بزرگ دیگر در بخش آثار درجه یک موزه موجود بوده که از میان آنها برخی آثار پس از واگذاری به موسسه نام فروخته شده‌اند، یا اطلاعی از سرنوشتشان در دست نیست.

گزارش «سازندگی» افزوده در بخش نقاشی قهوه‌خانه‌ای هم ۵۶ اثر وجود دارد از هنرمندانی چون حسین قوللرآقاسی، محمد مدیر، عباس بلوکی‌فر، حسین همدانی و حسن فراهانی موجود است. در بخش خوشنویسی ۱۱۸۳ اثر وجود دارد که علی شیرازی با ۱۷۵ اثر و حمید عجمی با ۹۴ اثر بیشترین فراوانی را دارند. طبق این گزارش آثار سطح پایین در این بخش فراوان است. با وجود فراوانی آثار این بخش فقط یک اثر از شیرازی از موزه خارج شده است و ظاهراً انتخاب‌کنندگان تمایلی به خروج آثار خوشنویسی نشان نداده‌اند.

مقامات شهرداری مدعی شده بود که این آثار نگارخانه‌ای بوده اما ارزش موزه‌ای نداشته‌اند و تا مدتی پیش نیز در زیرزمین موزه انبار بودند. همچنین آثار نقاشی به این دلیل برای فروش گذاشته شده که سود حاصل از آن برای خرید آثار دیگر و توسعه موزه به کار رود.

مهرداد باقری در نشست دیروز شورای اسلامی شهر تهران مدعی شده که «یک قسمت از نگارخانه‌ها فروش آثار هنری است و این مکانیزم طبیعی نگارخانه‌هاست. این فرایند قانونی به درآمد برای نگارخانه‌ها تبدیل می‌شود.»

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران نیز در اظهاراتی عجیب گفته چنین اقدامی یک مسئله مرسوم در بسیاری از موزه‌ها است. مهدی چمران افزوده که «در این ارتباط بیخودی شلوغ شده و بنا بر برنامه‌ریزی قرار است از رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران دعوت شود تا در صحن شورا در رابطه با این موضوع توضیحات خود را ارائه دهند.»

این اظهار نظر با واکنش احمد محیط طباطبایی رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم ایران) روبرو شد و گفت: «موزه‌ها بر اساس تعریف کلی موزه‌های جهان و شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) حق فروش اموال خود را ندارند و به هیچ‌وجه نمی‌توانند در چارچوب فروش اموال وارد شوند.»

رئیس ایکوم ایران همچنین فروش اموال فرهنگی را خط قرمز موزه‌ها دانست و خواستار شفاف‌سازی وزارت میراث فرهنگی شد.

تاثیر «زن، زندگی، آزادی» بر سینمای ایران



محمد رسولاف و دو تن از بازیگران فیلم «دانه انجیر معابد» در هفتاد و هفتمین جشنواره کن / ۲۴ مه ۲۰۲۴

اجباری از فعالیت حرفه‌ای خود ممنوع اعلام کرده است. «کانون مستقل فیلمسازان مستقل ایران (ایفما) در نامه سرگشاده‌ای به آکادمی اسکار ضمن انتقاد از پذیرفتن یک نهاد دولتی چون بنیاد فارابی برای معرفی سینمای ایران، و با اشاره به موفقیت فیلم‌های مستقل سینماگران ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی، به این آکادمی هشدار می‌دهد که «ادامه این روش همکاری با جمهوری اسلامی در سانسور است.»

در تهران، رسول صدر عاملی سخنگوی «خانه سینما» در یک نشست رسانه‌ای که ۱۹ شهریورماه برگزار شد، اعلام کرد «۳۰۰ تن از همکاران ما به دلایل شرایط سیاسی، اجتماعی و امنیتی پرونده باز قضائی دارند و امکان فیلمسازی ندارند.» در آبان سال گذشته کمیسیون حمایت حقوقی و قضائی خانه سینما شمار هنرمندان سینما، تئاتر و موسیقی ممنوع‌الخروج و بازداشتی را صد نفر اعلام کرده بود. البته سخنگوی خانه سینما نام سینماگرانی را که دارای پرونده باز قضائی هستند اعلام نکرد ولی افزود که امسال هم جشن سینما برگزار خواهد شد چون «داوری در این شرایط عادلانه نیست.»

بسیاری از سینماگرانی که پرونده قضائی دارند زن هستند و «اتهام» آنها حضور در اماکن عمومی و روی پرده سینما بدون رعایت حجاب اجباری است. برخی از آنها چون باران کوثری، ویشکا آسایش، ترانه علیدوستی، کتایون ریاحی، پانته‌آ بهرام، فاطمه معتمدآریا، گلاب آدینه، افسانه بایگان، هنگامه قاضیانی، پگاه آهنگرانی و شقایق دهقان در فهرستی که وزارت ارشاد اسلامی منتشر ساخته است ممنوع‌الکار اعلام شده‌اند. وزارت ارشاد معتقد است که «حجاب قانون است» و عدم رعایت آن «جرم به حساب می‌آید» و این وزارتخانه موظف به «اجرای قانون» است.

بهرانی» از علی احمدزاده، «آیه‌های زمینی» به کارگردانی مشترک علی عسگری و علیرضا خاچی، «کافه» از نوید میهن‌دوست که حالا میهمان زندان اوین است، فیلم‌های «بی‌پایان» و «شاهد» به کارگردانی نادر ساعی‌ور، «کیک محبوب من» مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها که این روزها روی پرده سینماهای اروپا است، «هفت روز» علی صمدی احمدی و یا «دانه انجیر معابد» محمد رسولاف، مهم‌ترین کارهایی هستند که بدون مجوز و بدون رعایت قوانین جمهوری اسلامی چون رعایت حجاب ساخته شده‌اند.

در حالی که کشور آلمان «دانه انجیر معابد» را به عنوان نماینده خود راهی اسکار کرده است، از جمهوری اسلامی «در آغوش درخت» را برای رقابت در این مسابقه انتخاب کردند. فیلمی که تا کنون حتی به یک جشنواره خارجی هم دعوت نشده و محصول مشترک دو نهاد دولتی «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» و «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» است. کارگردان این فیلم بابک خواجه‌پاشا سازنده سریال‌های تبلیغاتی تلویزیونی است که چندی پیش گفته بود «جشنواره‌های برلین و کن و ونیز به تصویر فلاکت از ایران جایزه می‌دهند.»

این انتخاب با توجه به اینکه یکی دیگر از کاندیداها «شهر خاموش» احمد بهرامی بود که در سال ۲۰۲۲ جایزه بهترین فیلم بخش «افق‌ها» در جشنواره ونیز و جایزه بهترین کارگردانی را در جشنواره «شب‌های سیاه تالین» در استونی به دست آورده، بسیار بحث‌برانگیز است. شاید دلیل عدم انتخاب «شهر خاموش» در صحبت‌های کارگردانش هنگام دریافت جایزه در استونی باشد که آن را تقدیم به «مردم ایران» کرد که «این روزها با صدای بلند فریاد می‌زنند زن، زندگی آزادی». شاید هم به دلیل حضور باران کوثری باشد که وزارت ارشاد اسلامی او را به خاطر حضور بدون حجاب

● آنچه در سینمای ایران در دو سال گذشته رخ داد، بسی فراتر از انتظارات در رابطه با تاثیر این خیزش بر جهان هنر و به ویژه سینماست.

● در سال اول خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ دست‌کم ۷۱ فیلم بدون رعایت قانون حجاب اجباری و بدون دریافت مجوز در ایران ساخته شده‌اند.

● نادر ساعی‌ور یادآوری می‌کند که وقتی به دنبال هنرپیشه برای فیلم «شاهد» بود، «بسیاری از بازیگران گفتند اگر می‌خواهی فیلمی با حجاب بسازی ما نمی‌آیم توی فیلم.»

● رسول صدر عاملی سخنگوی «خانه سینما» در یک نشست رسانه‌ای اعلام کرد «۳۰۰ تن از همکاران ما به دلایل شرایط سیاسی، اجتماعی و امنیتی پرونده باز قضائی دارند و امکان فیلمسازی ندارند.»

احمد رأفت - جنبش «زن، زندگی، آزادی» سینمای ایران را متحول ساخت. آنچه در سینمای ایران در دو سال گذشته رخ داد بسی فراتر از انتظارات در رابطه با تاثیر این خیزش بر جهان هنر و به ویژه سینماست. خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ سینمای زیرزمینی و سانسورگریز را تبدیل به حرکتی گسترده کرد. امروز تنها جعفر پناهی و محمد رسولاف نیستند که با فیلم‌های بدون مجوز خود جمهوری اسلامی و سانسوری را که بیش از چهار دهه بر سینمای ایران سایه انداخته بود، به چالش می‌کشند.

روزنامه «اعتقاد» چاپ تهران صحبت از ارسال ۷۱ فیلم به جشنواره سینمایی امسال کن در فرانسه می‌کند. نادر ساعی‌ور کارگردان فیلم «شاهد» که جایزه بهترین فیلم بخش «افق‌های فوق‌العاده» را در جشنواره سینمایی ونیز امسال دریافت کرد، در اشاره به شمار فیلم‌هایی که در این دو سال بدون رعایت سانسور و دریافت مجوز در ایران ساخته شده‌اند می‌گوید «من وقتی در تهران فیلم‌هایی که بچه‌ها می‌آوردند تا ببینم و نظری بدهم، چه فیلم‌های کوتاه و چه بلند، هرچه دیدم با بازیگری هنرمندان بدون حجاب اجباری بود.»

همین کارگردان در رابطه با تاثیر جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌گوید این تأثیر «بسیار بوده است». وی می‌افزاید «هنرمندان وجدان‌بیداری دارند و حتی کسانی که سعی می‌کنند خودشان را کنار بکشند و به اصطلاح جا بزنند و کار خودشان را بکنند هم در خلوت جنگ و جدالی با وجدان خود دارند.» نادر ساعی‌ور یادآوری می‌کند که وقتی به دنبال هنرپیشه برای فیلم «شاهد» بود، «با حقیقت عجیبی» روبرو شد و «بسیاری از بازیگران گفتند اگر می‌خواهی فیلمی با حجاب بسازی ما نمی‌آیم توی فیلم.»

امروز در جشنواره‌ها بین‌المللی فیلمی که زنان در تخت‌خواب و حمام هم با چادر بخوابند و دوش بگیرند دیده نمی‌شود. اصولاً سینمایی که با سرمایه دولتی و رعایت اجبارهای جمهوری اسلامی ساخته شده باشد به جشنواره‌ها دعوت نمی‌شود. نمایندگان سینمای ایران در دو سال گذشته فیلم‌هایی بودند که بدون رعایت قوانین و سانسور اجباری جمهوری اسلامی ساخته شده‌اند. فیلم‌هایی چون «منطقه

«سیمین پاریس» با زنان هنر مدرن ایران در نمایشگاه بین‌المللی «منارت» در پایتخت فرانسه



نقاشی از بهجت صدر



نقاشی از رویا اخوان



نقاشی از ملکه نائینی

مشکلات در این نمایشگاه توانستیم سه نسل از هنرمندان ایرانی را به ویژه آنهایی که در داخل ایران هستند گرد آورده و به نمایش بگذاریم. تمام تلاش ما نگره داشتن بازار هنر ایرانی است که به دلیل مشکلات بی‌شماری که در ارتباط با ایران داریم این روزها بسیار سخت است و تنها با همکاری هم‌میهنان است که می‌توانیم در این مسیر ادامه دهیم.»

همچنین به دعوت «سیمین پاریس» و لیلا وارسته، لیلا دیبا پژوهشگر هنر معاصر ایران و پایه‌گذار موزه نگارستان به همراه ژرژ عیسی نویسنده و تهیه‌کننده با بیش از ۳۰ سال فعالیت در زمینه هنرهای تجسمی و فیلم به پاریس آمدند تا در روز پایانی در ارتباط با ظهور زنان در هنر مدرن ایرانی *Herstory: The emergence of modern iranian woman* سخنرانی داشته باشند.

لیلا دیبا به کیهان لندن می‌گوید: «قبل از هنر مدرن، هنر در حیطه مردانه بود اما زنانی که اسم آنها را نیز نمی‌دانیم، در دو هنر بسیار مهم بودند یکی یافتن فرش و دیگری گلدوزی. بعدها در زمان صفویه چند تن از زنان دربار توانستند زیر نظر بزرگترین خطاطان مانند دوست محمد هروی هنر خطاطی بیاموزند که نمونه کارهای آنان موجود است.»

وی ادامه می‌دهد: «در اواخر دوران قاجاریه زمانی که هنر عکاسی به ایران آمد، می‌توان حدس زد چند تن از زنان دربار عکاسی را آموختند تا بجز ناصرالدین شاه نتوانند از زنان دربار عکس بگیرند. پس از آزادی حجاب و حضور زنان در اجتماع در اوایل قرن بیستم، شماری از زنان ایران برای تحصیلات به بزرگترین دانشگاه‌های هنر دنیا رفتند و سپس به کشور بازگشتند و هنر نقاشی مدرن را پایه‌گذاری کردند. بهجت صدر، لیلی متین دفتری، منیر فرمانفرمایان و فریده لاشایی جزو این دسته و از پایه‌گذاران هنر نقاشی مدرن در ایران هستند.»

از آنها بود. لیلا وارسته مدیر «سیمین پاریس» سال‌هاست که در زمینه هنرهای تجسمی فعالیت می‌کند و نمایشگاه‌های متعددی برگزار کرده است. او در سال‌های ۹۰ میلادی در ایران فعالیت می‌کرد و نمایشگاه‌های خصوصی بسیاری را برگزار کرده است اما بعد از مدتی ایران را ترک گفت.

لیلا وارسته در گذشته با بنیاد «سالوادور دالی» و همچنین «ایرا گالری» همکاری داشته و از سال ۲۰۰۰ تا امروز تنها با هنرمندان ایرانی کار می‌کند و سهم بسزایی در معرفی هنرمندان ایرانی در اروپا دارد. لیلا وارسته حدود ۲ سال است که «سیمین پاریس» را با هدف معرفی هنر و هنرمندان ایرانی تاسیس کرده و در این مدت هنرمندان بسیاری را در خارج و خصوصا داخل ایران به جهانیان معرفی کرده است.

آثار ارائه شده توسط «سیمین پاریس» در منارت پاریس از بهجت صدر، لیلی متین دفتری، فریده لاشایی که جزو پیشکسوتان هنر نقاشی مدرن ایران محسوب می‌شوند و همچنین رویا اخوان، ملکه نائینی، نسترن صفایی، ویشکا آسایش، هانیه دلکروا، لیلا پورخانی و سعیده میرشکار بود.

لیلا وارسته در مورد این نمایشگاه به کیهان لندن می‌گوید: «تمرکز این نمایشگاه به روی سه نسل از هنرمندان مدرن ایران بود. هنر مدرن ایران را می‌توان به دوره پیش و پس از انقلاب تقسیم کرد. هنرمندانی موفق و تاثیرگذار مانند بهجت صدر، لیلی متین دفتری و فریده لاشایی از نسل پیش از انقلاب انتخاب شده‌اند و در کنار آنها ملکه نائینی و رویا اخوان که هنرمندان نسل میانه هستند و سرانجام نسل سوم چه آنهایی که در فرانسه زندگی می‌کنند مانند هانیه دلکروا و چه آنهایی که در داخل ایران هستند مانند لیلا پورخانی و ویشکا آسایش بازیگر و مجسمه‌ساز که البته او به تازگی ساکن فرانسه شده است.»

لیلا وارسته ادامه می‌دهد: «بسیار خوشحالم که با تمام

«منارت» در پنجمین دوره خود که از تاریخ ۲۰ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ در قلب پاریس و در منطقه *Marais* برگزار شد، میزبان تعداد زیادی از هنرمندان ایرانی بود. این نمایشگاه اگرچه منحصر به زنان اختصاص داشت اما فراتر از مسئله جنسیت قصد داشت تا توجه غرب را بیشتر به هنر خاورمیانه جلب کند. حدود سی گالری در نمایشگاه امسال حضور داشتند که گالری «سیمین پاریس» با مدیریت لیلا وارسته و با همکاری رضا قبادی و شهرزاد دورقی نیز یکی از آنها بود.

لیلا وارسته در مورد این نمایشگاه به کیهان لندن می‌گوید: «تمرکز این نمایشگاه به روی سه نسل از هنرمندان مدرن ایران بود. هنر مدرن ایران را می‌توان به دوره پیش و پس از انقلاب تقسیم کرد. هنرمندانی موفق و تاثیرگذار مانند بهجت صدر، لیلی متین دفتری و فریده لاشایی از نسل پیش از انقلاب انتخاب شده‌اند و در کنار آنها ملکه نائینی و رویا اخوان که هنرمندان نسل میانه هستند و سرانجام نسل سوم چه آنهایی که در فرانسه زندگی می‌کنند مانند هانیه دلکروا و چه آنهایی که در داخل ایران هستند مانند لیلا پورخانی.»

کتایون حلاجان - نمایشگاه «منارت» یک رویداد بین‌المللی در زمینه هنر مدرن و معاصر است که در سال ۲۰۲۱ توسط *Laure d'Hauteville* با هدف برجسته کردن هنرمندان خاورمیانه و شمال آفریقا تأسیس شد.

«منارت» در پنجمین دوره خود که از تاریخ ۲۰ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ در قلب پاریس و در منطقه *Marais* برگزار شد، میزبان تعداد زیادی از هنرمندان ایرانی بود. این نمایشگاه اگرچه منحصر به زنان اختصاص داشت اما فراتر از مسئله جنسیت قصد داشت تا توجه غرب را بیشتر به هنر خاورمیانه جلب کند. حدود سی گالری در نمایشگاه امسال حضور داشتند که گالری «سیمین پاریس» با مدیریت لیلا وارسته و با همکاری رضا قبادی و شهرزاد دورقی نیز یکی

چرخه معیوب «کمبود» انرژی در ایران؛ مشکل «مصرف مردم» نیست بلکه ناتوانی حکومت در «تولید» است!



درصد ذخایر گاز جهان را دارد مجبور شده برای تامین نیاز گاز زمستانی با روسیه قرارداد منعقد کند. او در ادامه توضیح داده که «برای اینکه امسال را هم سپری کنیم یک سیاست کوتاهمدت را در پیش گرفته‌ایم، با روسیه قراردادی منعقد کردیم که ظاهر قرارداد این است که روزی ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز را طی ۳۰ سال از روسیه دریافت و صادر کنیم؛ به عبارت دیگر گاز روسیه صادر شود اما اصل ماجرا صادرات نیست چون ظرفیت نداریم و خط لوله مورد نیاز را در اختیار نداریم و امکانات تبدیل به الان جی را هم نداریم.»

از سوی دیگر بر اساس گزارش‌ها، ناترازی برق اکنون به ۲۰ هزار مگاوات رسیده و سال دیگر به بیش از ۲۵ هزار مگاوات می‌رسد یعنی بیشتر از یک چهارم حجم مصرف در کشور!

محمد دانای معنوی عضو کمیسیون مهندسی سیستم‌های سندیکی شرکت‌های تولیدکننده برق در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفته «وضعیت انرژی کشور در شرایط اورژانسی است. کمبود گاز در تابستان داشتیم، اما اکنون کمبود گاز به تابستان هم سرایت کرده و اکنون نیروگاه‌های «رجایی»، نیروگاه «منتظر قائم» و نیروگاه بندرعباس، همه مازوت سوزاندند. ما با یک چرخه طرف هستیم؛ وقتی گاز نداریم و آب پشت سدها خالی است، صحبت از نیروگاه سیکل ترکیبی برای عبور از بحران انرژی، خنده‌دار است.»

او با اشاره به اینکه مشکل ناترازی برق در کشور، مسئله‌ای نیست که بتوان طی یک سال یا دو سال آن را حل کرد و رفع این مشکل نیاز به برنامه‌ریزی دقیق ده‌ساله دارد گفته «راندانان متوسط نیروگاه‌های حرارتی ما حدود ۳۹ درصد است و این در حالیست که تکنولوژی‌های جدید در دنیا، راندمانی بالاتر از ۶۲ را تأمین می‌کنند. متوسط زمان ساخت یک نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت ۵۰۰ مگاوات، بین ۳۶ الی ۴۲ ماه است. پس اگر همین الان با فرض تأمین نقدینگی لازم برای ساخت ۲۰ هزار مگاوات اقدام کنیم (حدود ۱۵ میلیارد یورو) و فرض کنیم هیچ توسعه‌ای هم نداشته باشیم (درحال حاضر سالی ۷ درصد افزایش نیاز حداقلی داریم)، عملاً ما ۴ یا ۵ سال دیگر، این ناترازی سال ۱۴۰۳ را

گاز کشور مربوط به گرمایش بخش خانگی است که به محض سرد شدن هوا این یک‌سوم به ۷۰ درصد می‌رسد و برخی مواقع ۷۴ درصد کل گاز تولیدی کشور باید به منازل ارسال شود تا گرمای خانگی را تأمین کند به عبارت دیگر هوا سرد شود گازی برای صادرات نداریم بنابراین صادرات کلا منتفی است.»

این کارشناس ارشد حوزه انرژی همچنین گفته که «در بخش داخل به شدت میزان تقاضا در حال افزایش است و از سوی دیگر به محض سرد شدن هوا با اختلاف بسیار زیادی بخش خانگی بیش از ۷۰ درصد کل تولید را به خود اختصاص می‌دهد و تا کنون هم دولت همواره تصمیم گرفته بخش خانگی را در اولویت قرار دهد و این بدان معناست که دو بخش مهم دیگر یعنی صنعت و نیروگاه‌ها با کمبود گاز مواجه خواهند شد.»

او همچنین درباره چرخه معیوبی که به دلیل بحران «تولید» انرژی در ایران ایجاد شده توضیح داده که «وقتی نیروگاه‌ها با کمبود گاز مواجه می‌شوند بلافاصله برق نداریم و باید به سمت سوخت جایگزین یعنی گازوئیل و مازوت برویم. گازوئیل هم که به اندازه کافی نداریم و تقریباً همه میزان تولید ۱۱۰ میلیون لیتر گازوئیل برابر مصرف آن است یعنی عملاً گازوئیل نداریم و اگر قرار است گازوئیل را به نیروگاه‌ها ارسال کنیم یا باید تردد کامیون‌ها متوقف شود که سیستم توزیع بهم می‌ریزد و یا باید از ذخایر استراتژیک برداشت کنیم. در مورد مازوت هم مشکل حمل و نقل و هم مشکل آلاینده‌گی را داریم بنابراین جایگزینی گاز با سوخت مایع روشی است که نباید روی آن حساب باز کنیم.»

هاشم اورعی افزوده که «در تابستان برق را تأمین نمی‌کنیم و صنعت را متوقف می‌کنیم و زمستان هم گاز نداریم، بطوری که طی نامه‌ای که ۲ ماه گذشته به برخی صنایع ارسال شده از ابتدای آبان امکان تأمین گاز را ندارند یعنی کارخانجات تابستان برق و زمستان گاز ندارند و تولید را متوقف می‌کنیم و در این شرایط صحبت از رشد اقتصادی می‌کنیم و این فراتر از شوخی است.»

این استاد دانشگاه راهکار واردات گاز از روسیه را نیز مورد بررسی قرار داده و گفته «واقعیت اینست که کشوری که ۱۷

● مدیرعامل شرکت ملی گاز به تازگی اعلام کرده موضوع انرژی در ایران «ناترازی» نیست بلکه وارد مرحله «کمبود» شده است.

● آمارها نشان می‌دهد در پاییز و زمستان پیش رو رقم کسری گاز بطور میانگین ۳۰۰ میلیون مترمکعب خواهد بود.

● ناترازی برق اکنون به ۲۰ هزار مگاوات رسیده و سال دیگر به بیش از ۲۵ هزار مگاوات می‌رسد یعنی بیشتر از یک چهارم حجم مصرف در کشور!

● کمبود انرژی در ایران وارد چرخه‌ای معیوب شده که کمبود یکی بر دیگری اثر گذاشته و در نتیجه، رفع این کمبود نیز با شیوه مدیریت ناکارآمد جمهوری اسلامی ممکن است به گره‌ای کور تبدیل شود.

● مقامات دولتی کمبود انرژی از گاز تا برق و بنزین را گردن مردم انداخته و «مصرف بالا» را سبب این کمبود اعلام می‌کنند اما در واقعیت معلق ماندن طرح‌های توسعه‌ای صنایع نفتی و پالایشگاه‌های تولید برق سبب «کمبود تولید» شده است.

فصل پاییز در حالی آغاز شده که مدت‌هاست کسری شدید انرژی در ماه‌های آینده مورد تأکید شماری از کارشناسان قرار گرفته و نسبت به زیان بیشتر صنایع مختلف هشدار می‌دهند.

آمارها نشان می‌دهد در پاییز و زمستان پیش رو رقم کسری گاز بطور میانگین ۳۰۰ میلیون مترمکعب خواهد بود. از سوی دیگر کسری برق که در بهار و تابستان امسال سبب جیره‌بندی و قطع گسترده برق صنعت و تولید و کشاورزی، و حتی بخش خانگی شد، در ماه‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت.

سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز به تازگی اعلام کرده موضوع انرژی در ایران «ناترازی» نیست بلکه وارد مرحله «کمبود» شده است.

هاشم اورعی استاد دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) نیز به ناترازی شدید گاز اشاره کرده و گفته «اکنون اگر همه چیز درست انجام شود ظرفیت تولید گاز در کشور روزانه ۸۵۰ میلیون مترمکعب است. بطور معمول یک‌سوم مصرف

بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب ملی مهسا در آمستردام



تشویق حضاران روبرو شد.

اختر قاسمی گزارشی از این برنامه همراه با گفتگو با نیلوفر بهادری تهیه کرده است.

روز جمعه ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ برابر با ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ملی «زن زندگی آزادی» کنسرت نیلوفر بهادری هنرمند جوان ایرانی- هلندی به همراه دو هنرمند دیگر، آزاده مقصودی و شبنم بقیری با حضور صدها هلندی و ایرانی در شهر آمستردام برگزار شد.

این برنامه را نیلوفر بهادری برای حمایت از جوانان و به ویژه دختران شجاع ایران تدارک دیده بود. وی نخست ترانه «برای» از شروین حاجی پور را اجرا کرد و سپس کلیبی از فعالیت‌های این هنرمند در دو سال گذشته در تظاهرات‌ها و شبکه‌های تلویزیونی هلندی و ایرانی پخش شد. نیلوفر بهادری در طول برنامه به چهار زبان فارسی، انگلیسی، هلندی و هندی ترانه اجرا کرد.

سپس پروفیسور افشین البان استاد دانشکده حقوق شهر لایدن هلند سخنانی در رابطه با انقلاب مهسا به زبان هلندی ایراد کرد که مورد توجه حضار قرار گرفت. وی از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان نماد ملی ملت ایران یاد کرد و نه تنها از دولت‌مردان غرب بلکه از مردم هلند نیز خواست تا برای رسیدن مردم ایران به آزادی در کنار آنها باشند.

آزاده مقصودی هنرمند ساکن آلمان نیز با ویولون آهنگ «ای ایران» را نواخت که بسیار مورد تشویق شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

پرفورمنس شبنم بقیری به همراه سروده‌ای از خودش در رابطه با مهاجرت و مشکلات ادغام در جامعه جدید نیز با

→ نخواهیم داشت: آیا این میسر است؟»

احمد معروف‌خانی رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز با اشاره به کمبود شدید بنزین گفته در حالی که کشور با کسری چشمگیر بنزین مواجه است، واحدهای پتروشیمی، «ریفرمیت» تولیدی خود را که ماده اولیه تولید بنزین است، به امارات متحده عربی صادر می‌کنند.

او بدون اشاره به اینکه صادرات «ریفرمیت» از سوی کدام نهاد صورت می‌گیرد گفته «مثلا هفته گذشته شاهد صادرات «ریفرمیت» به بازار امارات بوده‌ایم، در صورتی که همین محصول می‌تواند در داخل کشور با فرایند ترکیب با «نفتا» تبدیل به بنزین مطلوب و باکیفیت شود.»

احمد معروف‌خانی افزوده پروژه‌ای که می‌تواند به کسری بنزین کمک کند پروژه «مهر خلیج فارس» است که در بهترین حالت در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ به بهره‌برداری می‌رسد. قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارفرمای پروژه توسعه پالایشگاه «مهر خلیج فارس» است که خوراک آن نفت فوق سبک (میعانات گازی) خواهد بود. بابک افقهی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی ماه گذشته اعلام کرد پالایشگاه ستاره خلیج فارس توانایی تولید بنزین با اکتان بالا و بنزین سوپر را دارد اما به دلیل ناترازی دولت دستور داده بنزین با اکتان ۸۷ و ارزان قیمت تولید کند.

او با بیان اینکه «با تأمین خوراک و میعانات که دولت در اختیار ما قرار دهد در یک فاز توسعه‌ای می‌توانیم میزان تولید را از ۴۲ میلیون لیتر افزایش دهیم»، گفته است: «دولت به دلیل ناترازی بنزین شرکت سرمایه‌گذاری نفت، گاز و پتروشیمی را وادار به تولید بنزین با اکتان پایین‌تر کرد.»

بابک افقهی همچنین گفته تولید بنزین با کیفیت پایین طی مصوبه دولت از دی‌ماه ۱۴۰۲ به این پالایشگاه تحمیل شده و در نتیجه بجای بنزین سوپر بنزین با اکتان ۸۷ تولید می‌کند.

به گفته مدیرعامل «تاپیکو» شرکت پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس این پالایشگاه رقمی معادل ۶۰ هزار میلیارد تومان در ازای فروش بنزین از دولت طلبکار است که رقم بالایی به شمار می‌رود.

این در حالیست که بر اساس ادعای جمهوری اسلامی برای ساخت پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس ۴ میلیارد دلار هزینه شده و قرار بود نفت فوق سبک و میعانات گازی تولید شده از میدان گازی پارس جنوبی که کیفیت بالایی دارد را به بنزین و گازوئیل با استاندارد یورو ۵ تبدیل کند. آمارهای وزارت نفت حاکی از آن است که پالایشگاه‌های کشور روزانه ظرفیت تولید ۹۷ میلیون لیتر بنزین را دارند اما با افزودن مواد غیرمرغوب حجم تولید را به ۱۱۸ میلیون لیتر می‌رساند. با اینهمه تولید بنزین در ایران پاسخگوی نیاز داخلی کشور نیست و مدت‌هاست ناترازی بنزین سبب اختلال در سوخت‌رسانی شده است.

اینهمه نشان می‌دهد کمبود انرژی در ایرن وارد چرخه‌ای معیوب شده که کمبود یکی بر دیگری اثر گذاشته و در نتیجه، رفع این کمبود نیز با شیوه مدیریت ناکارآمد جمهوری اسلامی ممکن است به گره‌ای کور تبدیل شود.

هرچند مقامات دولتی کمبود انرژی از گاز تا برق و بنزین را گردن مردم انداخته و «مصرف بالا» را سبب این کمبود اعلام می‌کنند اما در واقعیت معلق ماندن طرح‌های توسعه‌ای صنایع نفتی و پالایشگاه‌های تولید برق سبب «کمبود تولید» شده و یکی از کشورهای بزرگترین ذخایر انرژی فسیلی را دارد با بحران تأمین انرژی مورد نیاز مردم روبرو کرده است.

روزگار کارگران معدن طبس



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

مرگ دلخراش دست کم ۳۰ کارگر در انفجار معدن زغال سنگ طبس



عملیات جستجو برای نجات معدنکاران

پایان غم‌انگیز فاجعه‌ی انفجار «معدن‌جو» با مرگ همه کارگران محبوس؛ «تحریم» بهانه‌ای برای تجهیز نکردن معدنی که حتی آژیر خط نداشت!

● در شرایطی که همچنان خانواده ۱۱ معدنکار باقیمانده در انتهای این تونل با بیم و امید منتظر خبری خوش بودند، مدیرکل مدیریت بحران استان «خراسان جنوبی» اعلام کرد همگی «جزو فوت‌شدگان محسوب می‌شوند».

● مدیریت بحران استان «خراسان جنوبی» شمار مجموع جانباختگان را با احتساب تعداد کارگرانی که همچنان محبوس هستند ۴۹ نفر اعلام کرده است.

● سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی: آژیر مرکزی معدن یا خراب بوده یا اصلاً وجود نداشته است. به همین دلیل، حتی کارشناسان ایمنی جان خود را از دست دادند.

● رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز «نبود ایمنی» را عامل وقوع حادثه در «معدن‌جو» عنوان کرده و گفته «معدن طبس حداقل‌های استانداردها و ایمنی را رعایت نکرده است».

● برادر یکی از معدنکاران جانباخته در «معدن‌جو» گفته برادرش دو شیفت در معدن کار می‌کرد اما فقط ماهی ۱۲ میلیون تومان دریافت می‌کرد.

حادثه تلخ انفجار در معدن زغال سنگ «معدن‌جو» در طبس با «جان باختن همه کارگران محبوس» پایان غم‌انگیزی یافت. منابع دولتی تعداد نهایی جانباختگان را ۴۹ نفر عنوان کرده‌اند اما شمار کشته‌شدگان از سوی برخی منابع کارگری بیشتر عنوان می‌شود. در حالی که «تحریم» بهانه‌ی توجیه فقدان تجهیزات ایمنی در معدن شده اما یک کارشناس می‌گوید ترکیه یکی از بزرگترین سازندگان تجهیزات ایمنی با قیمت مناسب است و به راحتی می‌توانستند این تجهیزات را وارد کنند.

بعد از ظهر سه‌شنبه و پس از گذشت بیش از ۶۰ ساعت از انفجار در تونل C معدن زغال سنگ «معدن‌جو» در طبس و در شرایطی که همچنان خانواده ۱۱ معدنکار باقیمانده در انتهای این تونل با بیم و امید منتظر خبری خوش بودند، مدیرکل مدیریت بحران استان «خراسان جنوبی» اعلام کرد که همه آنها «جزو فوت‌شدگان محسوب می‌شوند».

تا ظهر امروز اعلام شده بود در مجموع و طی سه روز گذشته پیکر ۳۹ معدنکار از دو تونل B و C بیرون آورده شده است. حالا محمدعلی آخوندی مدیرکل مدیریت بحران استان «خراسان جنوبی» شمار مجموع جانباختگان

امدادی از نقاط مختلف استان برای کمک به عملیات آواربرداری از معدن به محل اعزام شده‌اند. وی همچنین گفت: «به علت عمیق بودن محله حادثه و [شدت] انفجار رخ داده، احتمال افزایش فوتی‌ها وجود دارد».

مسعود پزشکیان گفته است «با مقصران احتمالی این حادثه بطور قاطع برخورد شود». وی در یک جمله‌ی تکراری و دستوری مانند رؤسای دولت‌های قبلی جمهوری اسلامی تأکید کرد «باید معادن استاندارد شود تا دیگر این اتفاقات رخ ندهد!»

موارد مرتبط با کشته شدن کارگران در معدن کشور به علت نبود استانداردهای ایمنی لازم هنگام استخراج و فرسودگی تجهیزات رو به افزایش است. از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ دست‌کم ۲۶ کارگر در ۲۱ حادثه در معدن کشور جان باختند.



تأیید جان باختن همه کارگران محبوس در معدن «معدن‌جو»

● در سانحه‌ای دلخراش، انفجار در معدن زغال سنگ طبس که شامگاه شب ۳۱ شهریورماه اتفاق افتاد باعث مرگ دست‌کم ۳۰ تن از کارگران شد. گفته می‌شود همچنان شماری از کارگران در تونل‌ها همچنان زیر آوار هستند.

● استاندار خراسان‌جنوبی در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی تأیید کرد که تا کنون پیکر ۳۰ کارگر از ۴۷ نفری که در بلوک B معدن کار می‌کردند پیدا شده است.

● برخی منابع گزارش دادند ۱۷ نفر هم زنده از داخل معدن نجات پیدا کردند ولی تراکم گاز متان در داخل معدن آنقدر زیاد است که عملیات تیم امدادی را تحت تأثیر قرار داده است.

● مسعود پزشکیان گفته است «با مقصران احتمالی این حادثه بطور قاطع برخورد شود». وی در یک جمله‌ی تکراری و دستوری مانند رؤسای دولت‌های قبلی جمهوری اسلامی تأکید کرد «باید معادن استاندارد شود تا دیگر این اتفاقات رخ ندهد!»

در سانحه‌ای دلخراش، انفجار در معدن زغال سنگ طبس که شامگاه شب ۳۱ شهریورماه اتفاق افتاد باعث مرگ دست‌کم ۳۰ تن از کارگران شد. گفته می‌شود همچنان شماری از کارگران در تونل‌ها همچنان زیر آوار هستند. مسئولان محلی ادعا کردند این حادثه به علت «انفجار گاز متان» در بلوک (کارگاه) شماره ۳۰ شرکت زغال‌سنگ «معدن‌جو» در طبس اتفاق افتاد.

تا حوالی ساعت ۱۰ صبح امروز یکشنبه اول مهرماه به وقت ایران، بر اساس گزارش منابع رسمی تعداد جانباختگان این انفجار به ۳۰ نفر رسیده است.

استاندار خراسان جنوبی در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی تأیید کرد که تا کنون پیکر ۳۰ کارگر از ۴۷ نفری که در بلوک B معدن کار می‌کردند پیدا شده است.

برخی منابع گزارش دادند ۱۷ نفر هم زنده از داخل معدن نجات پیدا کردند ولی تراکم گاز متان در داخل معدن آنقدر زیاد است که عملیات تیم امدادی را تحت تأثیر قرار داده است. مدیرکل مدیریت بحران خراسان جنوبی گفته چند تیم



۲۰ سال از عمر آن در جهان گذشته است و ما همچنان بر کارهایی که ۴۰ تا ۵۰ سال قبل روس‌ها و یا انگلیس‌ها در کشور اجرایی کردند، متمرکز هستیم و خیلی از معادن حتی از دانش و تکنولوژی قدیمی آن روز هم استفاده نمی‌کنند، چه برسد به اینکه فناوری‌های جدیدتر را در معادن اجرایی کنند.»

فرهاد طهماسبی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است خلاء قانونی در رابطه با ایمنی معادن وجود ندارد و گفته «وزارت کار، وزارت صمت، دستگاه‌های نظارتی و سازمان نظام مهندسی معادن باید ایمنی معادن را رصد کنند. به هر حال حتماً ایرادهایی در معادن طیس وجود داشته که چنین اتفاقی رخ داده است.»

اینهمه در حالیست که شرایط کار کارگران معادن بسیار دشوار است و دستمزد آنها برابر با ارقام حداقل دستمزد رسمی وزارت کار است. برادر یکی از معدنکاران جانبخته در «معدنجو» گفته برادرش دو شیفت در معدن کار می‌کرد اما فقط ماهی ۱۲ میلیون تومان دریافت می‌کرد.

شرایط دشوار و در برخی موارد غیرانسانی کارگران معادن از سوی فرهاد طهماسبی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی هم مورد اشاره قرار گرفته است: «کمبودها و کسری‌هایی در بازدید از معادن طیس وجود داشت و شرایط کار کردن در این معدن به نظر من برای کارگران بسیار سخت است.»

آنها همواره با تهدید اخراج نیز روبرو بوده‌اند. در همین رابطه نجیب حسینی نماینده مینودشت در مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه علنی امروز سه‌شنبه سوم مهرماه گفت: «حدود هزار نفر از موکلین من در معدن زغال سنگ طیس کار می‌کنند و هرگونه اعتراض کارگران در آن معادن، معادل اخراج آنهاست.»

خانواده‌های معدنکاران و همکاران آنها نیز طی سه روز گذشته گلابه‌های زیادی درباره مرادی چون اطلاع‌رسانی، حمل پیکر کارگران و... داشته‌اند.

بر اساس ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده یکی از اعضای خانواده‌های کارگران جانبخته در معدن گفته «در آمبولانس بسته نمی‌شد به زور و با پا جنازه‌های سوخته شده را به داخل هل می‌دادند!»

او افزوده که «یک زن که همسرش کشته شده بود درخواست می‌کرد که جنازه‌ها را با عزت حمل کنند.»

که موظف هستند سرکشی کنند به‌موقع این کار را انجام ندادند و مانع از بروز چنین اتفاقاتی نشدند.»

اینهمه در حالیست که احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز دوشنبه دوم مهرماه و ساعاتی پس از بروز حادثه در حالی که برای بازدید به محل معدن رفته بود ادعا کرد: «طبق بررسی‌های ما، در معدن طیس تخلفی صورت نگرفته و این رویداد واقعا یک حادثه بوده است.»

حادثه «معدنجو» هرچند یکی از مهمترین حوادث مرگبار معدنی به دلیل فقدان ایمنی در محل کار به شمار می‌رود اما طی سال‌های گذشته چند اتفاق مشابه با جانبختگان کمتر از حادثه «معدنجو» در معادن ایران رخ داده است.

در این میان «تحریم» یکی از بهانه‌ی توجیه فقدان تجهیزات ایمنی در معادن شده اما یک کارشناس می‌گوید ترکیه یکی از بزرگترین سازندگان تجهیزات ایمنی با قیمت مناسب است و به راحتی می‌توانستند این تجهیزات را وارد کنند.

کیوان جعفری طهرانی کارشناس ارشد بین المللی صنعت سنگ آهن و فولاد در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته نقطه‌ای که در تمام اظهارات مغفول مانده، تامین تجهیزات نجات بوده است.

این کارشناس تأکید کرده این تجهیزات جزو تحریم نبوده چرا که هر چیزی را که با جان انسان مربوط باشد می‌توان در شرایط تحریم نیز تامین کرد. او همچنین توضیح داده ترکیه یکی از بزرگترین سازندگان تجهیزات ایمنی و نجات در معادن است و قیمت این تولیدات هم چندان بالا نیست در نتیجه حتی در شرایط تحریم هم قابل خریداری و وارد کردن به کشور هستند.

شاهد شیرین مدیرعامل یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه معدنکاری نیز گفته قوانین و دستورالعمل‌های زیادی در رابطه با معادن وجود دارد از جمله دستورالعمل ایمنی در معادن زیرزمینی زغال سنگ که در سال ۱۳۹۸ از سوی سازمان برنامه ابلاغ شده است.

شاهد شیرین گفته «در صفحه ۱۰ این دستورالعمل در زمینه جلوگیری از انفجار و دلایل انفجار مطالبی آورده شده است. همچنین در خصوص انتشار گاز متان تأکیدی دارد و انفجار در معدن معدنجو دقیقاً به دلیل انتشار گاز متان بوده است.»

او افزوده که «بحث مانتورینگ گازخیزی، دانشی است که

را با احتساب تعداد کارگرانی که همچنان محبوس هستند ۴۹ نفر اعلام کرده است.

برخی منابع غیررسمی اما معتقدند شمار کارگران جانبخته بیشتر است چرا که این معدن مجهز به تجهیزات کنترل ورود و خروج پرسنل نبوده است. هنوز مقامات رسمی و مدیران معدن در اینباره اظهار نظر نکرده‌اند اما استاندار «خراسان رضوی» در گفتگو با خبرنگاران گفته در ساعات نخست بروز حادثه اعلام شده ۶۹ نفر در دو تونل B و C بوده‌اند که «با بررسی دقیق، این آمار تغییر کرد و مجموع کارگران توسط شرکت معدنجو اعلام شد که ۶۵ نفر در تونل‌ها بوده‌اند.»

تناقض‌های آماری اما با گذشت ۲۴ ساعت از حادثه نمایان شد. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از جمله خبرگزاری‌های حاضر در محل حادثه بود شامگاه دوشنبه و یک شبانه‌روز پس از حادثه گزارش داد شمار جانبختگان به ۵۱ تن رسیده است با اینهمه مقامات استانی و دولتی همزمان شمار جانبختگان را ۳۱ نفر، تا آن زمان، اعلام کردند. خبرگزاری «تسنیم» این خبر را تا کنون اصلاح نکرده و البته توضیحی نیز درباره اختلاف ۲۰ نفر در آمار جانبختگان ارائه نشده است!

قوه قضاییه پرونده رسیدگی به حادثه انفجار در معدن «معدنجو» را گشوده اما موضوع رعایت نشدن ایمنی در محیط کار در این معدن به عنوان علت وقوع این حادثه مطرح است. هرچند تجمع گاز متان در معادن زغال سنگ موضوعی رایج است اما از یکسو باید معادن مجهز به سنسورهای باشند که حجم گاز را اندازه‌گیری و در صورت فراتر رفتن آن از حد مجاز اخطار دهند. از سوی دیگر بر اساس آنچه تا کنون مشخص شده، در انتهای تونل C یک جرقه سبب وقوع انفجار شده که هنوز مشخص نیست این جرقه از کجا و به چه دلیل بوده است.

در این میان، انفجار در معدن C رخ داده اما پس از دقایقی آتش به معدن B سرایت کرده آنهم در حالی که در این معدن حتی آژیر خطر هم وجود نداشته است.

در همین رابطه زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی امروز سه‌شنبه سوم مهرماه گفته «علت حادثه انفجار در معدن طیس رعایت نکردن مسائل ایمنی است.»

او توضیح داده که «آژیر مرکزی معدن یا خراب بوده یا اصلاً وجود نداشته است. به همین دلیل، حتی کارشناسان ایمنی جان خود را از دست دادند.»

سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی افزوده که «این حادثه نشان‌دهنده ضعف در رعایت استانداردها به دلایلی مانند بی‌توجهی، کمبود بودجه و مشکلات دیگر است. متهم اصلی در جایگاه نظارتی، کارگران نیستند چون آموزش ندیده بودند. فردا کارگر و گاز و سیستم را مقصر اعلام نکنند.»

رضا علیزاده رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز «نبود ایمنی» را عامل بروز حادثه در «معدنجو» عنوان کرده و گفته «معدن طیس حداقل‌های استانداردها و ایمنی را رعایت نکرده است. شاید یک زمان نیم ساعته طول کشیده تا گاز منوکسید کربن از بلوک c به بلوک b برسد، ولی ساده‌ترین اطلاع‌رسانی هم نبوده است.»

مجید نصیریپور عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه این حادثه اولین نبوده و «متأسفانه آخرین هم نخواهد بود»، گفته است که وقوع این حوادث دو علت اصلی دارد: «نخست بی‌تفاوتی صاحبان معادن و مدیران‌شان که شرش از ثروت هستند، سپس بی‌ملاحظگی مسئولان و ناظران بر فعالیت آنها که امیدوارم به شدت با این بخش برخورد شود. باید دید که چرا بازرسان و ناظرانی

احتمال زنده بودن معدنکاران محبوس در «معدنجو» نزدیک به صفر است؛ معدنی که حتی «سنسور گاز متان» نداشت!



● اسامی جانباختگان نشان می‌دهد کم‌سن‌ترین معدنچی متولد ۱۳۷۹ و بزرگترین معدنکار متولد ۱۳۴۹ بوده‌اند. بیشتر جانباختگان نیز متولد دهه شصت خورشیدی هستند.

● یکی از اقوام دو کارگری که همچنان مفقودند می‌گوید: هیچکس به ما نگفت سر اینها چه بلایی آمده است. ما از تلویزیون شنیدیم که معدن ریخته. تماس گرفتیم نشد خبری بگیریم، برای همین خودمان آمدیم.

● علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی: با توجه به نظرات کارشناسی اعلام شده، احتمال زنده ماندن افرادی که در داخل هستند تقریباً نزدیک به صفر است؛ لذا پیش‌بینی می‌کنم این حادثه بیش از ۵۰ فوتی خواهد داشت.

● رضا علیزاده رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی: معدن طیس حداقل‌های استانداردها و ایمنی را رعایت نکرده؛ شاید یک زمان نیم ساعته طول کشیده تا گاز منوکسید کربن از بلوک c به بلوک b برسد، ولی ساده‌ترین اطلاع‌رسانی هم به کارگران نشده است.

● رئیس کانون شورای اسلامی کار استان «خراسان جنوبی» درباره عدم امکانات ایمنی در معدن گفته «یک سنسور گاز متان نداریم. اگر یک سنسور گاز متان مانند معدن مرکزی داشتیم این اتفاق نمی‌افتاد.»

● کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی اعلام کرده فردا سه‌شنبه سوم مهرماه جلسه‌ای فوق‌العاده «به منظور بررسی ابعاد و علل وقوع حادثه انفجار معدن طیس» با حضور وزیر کار و وزیر صنعت برگزار می‌کند.

● یک روزنامه‌نگار در «ایکس» نوشته «معدن طیس بیست روز پیش ۴ مصدوم به خاطر تصاعد گاز داشته و بی‌توجهی به همان مشکل دیروز ۵۰ کشته بجای گذاشته!»
● «اگو ایران» گزارش داده که در جلسه روز گذشته با حضور مسئولان کشوری، تصمیم بر این شد که اجازه حضور هیچ خبرنگاری در محدوده معدن زغال‌سنگ «معدنجو» داده نشود.

● عملیات نجات در معدن زغال سنگ «معدنجو» در طیس با گذشت نزدیک به دو روز از انفجار ادامه دارد و به گفته یک نماینده مجلس شورای اسلامی احتمال زنده ماندن افرادی که در آن محبوس ماندند تقریباً نزدیک به صفر است. دست‌کم ۱۴ معدنکار همچنان در معدن گرفتارند. این معدن مجهز به تجهیزات ایمنی نبوده و حتی «سنسور گاز متان» هم نداشته است.

● آخرین خبرها از عملیات نجات در زغال سنگ «معدنجو» امیدوارکننده نیست. پس از حدود دو روز از وقوع انفجار مرگبار در این معدن گذشته است اما همچنین تیم‌های امدادی نتوانسته‌اند به یکی از کارگاه‌هایی که در انتهای یکی از تونل‌های معدن به عمق ۷۰۰ متری قرار دارد دسترسی یابند.

● اسامی و مشخصات ۳۸ معدنکاری که تا این لحظه از سوی منابع رسمی به عنوان جانباختگان حادثه معرفی شده‌اند نشان می‌دهد دو نفر از آنها مهندس ایمنی بوده‌اند که پس از حادثه و در جریان مراحل اولیه امداد و نجات، بر اثر گازگرفتگی شدید جان خود را از دست داده‌اند. اعلام نشده آیا این دو فرد شاغل در همین معدن بوده‌اند یا پس از

حادثه برای امداد و نجات به معدن رفته بودند. نشدن استانداردهای مسائل حفاظت و ایمنی علت انفجار در این معدن بوده است.

● علی خضریان نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در بازدید امروز خود از معدن «معدنجو» گفته «این فاجعه، جامعه و همکاران این عزیزان را در غم بزرگی فرو برده و ضرورت توجه به ایمنی و به‌روز کردن تجهیزات معادن را برجسته می‌کند.»

● سعید صمدی دبیر انجمن زغال سنگ ایران در گفتگو با وبسایت «انتخاب» گفته «یک وقت انفجار در معدن رخ می‌دهد که همین شرایط تدریجی و گازسنجی انجام نمی‌شود. در اینگونه انفجارها، حجم انفجار محدود و متعلق به یک نقطه از معدن است. یک مورد خیلی استثنایی هم به نام حفره‌های گاز متان داریم؛ زغال در یک محیط رسوبی تشکیل می‌شود، در زغال نیز گاهی یکسری حفره شکل می‌گیرد. زغال متعلق به ۲۰۰ میلیون سال پیش است و به تدریج یک بخشی از گاز متان زغال در این حفره‌ها جمع شده است. با این روند فشار حفره زیاد شده و ضربه به آن باعث انفجار می‌شود.»

● او در همین حال گفته «هنوز افراد به محل دقیق حادثه نرسیده‌اند، اما تلاش‌ها ادامه دارد. آواربرداری تا رسیدن به محل انفجار ادامه دارد. تا زمانی که به آنجا نرسیم، به یک پاسخ قطعی نرسیده‌ایم. شواهد فعلی و حجم انفجار نشان می‌دهد که یک حفره گاز در این بین منفجر شده است.»

● علی مقدس‌زاده رئیس کانون شورای اسلامی کار «خراسان جنوبی» اما در این رابطه و در جریان سفر احمد میدری وزیر کار به طیس گفت: «یک سنسور گاز متان نداریم. اگر یک سنسور گاز متان مانند معدن مرکزی داشتیم این اتفاق نمی‌افتاد.»

● رئیس کانون شورای اسلامی کار این استان همچنین با اشاره به درآمد ناچیز و حداقلی معدنکاران گفته «آنها فقط ۱۲ میلیون تومان در ماه حقوق دریافت می‌کردند. این رقم برابر با رقم مصوب حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۳»

● اسامی جانباختگان همچنین نشان می‌دهد کم‌سن‌ترین معدنچی متولد سال ۱۳۷۹ و بزرگترین معدنکار متولد ۱۳۴۹ بوده‌اند. بیشتر جانباختگان متولدین دهه ۶۰ خورشیدی هستند.

● علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی بعد از ظهر دوشنبه دوم مهرماه با حضور در محل حادثه طیس، از نگرانی‌های جدی در مورد جان کارگرانی که هنوز در معدن هستند خبر داد و گفت: «با توجه به نظرات کارشناسی اعلام شده، احتمال زنده ماندن افرادی که در داخل هستند تقریباً نزدیک به صفر است؛ لذا پیش‌بینی می‌کنم این حادثه بیش از ۵۰ فوتی خواهد داشت.»

● درباره شمار جانباختگان این حادثه خبرهای ضد و نقیض اعلام شده است. در حالی که خبرگزاری «تسنیم» از جان باختن ۵۱ کارگر و زخمی شدن ۲۲ کارگر دیگر خبر داده بود اما محمدعلی آخوندی مدیرکل مدیریت بحران استان «خراسان رضوی» آمار کارگرانی را که تا صبح دوشنبه دوم مهرماه پیکر بی‌جان آنها از معدن خارج شده، ۳۲ تن و تعداد مصدومان را ۱۷ تن اعلام کرده است.

● «اگو ایران» گزارش داده که در جلسه روز گذشته با حضور مسئولان کشوری، تصمیم بر این شد که اجازه حضور هیچ خبرنگاری در محدوده معدن زغال‌سنگ «معدنجو» داده نشود.

● ممنوعیت حضور خبرنگاران در پی انتشار خبرهایی درباره رعایت نشدن اصول ایمنی در این معدن و بروز نشر گاز متان یک ماه پیشتر در این معدن که نشان از وجود مشکل در معدن داشت و از سوی مدیریت آن نادیده گرفته شده، قابل توجه است.

● هرچند هنوز منابع رسمی علت این انفجار را اعلام نکرده‌اند اما اظهارات فعالان کارگری و کارشناسان نشان می‌دهد مانند حوادث مشابه در معادن دیگر کشور طی سال‌های گذشته، نبود تجهیزات مرتبط با ایمنی و رعایت

و درمان مصدومین این حادثه، ابعاد مختلف حادثه را مورد بررسی و رسیدگی قرار دهد و با مقصرین احتمالی، برخورد قانونی را به عمل آورد.

محمد جعفر عبداللهی رئیس کل دادگستری «خراسان جنوبی» نیز ساعاتی بعد اعلام کرد باید به برخی مباحث مرتبط با موضوع حادثه معدن طیس به قید تسریع بپردازیم. کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده فردا سه‌شنبه سوم مهرماه جلسه‌ای فوق‌العاده «به منظور بررسی ابعاد و علل وقوع حادثه انفجار معدن طیس» برگزار می‌کند.

علی بابایی کارنامی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه از وزرای کار و صنعت برای حضور در این جلسه دعوت شده، گفته «این حادثه نشان‌دهنده سوء مدیریت‌ها و ناکارآمدی‌ها در بخش خصوصی است». وی خواستار برخورد جدی با کسانی شد که «در این زمینه ترک فعل کرده‌اند».

حادثه معدن زغال سنگ «معدن‌جو» ساعت ۲۱ شنبه شب ۳۱ شهریور با انفجاری در اعماق زمین در تونل C این معدن رخ داده و گازهایی سمی در تنگنای سه تونل اصلی پخش شد. «شرکت معدن‌جوی طیس» یک شرکت سهامی خاص است که مدیرعامل آن، محمد مجتهدزاده است. رئیس هیئت‌مدیره آن عزت‌الله قاسمی و نایب رئیس نیز علی شیرزادیکتاپرست هستند. برخی منابع زمان تأسیس این شرکت را سال ۱۳۴۵ عنوان کرده و برخی منابع نوشته‌اند این شرکت از سال ۱۳۷۶ فعالیت خود را آغاز کرده است. «کیهان لندن» به دلیل مسدود بودن وبسایت ثبت شرکت‌های ایران برای کاربران خارج کشور امکان راست‌آزمایی در اینباره را نداشته است.

تجهیزات داخل معدن ضدانفجار نبوده است؟ به گفته دبیرکل خانه کارگر، وسایل ایمنی و حتی وسایلی که باید کارگران را در مقابل انتشار چنین گازهایی حفظ کند، هیچ یا در حد هیچ بوده. معدن طیس فاقد سیستم هشدار بوده. یکی دیگر از نشانه‌های بی‌مسئولیتی مدیران این معدن در جریان عملیات امداد و در شیوه اطلاع‌رسانی و برخورد با خانواده معدنکاران محسوب نمایان شده است.

یکی از کسانی که دو عضو خانواده‌اش در انفجار معدن مفقود شده‌اند، از لحظات سختی گفته که در این چند ساعت گذرانده است: «آمدیم معدن گفتند بروید بیمارستان. رفتیم بیمارستان گفتند اینجا نیستند بروید پزشکی قانونی. رفتیم پزشکی قانونی گفتند اینجا هم نیستند حتما در تونلی هستند که هنوز باز نشده است!»

به گفته او «یکی از آنها ۶ سال است در معدن کار می‌کند، یکی ۲ سال، اما هیچکس به ما نگفت سر اینها چه بلایی آمده است. ما از تلویزیون شنیدیم که معدن ریخته. تماس گرفتیم نشد خبری بگیریم، برای همین خودمان آمدیم. حالا هم به ما گفتند منتظر باشید تا ببینیم تکلیف چه می‌شود.»

این حادثه نیز مانند دیگر حوادث دلخراش در چند معدن دیگر کشور، با وعده مسئولان و دستورات پیاپی مقامات حکومتی برای پیگیری روبرو شده است؛ اما هر قدر معدن‌های پیشین ایمن شدند، «معدن‌جو» هم ایمن یا مدیران متخلف آن محاکمه و مجازات خواهند شد!

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ظهر امروز دوشنبه ۲ مهرماه با رئیس کل دادگستری استان خراسان جنوبی، به وی دستور داد به منظور تسریع در روند امداد رسانی و جستجوی مفقودین

است در حالی که معدنکاری از جمله مشاغل سخت است و باید دستمزدی بالاتر برای آن در نظر گرفته شود. سعید صمدی اما معدن «معدن‌جو» را یکی از بهترین معادن بخش خصوصی ایران اعلام کرده و گفته «چند سال قبل یک هیئت را از روسیه برای بازدید به این معدن در طیس بردیم، چون معدن استاندارد و تمیزی بود. طبق رعایت پروتکل‌های قانونی، ایراد فنی در آن نبوده است. رئیس آنجا از قدیمی‌های زغال و فردی محافظه‌کار و دقیق بود؛ لذا در این معدن اصلاً جای تعجب دارد که چرا انفجار رخ داده است.»

دبیر انجمن زغال سنگ ایران همچنین مدعی شده «من دیروز پرونده این معدن را که نگاه می‌کردم، حتی یک اخطار ایمنی هم در سابقه این معدن وجود نداشت.» سعید صمدی دبیر انجمن زغال سنگ ایران که به نظر می‌رسد با جانبداری به سود مدیر معدن و هم‌صنفی خود اظهار نظر کرده، در حالی این معدن را یکی از مجهزترین معادن دانسته که تصاویر برخی پیکره‌های بیرون کشیده شده از زیر آوار نشان می‌داد کارگرانی بودند که با چکمه پاره در معدن مشغول به کار بوده‌اند!

این در حالیست که برخی منابع خبری اعلام کرده‌اند حدود یک ماه پیش نیز در این معدن تصاعد گاز متان داشته است. در همین رابطه پیام برازجانی روزنامه‌نگار و مستندساز که در دولت حسن روحانی سرپرست مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت صمت و عضو ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور بوده نیز در شبکه «ایکس» نوشته «معدن طیس بیست روز پیش ۴ مصدوم به خاطر تصاعد گاز داشته و بی‌توجهی به همان مشکل دیروز ۵۰ کشته بجای گذاشته! سه سال پیش هم که رئیسی قول حل ۲۰ روزه مشکل را داده بود که اگر حل می‌شد شاید کارگران امروز زنده بودند! کتمان اهمال‌کاری کارفرما و ناظر، شراکت در این جنایت و خیانت به خون کارگران است.»

جالب آنکه احمد میدری وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم نیز از بروز حادثه ماه گذشته در این معدن بی‌اطلاع بوده یا آن را سانسور کرده است. او روز گذشته در جریان بازدید از معدن «معدن‌جو» مدعی شده که «گروه‌های ایمنی به صورت مستمر بررسی‌ها را در معدن انجام می‌دادند و تعداد زیادی متخصص در زمینه حوادث در آن فعال بودند و از سال ۷۶ که این معدن فعال شد، اولین حادثه گازگرفتگی است که در آن رخ می‌دهد و قابل پیش‌بینی نبوده است.»

رضا علیزاده رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز در اظهاراتی تند گفته «معدن طیس حداقل‌های استانداردها و ایمنی را رعایت نکرده است. قرار نیست در اثر عدم رعایت حداقل استانداردها تعدادی از کارگران جان خود را از دست بدهند. با افزایش سختگیری‌ها در حوزه رعایت استانداردها و ایمنی از بروز اتفاق مشابه جلوگیری می‌کنیم.»

او با ارائه اطلاعاتی تک‌اندنده گفته «شاید یک زمان نیم ساعته طول کشیده تا گاز منوکسید کربن از بلوک c به بلوک b برسد، ولی ساده‌ترین اطلاع‌رسانی هم به کارگران نشده است.»

وبسایت «فرارو» نیز در گزارشی درباره انفجار معدن طیس نوشته «در معدنی که ۷۶ درصد از زغال سنگ کشور تولید می‌شود، وضعیت ایمنی فاجعه‌بار است و رعایت استانداردهای گازی در آن معنایی ندارد. حال سوال اساسی اینجاست که چرا گازسنجی به‌موقع انجام نشده؟ اگر نشد گاز صورت گرفته، چه عاملی باعث احتراق شده است؟ چرا

مردان در محل کار شلوغ، هوایی می‌شوند



طلاق را دارند.

عدم تعهد، خیانت، آزار خانگی و ناسازگاری و مسائل مالی رایج‌ترین دلایل طلاق در آمریکا هستند. همچنین داشتن دوستانی که طلاق گرفته‌اند خطر طلاق را افزایش می‌دهد. بر اساس گزارش فوربس، زوج‌هایی که دوستانی دارند که طلاق گرفته‌اند، ۷۵ درصد بیشتر در خطر پایان زندگی مشترک هستند. به همین دلیل برخی جامعه‌شناسان معتقدند طلاق یک «سرایت اجتماعی» است.

بر اساس آمارهایی که فوربس در مه ۲۰۲۴ منتشر کرده ۴۳ درصد ازدواج‌های اول در آمریکا به طلاق می‌رسند. در حالی که ۶۰ درصد ازدواج‌های دوم و ۷۳ درصد ازدواج‌های سوم با نرخ بالاتری شکست می‌خورند. اگرچه نرخ خام طلاق در ایالات متحده آمریکا ۴/۲ برای هر هزار نفر در سال و بالاتر از میانگین جهانی ۶/۱ است، آمریکا بالاترین نرخ طلاق میان کشورهای جهان را ندارد. مالدیو با نرخ خام طلاق ۵۲/۵، قزاقستان با نرخ ۶/۴ و روسیه با نرخ ۹/۳ بالاترین میزان

تأثیر قوی شدن حزب راست افراطی در آلمان بر امور پناهندگی



این یک واقعیت است که در اغلب اقدامات تروریستی در آلمان، پناهجویان دخالت داشته‌اند. اما عمومیت دادن این جنایت‌ها به «همه پناهجویان و پناهندگان» و سختگیرانه‌ی قانونی بیشتر در امور پناهجویی، همان چیزی است که اسلامگرایان و جنایتکاران می‌خواهند.

اسلامگرایان می‌خواهند آلمان و حکومت‌های لیبرال-دموکرات، ارزش‌های حقوق بشری و سبک زندگی آزاد خودشان را تغییر دهند. اگر این، آن هدفی است که اسلامگرایان دنبال می‌کنند، باید خواهان مبارزه قوی‌تر با اسلامگرایان و جنایتکارانی باشیم که از بین پناهجویان سربازگیری می‌کنند. احزاب دموکرات و فعالین امور پناهندگی باید این موضوع را شفاف با افکار عمومی مطرح کنند تا مردم بدانند که دفاع از پناهجویان و حق پناهندگی، دفاع از چه ارزش‌هایی است و چرا.

باید از سیاستمداران در آلمان و دیگر کشورهای آزاد خواهان سختگیری بیشتر علیه باندهای جنایتکار و اسلامگراها شد و استدلال کرد که بسته شدن مراکز مشاوره پناهندگی، زمینه سربازگیری برای باندهای جنایتکار و اسلامگراها را مساعدتر خواهد کرد. باید استدلال کرد که مراکز مشاوره در امور پناهندگان جدا از آنکه حقوق بنیادین پناهجویان در دسترس آنها به حقوق و کرامت انسانی‌شان را تضمین می‌کنند، بلکه به آنها کمک می‌کنند تا سالم‌تر و قوی‌تر شوند. پناهجویان و پناهندگان از طریق ارتباط با مراکز مشاوره اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند، توانمندتر شده و در نتیجه در جامعه عضو مفیدتری خواهند شد. تقویت مراکز مشاوره، سربازگیری باندهای جنایتکار و اسلامگراها در آلمان را سخت‌تر خواهد کرد و برعکس، بسته شدن این مراکز عملاً به نفع این باندها خواهد بود.

در یک کلام باید اسلحه «امنیت اجتماعی» را که راسیست‌ها و پوپولیست‌ها از آن برای ترساندن مردم استفاده می‌کنند را از دست آنها گرفت و دقیقاً با همین استدلال ثابت کرد که چرا جدا از پایبندی آلمان به ارزش‌های انسانی و حقوق بشری، برای تضمین توازن اجتماعی و یک جامعه بیشتر همبسته، مراکز مشاوره در امور پناهجویان و پناهندگان لازم و ضروری است.

است. در چنین شرایطی و نظر به انتخابات پارلمان سراسری در سپتامبر ۲۰۲۵ احزاب دولت ائتلافی برای حفظ خود و برای آنکه رای‌دهندگان بیشتری را از دست ندهند، گردش به راست را در پیش گرفته‌اند.

روز چهارشنبه ۲۵ سپتامبر کل اعضای رهبری حزب سبها اعلام کردند که از سمت خود کناره می‌گیرند تا از این طریق راه برای انتخاب رهبران جدید در کنگره این حزب که در ماه نوامبر برگزار می‌شود هموار شود. صداهائی در حزب لیبرال دموکرات‌ها (FDP) نیز خواهان بیرون رفتن این حزب از دولت ائتلافی است. در چنین شرایطی امکان اینکه دولت ائتلافی قبل از موعد از قدرت کنار برود وجود دارد.

با در نظر گرفتن فضای سیاسی که بطور مختصر به آن اشاره شد، واضح است که سختگیرانه‌ی بیشتر در امور پناهندگی و پناهجویان در راه است. اولاف شولتزر در سخنرانی‌اش در پارلمان آلمان اشاره کرد که دولت او تلاش می‌کند مقررات اتحادیه اروپا در مورد سیستم جدید پناهندگی-موسوم به GEAS را که سختگیرانه‌ی خیلی شدیدتری در امور پناهندگی تعیین کرده، تا پایان امسال در پارلمان آلمان به تصویب برساند. این در حالیست که به کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا ژانویه ۲۰۲۶ فرصت داده شده تا قوانین داخلی خود را با این مقررات هماهنگ کنند. بیژن جیرسرای دیبرکل حزب لیبرال دموکرات (FDP) نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت در زمینه سختگیرانه‌ی بیشتر برای کنترل مهاجرت غیرقانونی (پناهندگی) باید آماده باشیم هر گزینه‌ای، حتی تغییر در حق پناهندگی را که در قانون اساسی آمده است مورد بررسی قرار دهیم.

پناهندگی نباید قربانی اسلامگرایی شود

کم‌کاری احزاب بزرگ در مبارزه با اسلامیست‌ها و باندهای جنایتکار باعث شده تا آنها از بین پناهجویان سربازگیری کنند. این موفقیت، حاصل کم‌کاری دولت‌های گذشته و احزاب بزرگ است.

این یک واقعیت است که به ویژه در ده سال گذشته درصد کوچکی از پناهجویان مرتکب جنایت‌های جدی مانند (تجاوز، و قتل و سرقت و ...) شده‌اند. همچنین

این یک واقعیت است که به ویژه در ده سال گذشته درصد کوچکی از پناهجویان مرتکب جنایت‌های جدی مانند (تجاوز، و قتل و سرقت و ...) شده‌اند. همچنین این یک واقعیت است که در اغلب اقدامات تروریستی در آلمان، پناهجویان دخالت داشته‌اند. اما عمومیت دادن این جنایت‌ها به «همه پناهجویان و پناهندگان» و سختگیرانه‌ی قانونی بیشتر در امور پناهجویی، همان چیزی است که اسلامگرایان و جنایتکاران می‌خواهند.

در آلمان در سطوح مختلف اداری-سیاسی، هم در شهرداری‌ها هم در ایالت‌ها و هم در سطح دولت فدرال سختگیرانه‌ی زیادی در امور پناهندگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از این اقدامات، کم شدن یا حذف بودجه‌های موجود برای مراکز مشاوره پناهندگی و پناهجویان است.

باید از سیاستمداران در آلمان و دیگر کشورهای آزاد خواهان سختگیری بیشتر علیه باندهای جنایتکار و اسلامگراها شد و استدلال کرد که بسته شدن مراکز مشاوره پناهندگی، زمینه سربازگیری برای باندهای جنایتکار و اسلامگراها را مساعدتر خواهد کرد.

حنیف حیدرزاد- در آلمان در سطوح مختلف اداری-سیاسی، هم در شهرداری‌ها هم در ایالت‌ها و هم در سطح دولت فدرال سختگیرانه‌ی زیادی در امور پناهندگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از این اقدامات، کم شدن یا حذف بودجه‌های موجود برای مراکز مشاوره پناهندگی و پناهجویان است.

جدا از مراکز که فقط مشاوره پناهندگی ارائه می‌دهند، در کل کشور آلمان ۴۸ مرکز روان‌درمانی هم وجود دارد که هم در زمینه مشاوره پناهندگی و هم روان‌درمانی پناهجویان و پناهندگان، نجات‌یافتگان از زندان و شکنجه و آنانی که قربانی تجاوز و جنگ هستند، مشاوره تخصصی ارائه می‌دهند. از این تعداد ۱۶ مرکز فقط در ایالت نورد راین وستفالن فعالیت می‌کنند. در سال ۲۰۲۲ این مراکز به ۲۵۸۶۱ مددجو خدمات ارائه کرده‌اند. در این سال ۳۶ درصد بودجه این مراکز از صندوق ایالتی و ۱۴٫۲ درصد آن از صندوق فدرال تامین شده است.

در آلمان این نگرانی وجود دارد که همزمان با سختگیرانه‌ی بیشتر در امور پناهندگی، بودجه‌هایی که به آن اشاره شد قطع شود و یا به شدت کاهش پیدا کند. چنین تصمیمی تأثیرات جدی در کم شدن یا حذف خدمات روان‌درمانی به پناهجویان و پناهندگان به دنبال خواهد داشت.

دلایل سختگیری

سختگیرانه‌ی ها در امور پناهندگی در آلمان دلایل مختلف دارد که مهم‌ترین دلیل آن بالا رفتن گرایش به حزب آلترناتیو برای آلمان AFD در بین رای‌دهندگان آلمانی است. انتخابات ایالتی در زاکسن، تورینگن و براندنبورگ در چند هفته گذشته نشان داد که استراتژی این حزب برای ربط دادن «امنیت داخلی» به پناهجویان- که آن را مهاجرت غیرقانونی می‌نامند- موفق بوده است. نتیجه این انتخابات همچنین وضعیت خراب احزاب دولت ائتلافی و عدم رضایت نسبت به دولت حاکم را نشان می‌دهد.

در کنار قوی شدن هرچه بیشتر حزب آلترناتیو برای آلمان، گرایش به اتحاد دموکرات مسیحی‌ها (CDU-CSU) و حزب تازه‌تاسیس زارا واگنکنشت (BSW) هم بالا رفته

ضیافت پزشکيان در هتل «میلینیوم هيلتون» نیویورک با حضور مهمانان نقابدار و رفقای ظریف

این ضیافت واکنش‌های مختلفی را در میان طیف گسترده‌ای از مخالفان جمهوری اسلامی و رسانه‌های فارسی‌زبان به همراه داشت. عده‌ای در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند که ترکیب مهمانان از همان «رفقای قدیمی ظریف» انتخاب شده که کارشان لابی و دلای برای جمهوری اسلامی و لاپوشانی جنایت‌ها و تهدیدات حکومت است.

حسن داعی فعال سیاسی در «ایکس» نوشت «لابی رژیم در تدارک راه‌اندازی کارزار جدیدی است تا فضای مباحثات را تقویت کند و فشار و تحریم علیه رژیم را کاهش دهد و زمینه برای امتیازگیری رژیم در مذاکرات احتمالی را فراهم کند.»

الهام ستاکی روزنامه‌نگار به نام تعدادی از مهمانان حاضر در مراسم پزشکيان اشاره کرد و حضور آنها در هتل هيلتون را «پارگیری» محمّدجواد ظریف از میان «دوستان قدیمی» برای زنده کردن برجام و کار ناتمام خود در دوران روحانی دانست.

موضوع حجاب را به بهانه و ابزاری برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بدل کرده‌اند.» وی همچنین عنوان کرده «برنامه طراحان، تجزیه و چند پاره کردن ایران است که به نفع هیچ شهروند ایرانی نیست.»

به هر حال این مراسم به دلیل سابقه مهمانان در حمایت از جمهوری اسلامی حواشی زیادی داشت به ویژه آنکه برخی از آنها به عنوان لابیگران جمهوری اسلامی در آمریکا شناخته می‌شوند. به عنوان مثال علی واعظ یکی از کسانی است که «ایران اینترنشنال» و مؤسسه «سمافور» در گزارش جنجالی خود که مهرماه ۱۴۰۲ منتشر شد، وی را به عنوان یکی از اعضای شبکه لابیگران جمهوری اسلامی معرفی کردند که با رابرت مالی مسئول سابق امور ایران در وزارت خارجه ایالات متحده برای افزایش نفوذ و اثرگذاری سیاست‌های جمهوری اسلامی در آمریکا تلاش می‌کردند.

تعدادی از مهمانان این مراسم سابقه دفاع از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارند که در لیست تروریستی آمریکا قرار دارد. شماری از آنها نیز سرکوب زنان در ایران

● ساعاتی پس از سخنرانی مسعود پزشکيان در مجمع عمومی سازمان ملل، چهارشنبه شب ۲۵ سپتامبر (بامداد پنجم مهرماه بوقت ایران) در هتل گران قیمت «میلینیوم هيلتون» نیویورک، جایی نزدیک مقرّ سازمان ملل، ضیافت شام هیأت اعزامی جمهوری اسلامی برگزار شد.

● در این مهمانی افرادی مثل تریتا پارسی (بنیانگذار نایاک)، علی اکبر موسوی خوئینی‌ها (نماینده سابق مجلس شورای اسلامی)، نگار مرتضوی (روزنامه‌نگار)، علی واعظ (عضو گروه بین‌المللی بحران) و تحلیلگرانی چون هومن مجد، محسن میلانی، ولی نصر، داریوش سجادی، عباس امانت و طنزپرداز ابراهیم نبوی حضور داشتند که به همسویی با سیاست‌های جمهوری اسلامی مشهورند و در محافل سیاسی به دلیل برجسته ساختن مواضع و دفاع از منافع حکومت ایران به شدت زیر انتقاد قرار دارند.

● جزئیات زیادی از اینکه در این مراسم مقامات و نمایندگان جمهوری اسلامی به مهمانان چه گفتند و چه شنیدند منتشر نشده اما بر اساس شنیده‌ها پزشکيان در مورد «حجاب» صحبت کرده و گفته «برخی در خارج از کشور موضوع حجاب را به بهانه و ابزاری برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بدل کرده‌اند.» وی همچنین عنوان کرده «برنامه طراحان، تجزیه و چند پاره کردن ایران است که به نفع هیچ شهروند ایرانی نیست.»

● تعدادی از مهمانان این مراسم سابقه دفاع از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارند که در لیست تروریستی آمریکا قرار دارد و شماری از آنها سرکوب زنان در ایران را به دلیل حجاب توسط گشت ارشاد اسلامی توجیه و ماله‌کشی کرده‌اند. هومن مجد یکی از آنهاست که در یک سمینار نایاک گفته بود «سپاه پاسداران آن لولوخورخوره‌ای که ما فکر می‌کنیم نیست.»

● همچنین گزارش شد که تقریباً تمام مهمانانی که برای شرکت در ضیافت شام پزشکيان وارد هتل هيلتون شدند یا حجاب بر سر داشتند یا از دوربین‌ها فرار می‌کردند. اغلب مهمانان هنگام ورود به هتل صورت خود را با ماسک، روسری یا دست پوشانده بودند.

ساعاتی پس از سخنرانی مسعود پزشکيان در مجمع عمومی سازمان ملل، چهارشنبه شب ۲۵ سپتامبر (بامداد پنجم مهرماه به وقت ایران) در هتل گرانبهای «میلینیوم هيلتون» نیویورک، جایی نزدیک مقرّ سازمان ملل، ضیافت شام هیأت اعزامی جمهوری اسلامی برگزار شد.

در این مهمانی افرادی مثل تریتا پارسی (بنیانگذار نایاک)، علی اکبر موسوی خوئینی‌ها (نماینده سابق مجلس شورای اسلامی)، نگار مرتضوی (روزنامه‌نگار)، علی واعظ (عضو گروه بین‌المللی بحران) و تحلیلگرانی چون هومن مجد، محسن میلانی، ولی نصر، داریوش سجادی، عباس امانت و طنزپرداز ابراهیم نبوی حضور داشتند که به همسویی با سیاست‌های جمهوری اسلامی مشهورند و در محافل سیاسی به دلیل برجسته ساختن مواضع و دفاع از منافع حکومت ایران به شدت زیر انتقاد قرار دارند.

جزئیات زیادی از اینکه در این مراسم مقامات و نمایندگان جمهوری اسلامی به مهمانان چه گفتند و چه شنیدند منتشر نشده اما بر اساس شنیده‌ها، مسعود پزشکيان در مورد «حجاب» صحبت کرده و گفته «برخی در خارج از کشور



مهمانان ضیافت پزشکيان در هتل هيلتون نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۴

او همچنین نوشت، «آنچه در این میان جالب توجه بود شترسواری دولاً دولای دوستان جناب ظریف است که با این کار و دزدکی آمد و شدشان هم می‌خواهند از آخور بخورند و هم از توبره.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها، پزشکيان و همراهان او روز پنجشنبه پنجم مهرماه به ایران برمی‌گردند. در همین ارتباط ویدیوهایی منتشر شده که اعضای هیأت اعزامی جمهوری اسلامی چمدان‌های خود را بسته‌اند و به سمت فرودگاه می‌روند.

همچنین ویدئوهای زیادی از گشت و گذار و خرید و بسته‌های افراد همراه تیم جمهوری اسلامی در نیویورک منتشر شده که ذوق‌زده از ویتترین فروشگاه‌ها هم عکس می‌گیرند!

را به دلیل حجاب توسط گشت ارشاد اسلامی توجیه و ماله‌کشی می‌کردند. هومن مجد یکی از آنهاست که در یک سمینار نایاک گفته بود «سپاه پاسداران آن لولوخورخوره‌ای که ما فکر می‌کنیم نیست.»

او در همین سمینار ادعا کرده بود، «هیچکس در ایران فکر نمی‌کند که سپاه هواپیمای اوکراینی را عمداً ساقط کرده است.»

همچنین گزارش شد که تقریباً تمام مهمانانی که برای شرکت در ضیافت شام پزشکيان وارد هتل هيلتون شدند یا حجاب بر سر داشتند یا از دوربین‌ها فرار می‌کردند.

بر اساس ویدیویی که شبکه «ایران اینترنشنال» از ورود مهمانان به هتل محل برگزاری این مراسم پخش کرده، اغلب آنها صورت خود را با ماسک، روسری یا دست می‌پوشانند.

تأیید لایحه «عفاف و حجاب» توسط شورای نگهبان؛ اجرای آزمایشی طرح سرکوب زنان از یک سال پیش آغاز شده بود!



● طرح «حجاب و عفاف» در حالی بیش از یک سال میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در رفت و آمد بود که در نهایت شورای نگهبان آن را تصویب کرد و اکنون همه مفاد آن از سوی دولت به اجرا گذاشته می‌شود.

● سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته «آموزش و پرورش در این قانون به عنوان یکی از دستگاه‌های مهم و متولی [مسئول] شناخته شده است و وظایف سنگینی در تبیین و اقتناع نوجوانان و دانش آموزان عزیز درباره فلسفه عفاف و حجاب و ضرورت و نقش آن در حفظ خانواده دارد».

● رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نیز یک هفته پیش گفته بود که ارقام جرمه‌ها علیه زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند در این لایحه افزایش یافته است.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از تأیید لایحه «عفاف و حجاب» توسط شورای نگهبان خبر داده است. اجرای آزمایشی این طرح اما از یک سال پیش آغاز شده و با اجرای طرح «سراسری نور» از ابتدای امسال نیز سرکوب زنان تشدید شده بود.

احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی مدعی شده «این قانون با تأکید بر حمایت از خانواده و محور آن یعنی دختران امروز و مادران و همسران آینده، با تمرکز بر اقدامات قانونی موثر از آموزش و پرورش تا آموزش عالی با احکام فرهنگی موثر به تأیید شورای نگهبان رسید».

وی گفته «اولویت‌های این لایحه اقدامات قانونی توسط دستگاه‌های متولی است. همچنین وظایفی برای همه دستگاه‌ها در خصوص حمایت از ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه پیش‌بینی شده است».

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «امید می‌رود با ابلاغ این قانون، ملت مومن و متدین ما که خانواده را به عنوان رکن حساس تمدنی خود پذیرفته است، با اتحاد، انسجام و همدلی در راستای ترویج این قانون به میدان بیایند و کمک کنند تا با همدلی بتوانیم مؤلفه‌های فرهنگی را روز به روز در جامعه گسترش دهیم».

هرچند تلاش شده این طرح در راستای «حمایت از خانواده» معرفی شود اما در اصل بیش از یک سال و نیم پیش از سوی قوه قضاییه برای سرکوب هرچه بیشتر زنان و حتی مردان در جامعه به بهانه «حجاب» طراحی شده بود.

احمد راستینه نیز گفته «بیش از ۳۰ حکم فرهنگی در این قانون وجود دارد که نشان می‌دهد مجلس شورای اسلامی اعتقاد دارد که مسئله عفاف و حجاب یک مسئله فرهنگی است و ضرورت دارد دستگاه‌هایی مانند آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و همچنین دستگاه‌های فرهنگی اعم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه‌های علمیه نسبت به تبیین و اقتناع نوجوانان و جوانان عزیزمان در زمینه ضرورت عفاف و حجاب در حفظ خانواده اقدام کنند».

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «آموزش و پرورش در این قانون به عنوان یکی از دستگاه‌های مهم و متولی شناخته شده است و وظایف سنگینی در تبیین و اقتناع نوجوانان و دانش آموزان عزیز درباره فلسفه عفاف و حجاب و ضرورت و نقش آن در حفظ خانواده دارد».

یک هفته پیش نیز موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون

منتشر نشده است با اینهمه بخش‌هایی از آن به صورت «آزمایشی» از مهرماه سال گذشته در حال اجراست؛ گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها بازگشته و هزاران زن و دختر نوجوان طی ماه‌های گذشته به علت استفاده از پوشش اختیاری و بی‌اعتنایی به پوشش تحمیلی و اسلامی جمهوری اسلامی بازداشت شده، اتومبیل‌های آنها توقیف و محکوم به پرداخت جرائم نقدی شده‌اند. از فروردین امسال نیز طرحی با عنوان «طرح سراسری نور» اجرایی شده تا سرکوب زنان به بهانه حجاب افزایش یابد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی چهارشنبه ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۲ با اجرای آزمایشی سه ساله این لایحه موافقت کردند که این موافقت ۱۵۲ رأی موافق، ۳۴ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع داشت.

روزنامه «اعتماد» مهر ۱۴۰۲ در گزارشی درباره این لایحه نوشته بود تشدید مجازات‌ها و درج موارد جدید با واکنش‌های زیادی مواجه شد، اما مساله‌ای که پیش از نگاه محتوایی در این باره مورد توجه است، حرکت فراقانونی کمیسیون قضایی و حقوقی در افزایش مواد این لایحه بود و «تغییرات قابل توجه کمی» نخستین ایراد شکلی قانونی در بررسی این لایحه در مجلس یازدهم و کمیسیون قضایی و حقوقی، آن است که از اساس لایحه را از حیز انتفاع ساقط و لایحه دولت و قوه قضاییه را به طرح تبدیل کرده است. این گزارش تأکید کرده بود که بر اساس ترم قانونگذاری، عرف روند قانون‌نویسی و البته ضوابط مستخرج از اصول مختلف قانون اساسی و نظرهای شورای نگهبان و قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مجلس شورای اسلامی مجاز به تغییر لوایح دولت و افزایش میزان و حجم آن تا سقف ۵ درصد است. با این استدلال آنچه در مورد لایحه حجاب و عفاف در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس صورت گرفته و البته در صحن علنی مجلس نیز تصویب شده، تغییرات این لایحه توسط مجلس ۱۰۰ برابر نرم معمول و قانونی است.

هنگامی که لایحه «حجاب و عفاف» در مجلس

حقوقی و قضایی مجلس روز گذشته اعلام کرد که لایحه «حجاب و عفاف» توسط شورای نگهبان تأیید شده و باید ابلاغ شود.

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی گفته بود که ارقام جرمه‌ها علیه زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند در این لایحه افزایش یافته است: «همه باید درباره تصویب و اجرایی‌شدن قانون و جرائمی که درباره افراد و خودروها وجود دارد در جریان باشند».

موسی غضنفرآبادی همچنین گفته بود که «هم صدوا سیما و هم بقیه افراد باید در جهت اطلاع‌رسانی این لایحه کمک کنند».

همزمان روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با انعکاس سخنان رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نوشت در طرح اولیه لایحه مقرر شده بود جرمه نقدی به صورت مستقیم از حساب افراد برداشت شود، اما با انتقادهای زیادی روبرو شد و حتی مجمع تشخیص هم از آن ایراد گرفت. در نهایت این انتقادات موجب شد تا برداشت مستقیم از حساب بانکی افراد لغو شده و فرصت یک‌هفته‌ای برای پرداخت به آنها داده شود. این روزنامه نوشته، با اینکه «این لایحه بالاخره پس از رفع اشکال‌ها و رفت و برگشت‌های متعدد، توسط شورای نگهبان تأیید شده اما این مسئله وجود دارد که تعامل دولت و مجلس جدید با آن چگونه خواهد بود؟ باید دید پس از کش و قوس‌ها، این دو قوه با همکاری دستگاه قضا چقدر در ابلاغ، اجرا و نظارت بر لایحه مصوب موفق خواهند بود».

لایحه «حجاب و عفاف» چند بار میان مجلس و شورای نگهبان در رفت و آمد بود تا اصلاحات لازم درباره آن انجام شود. اکنون همزمان با نخستین هفته‌های آغاز کار دولت مسعود پزشکیان، شورای نگهبان این لایحه را تصویب کرده و در نتیجه به قانون تبدیل شده است.

متن کامل لایحه تصویب شده از سوی شورای نگهبان

شورای اسلامی در حال بررسی بود جزئیاتی از برخی لوایح آن منتشر شده بود. بنا بر ماده دو این لایحه، دستگاه‌های حکومتی باید در مورد «تکالیف» خود ابتدای آبان ماه هر سال به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی گزارش بدهند و در تبصره ۲ این مصوبه نیز آمده که نیروهای نظامی و انتظامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز «با ان» رهبر جمهوری اسلامی موظف به همکاری با ستاد مربوطه هستند و «مکلفند گزارش عملکرد سالانه خود را تا ابتدای مهرماه هر سال به وزارت کشور ارائه دهند.»

از سوی دیگر فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ملکف به «ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی مرتکبین رفتارهای خلاف قانون با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار» شده است.

همچنین در فصل سوم از صداوسیما جمهوری اسلامی خواسته شده برنامه‌هایی به منظور تحقق اهداف این لایحه تهیه کند، از دعوت و انعقاد قرارداد با هنرمندانی که «سبک زندگی آنها مغایر فرهنگ حجاب و عفاف است» خودداری کند، و از تولید و پخش صوت و تصویر مروج «فساد، برهنگی، بی‌حجابی، و بی‌عفتی» جلوگیری نماید.

در ماده (۵۰) این لایحه تاکید شده است که «هر شخصی در انظار یا اماکن عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی نماید یا با پوششی ظاهر شود که عرفاً برهنگی محسوب می‌شود»، بلافاصله توسط ضابطان «بازداشت» و به مرجع قضائی تحویل می‌شود.

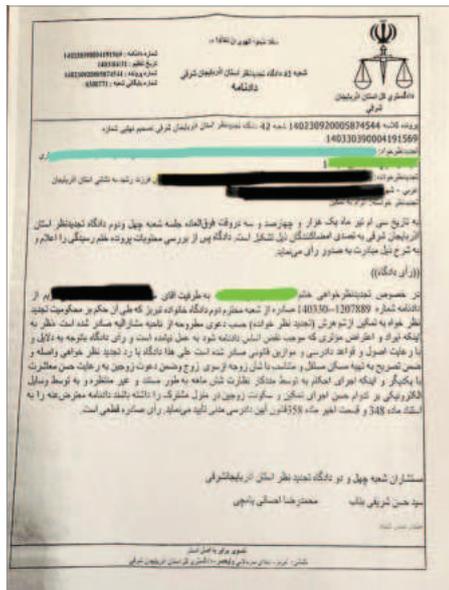
ماده (۴۹) این لایحه «هرکس در انظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج» محکوم می‌شود. ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال از دیگر مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنان در این لایحه است.

در بخشی از لایحه آمده که ارتکاب به بی‌حجابی هر فرد اگر «با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند و یا به‌صورت سازمان‌یافته» باشد، با مجازات «حبس و جزای نقدی درجه چهار» روبرو و اگر «اغفال شده باشد» مجازات او تا سه درجه تخفیف دارد. در تبصره یک این ماده آمده است که «بدپوششی در مورد زنان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما و تنگ» یا «لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از گردن یا بالاتر از مچ پا یا بالاتر از ساعد دست‌ها» دیده شود.

تبصره (۲) این ماده نیز «بدپوششی در مورد مردان» را تعیین کرده و افزوده است: «بدپوششی در مورد مردان عبارت است از پوشیدن لباسی که خلاف عفت عمومی است از قبیل لباس بدن‌نما یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از سینه یا بالاتر از ساق پا یا سرشانه فرد» دیده شود.

حبس و جریمه درجه چهار شامل «حبس بیش از پنج تا ده سال» و «جزای نقدی تا ۳۶ میلیون تومان» از جمله مجازات‌های در نظر گرفته شده برای زنانی است که حجاب تحمیلی و اجباری جمهوری اسلامی را رعایت نکرده و دارای پوشش اختیاری باشند. در بخش دیگری از این لایحه شیوه «گزینه‌ش» ادارات برای امور استخدامی با سختگیری‌هایی شبیه سال‌های نخست پس از انقلاب ۵۷ روبرو شده است. در این لایحه اعمال گزینه‌ش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌های بدو گزینه‌ش در دوره سنوات خدمتی و رعایت حجاب برای کلیه معلمان، دانشجو معلمان، و کارکنان اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی الزامی شده است.

حکم عجیب دادگاه تبریز در مورد «تمکین» یک زن به همسر؛ ثبت روابط جنسی توسط ابزار الکترونیک و راست آزمایی مأمور



● در رأی دادگاه تجدید نظر آمده: «ضمن دعوت زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر و اینکه اجرای احکام به توسط مددکار نظارت شش ماهه بطور مستند و غیرمنتظره و به توسط وسایل الکترونیکی بر تداوم حسن اجرای تمکین [زن] به شوهر] و سکونت زوجین در منزل مشترک را داشته باشند» تأیید می‌نماید.

● نگاه اسلامگرا و ضدزن بنیانگذاران و مقامات جمهوری اسلامی طی ۴۵ سال گذشته زنان ایران را به اشکال مختلف و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرکوب کرده است.

● تازه‌ترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره برابری جنسیتی در سال ۲۰۲۳ میلادی نشان از قرار داشتن ایران در انتهای جدول با رتبه ۱۴۳ دارد. تنها سه کشور افغانستان، چاد و الجزایر وضعیتی بدتر از ایران دارند!

در حکم عجیب و بی‌سابقه‌ای که به صورت «حکم قطعی و لازم‌الاجرا» از سوی یک دادگاه در تبریز صادر شده یک زن محکوم به «تمکین» به همسر شده و ارتباطات آنها از جمله رابطه جنسی آنان باید با ابزار الکترونیک ثبت شود و توسط یک مأمور قوه قضاییه نیز «راست‌آزمایی» شود.

قاسم بعدی وکیل دادگستری و حقوقدان تصویر این حکم را در شبکه «ایکس» منتشر کرده و آن را با قوانین «بردگی» مقایسه کرده است: «امروز شاهد حکمی از دادگاه تجدید نظر آذربایجان شرقی بودم که خانم رو به تمکین از شوهر محکوم کرده و با وسایل الکترونیک قرار است تمکین (یعنی خصوصی‌ترین حریم زن) را مستند و رصد کند. جایگاه زن از دید قوانین جمهوری اسلامی چنین است؟ آیا هنوز قوانین بردگی اعمال می‌شود؟»

این حکم نشان می‌دهد دادگاه تجدیدنظر نیز حکم دادگاه بدوی را مبنی بر رصد تمکین زن به شوهر توسط وسایل الکترونیک تأیید کرده است. در رأی دادگاه تجدید نظر آمده: «ضمن دعوت زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر و اینکه اجرای احکام به توسط مددکار نظارت شش ماهه بطور مستند و غیرمنتظره و به توسط وسایل الکترونیکی بر تداوم حسن اجرای تمکین [زن] به شوهر] و سکونت زوجین در منزل مشترک را داشته باشند» تأیید می‌نماید.

در این حکم همچنین مأمور قوه‌قضاییه که با عنوان «مددکار» از او نام برده شده، طی شش ماه بر موضوع نظارت کند تا در صورت اثبات اقدامی برخلاف حکم، زن را از بخش یا همه حقوق مالی که مطابق قوانین جمهوری

اسلامی از ناحیه همسر به او تعلق می‌گیرد، محروم کند. «دادبان» که به فعالین و بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی ارائه می‌دهد نیز با انتشار این خبر نوشته است: «در دعاوی بین زوجین و قوانین مربوط به روابط زوجین در ایران، منظور از تمکین عام اطاعت زن از شوهر در کلیه امور زندگی مشترک به ویژه عدم خروج بدون اجازه از منزل و زندگی در منزل تعیین شده از سوی شوهر و منظور از تمکین خاص، ارضای نیاز جنسی شوهر از سوی زن و برقراری رابطه جنسی است.» «دادبان» افزوده که «اگرچه در این حکم اشاره‌ای به نوع تمکین (عام یا خاص) نشده، اما به نظر می‌رسد منظور تمکین عام است و برای نظارت بر اجرای آن توسط زن، دایره اجرای احکام قرار است به صورت غیرمنتظره با تلفن منزل زوجین تماس گرفته و از حضور زن در خانه اطمینان پیدا کند.»

ساختار و قوانین جمهوری اسلامی پر از مواردی است که به عنوان «تبعیض جنسیتی» شناخته می‌شوند. نگاه اسلامگرا و ضدزن بنیانگذاران و مقامات جمهوری اسلامی طی ۴۵ سال گذشته زنان ایران را به اشکال مختلف و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرکوب کرده است.

برای نمونه بازار کار ایران با شکاف جنسیتی قابل توجهی روبروست و نرخ اشتغال مردان بطور متوسط دو برابر مردان است. آمارها نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی قرار دارد و از هر ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن در سن کار، ۶۸ مرد و تنها ۱۴ زن در بازار کار فعالیت دارند.

تازه‌ترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره برابری جنسیتی در سال ۲۰۲۳ میلادی نشان از قرار داشتن ایران در انتهای جدول با رتبه ۱۴۳ دارد. تنها سه کشور افغانستان، چاد و الجزایر وضعیتی بدتر از ایران دارند!

جمهوری اسلامی سال‌هاست به بهانه افزایش جمعیت و فرزندآوری تلاش کرده با مصوبات و طرح‌ها مختلف زنان را از فضای جامعه به کنج خانه براند و به آنها تحمیل کند که مهمترین وظیفه آنها همسررداری و فرزندآوری است.

در قوانین مرتبط با خانواده اما زنان در عمل به عنوان «جنس دوم» شناخته شده و با قوانین تبعیض‌آمیز مختلفی در مقایسه با مردان روبرو هستند. قوانینی که آنها را مجبور به «تمکین» و «فرمانبرداری» از همسرانشان می‌کند و حتی حقوقی مانند حق طلاق، اجازه تحصیل و کار آنها، و حضانت فرزندان مشترک را بطور طبیعی به شوهران واگذار کرده مگر اینکه مرد در شرایط ضمن عقد پذیرفته باشد چنین حقوقی را برای همسرش به رسمیت بشناسد!

احتمال از بین رفتن ستون‌های تخت جمشید با توسعه گل‌سنگ‌ها؛ قطع بودجه ویژه که برای پژوهش گل‌سنگ‌ها هزینه می‌شد



● حمید فدایی مدیر سابق میراث جهانی تخت جمشید گفته بودجه ویژه تخت جمشید قطع شده که از جمله آثار قطع این بودجه توسعه گل‌سنگ‌ها در این اثر تاریخی است. ● کوروش محمدخانی باستان‌شناس و رئیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) گفته «برای زنده نگه‌داشتن تخت جمشید، بودجه نداریم. کاخ‌های تخت جمشید را مسئله هوازگی و رویش گل‌سنگ در آستانه‌ی متلاشی شدن قرار می‌دهد.»

● کوروش محمدخانی تأکید کرده «اگر هرچه سریع‌تر به وضعیت ستون‌هایی که در کاخ آپادانا، کاخ صدستون و کاخ‌ها و بناهای مختلف که در تخت جمشید یا پاسارگاد است نرسیم، این ستون‌ها پوسته پوسته می‌شوند و از بین می‌روند.» ● با وجود رسیدن فرونشست به تخت جمشید، خبرها از صدور مجوز حفر چاه‌های بیشتر در اطراف این مجموعه حکایت دارد که مهم‌ترین علت بروز خشکسالی و فرونشست در مرودشت هستند!

مدیر سابق میراث جهانی تخت جمشید با اشاره به قطع ردیف ویژه اعتباری تخت جمشید از تغییر مسیر تخصیص بودجه به تخت جمشید خبر داده است. قطع بودجه این مجموعه در حالی صورت گرفته که این مکان تاریخی با مشکلات زیادی از جمله رشد گل‌سنگ‌ها و فرونشست روبروست و کارشناسان نسبت به پوسته پوسته شدن و از بین رفتن ستون‌های مجموعه هشدار می‌دهند.

گل‌سنگ‌ها روی ستون‌ها و بخش‌های مختلف تخت جمشید زنگ خطر را برای این میراث جهانی به صدا درآورده است. از سوی دیگر با وجود رسیدن فرونشست به این میراث برجسته‌ی تاریخی، خبرها از صدور مجوز حفر چاه‌های بیشتر در اطراف این مجموعه حکایت دارد که مهم‌ترین علت بروز خشکسالی و فرونشست در مرودشت هستند!

در این میان حمید فدایی مدیر سابق پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته یک بودجه ویژه تحت عنوان «ردیف ویژه اعتباری نئین میراث فرهنگی ایران» نیز قطع شده است که از جمله آثار قطع این بودجه توسعه گل‌سنگ‌ها در تخت جمشید و به صدا درآمدن زنگ خطر نابودی این میراث تاریخی است.

حمید فدایی که از سال ۱۳۹۷ تا آبان ۱۴۰۱ مدیریت این مجموعه را بر عهده داشته گفته طی سال‌های فعالیت تعداد کارگاه‌های مرمت در این مجموعه از دو به هفت کارگاه افزایش پیدا کرده بود.

او با اشاره به توسعه گل‌سنگ‌ها در تخت جمشید گفته این مجموعه بودجه پژوهشی جداگانه‌ای ندارد و در مجموع یک بودجه دریافت می‌کند که در اصل برای بخش عمرانی مجموعه است و فقط پنج درصد آن برای بخش پژوهشی قابل استفاده است.

مدیر سابق میراث جهانی تخت جمشید می‌گوید طی حدود چهار سالی که در این مجموعه فعالیت کرده توانسته یک ردیف بودجه اعتباری ویژه برای تخت جمشید بگیرد اما این بودجه پس از رفتن او، قطع شده است. او معتقد است افزایش توسعه گل‌سنگ‌ها و کند شدن روند تحقیقات بر روی این پدیده در تخت جمشید هم به علت قطع بودجه صورت گرفته است.

کوروش محمدخانی باستان‌شناس و رئیس گروه

آلاینده‌ها و دود حاصل از خودروها، پتروشیمی مرودشت و کارخانه‌جاتی که در اطراف تخت جمشید وجود دارد است و این آلودگی‌ها در رشد گل‌سنگ‌ها بسیار مؤثر است.» این موضوع از سوی حمید فدایی هم مورد تأکید قرار گرفته است: «در کنار عوامل مختلفی که در سنگ‌های تخت جمشید آسیب ایجاد می‌کنند که خیلی از آنها عوامل محیطی هستند، مسئله گل‌سنگ‌ها را هم داریم. آنچه به عنوان گل‌سنگ‌های تخت جمشید از آن نام می‌بریم و دوستان مشکلاتش را رصد می‌کنند، در یک دوره دو هزار و ۵۰۰ ساله به وقوع پیوسته است.»

حمید فدایی با اشاره به اهمیت توجه به گل‌سنگ‌ها گفته «در بخشی از نقاط تخت جمشید این موضوع می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛ چون گونه‌ها بسیار متنوع هستند اما شاید ریسک و خطری که بخشی از گونه‌ها ایجاد می‌کنند، زیاد نباشد. مسئله ما در تخت جمشید در دو دهه‌ای که آنجا پایگاهی تشکیل شده است و کار علمی می‌شود، شناخت گل‌سنگ‌ها بوده است. بدون شناخت، عملاً نمی‌شود نسخه‌ای برای درمان آن معضل پیچید.»

فدایی افزوده که «بحث گل‌سنگ اینگونه نیست که به سادگی بتوان آن را پاکسازی کرد. کما اینکه ممکن است پاکسازی آن به افزایش گل‌سنگ‌ها در دهه‌ها و سده‌های آینده کمک کند. بنابراین مسئله شناخت، نخستین گام و البته یک گام بسیار حیاتی برای کنترل این معضل است. تا زمانی که در پایگاه حضور داشته‌م، ۶۰ تا ۷۰ درصد گل‌سنگ‌ها را شناسایی کردیم و ۳۰ تا ۴۰ درصد آن ناشناخته مانده است.»

به گفته حمید فدایی یکی از مشکلات نبود کارشناس کافی گل‌سنگ در ایران است: «شناخت گل‌سنگ به عنوان رشته مستقل در کشور ما تدریس نمی‌شود، بنابراین چنین تخصصی در ایران وجود ندارد. کسی که در ایران درباره شناسایی گل‌سنگ خیلی مطرح است و در این مورد اختصاصاً کار کرده و در دو دهه گذشته روی تخت جمشید مطالعه کرده است، فردی به نام محمد سهرابی است. او در

باستان‌شناسی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) نیز هفته گذشته اعلام کرد که «برای زنده نگه‌داشتن تخت جمشید، بودجه نداریم. کاخ‌های تخت جمشید را مساله هوازگی و رویش گل‌سنگ در آستانه‌ی متلاشی شدن قرار می‌دهد.»

این باستان‌شناس هم مانند حمید فدایی تأکید کرده بود که «هیچ اثر باستانی یا بنای تاریخی را نمی‌توان از تخریب محفوظ کامل داشت اما می‌توان فرآیند زوال آن را به میزان قابل توجهی کاهش داد. امروز، بزرگ‌ترین مشکل این سرمایه‌ی ملی، نبود بودجه برای گل‌سنگ‌زدایی است.» گل‌سنگ‌ها پدیده‌ای طبیعی هستند که در سراسر طبیعت رشد می‌کنند و از جلبک و قارچ تشکیل شده‌اند که سنگ‌ها را در طول زمان، مستهلک کرده و از بین می‌برند.

شهرهای رم و فلورانس در ایتالیا دارای بیشترین آثار سنگی هستند، اما مرمت‌کنندگان و کارشناسان ایتالیایی از سال ۲۰۱۳ با روش‌های علمی شروع به گل‌سنگ‌زدایی کردند و این پروژه چندین سال هم به طول انجامید چرا که گل‌سنگ در تمام آثار تاریخی دنیا وجود دارد و از بین بردن آن به علم نوین و شیوه‌های اصولی نیاز دارد.

کوروش محمدخانی در گفتگو با «دنیای اقتصاد» درباره وضعیت گل‌سنگ‌ها در تخت جمشید گفته «علاوه بر فرسایش و هوازگی که در پای ستون‌ها و سرستون‌های بخش‌های مختلف به خصوص کاخ آپادانا یا کاخ صدستون وجود دارد یکی از قسمت‌های بزرگی که در تخت جمشید داریم، گل‌سنگ‌هایی هستند که در ایوان شمالی کاخ ایچ در قسمت‌های مختلف ایوان شمالی کاخ تچر و کاخ هدیش وجود دارند و موجب تخریب بنا می‌شوند. شاید حداقل از ۷۰ سال گذشته که تخت جمشید برای حفاظت و نگهداری مورد توجه بوده همین مساله گل‌سنگ‌ها هست سرعت فرسودگی را بالا می‌برند.»

رئیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه «بهشتی» تهران افزوده «یکی از دلایل عمده‌ای که میزان گل‌سنگ‌ها زیاده‌تر شده

جشن مهرگان و نوزایش ایرانی

پایکوبی می‌پردازند.

هرچند ریشه‌های تاریخی این رویداد بطور دقیق چندان مشخص نیست، ولی این داستان از لحاظ اساطیری ریشه عمیقی در فرهنگ ایرانی دارد. شاید بتوان گفت که این قیام اولین جنبش مدنی در تاریخ بشریت بوده است. ضحاک نماد بیداد و جهل و تاریکی است. او روزانه از مغز جوانان تغذیه می‌کرد که نشان از ترویج جهل و خرافات است. این همچنین نماد مبارزه با نادانی و خرافات در جنبش کاوه و فریدون است. شاید هم از این روست که ما فرزندانمان را در مهرماه به مدرسه می‌فرستیم تا از جهل و نادانی رهایی یابند. به نظر می‌رسد جشن مهرگان نماد پیروزی خردورزی بر خردستیزی باشد. از دیگر نمادهای مهرگان پیروزی داد بر بیداد است. فردوسی در اثر سترگ خود «شاهنامه» به هر دو این نکته‌ها اشاره کرده است:

به روز خجسته سر مهرماه
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه
زمانه بی‌انده گشت از بدی
گرفتند هر کس ره بخردی



نکته دیگر این داستان اشاره به مفهوم مدارا است. در جنبش آحاد مختلف ایرانیان با وجود ناهمگونی‌های ارزشی، در کنار هم شرکت دارند و با کنار گذاشتن اختلافات و «داوری» در استقرار یک ساختار جمعی-اجتماعی نوین شرکت می‌کنند.

دل از داوری‌ها بپرداختند

به آیین یکی جشن نو ساختند

این آیین آغازی بود بر نوزایش ایرانی و رهایی از عصر جهل و خرافات ضحاک. ایرانیان با اراده و خرد جمعی، عصر و آیین نوینی را رقم زدند.

*دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی پزشک متخصص پیوند اعضا و عضو کنونی هیئت هماهنگی پروژه ققنوس ایران است.

خود در این محوطه باستانی ادامه می‌دهد. بر اساس این گزارش، مسئولان میراث فرهنگی استان فارس اقدامی برای جلوگیری از تخریب این بخش مهم از میراث تخت جمشید که دارای آثاری از دوره هخامنشی، ساسانی و اسلامی است، انجام ندادند.

اسناد تاریخی نشان می‌دهد داریوش هخامنشی تخت جمشید را به دلیل تقدس کوه «مهر» یا کوه «چمگان»، معروف به کوه «رحمت» در دامنه آن ساخت. در زمان ساسانیان نیز تاجگذاری شاهنشاهان در این کوه انجام می‌شد.

● علاوه بر اوستا، قدمای ایرانزمین نظیر رودکی، فارابی، نظامی، حافظ، ناصر خسرو و سنایی نیز از مهرگان سخن گفته‌اند. اما حکیم طوس این داستان تاریخی-اساطیری را با جزئیات بیشتر به این صورت بیان کرده است که: با افول فرّ ایزدی از جمشید، ضحاک بر ملک او غلبه یافت و هزار سال با ستم و جادوگری فرمانروایی کرد. کاوه و فریدون بر وی شوریدند و او را در کوه دماوند بر بند کردند. به شکرانه این روز ایرانیان البسه ارغوانی به بر کرده و به جشن و پایکوبی می‌پردازند.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - جشن مهرگان از بزرگترین جشن‌های ایرانیان پس از نوروز است. قدمت مهرگان به دو هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. در مورد فلسفه مهرگان نظرات مختلفی بیان شده است از جمله ستایش مهر یا میترا، جشن برداشت محصول یا پیروزی جنبش کاوه و فریدون بر ضحاک.

در متون کهن ایرانی به تکرار از مهرگان یاد شده است. ابوریحان بیرونی در اینباره می‌گوید: «مهرگاه، شانزدهم روز است از مهرماه و نامش مهر، اندرین روز، افریدون ظفر

یافت بر بیورسب جادو، انک معروف است به ضحاک، و به کوه دماوند بازداشت؛ و روزها که سپس مهرگان است همه جشنند، بر کردار آنچه از پس نوروز بود».

علاوه بر اوستا، قدمای ایرانزمین نظیر رودکی، فارابی، نظامی، حافظ، ناصر خسرو و سنایی نیز از مهرگان سخن گفته‌اند. اما حکیم طوس این داستان تاریخی-اساطیری را با جزئیات بیشتر به این صورت بیان کرده است که: با افول فرّ ایزدی از جمشید، ضحاک بر ملک او غلبه یافت و هزار سال با ستم و جادوگری فرمانروایی کرد. کاوه و فریدون بر وی شوریدند و او را در کوه دماوند بر بند کردند. به شکرانه این روز ایرانیان البسه ارغوانی به بر کرده و به جشن و

این در حالیست که گزارش‌ها از تداوم صدور مجوز حفر چاه در اطراف تخت جمشید حکایت دارد. در خبر تکانه‌دهنده دیگری که هفته گذشته منتشر شد نیز آمده بود عملیات معدن‌کاوی شهرداری مردود شد باعث «تخریب گسترده» کوه رحمت که تخت جمشید در دامنه آن قرار دارد شده است. کوه رحمت در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت است. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده معدن سنگ‌شکن متعلق به شهرداری مردود شد با وجود صدور حکم قضایی برای توقف فعالیت در سال ۱۳۹۴، همچنان «با فعالیت بیشتر» به کار

خارج از ایران تحصیل کرده است و تا حدودی روی

گلسنگ‌های تخت جمشید مطالعه کرده است.»

حمید فدایی می‌گوید قبل از انقلاب ۵۷ مدیریت تخت جمشید استقلال عمل داشته و از ۱۳۱۰ به بعد که کاوش‌ها در تخت جمشید آغاز شد، همیشه یک سیستم و تشکیلات مستقل با پست‌های سازمانی در تخت جمشید وجود داشته است. او افزوده «بعد از انقلاب متأسفانه این تشکیلات را تعطیل می‌کنند و آسیب‌ها زیاد می‌شود. اکنون هم مدیران ما این درک را ندارند که به گذشته بازگردند و سابقه را جست‌وجو کنند. فکر می‌کنند تخت جمشید مثل بقیه است، در حالیکه تخت جمشید مثل بقیه آثار تاریخی نیست و به این اثر باید توجه ویژه‌تر کرد.»

کارشناسان تأکید دارند روی گلسنگ‌ها در تخت جمشید روی نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها باعث می‌شوند کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها ترک بخورند و اگر این ترک خوردگی با هوازگی توأم شود باعث از هم پاشیده شدن نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها می‌شود. موضوعی که به تهدیدی جدی علیه تخت جمشید تبدیل شده است.

در همین رابطه کوروش محمدخانی گفته «اگر هرچه سریع‌تر به وضعیت ستون‌هایی که در کاخ آپادانا، کاخ صدستون و کاخ‌ها و بناهای مختلف که در تخت جمشید یا پاسارگاد است نرسیم، این ستون‌ها پوسته پوسته می‌شوند و از بین می‌روند.»

او افزوده «در دهه ۹۰ شمسی کار خوبی توسط دانشگاه بلونیا و مؤسسه ایزیاو کنونی در تخت جمشید و پاسارگاد شروع شده بود که چند سالی هم ادامه پیدا کرد و انجام شد، اما متأسفانه این پروژه از جایی به بعد ادامه پیدا نکرد. در آن سال‌ها تیمی که در حال کار مرمت بودند، سنگ‌های هوازده را با روش‌های جدید مرمتی به هم می‌چسباندند و از هوازگی بیشتر سنگ‌ها جلوگیری می‌کردند. نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که شاید نتوانیم بعضی از بناهای باستانی را نجات بدهیم؛ ولی می‌توانیم روند از بین رفتنشان را کند کنیم.»

در کنار گلسنگ‌ها، فرونشست نیز بلای دیگری است که با ناکارآمدی مسئولان جمهوری اسلامی دامن تخت جمشید و نقش رستم را گرفته است.

ایمان انتظام سلطانی رئیس گروه آب و زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی ماه گذشته گزارش داد که جلگه مردود شد که تخت جمشید و نقش رستم در آن قرار دارد در دو سال اخیر ۲۱ سانتی‌متر فرونشست داشته است. پیش از این نیز گزارش‌هایی درباره وضعیت نگران‌کننده تخت جمشید و نقش رستم با گسترش فرونشست‌ها در استان فارس منتشر شده بود.

پیشتر قاسم نهبانندی معاون اداره کل محیط زیست فارس به وبسایت «رویداد۲۴» گفت بود که «فرونشست در استان فارس وضعیت خوبی ندارد و به نزدیک تخت جمشید رسیده است.»

محمدنایب اقلیدی مدیرکل میراث فرهنگی استان نیز از مشاهده پدیده فرونشست در اطراف نقش رستم خبر داده که به همین دلیل کاوش‌هایی نیز در منطقه در حال انجام است. مهم‌ترین علت گسترش فرونشست‌ها در جلگه مردود شد برداشت از آب‌های زیرزمینی این دشت با حفر چاه‌های کشاورزی عنوان شده است.

مهدی پارسایی استاد دانشگاه و پژوهشگر میراث فرهنگی معتقد است برای محافظت از تخت جمشید مسئولان باید این اثر را وارد چرخه اقتصادی منطقه کرده و با تعریف معیشت جایگزین، «کشاورزی» را نیز در جلگه مردود شد محدود کنند.

تاراج میراث فرهنگی؛ ادامه حاشیه‌های ماجرای خروج تابلوهای موزه «امام علی» از کشور و فروش آنها در دبی



● روزنامه «پیام ما»: میراث فرهنگی در این زمینه کوتاهی کرده است؛ چون دستگاه‌های متولی موزه‌ای را موظف به ثبت آثار تاریخی و موزه‌ای‌شان در سامانه ملی اطلاعات کشور نکرده است.

● برخی موضوع انتقال آثار از موزه به دبی و فروش بخشی از آنها را با در نظر گرفتن رقابت‌های جناحی مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده‌اند اتهامی که متوجه علیرضا زاکانی شهردار اصولگرای تهران است را برجسته‌تر کنند. خروج ۳۰ تابلوی نقاشی ارزشمند از موزه «امام علی» و فروش بخشی از آنها در دبی همچنان با واکنش‌هایی روبروست. بسیاری این موضوع را با عباراتی چون «تاراج میراث فرهنگی» یا «اختلاس فرهنگی» توصیف می‌کنند. برخی منتقدان هم می‌گویند در حالیکه این موزه وابسته به شهرداری تهران بوده باید شهرداری و سازمان میراث فرهنگی در اینباره پاسخگو باشند.

طی روزهای گذشته خروج ۳۰ اثر هنری از «موزه امام علی» وابسته به شهرداری تهران، انتقال آنها به دبی و فروش ۱۴ اثر در یک حراجی در دبی به یکی از مهمترین خبرهای حوزه میراث فرهنگی تبدیل شده است. در شرایطی که مسئولان موزه، شهرداری تهران و یا سازمان میراث فرهنگی به عنوان متولیان و مسئولان چنین رخدادی پاسخگو نبوده‌اند اما همچنان نظرات و تحلیل‌هایی در اینباره منتشر می‌شود.

روزنامه «پیام ما» با اشاره به سر درآوردن ۳۰ اثر هنری از دبی و فروش رفتن نیمی از آنها در یک حراجی، از بی‌تفاوتی و بی‌عملی سازمان میراث فرهنگی در رابطه با وظایف‌اش نوشته است. در این مطلب به نقل از «برخی کارشناسان» آمده که «میراث فرهنگی در این زمینه کوتاهی کرده است؛ چون دستگاه‌های متولی موزه‌ای را موظف به ثبت آثار تاریخی و موزه‌ای‌شان در سامانه ملی اطلاعات کشور نکرده است.»

در این گزارش تأکید شده سامانه ملی اطلاعات کشور در طول حدود دو دهه قبل، طبق یک آیین‌نامه، اموال فرهنگی مصوبه دولت و به پیشنهاد سازمان وقت میراث فرهنگی، در دولت تصویب شده بود و بر اساس «ماده سه» آن آیین‌نامه، دستگاه‌های دولتی مکلف هستند که همه اموال فرهنگی تاریخی در اختیار خودشان را تحت نظارت وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در آرشیو ملی اطلاعات بارگذاری کنند؛ حتی در دولت‌های مختلف و از همان زمان که این آیین‌نامه به تصویب رسید، این مسئله به همه نهادهای عمومی ابلاغ شد، اما طبق آنچه که در طول جلسات مختلف موزه‌ای و با حضور مسئولان اداره کل موزه‌ها از جمله هادی میرزایی مدیر اداره کل موزه‌های وزارتخانه میراث فرهنگی برگزار شده، کمتر دستگاه دولتی برخلاف همه بخشنامه‌ها و پیگیری‌های وزارتخانه‌ای در این زمینه اهتمام داشته‌اند یا وظیفه خود را به‌کندی انجام می‌دهند.

«پیام ما» افزوده که هادی میرزایی دست‌کم در طول یک سال و نیم گذشته، بارها به لزوم ثبت آثار موزه‌ای در سامانه ملی «اطلاعات کشور» یا همان سامانه «جام سابق» تأکید کرده بود و همه دستگاه‌ها را مکلف به اقدام در اینباره. البته دستگاه‌های علمی مانند وزارت علم در اجرایی کردن این مصوبه پیشقدم بوده‌اند و برخی دستگاه‌ها مانند

بر اساس این گزارش پنج اثر از عنایت‌الله نظری‌نوری، چهار اثر از علی‌اکبر صادقی، دو اثر از هانیبال‌الخاص، دو اثر از رضا هدایت، دو اثر از رضوان صادق‌زاده، یک اثر از آیدین آغداشلو، یک اثر از محمود جوادی‌پور، یک اثر از حسین محجوبی، یک اثر از صادق تبریزی، یک اثر از احمد خلیلی‌فرد، یک اثر از خسرو خسروی، یک اثر از آنه محمدتاتاری، یک اثر از حبیب توحیدی، یک اثر از مهدی حسینی، یک اثر از احمد وکیلی، یک اثر از علی ذاکری، یک اثر از طاهر شیخ‌الحکما، یک اثر از علی شیرازی، یک اثر از نعمت لاله‌ای و یک اثر از بابک خدابنده جزو آثار خارج شده از این موزه هستند.

ساعاتی پس از انتشار این گزارش از سوی روزنامه «سازندگی»، سعید صدراپیان عضو هیئت مدیره سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران خبر ارسال تابلوها به دبی برای فروش را تأیید اما تلاش کرد صورتی قانونی به آن ببخشد.

او در توضیحاتی اعلام کرد که این آثار با هماهنگی مسئولان موزه انتخاب و فروخته شده است و علت آن هم تأمین منابعی برای خرید آثار جدید و بهبود بخشیدن به فضای موزه برای نگهداری استاندارد آثار بوده است.

سعید صدراپیان مدعی شده بود که آثار خارج شده از موزه آثار ارزشمندی نبوده است اما بر اساس خبرهای غیررسمی تنها ارزش یکی از تابلوهای ارسال شده به دبی ۳۰ میلیارد تومان بوده است.

قابل توجه اینکه صفحه خبری «میراث خبر» که برای نخستین‌بار این خبر را در اینستاگرام خود منتشر کرده بود، خبر از یک احتمالاً تخلف دیگر هم داده بود؛ جمع‌آوری پنج هزار جلد کتاب از کتابخانه این موزه با نام ایجاد فضایی برای ساماندهی آثار هنری و انتقال این کتاب‌ها به جای دیگری. اما تخلف از آنجایی احتمالاً نقش می‌گیرد که هیچ فعالیتی در زمینه ساماندهی آثار هنری در این مجموعه انجام نشده است.

موزه‌های بنیاد مستضعفان و موزه‌های شهرداری تهران، کمترین همکاری را دست‌کم تا همین یکی دو سال گذشته در این زمینه داشته‌اند.

در این گزارش تأکید شده که اگر موزه «امام علی» که در طول چند سال گذشته اقدام به ثبت آثار خود در این سامانه نکرده بود، این اقدام را انجام داده بود، موظف می‌شد تا هر نوع جابجایی آثار موزه‌ایش را در این سامانه اعلام و مجوز بگیرد و تا زمانی که مجوزهایش تأیید و صادر نمی‌شد، امکان انجام هیچ کاری را نداشت.

آنطور که پیام ما نوشته اکثر آثار هنری و فرهنگی کشور در این سامانه ثبت نشده‌اند؛ «در طول چند ماه گذشته، متولیان موزه‌ای اعلام کرده بودند که تا امروز کلاً حدود ۸۵۰ هزار اثر از موزه‌های سراسر کشور در این سایت بارگذاری شده‌اند؛ عددی که به نسبت میزان آثار تاریخی در موزه‌های سراسر کشور، بسیار ناچیز است.»

برخی نیز این موضوع را با در نظر گرفتن رقابت‌های جناحی مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده‌اند اتهامی که متوجه علیرضا زاکانی شهردار اصولگرای تهران است را برجسته‌تر از مسئولیت میراث فرهنگی نشان دهند.

پدرام سلطانی فعال اقتصادی نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز در شبکه «ایکس» مسئولیت پاسخگو کردن شهردار را متوجه شورای شهر دانسته و نوشته «چرا اعضای شورای شهر درباره سرقت تابلوهای موزه امام علی و فروش آنها در دبی سکوت کرده‌اند؟ اگر آنها بی‌درنگ زاکانی و همه دست‌اندرکاران این رسوایی را برکنار نکنند و علیه آنان شکایت نکنند، خیانت در امانت مردم شهر تهران کرده‌اند.»

چند روز پس از آنکه خبرهایی درباره خروج ۳۰ اثر هنری از موزه «امام علی» منتشر شده بود روزنامه «سازندگی» در گزارشی اعلام کرد که بر اساس اطلاعات منتشر شده در سایت «World art Dubai» تعداد ۳۹ اثر از سوی مؤسسه «ماهستان» در یک حراجی در دبی فروخته شده که تعداد ۱۴ اثر آن متعلق به موز «امام علی» بوده است.

پاییز خشک و کم‌بارش آغاز شد؛ هشدار درباره خشکی آبخوان‌های کشور و مهاجرت‌های گسترده اقلیمی

امر صادرات محصولاتی که پرورش آن‌ها وابسته به آب است مدعی باشد؟»

محمد درویش افزوده «سرزمین ایران را همانند جسمی تصور کنید که دچار خونریزی است، بعد ما همین جسم را وادار به اهدای خون می‌کنیم؛ اصلاً چنین چیزی با منطق سازگاری ندارد، ولی متأسفانه در حال انجام است. همانطور که ما از محل صادرات هندوانه، یونجه، پسته، زعفران، مرکبات، لبنیات و ... که به شدت آبر هستند، در حال کسب درآمد و ثروت هستیم. به عبارت دیگر، از این طریق چوب حراج به منابع آبی کشور زده‌ایم تا به پول برسیم. این مصداق چیزی است که من به آن «کسوف خرد» می‌گویم.» او با اشاره به اینکه «بخش قابل‌توجهی از منابع آب زیرزمینی ما به تاراج رفته و ۱۵۱.۵ میلیارد متر مکعب بیشتر از آن چیزی که تغذیه کرده‌ایم، برداشت کرده‌ایم» گفته «مطابق گزارشی که کمیته سازگاری با خشکسالی وزارت کشور ارائه کرده است، بخشی از آبخوان‌های ما تا ۱۵ سال دیگر کاملاً خشک خواهند شد و ما مجبوریم به مهاجرتی بزرگ از ایران مرکزی، که فاقد آب خواهد بود، تن بدهیم. تبعات این اتفاق همین حالا هم به صورت «فرونشست زمین» قابل مشاهده است.»

محمد درویش درباره وضعیت کنونی فرونشست‌ها گفته «خراسان رضوی، در فاصله دشت مشهد به چناران بدترین وضعیت را دارد. بعد استان فارس، استان تهران و پس از آن استان‌های اصفهان، البرز، یزد، بخش‌هایی از استان کرمان و استان همدان مناطقی هستند که در معرض این خطر قرار دارند.»

همچنین احمد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی امروز دوشنبه دوم مهرماه با اشاره به اینکه پاییز امسال خشک و کم‌بارش است، گفته که «کشاورزان ریسک کاشت محصولات را با توجه به میزان بارش‌ها برعهده بگیرند تا دچار خسارت نشوند.»

احد وظیفه درباره آمار بارش‌ها در سال آبی گذشته گفته پاییز سال گذشته نسبت به سال پیشتر بارش‌ها ۴۳ درصد کاهش یافت و در زمستان گذشته نیز بارش‌ها روندی کاهشی داشت اما در بهار بارش‌ها افزایش یافت و به همین دلیل بطور میانگین در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بارش‌ها نسبت به سال آبی پیشتر با افزایشی جزئی روبرو شد.

او گفت طی سال گذشته آبی، استان سمنان با منفی ۳۱ درصد بیشترین میزان بارش‌ها به خود اختصاص داد، سپس استان قزوین با منفی ۲۷ درصد و استان تهران با منفی ۲۳ درصد به عنوان کم‌بارش‌ترین استان‌ها هستند. همچنین، استان سیستان و بلوچستان با مثبت ۳۹/۵ درصد رتبه اول در میزان بارندگی‌ها بالاتر از حد نرمال است؛ البته لازم به ذکر است که بیشتر بارش‌ها مربوط به شمال این استان بوده است. او با اشاره به پیش‌بینی پاییز کم بارش در هفته‌های آینده، گفته که «گاهی کاشت یا عدم کاشت محصول برای کشاورزان زیان‌بار است اما کشاورزان باید ریسک فصل در نظر داشته باشند و باید با بهره‌مندی از پیش‌بینی‌های کوتاه مدت هواشناسی برای محصولات خود برنامه‌ریزی داشته باشند تا اگر محصولات خود را کاشتند اما بارون به مقدار مورد نیاز آن محصول نیامد، به چه میزان خسارت متحمل می‌شوند.»



دیگر کاملاً خشک خواهند شد و ما مجبوریم به مهاجرتی بزرگ از ایران مرکزی، که فاقد آب خواهد بود، تن بدهیم. تبعات این اتفاق همین حالا هم به صورت «فرونشست زمین» قابل مشاهده است.»

در شرایطی که آمارها اعلام می‌کند بارش‌های سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ با اندک افزایشی نسبت به سال پیشتر روبرو شده اما محمد درویش تأکید می‌کند می‌توان به این افزایش جزئی دلخوش بود چرا که بخش عمده‌ای از جمعیت در مناطقی زندگی می‌کنند که با کمبود ریزش‌های آسمانی روبرو است. او می‌گوید «در واقع ما نتوانسته‌ایم تعادلی در توزیع جمعیت ایجاد کنیم تا با بحران کم‌آبی روبرو نشویم.» او درباره وضعیت بحران خشکسالی به تفکیک استانی گفته «تهران و بوشهر با ۱۷ درصد خشکسالی در صدر هستند، سپس قزوین با ۱۴ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۳ درصد و سمنان و فارس با ۱۲ درصد خشکسالی در رده‌های بعدی هستند.»

محمد درویش جدا از کاهش بارندگی و مشکلات اقلیمی به ناکارآمدی مدیریتی از جمله در رابطه با استفاده از منابع آبی اشاره کرده و گفته «بخش قابل‌توجهی از اقتصاد کشور آب‌محور است و متأسفانه استفاده ما از منابع آبی درست نیست؛ چرا که کلکسیون‌ی از صنایع آب‌بر را در کشور مستقر کرده‌ایم. به عبارتی ما با «فروش آب» در حال تولید پول و کار هستیم. این در صورتی است که دست‌کم ۴۰ درصد منابع آبی باید به‌عنوان حق‌آبه محیط‌زیست برای تداوم جریان رودخانه‌ها و هم‌چنین تالاب‌ها و تغذیه آبخوان‌ها اختصاص داده شود، ولی متأسفانه در ایران تا ۹۸ درصد از این منابع در حال مصرف است.»

این کارشناس محیط‌زیست افزوده «مدیریت کشور ما مفتخر به این است که توانسته صادرات محصولات غذایی و کشاورزی را چهار برابر افزایش دهد؛ در شرایطی که ناترازی آبخوان‌هایمان برابر ۱۵۱.۵ میلیارد متر مکعب است. کشوری که بدترین ناترازی در کره زمین روبرو است، چرا باید در

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی با اشاره به اینکه پاییز امسال خشک و کم‌بارش است، گفته «کشاورزان ریسک کاشت محصولات را با توجه به میزان بارش‌ها برعهده بگیرند تا دچار خسارت نشوند.»

محمد درویش فعال محیط‌زیست گفته بخشی از آبخوان‌های کشور تا ۱۵ سال دیگر کاملاً خشک خواهند شد و مهاجرتی بزرگ از ایران مرکزی، که فاقد آب خواهد بود، رخ خواهد داد.

مهمترین علت خشک شدن تالاب‌های کشور عدم تخصیص حقایق عنوان می‌شود در حالی که بر اساس برنامه هفتم توسعه دولت موظف است ارائه ۱۰ میلیارد مترمکعب آب برای تالاب‌ها را در دستور کار قرار دهد.

سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در حالی از روز گذشته و اول مهرماه آغاز شده است که کارشناسان معتقدند وزارت نیرو باید تخصیص حقایق تالاب‌ها و ساماندهی مدیریت منابع آبی را در اولویت قرار دهد. هم‌زمان یک فعال محیط‌زیست با اشاره به وضعیت تکانه‌دهنده فرونشست‌ها در مرکز ایران گفته بخشی از آبخوان‌های کشور تا ۱۵ سال دیگر کاملاً خشک خواهند شد و مهاجرتی بزرگ از ایران مرکزی، که فاقد آب خواهد بود، رخ خواهد داد.

در آخرین روزهای سال آبی گذشته خبر خشک شدن چند تالاب در تابستان امسال منتشر شد. همچنین با وجود احیای بخشی از دریاچه ارومیه اما این دریاچه نیز در تابستان امسال بار دیگر کاملاً خشک شد.

کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند که تالاب‌ها به عنوان «رگ حیات اکوسیستم‌های گیاهی و جانوری» دارای نقش محوری در تداوم پایداری تنوع‌زیستی دارند و خشک شدن آنها آسیب‌های غیر قابل‌جبرانی به محیط‌زیست ایران وارد می‌کند.

از سوی دیگر مهم‌ترین علت خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور عدم تخصیص حقایق عنوان می‌شود. این در حالیست که بر اساس برنامه هفتم توسعه که از مدتی پیش اجرایی شده، دولت موظف است ارائه ۱۰ میلیارد مترمکعب آب برای تالاب‌ها را در دستور کار قرار دهد.

در پی خبرهای روزهای گذشته محسن موسوی خوانساری فعال حوزه آب و محیط‌زیست در یادداشتی کوتاه تأکید کرده که وزارت نیرو دولت چهاردهم باید چگونگی تخصیص حقایق تالاب‌ها و ساماندهی مدیریت منابع آبی کشور را در اولویت قرار دهد.

این کارشناس توضیح داده که وزارت نیرو باید دستورالعملی برای چگونگی پرداخت حقایق محیط‌زیست و تالاب‌ها تهیه و مشخص کند که چه مقدار حقایق محیط‌زیست، در چه فصلی از سال و با چه حجمی، باید از سدهای مخزنی رهاسازی شده تا حجم آب مورد نظر، قادر باشد خود را به تالاب رسانده و سهمی در احیاء محیط‌زیست کشور ایفا کند.

آثار بحران کمبود آب و سال‌ها بی‌تفاوتی و ناکارآمدی مسئولان جمهوری اسلامی در رابطه با مدیریت منابع آبی به شدت عمیق شده است.

محمد درویش فعال محیط‌زیست، پژوهشگر و کویرشناس اعلام کرده که بخشی از آبخوان‌های ما تا ۱۵ سال

دانش آموزانی که امسال غایب هستند؛ تناقض آمار دانش آموزان ترک تحصیل کرده از ۷۹۰ هزار تا بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر!



استان از تحصیل را فقر و کمک خرج خانوار بودن عنوان کرده و البته گفته بخشی از دانش آموزان ساکن مناطق مرزی نیز دسترسی راحت به مدارس ندارند و فاصله خانه‌های آنها تا مدرسه و دشواری در رفت‌وآمد هر روزه سبب شده قید تحصیل را بزنند.

مرکز آمار ایران در گزارشی اعلام کرده در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در مقاطع تحصیلی مختلف ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند. سال گذشته، ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ها بیشترین تعداد ترک تحصیل را داشتند.

محمدرضا نیک‌نژاد عضو کانون صنفی معلمان فروردین امسال در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» با اشاره به نرخ فزاینده ترک تحصیل دانش آموزان گفته بود که «شکم گرسنه، خیلی نمی‌تواند به مسائلی مانند فرهنگ، رعایت حقوق و... فکر کند. شرایط اقتصادی فعلی هم نشان می‌دهد که سال بسیار بدی خواهیم داشت؛ اولین نقطه‌ای هم که تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد، آموزش است. براساس اخباری که از دل ساختار و زبان مسئولان می‌شنویم حدود ۳-۴ میلیون دانش آموز بازمانده از تحصیل هستند که بسیاری از آنها ریشه اقتصادی دارند، یعنی خانواده‌هایی که نمی‌توانند هزینه تحصیل دانش آموز خود را تأمین کنند.»

به گفته این فعال صنفی آموزگاران، بخش آموزش در زندگی امروز و فردای دانش آموز ناکارآمد است و نمی‌تواند مهارتی را آموزش دهد و طبیعتاً دانش آموزان از تحصیل گریزان می‌شوند، همچنین درس نخواندن هم نوعی از بازماندگی از آموزش است. آموزش ناکارآمد و بدون کیفیت هم نوعی بازماندگی از آموزش است. دانش آموزانی که در سال‌های اخیر گمان می‌کنند از مسیر آموزش به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود نمی‌رسند، از آموزش گریزان شده و قید تحصیل را می‌زنند؛ خطری که بسیار جدی است.

یکی دیگر مشکلات در آموزش و پرورش که

کتاب‌های درسی را ندارند.

آمار بالای دانش آموزان ترک تحصیل کرده در هفته‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در برخی مناطق کشور کمبود فضاهای آموزشی و دوری دانش آموزان از مدرسه از جمله دلایل ترک تحصیل دانش آموزان است اما حتی در پایتخت و شهرهای بزرگ نیز آمار دانش آموزان ترک تحصیل کرده رو به افزایش است.

مسعود بهرامی مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران نیمه شهریورماه اعلام کرد که «حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ واجد شرایط ورود به کلاس اول ابتدایی در این استان هنوز برای ثبت‌نام مراجعه نکرده‌اند.»

کارشناسان مهمترین و اصلی‌ترین علت بازماندگی دانش آموزان ایرانی از تحصیل را فقر و روی آوردن به شغلی برای کسب درآمد عنوان می‌کنند.

میان شمار دانش آموزان ترک تحصیل کرده با افزایش تورم و شاخص فلاکت در کشور رابطه‌ای مستقیم برقرار است. بسیاری از کودکان ترک تحصیل کرده ناچارند به جای رفتن به مدرسه در مشاغل کاذب و غیررسمی مشغول شوند تا کمک خرج خانواده باشند. بخشی از کودکان ترک تحصیل هم که شاغل نیستند، به دلیل ناتوانی خانواده در پرداخت هزینه‌های تحصیل از کلاس و مدرسه بازمانده‌اند.

افشار کبیری مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری آذربایجان غربی گفته بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار دانش آموز ایرانی ترک تحصیل کرده‌اند.

استان آذربایجان غربی رتبه دوم ترک تحصیل دانش آموزان پس از سیستان و بلوچستان را داراست؛ به گفته افشار کبیری ۹/۸۲ درصد دانش آموزان این استان بازمانده از تحصیل هستند که حدود یک سوم آنها نیز باید در مقطع دبیرستان محصل می‌بودند.

مقامات استان علت اصلی بازماندگی دانش آموزان این

● آمارهای آموزش و پرورش نشان می‌دهد دست‌کم ۷۹۰ هزار دانش آموز هنوز در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند.

● مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری آذربایجان غربی گفته بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار دانش آموز ایرانی ترک تحصیل کرده‌اند.

● میان شمار دانش آموزان ترک تحصیل کرده با افزایش تورم و شاخص فلاکت در کشور رابطه‌ای مستقیم برقرار است و کارشناسان مهمترین علت ترک تحصیل دانش آموزان فقر و روی آوردن به شغلی برای کسب درآمد عنوان می‌کنند.

در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید آمارهای آموزش و پرورش بیانگر این واقعیت تکان‌دهنده هستند که دست‌کم ۷۹۰ هزار دانش آموز در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند. برخی آمارها اما شمار دانش آموزان ترک تحصیل کرده را بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام می‌کنند. کارشناسان و فعالان صنفی آموزگاران معتقدند اصلی‌ترین علت ترک تحصیل دانش آموزان «فقر» است.

سال تحصیلی جدید از فردا یکشنبه اول مهرماه با حضور حدود ۱۶ میلیون دانش آموز آغاز می‌شود. آمارهای آموزش و پرورش نشان می‌دهد دست‌کم ۷۹۰ هزار دانش آموز هنوز در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند.

محمد علوی تبار معاون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش اعلام کرده که ۸۹۰ هزار دانش آموز هنوز کتاب‌های درسی خود را سفارش نداده‌اند که از این تعداد، ۱۰۰ هزار نفر در مدارس ثبت‌نام اما کتاب درسی خود را سفارش نداده‌اند و ۷۹۰ هزار نفر در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد ۱۰۰ هزار دانش آموزی نیز که در مدرسه ثبت‌نام کرده اما هنوز کتاب‌های درسی خود را سفارش نداده‌اند نیز مانند دانش آموزان ترک تحصیل کرده با مشکلات مالی روبرو هستند و توان پرداخت هزینه

افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی قیمت بنزین از سال آینده



رعایت قوانین و مقررات اتخاذ خواهد شد. مسعود پزشکیان در نشست مطبوعاتی روز ۲۶ شهریور گفت این اقتصاد «نیاز به مداخله و درمان» دارد و از رسانه‌ها خواست تا در این زمینه «همکاری» کنند تا «بتوانیم روش‌های درمانی را به مرحله اجرا درآوریم».

او افزود: «نباید انتقاد کنیم که چرادروری تلخ به مردم می‌دهیم». محمدرضا عارف معاون اول دولت چهاردهم نیز در جلسه معارفه وزیر نفت درباره لزوم مدیریت سوخت گفت: «تولید روزانه بنزین ما ۱۱۰ میلیون لیتر و مصرف تا ۱۴۰ میلیون لیتر است. کدام عقل سلیم می‌تواند بپذیرد بنزین را با دلار وارد کنیم و با قیمت ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟ البته فعلاً کاری نمی‌خواهیم بکنیم و نگویند عارف حرفی زده و دولت دنبال آزادسازی است ولی این‌ها واقعیت است».

مسعود پزشکیان پس از آنکه به عنوان رئیس دولت چهاردهم و پیروز انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد، در گفتگویی با وبسایت علی خامنه‌ای به ناترازی بنزین اشاره کرده و گفته بود که «در حال حاضر برای خرید بنزین، هشت میلیارد دلار پول پرداخت می‌شود. یعنی بنزین را حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم. خوب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری نیز علی عبدالعلی‌زاده رئیس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در یک کنفرانس خبری در خبرگزاری «ایرنا» با اشاره به ارقام ۲۵ و ۵۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، گفته بود «هر قیمتی که برای بنزین کارشناسی شود، خواهید دید که آنچنان با آرامش و همکاری مردم جا می‌افتد!»

این همه افزایش قیمت بنزین را محتمل کرده و مورد توجه کارشناسان و افکار عمومی قرار داده است. به ویژه آنکه کسری بودجه سبب شده افزایش قیمت بنزین به عنوان گزینه‌ای در جهت کاهش هزینه‌های دولت

● علی‌اصغر نغی‌راد عضو کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی روز گذشته از افزایش بنزین «به گونه‌ای که تحت فشار اقتصادی قرار نگیرند و تأثیرات تورمی زیادی بر اقتصاد نداشته باشد» خبر داد.

● محمدرضا عارف معاون اول دولت چهاردهم گفته «تولید روزانه بنزین ما ۱۱۰ میلیون لیتر و مصرف تا ۱۴۰ میلیون لیتر است. کدام عقل سلیم می‌تواند بپذیرد بنزین را با دلار وارد کنیم و با قیمت ۱۵۰۰ تومان بفروشیم؟»

● افزایش قیمت بنزین بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت همه کالاها و خدمات اثر خواهد گذاشت و به عاملی برای تحریک تورم تبدیل خواهد شد.

● با توجه به قرار داشتن بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر و مشکلات معیشتی انباشته شده، بسیاری از کارشناسان نسبت به افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی هشدار می‌دهند.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی از افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی بنزین در سال آینده در ایران خبر داده است. افزایش قیمت بنزین سبب افزایش قیمت کالاها و خدمات شده و موجی از گرانی را ایجاد خواهد کرد.

علی‌اصغر نغی‌راد نماینده مشهد و عضو کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی روز گذشته از افزایش بنزین «به گونه‌ای که تحت فشار اقتصادی قرار نگیرند و تأثیرات تورمی زیادی بر اقتصاد نداشته باشد» خبر داد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرده رقم افزایش بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و کمتر از نرخ تورم خواهد بود و از مردم خواست به شایعات توجه نکنند و به تصمیمات قانونی مجلس اعتماد کنند.

علی‌اصغر نغی‌راد با تأکید بر «لزوم حفظ آرامش در جامعه» گفته هر گونه تغییر در نرخ سوخت نیازمند اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی است و هیچ تصمیمی بدون

همچنان در سال تحصیلی جدید پابرجاست کمبود آموزگار است. آمارهای فعالان صنفی حاکی از کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار برای پر شدن همه کلاس‌های درس بی‌آموزگار است اما ادعای وزارت آموزش و پرورش کمبود ۱۷۶ هزار دانش‌آموز است.

آموزش و پرورش اعلام کرده برای جبران کمبود ۱۷۶ هزار کمبود آموزگار، ۹۳ هزار نفر از طریق آزمون استخدامی، فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان و معلمان خرید خدمات تأمین شده و به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش، باقیمانده‌ی این کمبود از طریق اضافه‌تدریس معلمان شاغل و تدریس معلمان بازنشسته جبران خواهد شد.

بر اساس این ادعا، ۲۱ هزار نفر در رشته آموزگاری، ۱۷ هزار نفر در رشته دبیری و هزارآموزی و ۱۱ هزار نفر مربی پرورشی، تربیت‌بدنی و مربی سلامت از طریق آزمون استخدامی برای مدارس جذب شده‌اند، همچنین ۱۸ هزار نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی و ۲۶ هزار نیروی خرید خدمات امسال در مدارس به کار گرفته می‌شوند.

بحران کمبود آموزگار و مدرسه و کلاس درس و تجهیزات آموزشی از نیمکت تا آزمایشگاه، از جمله بحران‌های انباشته در وزارت آموزش و پرورش است که چندین سال است دامنگیر ساختار آموزش در ایران شده است.

ابراهیم سرخیز معاون سابق وزارت آموزش و پرورش از کمبود پلکانی سهم آموزش و پرورش از بودجه کشور در سال‌های گذشته خبر داده و گفته «سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت در اوج هشت سال دفاع مقدس، برغم شرایط ناگوار اقتصادی، هیچگاه کمتر از ۲۰ درصد نبوده که تا پایان دهه هفتاد، این نسبت، دست کم روی ۱۷ یا ۱۸ درصد، همچنان به قوت خود باقی مانده است که با روی کار آمدن دولت آقای احمدی نژاد، به اسم آوردن نفت بر سر سفره مردم، این سهم به چیزی حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد کاهش یافته است و تا به امروز که این نسبت به پایین‌ترین حد خود در تاریخ پس از انقلاب یعنی به ۹/۸ درصد کاهش یافته است».

در حالی که سال‌هاست طرح‌هایی برای «متنوع‌سازی» منابع وزارت آموزش و پرورش مطرح است اما ابراهیم سرخیز گفته «متنوع‌سازی منابع تأمین مالی در آموزش و پرورش، نباید به معنی تحمیل بخش قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های آموزشی، بر گرده مردم بیچاره‌ای باشد که بیش از ۳۰ میلیون نفر از آنها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. کاری که سال‌هاست در ایران، مدارس دولتی تحت عنوان کمک‌های داوطلبانه، از والدین دانش‌آموزان به ضرب و زور تهدید یا گروکشی، اخذ می‌کنند و آموزش و پرورش و دیگر دستگاه‌های نظارتی با تمام پد و بیضا، نه تنها تماشاجی محض تشریف دارند بلکه در خفا، از آن به عنوان سنت حسنه یاد می‌کنند!»

او در بخش دیگری از سخنانش گفته «عدالت آموزشی، چیزی نیست جز برخورداری افراد از حق دسترسی به آموزش برابر، نفی تبعیض طبقاتی و آموزش با کیفیت در جهت رشد استعدادها و کودکان و نوجوانان. در ۲۰ سال اخیر، با کاهش کیفیت در مدارس دولتی و گسترش روزافزون مدارس غیردولتی یا شبه‌دولتی نظیر مدارس هیئت امنایی، شاهد و نمونه دولتی، تعلیم و تربیت رسمی و عمومی را به مرتبتی سوق داده‌ایم که می‌توان گفت موضوع آموزش و پرورش از خدمات عمومی به خدمات خصوصی تغییر ماهیت یافته است که شرط برخورداری از آموزش و پرورش با کیفیت مطلوب ارتباط و همبستگی مستقیمی با تمکن مالی خانواده‌ها دارد.»

روز اول مهر با دو حادثه در مدارس نایمن ایران؛ از سقوط دانش آموز تبریزی از طبقه چهارم تا ریزش سقف یک کلاس در ارومیه

● در شهر تبریز یک دختر ۱۳ ساله به دلیل مجهز نبودن مدرسه به حفاظ‌های ایمن از طبقه چهارم سقوط کرد و به خیابان افتاد. آسیب‌دیدگی این دانش‌آموز که به بیمارستان منتقل گشته، «شدید» گزارش شده است.

● در شهر ارومیه در استان آذربایجان غربی نیز سقف یک کلاس در یک هنرستان فروریخت و دو دانش‌آموز مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.

● هرچند مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی این ریزش را «جزیی» اعلام کرده اما تصاویر نشان می‌دهند بخش قابل توجهی از گچ و الوار سقف این کلاس درس بر روی نیمکت‌ها سقوط کرده است.

● آمارها نشان می‌دهند ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

● هفته گذشته و چند روز مانده به بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، رئیس سازمان آتش‌نشانی از نایمن بودن بیش از نیمی از مدارس تهران خبر داد.

نخستین روز سال تحصیلی در ایران با دو حادثه برای دانش‌آموزان به دلیل ایمن نبودن مدارس همراه شد. یک دانش‌آموز در شهر تبریز به دلیل نبود حفاظ از طبقه چهارم سقوط کرد و به شدت مصدوم شد و در شهر ارومیه نیز ریزش سقف یک هنرستان سبب مجروح شدن دو دانش‌آموز شد.

در شرایطی که بارها کارشناسان نسبت به نایمن بودن اکثر کلاس‌های درس و مدارس در کشور هشدار داده بودند، روز گذشته و در نخستین روز بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جدید دو حادثه هولناک سبب مجروح شدن سه دانش‌آموز شد.

در شهر تبریز یک دختر ۱۳ ساله به دلیل مجهز نبودن مدرسه به حفاظ‌های ایمن از طبقه چهارم سقوط کرد و به خیابان افتاد. این دانش‌آموز به بیمارستان منتقل گشته و آسیب‌دیدگی او «شدید» گزارش شده است.

در شهر ارومیه در استان آذربایجان غربی نیز سقف یک کلاس در یک هنرستان فرو ریخت و دو دانش‌آموز مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. بر اساس آخرین گزارش‌ها یکی از دانش‌آموزان پس از یک روز از بیمارستان مرخص شده و قرار است درمانش در خانه ادامه پیدا کند اما یکی دیگر از دانش‌آموزان همچنان در بیمارستان بستری است. ←

این تشکل مستقل بازنشستگان افزود: «بسیاری از مردمی که رای ندادند، به‌درستی می‌دانستند که هیچ تغییری رخ نخواهد داد و در بر پاشنه سابق می‌پرند؛ چرا که ساختار فاسد و سودمحور است.»

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» نیز هفته گذشته در مطلبی انتقادی نوشت «جناب رییس جمهور صادق، دغدغه مند و منطقی! در ابتدا حقوق کارگران کشور را به اندازه حقوق کارگران، نه کشورهای ایسلند و لوکزامبورگ که حقوق سالانه کارگران در آنجا به ترتیب حدود ۸۱,۴۰۰ دلار و حدود ۸۵,۵۰۰ دلار است، بلکه به اندازه کارگران کشورهای عربی و یا حداقل مطابق با قانون کار حکومتی و مطابق با تورم افزایش دهید آنوقت بر سر ارزان بودن قیمت بنزین داد سخن سر دهید!»

در ادامه آمده که «اما شما هرگز چنین کاری نمی‌کنید. با هزینه‌های «دلاری» حقوق‌های «ریالی» و آن هم حقوق‌های چندین برابر زیر خط فقر را به کارگران و دیگر حقوق‌بگیران جامعه تحمیل می‌کنید. تازه به این هم اکتفا نکرده و با وقاحت تمام می‌خواهید دست به جراحی اقتصادی بزنید.» به نظر می‌رسد دولت ریشه‌های اصلی ناترازی در بخش‌های مختلف انرژی از بنزین تا برق و گاز را نادیده گرفته و با راهکارهایی کوتاه‌مدت و مسکن‌وار به دنبال پاک کردن صورت مسئله است.

عدم سرمایه‌گذاری و عقب‌ماندگی توسعه صنایع نفتی از



سوی کارشناسان به عنوان عامل مهم کاهش تولید و ناترازی بنزین مطرح می‌شود. در همین رابطه سعید میرترابی، کارشناس اقتصاد انرژی در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته بود برنامه بلند مدت برای توسعه پتروپالایشگاه یکی از ایرادات مدیریت صنعت نفت در طی سال‌های اخیر بوده است. این کارشناس انرژی توضیح داده «ایران به عنوان یک کشور صنعتی شناخته می‌شود و فارغ از این موضوع، جمعیت بالای کشور و تمرکز نیروی انسانی در شهرهای بزرگ، نیاز به انرژی در کشور را چندین برابر کرده است. سال‌هاست که با بحران تامین انرژی همچون برق در فصل تابستان، گاز در زمستان و بنزین برای مصارف شهری و مردم مواجه هستیم.»

او افزوده که «در بحث توسعه پتروپالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی کشور برنامه‌ریزی جامع، راهبردی و بلند مدت نداشته و از این رو نتوانستیم گسترش و پیشرفت مناسبی را در این بخش شاهد باشیم. نه تنها توسعه بلکه ایجاد زیرساخت‌هایی که به نیاز داخلی پاسخ دهد.»

→ و مدیریت کسری بودجه مطرح شود چون با افزایش قیمت بنزین دولت رقم کمتری برای یارانه بنزین هزینه خواهد کرد.

غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی و از اعضای تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان روز گذشته اعلام کرد که «دولت پزشکیان با کسری بودجه شدید بجا مانده از دولت قبل مواجه است و آنطور که خود دولت می‌گوید، کسری بودجه موجود کشور بین ۷۵۰ هزار تا ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.»

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان نیز هفته گذشته گفته بود «کسری که الان در وسط سال با آن مواجه هستیم حدود هزار هزار میلیارد تومان است.»

معاون اول رئیس دولت چهاردهم همچنین تاکید کرده بود «در سال گذشته تراز تجاری ما ۱۷ میلیارد دلار منفی بوده است.»

ایران تا اواخر دهه ۹۰ صادرکننده بنزین بود و اکنون یکی از واردکنندگان آن شده است. بر اساس آمارهای حکومتی در سال گذشته ۳ میلیارد دلار واردات بنزین انجام شده و مجلس شورای اسلامی نیز برای واردات بنزین ۸۰ هزار میلیارد تومان بودجه تصویب کرده است.

در چنین شرایطی به گفته مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، ناچار به واردات بنزین برای تأمین نیاز داخلی است و این کار از مسیر تهاتر و سوآپ انجام می‌شود.

بر اساس آمارها در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و بعد از افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج فارس از شهریور ۱۳۹۹ ایران به صادرکننده بنزین تبدیل شد.

آمارها همچنین نشان می‌دهد در نوروز امسال بطور متوسط روزانه ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین در کشور توزیع شده که نسبت به سال قبل ۶ درصد افزایش داشت.

مقامات حکومتی بدون اشاره به عقب‌ماندگی در تولید، افزایش مصرف از سوی مردم را عامل کمبود بنزین معرفی می‌کنند. با اینهمه افزایش قیمت بنزین بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت همه کالاها و خدمات اثر خواهد گذاشت و به عاملی برای تحریک تورم تبدیل خواهد شد. در چنین شرایطی و با توجه به قرار داشتن بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر و مشکلات معیشتی انباشته شده، بسیاری از کارشناسان نسبت به افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی هشدار می‌دهند.

از جمله فرهاد مومنی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی گفته است: «باید به آقای پزشکیان بگوییم در نیایی که تا این میزان پیچیده است، هر کس به شما آدرس‌های سر راست و ساده داد، بدان نسبتی با علم ندارد. باید به ایشان گفته شود این تصور که وضعیت متغیر چند ۱۰ متغیری مانند بنزین، فقط با افزایش قیمت درست می‌شود، از زبان افرادی بیرون می‌آید که با منافع رانتی، نسبت دارند و حداقل این است که دانش و صلاحیت علمی کافی ندارند.» این اقتصاددان اصلاح طلب افزوده که «رئیس جمهور را می‌ترسانند که چگونه می‌خواهید حقوق کارکنان دولت را بدهید. به جای افزایش قیمت بنزین، کسی به ایشان مشاوره نمی‌دهد که اگر فقط مانع یک فساد مانند فساد چای دیش شوید، از کل درآمد انتظاری از شوک قیمت بنزین، بیشتر عایدی خواهید داشت.»

فعالان صنفی و تشکل‌های کارگری و بازنشسته نیز نسبت به افزایش قیمت بنزین هشدار می‌دهند. «شورای بازنشستگان ایران» در مطلبی که در کانال تلگرامی این تشکل منتشر شده نوشته که «فکر می‌کنید نمی‌دانیم چرا در فکر گران کردن بنزین هستید؟ چون حامی منافع حکومتیید و مردم جایگاهی برای شما ندارند. فقط حرف و وعده...»

۶۹۵ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهرستان‌های استان تهران نیاز داریم و در مجموع به ۸۲۹ مدرسه ۱۵ کلاسه برای رسیدن به سرانه متوسط ۴/۷۴ متر مربع با اعتبار ۲۴ هزار و ۸۷۰ میلیارد تومان نیاز داریم».

به گفته عباس زارع، برای بازسازی ۸ هزار کلاس و احداث ۵۵۰ مدرسه، هر یک با ۱۵ کلاس، رقمی معادل ۵۰ هزار

پزشکیان درباره این موضوع بی‌تفاوت سکوت کرده است! نایمنی مدارس بارها از سوی کارشناسان و فعالان صنفی آموزگاران گزارش شده است اما هیچ اقدامی برای ایمن‌سازی مدرسه‌ها صورت نگرفته است. آمارها نشان می‌دهند ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی در اطلاعیه‌ای اعلام کرده ابعاد حادثه در دست بررسی است.

در این اطلاعیه آمده «ضمن عذرخواهی بابت بروز این حادثه، به اطلاع اولیاء محترم و هموطنان گرامی می‌رساند، پیگیری و بررسی موضوع با حضور نماینده وزیر آموزش و



ریزش سقف کلاس یک هنرستان در ارومیه، اول مهرماه ۱۴۰۳

میلیارد تومان بودجه نیاز است. امرداد سال گذشته حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزیات مدارس کشور با ارائه آماری درباره وضعیت کلاس‌های درس گفته بود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

حمیدرضا خان‌محمدی افزوده بود که «مدارس تهران پر تراکم هستند و اگر اعتبارات با رویکردی که ما پیشنهاد دادیم در برنامه هفتم مصوب شود می‌توانیم به سرعت این مسئله را حل کنیم» و تأکید کرده بود که در مدرسی که پر خطر تشخیص داده شده‌اند دانش‌آموزان در شیفت‌های مخالف یکدیگر تحصیل می‌کنند.

بر اساس توضیحاتی که حمیدرضا خان‌محمدی داده بود، مدارس به دلیل نداشتن سرانه دچار مشکلات مالی هستند و خودشان نمی‌توانند کلاس‌های درس را ترمیم کنند.

مجید عبدالهی معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در دی‌ماه گذشته به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «۴۴ مورد از ده‌ها مدرسه‌ای که در اصفهان تحت تأثیر پدیده فرونشست قرار گرفتند آسیب دیدند، ۱۴ مدرسه پایش و تعدادی از آنها تخلیه شدند».

بر اساس قانون، آموزش و پرورش به ازای هر دانش‌آموز که در مدارس دولتی ثبت‌نام می‌کند باید هزینه‌ای را به مدرسه برای امور جاری از جمله پرداخت قبوض و تعمیرات و نگهداری پرداخت کند که به «سرانه» معروف است. آموزش و پرورش به دلیل کسری بودجه سال‌هاست پرداخت سرانه به مدارس دولتی را متوقف کرده یا با تأخیر زیاد و بطور ناقص انجام می‌دهد.

همچنین بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سرانه فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز باید به بیش از هشت مترمربع افزایش یابد، حال آنکه در حال حاضر سرانه فضای آموزشی دانش‌آموزان از پنج مترمربع هم کمتر است.

هفته گذشته و چند روز مانده به بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، رئیس سازمان آتش‌نشانی از نایمن بودن بیش از نیمی از مدارس تهران خبر داد. قدرت‌الله محمدی با اعلام این خبر گفت آموزش و پرورش برای ایمن‌سازی مدارس اقدامی انجام ن داده است.

علی نصیری رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به فرسودگی مدارس گفته که تمام موارد نایمنی را ریزه‌ریز اعلام کرده‌ایم و منتظریم که مسئولان مربوطه اقدامات لازم را انجام دهند.

افزایش شمار مدارس نایمن به یکی از بحران‌های ساختار آموزشی تبدیل شده اما همانطور که مقامات آتش‌نشانی و رئیس سازمان مدیریت بحران پایتخت اعلام کرده‌اند، آموزش و پرورش نتوانسته در ایمن‌سازی مدارس موفق عمل کند.

عباس زارع مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران خردادماه امسال در جمع خبرنگاران گفته بود بیش از ۸۱۰۰ کلاس درس در تهران نیازمند تخریب است و ۱۳ هزار و ۵۸۵ کلاس درس دیگر نیز نیازمند نوسازی هستند.

بر اساس توضیحات عباس زارع در استان تهران ۵۶۳۹ مدرسه دولتی و ۵۹۴۰۰ کلاس درس داریم که ۱۳/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند تخریب و بازسازی هستند و عمدتاً در شهر تهران در مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۶، ۸ و ۹ و در شهرستان‌های تهران در شهریار، شهرری، دماوند و پاکدشت قرار دارند.

مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران افزوده بود که «۱۳۵۸۵ کلاس درس در استان تهران نیازمند مقاوم‌سازی هستند یعنی در مجموع ۲۲/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند مقاوم‌سازی هستند».

او همچنین درباره کمبود کلاس درس در این استان گفته بود «سرانه فضای آموزشی در استان تهران ۴/۷۴ مترمربع است و در ۴ منطقه ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سرانه از این مقدار هم پایین‌تر است، ۱۳۴ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهر تهران و

پرورش، مدیران کل و تیم‌های کارشناسی اداره کل آموزش و پرورش استان و اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان در حال انجام می‌باشد.»

آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی افزوده که چند تن از مقامات این سازمان از مدرسه و کلاس درسی که سقفش فروریخته بازدید کردند و «هماهنگی‌ها جهت بهسازی و بازسازی سریع محل‌های دارای خطر برای دانش‌آموزان در این مدرسه انجام و دستورات لازم در این خصوص صادر شد.»

هرچند علی مطهری مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی این ریزش را «جزیی» اعلام کرده اما تصویر منتشر شده نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از گچ و الوار سقف این کلاس درس بر روی نیمکت‌ها سقوط کرده است.

وبسایت «خبرآنلاین» با انتشار خبر ریزش سقف کلاس این هنرستان نوشت آذربایجان غربی از استان‌های دارای بیشترین مدارس کانکسی است که مدیران و مسئولین آموزش و پرورش این استان، سال‌ها وعده پایان این مدارس و جایگزینی مدارس استاندارد را می‌دهند، با این حال این وعده‌ها تا امروز عملی نشده است، این اتفاق طوریست که استاندار این استان مردادماه امسال اعلام کرده بود: «وجود مدارس کانکسی در شأن مردم آذربایجان غربی نیست»

این گزارش افزوده بود که مهرماه سال ۱۴۰۱ استاندار آذربایجان غربی با اعلام «مدارس کانکسی تا پایان سال جمع‌آوری می‌شود»، معاون وزیر آموزش و پرورش دولت

سیزدهم آذرماه سال ۱۴۰۱ با اعلام «مدارس کانکسی آذربایجان غربی تا ۳ سال آینده حذف می‌شود»، مدیرکل آموزش و پرورش استان اردیبهشت ماه امسال با اعلام «تا آغاز سال تحصیلی آینده تمامی مدارس کانکسی بالای ۱۰ دانش‌آموز استان برچیده می‌شود» از جمله وعده‌های مسئولین برای جمع‌آوری مدارس کانکسی بوده است.

با وجود دو حادثه در دو مدرسه در نخستین ساعات بازگشایی مدارس اما علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش دولت

صدور حکم «اعدام» علیه یک شهروند معترض برای سومین بار؛ جان محمد جواد وفایی ثانی در خطر است



محمد جواد وفایی ثانی

تورم شهریورماه هم افزایشی بود؛ «هزینه مسکن» بحران اصلی خانوارها در ایران

● نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۴/۲ درصد رسیده است. همچنین فاصله میان نرخ تورم خانوارهای کشور در بین دهک‌های اول تا دهم در این بازه به ۴/۱ درصد رسیده است.

● در «سبد هزینه خوراک» خانوارهای شهرنشین در سال ۱۴۰۲ «گوشت» سهمی ۲۴/۷ درصدی داشته و یک چهارم بودجه خوراک خانوار برای خرید به «گوشت» اختصاص یافته است.

● در امرداد امسال میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران به ۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به امرداد پارسال نزدیک به ۱۷ درصد افزایش داشته است. سهراب هاشمی تحلیلگر مسائل اقتصادی: تورم بیش از ۵۰ درصدی کالاهای ضروری و اساسی بنا بر آمارهای رسمی و نرخ تورم بیش از ۷۰ درصدی آمارهای عینی، همواره به عنوان معضل برای حفظ سلامت، رفاه و از همه مهمتر حقوق شهروندی ارزیابی می‌شود.

تورم در شهریورماه امسال نیز روندی افزایشی را طی کرده و به ۳۴/۲ درصد رسیده است. مسکن و آموزش بیشترین آمار تورم را در میان کالاها و خدمات مختلف به خود اختصاص داده‌اند.

مرکز آمار ایران آمار مرتبط با تورم شهریورماه ۱۴۰۳ را منتشر کرده که بر اساس این گزارش نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۴/۲ درصد رسیده است. همچنین فاصله میان نرخ تورم خانوارهای کشور در بین دهک‌های اول تا دهم در این بازه به ۴/۱ درصد رسیده است.

گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور در شهریورماه امسال به عدد ۲۶۴/۷ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۱/۷ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳۱/۲ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۳۴/۲ درصد افزایش داشته است.

تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور نیز در شهریور امسال ۳۱/۲ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین ۳۱/۲ درصد بیشتر از شهریورماه ۱۴۰۲ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

همچنین بر اساس این گزارش دامنه تغییرات تورم شهریورماه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۰/۷ درصد برای دهک اول، تا ۳۴/۸ درصد برای دهک دهم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۴/۱ واحد درصد رسیده است.

در شهریورماه امسال کمترین نرخ تورم متعلق به گروه ارتباطات بوده و بیشترین تورم به ترتیب به بخش مسکن و آموزش تعلق داشته است.

آمارهای جدید بانک مرکزی نیز نشان از افزایش قیمت مسکن در ماه‌های گذشته دارد بطوری که در امرداد امسال میانگین قیمت هر متر مربع مسکن در تهران به ۸۸ ←

اتهام «فساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده است. بابک پانیا افزوده بود که صدور حکم اعدام و اتهام «فساد فی‌الارض» به دلیل «تخریق و تخریب عمدی اماکن خاص از جمله ساختمان تعزیرات حکومتی» صورت گرفته است.

این وکیل دادگستری تأکید کرده بود که این حکم اعدام قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است و ظرف ۲۰ روز آینده این درخواست نوشته و ارسال می‌شود. محمد جواد وفایی ثانی در اسفند ۱۳۹۸ در مشهد بازداشت و به زندان منتقل شد. او ابتدا با اتهامات واهی «افساد فی‌الارض از طریق تخریب عمدی» به اعدام محکوم شد، اما حکم در دیوان عالی لغو و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم‌عرض ارسال شد.

در محاکمه بعدی در خرداد ۱۴۰۱ او برای بار دوم به اعدام محکوم شد که این حکم نیز دوباره از سوی دیوان عالی کشور لغو و پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع شد. اکنون این جوان ورزشکار برای بار سوم به اعدام محکوم شده و جانش در خطر است.

منابع حقوق بشری گزارش داده‌اند که با وجود تعیین وثیقه سنگین ۳۰ میلیارد تومانی برای آزادی موقت محمد جواد، او نتوانسته این رقم وثیقه را تأمین کند و همچنان در زندان به سر می‌برد.

محمد جواد وفایی ثانی قهرمان و مربی بوکس است و پیش از بازداشت در باشگاه‌های بوکس شهر مشهد ورزش حرفه‌ای را دنبال می‌کرد.

گزارش‌های نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که این زندانی سیاسی در طول سال‌های گذشته تحت شکنجه‌های سنگین روحی و جسمی با هدف اعتراف اجباری قرار گرفته تا اتهاماتی را که از سوی نهادهای امنیتی در پرونده او نوشته شده بپذیرد.

● محمد جواد وفایی ثانی ۲۸ ساله در اسفند ۱۳۹۸ در مشهد بازداشت و به زندان منتقل شد.

● او با اتهامات واهی «افساد فی‌الارض از طریق تخریب عمدی» به اعدام محکوم شده اما این حکم دو بار در دیوان عالی کشور لغو شد و اکنون برای بار سوم حکم اعدام علیه او صادر شده است.

● محمد جواد وفایی ثانی قهرمان و مربی بوکس است و پیش از بازداشت در باشگاه‌های بوکس شهر مشهد ورزش حرفه‌ای را دنبال می‌کرد.

● این زندانی سیاسی در طول سال‌های گذشته تحت شکنجه‌های سنگین روحی و جسمی با هدف اعتراف اجباری قرار گرفته تا اتهاماتی را که از سوی نهادهای امنیتی در پرونده او نوشته شده بپذیرد.

محمد جواد وفایی ثانی معترض بازداشت شده در اعتراضات آبان ۹۸ برای سومین بار به اعدام محکوم شده است. این جوان ۲۸ ساله در جریان اعتراضات سال ۹۸ در شهر مشهد بازداشت شد و در زندان وکیل‌آباد این شهر محبوس است.

بابک پانیا وکیل پایه یک دادگستری اعلام کرده که موکلش محمد جواد وفایی ثانی برای بار سوم به اعدام محکوم شده است.

این وکیل دادگستری نوشته «با نظر اکثریت قضات رسیدگی‌کننده (مستشاران شعبه سوم دادگاه انقلاب مشهد)، ضمن مخالفت با استدلال قضات دیوان عالی کشور، محمد جواد وفایی ثانی برای بار سوم به اتهام افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شد. این حکم قابل فرجام‌خواهی است.»

نخستین بار در دی‌ماه ۱۴۰۰ بابک پانیا وکیل دادگستری در توییتر از صدور حکم اعدام برای محمد جواد وفایی ثانی خبر داد و نوشت او از سوی شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به

فقیر داریم.

این آمار در حالی از سوی داوود سوری مطرح شده که پیشتر مقامات دولتی از زیر خط فقر قرار داشتن حدود ۳۰ درصد از جامعه خبر می‌دادند.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم به تازگی اعلام کرده که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

وزیر کار دولت پزشکیان افزوده «کسانی که دچار فقر شدید هستند عمدتاً افراد بیکار هستند. در حالی که اغلب کسانی که به فقر مطلق دچارند، شغل و درآمد دارند، اما درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. بر اساس داده‌های

انتخاب نیست؛ یک ضرورت است. اگرچه در ظاهر، خانه‌های اشتراکی شاید به عنوان راه‌حلی موقت مطرح شوند، اما زیر پوست این تغییر، یک مسئله ساختاری پنهان است: عدم توازن بین قدرت خرید مردم و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار در بخش مسکن. این اشتراک‌گذاری‌ها نماد همبستگی نیستند؛ بلکه تابلویی از فروپاشی تدریجی اقتصادی است که در آن، حتی رویاهای کوچک یک خانه مستقل هم زیر بار اجاره‌ها له شده است.»

بر اساس این گزارش «در شرایطی که خرید خانه به رؤیای محال نسل جوان تبدیل شده، خانه‌های اشتراکی به نظر یک راه‌حل موقت و البته ناگزیر برای بسیاری از اقشار

میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به امرداد پارسال نزدیک به ۱۷ درصد افزایش داشته است.

خبرگزاری «ایسنا» با اشاره به آمار قیمتی جدید که از سوی بانک مرکزی منتشر شده نوشته که ۵۱ درصد مردم تهران قدرت خرید خانه متری ۸۸ میلیون تومانی را ندارند.

در این گزارش تأکید شده که ۵۱ درصد خانوارهای تهرانی، مسأجر هستند و با توجه به تحمیل تورم حداقل ۴۵ درصدی اجاره‌بها نمی‌توانند برای خرید خانه نیز برنامه‌ریزی کنند.

تورم فزاینده در سال‌های گذشته سبب شده که بخش زیادی از قشر متوسط نیز به زیر خط فقر رانده شوند. گزارش جدیدی از سوی «اگو ایران» نشان می‌دهد یک خانوار شهرنشین ایرانی در سال ۱۴۰۲ بطور خالص در طول یک سال ۱۳۷ میلیون و ۱۴۶ هزار تومان هزینه کرده است. از این رقم، حدود ۳۷ میلیون تومان مربوط به هزینه‌های خوراکی و حدود ۹۹ میلیون تومان مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی بوده است.

سبد هزینه این خانوارها نشان می‌دهد که در سال گذشته، «مسکن، سوخت و روشنایی» ۴۲/۴ درصد از کل هزینه سالانه خانوار را به خود اختصاص داده است.

در رتبه دوم نیز هزینه‌های «خوراکی و دخانی» قرار گرفته است. این نوع از نیازها ۲۴/۹ درصد از کل هزینه سالانه یک خانوار شهرنشین را تشکیل داده است. در مقابل، تنها ۱/۶ درصد از هزینه‌های خانوار صرف فرهنگ و تفریح شده و این نیازها کمترین سهم را از سبد هزینه خانوار به خود اختصاص داده‌اند.

داده‌های مرکز آمار همچنین نشان می‌دهد که در «سبد هزینه خوراکی» خانوارهای شهرنشین در سال ۱۴۰۲ «گوشت» سهمی ۲۴/۷ درصدی داشته است. یعنی اگر کل هزینه خوراکی این خانوار به ۱۰۰ قسمت تفکیک شود، نزدیک به یک چهارم از آن به «گوشت» اختصاص می‌یابد.

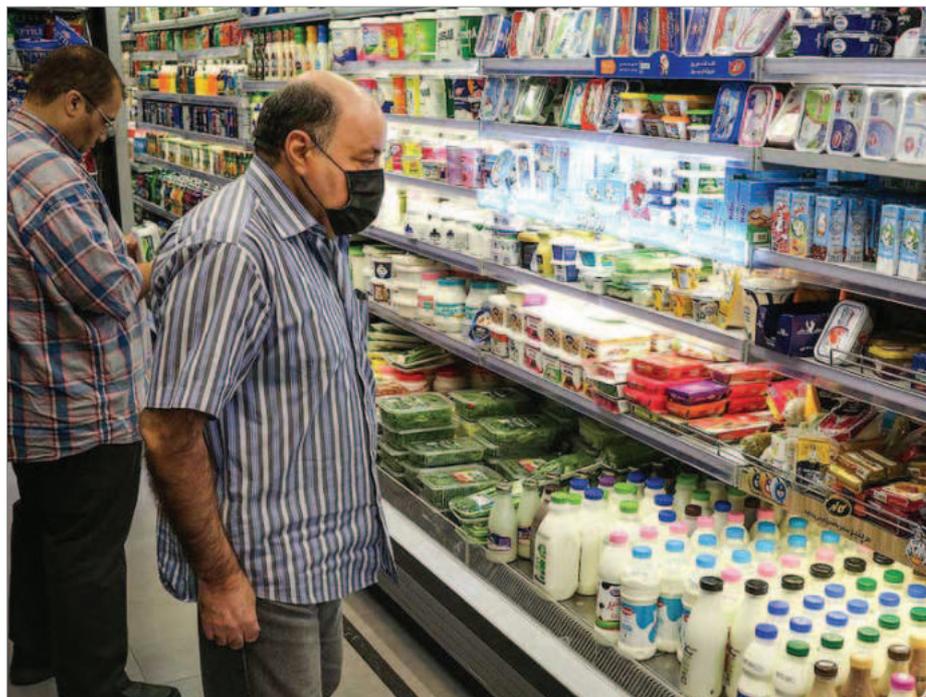
سهراب هاشمی تحلیلگر مسائل اقتصادی با توجه به وضعیت تورم در بخش‌های اقتصادی به وسایط «اقتصاد ۲۴» گفته «افزایش هزینه‌های مختلف در سبد خانواری فضا را برای انتخاب درست در تعیین به موقع سیاست‌های درآمدی و هزینه‌ای در خانوارها بسیار پرتنش و نا بهنجار کرده است.»

به گفته این تحلیلگر مسائل اقتصادی، تورم بیش از ۵۰ درصدی کالاهای ضروری و اساسی بنا بر آمارهای رسمی و نرخ تورم بیش از ۷۰ درصدی آمارهای عینی، همواره به عنوان معضل برای حفظ سلامت، رفاه و از همه مهمتر حقوق شهروندی ارزیابی می‌شود.

سهراب هاشمی همچنین گفته امروز مسئله تأمین مسکن در اولویت مردم است. البته بحث حفظ اقلام کالاهای اساسی در سبد خانوار نیز از اولویت‌های یک خانواده است که با توجه به تنش‌های تورمی، مسکن به صورت تدریجی از سبد بیش از ۴۰ درصد خانوارهای کلان شهرها حذف و به سبد خانواری در شهرهای کوچک و روستایی افزوده شده است.

او در ادامه گفته «کوچ اجباری مردم از شهرهای بزرگ به دلیل حفظ اقلام ضروری سبد خانواری به سایر شهرهای کوچک و روستایی شاید در مرحله نخست خوشایند و قابل دفاع باشد، اما برای کشوری که قصد مطرح شدن در بین کشورهای صنعتی و تولیدی را دارد بسیار تخریب‌کننده است.»

وسایط «اقتصاد ۲۴» در گزارش دیگری به مشکلات مستأجران برای تأمین یک سرپناه متناسب با درآمدی غالباً ناکافی پرداخته و نوشته که «وقتی اجاره‌ها سر به فلک می‌کشند و قیمت‌ها به عددهایی می‌رسد که گویا از آینده‌ای خیالی خبر می‌دهند، هم‌خانه شدن دیگر یک



مرکز آمار، نرخ فقر شدید در کل ایران حدود ۶ درصد با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر بود و برنامه‌هایی ریخته و منابعی داده شد که بتوانیم این را از بین ببریم.»

او در ادامه به آمارهای مرکز آمار ایران اشاره کرده و گفته «تا اواسط دهه ۸۰ حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد فقر مطلق داشتیم که بعد از موج اول تحریم‌ها تا میانه دهه ۹۰ به حدود ۲۰ درصد رسید، اما با شروع موج دوم تحریم‌ها و تورم شدید، از سال ۱۳۹۷ با شیب تندتری افزایش پیدا کرده و به ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسید. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ نرخ فقر نسبتاً ثابت و حدود ۳۰ درصد یا ۲۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بوده است.»

وزیر کار دولت چهاردهم از بین بردن «فقر مطلق» را فرآیند پیچیده‌ای خوانده و گفته بدون تردید شرایط اقتصاد کلان، یعنی تورم و رشد اقتصادی، دو متغیری است که در موفقیت آن نقش پررنگی دارد. ولی صرف رشد اقتصادی خوب و کنترل تورم، فقر مطلق را از بین نمی‌برد و نباید منتظر ماند که رشد اقتصادی خیلی بالایی اتفاق بیفتد، بلکه ما باید برای کاهش فقر اقدامات متفاوتی را انجام بدهیم.»

وزیر کار جمهوری اسلامی اما درباره برنامه‌های دولت در رابطه با فقرزدایی به «کلی‌گویی» پرداخته و گفته «هماهنگی بین نهادهای عمومی دولتی، غیر دولتی و مؤسسات خیریه برای هم‌افزایی» یکی از اقدامات برای کاهش فقر است.

شده است. اما پشت این سرپناه ظاهری، حقایقی تلخ و پرسش‌هایی بی‌پاسخ پنهان است. در این خانه‌ها، حریم خصوصی از معنا به دور است و عوض کردن هم‌خانه‌ها ممکن است به پدیده‌ای شبیه به سازمان‌دهی اضطراری تبدیل شود. زندگی در این فضاها، که در آن هیچ‌کس مالک کامل نیست، به تضادهای اجتماعی و فکری دامن می‌زند و شاید تنها چیزی که به اشتراک گذاشته نمی‌شود، حس راحتی و آرامش است.»

این گزارش با اشاره به اینکه «تقسیم اتاق‌ها، تقسیم هزینه‌ها و تقسیم زندگی به یک ترم جدید تبدیل شده است» افزوده «بحران مسکن و رشد خانه‌های اشتراکی تنها نشانه‌ای از شکاف عمیق‌تری است که در حال بلعیدن جامعه است. این وضعیت نیازمند نگاه تازه‌ای است؛ سیاست‌هایی که نه تنها به تأمین مسکن برای اقشار مختلف جامعه می‌پردازد، بلکه به هزینه‌های روانی و اجتماعی آن نیز توجه کند. بازی با زمان و چسب زدن به زخم‌های عمیق اقتصادی دیگر کافی نیست. جامعه ایران نیازمند سیاست‌های جسورانه، مؤثر و فوری است تا این بحران را به یک فاجعه تمام‌عیار تبدیل نکند؛ فاجعه‌ای که به دنبال آن، دیگر خانواده‌ها نه به دنبال خانه‌های بزرگ‌تر، بلکه به دنبال سقفی برای زندگی مشترک با دیگران هستند.»

داوود سوری اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی اعلام کرده که ۶۰ درصد جامعه ایران فقیر هستند و نمی‌توانند ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف کنند، یعنی بیش از ۵۰ میلیون

بودجه سه هزار میلیارد تومانی قرارگاه «بقیه‌الله» سپاه پاسداران برای پروژه‌هایی که از نظر مالی و اجرایی با «کمک مردمی» پیش می‌روند



اکثر پروژه‌های این قرارگاه از جمله تأمین بسته‌های غذایی و جهیزیه برای نیازمندان با کمک مالی و اجرایی مردم انجام می‌شود

«ابرپروژه خادمین اربعین» نام دارد. فعالین این «ابرپروژه» به گفته قرارگاه «بقیه‌الله»، نیروهای داوطلب هستند؛ بنابراین دستمزدی بابت خدمات آنها پرداخت نمی‌شود. نیروهای داوطلب حتی موظف هستند مبلغی بابت رفت و آمد به قرارگاه پرداخت کنند.

در وبسایت قرارگاه «بقیه‌الله» فهرستی از فعالیت‌ها برای «ابرپروژه خادمین اربعین» آورده شده است که از جمله فعالیت‌های این ابرپروژه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کفشداری: قرارگاه از کفش‌های کسانی که وارد مکان زیارتی می‌شوند مراقبت می‌کند تا به سرقت نروند. امانتداری: وسایل کسانی که داخل مکان زیارتی می‌شوند نگهداری می‌شوند تا برگردند. راهنمایی زائران. نگهداری از کودکان گمشده.

البته قرارگاه بقیه‌الله علاوه بر «خادمین اربعین»، طرح دیگری با عنوان «طرح بزرگ داروهای مازاد» نیز تعریف کرده که به «جمع‌آوری داروهای مازاد بر نیاز داخل منازل در سراسر کشور» می‌پردازد!

در توضیح این طرح آمده که توسط اعضای قرارگاه «بقیه‌الله» اقدام به جمع‌آوری و تفکیک کل داروهای مازاد، بلااستفاده، دارای تاریخ مصرف و تاریخ‌گذشته در منازل مردم می‌شود. این «سلسله اقدامات» با استفاده

از «کمک‌های مردمی» و «خدمات جهادی» یا

بیشترین افزایش بودجه یک نهاد نظامی در سال ۱۴۰۳ به قرارگاه «فرهنگی-جهادی» قرارگاه «بقیه‌الله» سپاه پاسداران تعلق دارد که طی سه سال گذشته بیش از چهار برابر افزایش یافته است.

این قرارگاه در قانون بودجه ۱۴۰۱، ۶۶۸ میلیارد تومان بودجه دریافت کرده بود که در قانون بودجه ۱۴۰۲ به ۸۸۸ میلیارد تومان و امسال، یعنی در قانون بودجه ۱۴۰۳، به مرز ۳ هزار میلیارد تومان رسیده است.

سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهی قرارگاه «بقیه‌الله» را بر عهده دارد. این بودجه به منظور کمک و حمایت از مؤسسات فرهنگی-اجتماعی، از جمله دو موسسه «اوج» و «سراج»، در اختیار قرارگاه مربوطه قرار گرفته که در عرصه‌های هنری، رسانه‌ای و فضای مجازی و برای ترویج اهداف ایدئولوژیک فعالیت گسترده‌ای دارند.

«مرکز داده‌های باز ایران» گزارش داده قرارگاه «بقیه‌الله» فعالیت‌های خود را در وبسایت‌اش به دریافت کمک‌های مردمی در «جهاد فرهنگی» منوط کرده و اشاره‌ای به دریافت بودجه دولتی نکرده است.

این قرارگاه در وبسایت خود از طریق درگاه آنلاین پرداخت الکترونیک و همچنین شماره کارت به نام «قرارگاه فرهنگی جهادی حضرت بقیه‌الله» کمک‌های مالی جذب می‌کند. میزان درآمد قرارگاه از محل این کمک‌ها مشخص نیست.

در ادامه این گزارش آمده یکی از طرح‌های این قرارگاه

● قرارگاه «بقیه‌الله» سپاه پاسداران در قانون بودجه ۱۴۰۱، ۶۶۸ میلیارد تومان بودجه دریافت کرده بود. این رقم در قانون بودجه ۱۴۰۲ به ۸۸۸ میلیارد تومان و امسال در قانون بودجه ۱۴۰۳، به مرز ۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

● «مرکز داده‌های باز ایران» گزارش داده قرارگاه «بقیه‌الله» فعالیت‌های خود را در وبسایت‌اش به دریافت کمک‌های مردمی در «جهاد فرهنگی» منوط کرده و اشاره‌ای به دریافت بودجه دولتی نکرده است.

● این قرارگاه در وبسایت خود از طریق درگاه آنلاین پرداخت الکترونیک و همچنین شماره کارت به نام «قرارگاه فرهنگی جهادی حضرت بقیه‌الله» کمک‌های مالی جذب می‌کند. میزان درآمد قرارگاه از محل این کمک‌ها مشخص نیست.

● نهادهای حکومتی از حوزه‌های علمیه تا سازمان تبلیغات اسلامی هر ساله بخش زیادی از ردیف‌های هزینه‌ای در لایحه بودجه را به خود اختصاص می‌دهند.

«مرکز داده‌های باز ایران» در گزارشی از افزایش قابل توجه بودجه قرارگاه «بقیه‌الله» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سه سال گذشته خبر داده است. این قرارگاه در حالی در سال جاری ۳ هزار میلیارد تومان بودجه گرفته که پروژه‌ها و ابرپروژه‌های آن با کمک مالی و اجرایی نیروهای داوطلب پیش می‌روند.

بررسی‌های مرکز داده‌های باز ایران نشان می‌دهد که

اما در جدول ۷، این مقدار ۳ هزار و ۹۰ میلیارد تومان اعلام شده است. اگرچه مقدار بودجه اختصاصی سازمان تبلیغات اسلامی در دو جدول مختلف متفاوت است، اما مقدار ۳ هزار و ۱۳۵ میلیارد تومان به عنوان بودجه اختصاصی این سازمان تایید شده است.

بودجه اختصاصی سازمان تبلیغات اسلامی برای اهداف مختلفی تخصیص داده شده است که عبارتند از:

- تقویت و گسترش سنت حسنه اعتکاف ویژه نوجوانان و جوانان (ستاد مرکزی اعتکاف): ۳۰۰ میلیارد تومان

- کمک به مساجد کشور در طرح مسجد محوری: ۵۰۰ میلیارد تومان

- گسترش فعالیت‌های حفظ موضوعی قرآن کریم و تقویت فعالیت‌های موسسات قرآنی کشور (صندوق توسعه قرآنی): هزار میلیارد تومان

- تقویت و گسترش فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی-دینی جریان‌ساز و میدانی در سراسر کشور: ۳۴۰ میلیارد تومان

- حمایت از حلقه‌های میانی مردمی فرهنگی: ۲۰۰ میلیارد تومان

- کمک به سازمان هیات و تشکل‌های دینی: ۲۰ میلیارد تومان

- تقویت پایگاه جریان‌ساز برای حلقه‌های میانی جبهه فرهنگی-فکری انقلاب اسلامی (سرچشمه نور انقلاب اسلامی): ۱۴۰ میلیارد تومان

- ترویج گفتمان انقلاب اسلامی: «شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه» نیز یکی دیگر از زیرمجموعه‌های سازمان تبلیغات اسلامی است که خودش ۲۱۰ میلیارد تومان بودجه دارد. این شورا به غیر از بودجه اصلی خود، قرار است ۱۰۰ میلیارد تومان نیز برای «ترویج گفتمان انقلاب اسلامی» دریافت کند.

- حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در مساجد: «مرکز رسیدگی به امور مساجد» هم مانند قبلی‌ها، زیرمجموعه سازمان تبلیغات است؛ غیر از ۱۲۰ میلیارد تومان بودجه جدول ۷، این مرکز ۲۵۰ میلیارد تومان نیز بودجه اختصاصی دارد. محل هزینه‌کرد این ۲۵۰ میلیارد تومان نیز «حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در مساجد» عنوان شده است.

- گسترش فرهنگ اقامه نماز: دیگر زیر مجموعه سازمان تبلیغات، «ستاد اقامه نماز» است؛ این ستاد ۹۸ میلیارد تومان بودجه عمومی دارد و ۲۰۰ میلیارد تومان نیز بودجه اختصاصی. «گسترش فرهنگ اقامه نماز» دلیل هزینه‌کرد این ۲۰۰ میلیارد تومان عنوان شده است.

برای سال ۱۴۰۳، موسسه نشر آثار امام خمینی هم ۱۶۰ میلیارد تومان بودجه خواهد داشت. خانواده روح‌الله خمینی اما از راه‌های دیگر هم بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند. از جمله تحت عنوان «آستان مقدس حضرت امام» رقمی معادل ۲۱۶ میلیارد تومان به جیب می‌زنند.

فهرست بلند بودجه اختصاص یافته به نهادهای حکومتی نشان می‌دهد در سال جدید سازمان اوقاف ۱۳۲ میلیارد تومان، کمک به معیشت روحانیون ۱۲۲۷ میلیارد تومان، بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس ۲۶۰۲ میلیارد تومان، ستاد مرکزی راهیان نور ۴۹ میلیارد تومان، مجمع جهانی اهل بیت ۲۵۷ میلیارد تومان، خیرگزاری جمهوری اسلامی ۳۷۴ میلیارد تومان، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۲۶۸ میلیارد تومان، موسسه آموزشی امام خمینی ۴۳۷ میلیارد تومان، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ۳۱۱ میلیارد تومان و ستاد احیای امر به معروف ۲۵۶ میلیارد تومان از بودجه کشور را می‌بلعد.

توجه مقامات حکومتی قرار نگرفته و همچنان بودجه مهم‌ترین بازوی رسانه‌ای پروپاگاندای حکومت با افزایش پاداش می‌گیرد.

بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۳ از رقم کلی بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی، ۲۲ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان، مربوط به سازمان صدا و سیما است؛ بودجه‌ای که سال گذشته بیش از ۱۵ هزار میلیارد بود و حال با افزایش ۴/۴۷ درصدی، روی این رقم ایستاده است. این یعنی، سازمان صدا و سیما روزانه معادل ۶۰ میلیارد و ۸۴۳ میلیون تومان خرج بر دست دولت می‌گذارد.

این سازمان درآمدهایی نیز از طریق پخش تبلیغات و برگزاری برنامه‌های مشارکتی دارد که رقم دقیق آن مشخص نیست و اعلام هم نمی‌شود اما برآوردهای مختلف از رقمی سالانه ۱۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان به عنوان درآمدهای سازمان صداوسیما خبر می‌دهند. حتی اگر رقم درآمد ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال معیار قرار بگیرد، هر روز سازمان صداوسیما حکومت بیش از ۸۷ میلیارد تومان برای فعالیت‌های خود هزینه می‌کند.

افزایش نجومی بودجه این سازمان مدافعان سرسختی نیز دارد؛ جبار کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه، در واکنش به انتقاداتها و وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود: «افزایش بودجه سازمان‌هایی مانند صداوسیما و برخی از نهادها بیشتر در حوزه زیرساخت است. افزون بر این ما در یک جنگ رسانه‌ای قرار داریم و باید صداوسیما را تقویت کنیم.»

او در پاسخ به اینکه آیا عملکرد این سازمان در مقایسه با میزان بودجه‌اش قابل قبول است یا نه گفت: «صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی در بسیج مردم نقش دارد. اکنون در بحث انتخابات صداوسیما دارد تلاش می‌کند و به صورت فنی ورود پیدا کرده تا مشارکت مردم را بالا ببرد.»

به گفته کوچکی‌نژاد، «در مقابل رسانه‌های بیگانه که مدام به تحریم انتخابات می‌پردازند»، ضروریست که صداوسیما در این «جنگ رسانه‌ای» مجهز باشد و «عملکرد خوبی هم داشته است.»

حوزه علمیه هم از جمله نهادهایی است که بودجه‌های متنوع و البته هنگفتی را در ردیف‌های مختلف لایحه بودجه و با عناوین مختلف دریافت می‌کند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» گزارش داده که بودجه مرکز خدمات حوزه علمیه برای سال جاری نیز ۷ هزار و ۵۴۴ میلیارد تومان تعریف شده است، عددی که سال گذشته ۶ هزار و ۴۰۲ میلیارد تومان بود. برای شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز ۵ هزار و ۲۳۶ میلیارد تومان تعریف شده است، عددی که سال گذشته ۳ هزار و ۷۵۶ میلیارد تومان بود.

همچنین شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران نیز از بودجه هزار و ۲۱ میلیاردی سال گذشته با افزایش ۶۹ درصدی، به بودجه پیشنهادی هزار و ۷۲۶ میلیارد تومان رسیده است.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز در ردیفی جداگانه بودجه ۸۳۱ میلیارد تومانی دریافت خواهد کرد که نسبت به سال گذشته ۱۰۰/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. برای شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان نیز ۹۰۰ میلیارد تومان بودجه پیشنهاد شده است.

گزارش «اقتصاد ۲۴» افزوده که سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه‌هایش نیز در مجموع بیش از ۴ هزار و ۷۸۰ میلیارد تومان بودجه در اختیار دارند:

- در جدول ۱۲ مقدار بودجه اختصاصی این سازمان به مقدار ۳ هزار و ۱۳۵ میلیارد تومان ذکر شده است.

«داوطلبانه» انجام می‌گیرد. به بیان دیگر قرارگاه «بقیه‌الله» با استفاده از افراد «داوطلب» که دستمزدی دریافت نمی‌کنند این طرح را پیش می‌برد!

از دیگر پروژه‌های قرارگاه «بقیه‌الله» که توسط «نیروهای داوطلب» انجام می‌شود و بابت آن دستمزدی به نیروی کار پرداخت نمی‌شود و در نتیجه هزینه‌ای از این بابت برای قرارگاه ندارد، «نذر کریم اهل بیت» برای جمع‌آوری کمک جهت تأمین جهیزیه برای خانواده‌های مستضعف است.

در قسمت «پرداخت کمک» عنوان شده که هر جهیزیه کامل ۱۶ میلیون تومان است. با بودجه عمومی اختصاص یافته به قرارگاه بقیه‌الله می‌توان ۱۸۷ هزار و ۵۰۰ سری جهیزیه تأمین کرد. قرارگاه بقیه‌الله بر اساس اطلاعاتی که در پایگاه اینترنتی خود ارائه کرده، تاکنون ۲۳ سری جهیزیه توزیع کرده است که البته بنا بر ادعای این قرارگاه هزینه آن هم از «کمک‌های مردمی» تأمین شده است.

«مرکز داده‌های باز ایران» افزوده که قرارگاه بقیه‌الله مدعی است که در سال ۱۳۹۹ نیز طرحی با نام «رزمایش همدلی و کمک مؤمنانه» از طریق کمک‌های مردمی، ۳۱۳ بسته ارزاق تهیه کرده و در بین خانواده‌های نیازمند توزیع کرده است. در صورتی که در سال جاری تهیه بسته چهار سال پیش پانزده برابر گران‌تر تمام شود، قرارگاه بقیه‌الله می‌تواند با بودجه دولتی که دریافت کرده، به یک میلیون خانواده در کشور بسته ارزاق تحویل دهد!

دیگر پروژه‌ی قرارگاه «بقیه‌الله» «کاروان شادی عید ولایت» است. با توجه به تصاویر این طرح در سال ۱۳۹۹، فعالیت‌های انجام شده در این طرح توزیع کیک و آمپوه، سرودخوانی و نظایر آن بوده است. قرارگاه برای این پروژه نیز از کمک‌های مردمی استفاده کرده است.

همانطور که مشخص است قرارگاه «بقیه‌الله» برای غالب پروژه‌ها چه در زمینه تأمین بودجه و چه نیروی انسانی از کمک داوطلبان استفاده می‌کند اما این پروژه‌ها به عنوان مستندات برای توجیه دریافت بودجه‌های هنگفت از منابع عمومی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نهادهای حکومتی از حوزه‌های علمیه تا سازمان تبلیغات اسلامی هر ساله بخش زیادی از ردیف‌های هزینه‌ای در لایحه بودجه را به خود اختصاص می‌دهند. قرارگاه «بقیه‌الله» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از جمله همین نهادهای ایدئولوژیک و البته بی‌خاصیت برای بهبود اقتصادی و فرهنگ و محیط زیست و... است که با بودجه‌های فزاینده در سال‌های گذشته روبرو شده است.

همچنین برخی نهادها برای پولپاشی به خانواده‌ها و جریان‌های حکومتی تأسیس شده‌اند از جمله موسسه نشر و حفظ آثار خمینی که توسط حسن خمینی اداره می‌شود و دقیقاً مشخص نیست خروجی این موسسه چیست! این مؤسسه نیز بخش زیادی از بودجه کشور را سالانه می‌بلعد. برخی سازمان‌ها مانند صداوسیما رژیم که نه یک رسانه ملی، بلکه بازوی پروپاگاندای جمهوری اسلامی هستند نیز با وجود ریزش شدید مخاطبان اما هر ساله با افزایش قابل توجه بودجه پاداش می‌گیرند!

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) وابسته به جهاد دانشگاهی در ایران سال گذشته نتیجه یک نظرسنجی را منتشر کرد که بیانگر کاهش مخاطبان صداوسیما حکومت بود. در سال ۱۳۸۳ این سازمان دولتی با بیش از ۷۰ درصد، بیشترین مرجعیت رسانه‌ای برای کسب اخبار روزمره را داشت، این رقم در سال ۱۴۰۱ به ۴۵ درصد و در سال ۱۴۰۲ به ۳۸ درصد رسید. کاهش مخاطب صداوسیما جمهوری اسلامی اما مورد

حکم اخراج محمدحسین سپهری آموزگار زندانی تأیید شد

اصغر سپهری برادر محمدحسین سپهری زندانی سیاسی و از امضاکنندگان بیانیه‌ی معروف به «۱۴ نفر» که در آن کنار گذاشتن علی خامنه‌ای و عبور از جمهوری اسلامی مطرح شده بود، با انتشار تصویر حکم تجدید نظر دیوان عدالت اداری خبر داد که علی اکبر رشیدی رئیس شعبه ۲۵ این دیوان اعتراض برادرش را علیه اخراج خود رد و حکم اخراج محمدحسین سپهری از آموزش و پرورش را تأیید کرده است. محمدحسین سپهری که همراه با خواهرش فاطمه سپهری در زندان بسر می‌برد، پس از چندین مرتبه بازداشت و زندان، آخرین بار ۶ مهرماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی مشهد دستگیر و به زندان وکیل آباد منتقل شد.

پیام همدلی شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت فاجعه مرگبار معدن زغال سنگ طیس:

جان شما کارگران برای جمهوری اسلامی فاسد و چپاولگر ارزشی ندارد

«ملت ایران بار دیگر سوگوار است: سوگوار از دست دادن ده‌ها تن از کارگران سخت‌کوش معدن زغال سنگ در طیس. در این فاجعه ملی، من نیز با خانواده‌های کارگران جانباخته و همکاران آسیب‌دیده‌شان همدردم، و سوگوار عزیزانی هستم که شرافتمندانه، اما با کمترین امکانات، در دل زمین کار و تلاش می‌کردند. این فاجعه، نتیجه غفلت و بی‌کفایتی حکومتی است که اولویت‌اش تسلیح و تجهیز و تامین مالی تروریست‌های ضدایرانی است تا تضمین رفاه و امنیت کارگران ایرانی؛ اولویت‌اش ساخت تونل‌های مجهز برای تروریست‌ها در غزه و لبنان است تا حصول اطمینان از تجهیز محیط‌های کاری ایمن با تهویه‌های مناسب و سیستم‌های حفاظتی ضد انفجار برای معدنکاران ایرانی در اعماق زمین. آری! جان شما کارگران که ثروت واقعی این کشور هستید، برای این فاسدان و چپاولگران ارزشی ندارد.»

مسافران پروازهای تهران- بیروت از حمل پیجر و بیسیم خودداری کنند

اداره کل روابط عمومی شرکت هواپیمایی «ایران ایر» اعلام کرد «مسافران پروازهای «ایران ایر» در مسیر تهران به بیروت و بالعکس در زمان پرواز از همراه داشتن پیجر و بیسیم خودداری کنند». مدیر هوانوردی غیرنظامی لبنان در اطلاعیه‌ای خطاب به شرکت‌های هواپیمایی فعال در مسیر بیروت خواسته است که موضوع ممنوعیت حمل پیجر و بیسیم را به مسافران خود اطلاع‌رسانی کنند. این ممنوعیت برای محموله، چمدان و چمدان دستی که از فرودگاه بین‌المللی «رفیق حریری» بیروت عبور می‌کند نیز اعمال می‌شود.

اتوبوس و مترو در پایتخت «فقط یک هفته» برای دانش‌آموزان و دانشجویان رایگان شد

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، شهرداری تهران اعلام کرد که استفاده از خدمات مترو و اتوبوس به مدت یک هفته برای دانشجویان و دانش‌آموزان رایگان خواهد بود. شهرداری تهران اعلام کرده «این طرح با هدف حمایت از دانشجویان و دانش‌آموزان و همچنین ترویج استفاده از حمل و نقل عمومی در بین جوانان اجرا می‌شود.»

این در حالیست که این طرح در دومین سالگرد خیزش ملی و اعتراضات جانانه‌ی دانشجویان و دانش‌آموزان ایران که در تاریخ جنبش‌های آزادیخواهانه کم‌نظیر است، بیشتر یک رشوه‌ی بسیار ناچیز از شهرداری فاسد تهران به آنهاست که گویا جمهوری اسلامی به فکر دانش‌آموزان و دانشجویان است! البته آنهم فقط یک هفته!

بنیامین نتانیاهو:

در روزهای اخیر ضرباتی به حزب‌الله زده‌ایم که فکرش را هم نمی‌کرد

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز یکشنبه اول مهرماه (۲۲ سپتامبر) در جلسه هیات دولت گفت اسرائیل

اول مهر و یاد کیان، کودک ایران

میثم پیرفلک پدر کیان ۹ ساله که ۲۵ آبان در جریان خیزش ملی ۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران سرکوبگر در ایزد کشته شد، همزمان با اول مهر و بازگشایی مدارس در ایران در استوری اینستاگرام خود نوشته است: «دیگه مهر برای من بدون کیان عزیزم رنگ و بو نداره.»

اعلام حمایت وزیر دفاع جمهوری اسلامی از رژیم سرکوبگر ونزوئلا

عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جمهوری اسلامی در دیدار با رامون ولاسکز وزیر حمل و نقل رژیم ونزوئلا گفت، «ایران با تمام توان از دولت مادورو حمایت می‌کند.»

در این دیدار که ۲۹ شهریورماه ۱۴۰۲ در تهران صورت گرفت، نصیرزاده تأکید کرد، «تغییر دولت‌ها هیچ تغییری در سیاست و رویکرد کلان جمهوری اسلامی نسبت به ونزوئلا ایجاد نمی‌کند و بطور حتم جمهوری اسلامی با تمام توان خود از دولت مشروع و قانونی جناب آقای مادورو همانند گذشته حمایت می‌کند.»

این در حالیست که نیکلاس مادورو رئیس جمهور چپ‌گرای ونزوئلا برای ماندن در قدرت دست به سرکوب گسترده مخالفانش زده است.

سه روز عزای عمومی برای کشته شدن بیش از ۵۰ کارگر معدن آنهم فقط در جنوب استان خراسان!

علی کریمی چهره‌ی معروف و محبوب فوتبال ایران در واکنش به اقدام عجیب سه روز عزای عمومی فقط در جنوب استان پهناور خراسان نوشته است: «عزای عمومی برای هنیه‌ی تروریست سه روز کل ایران،

ولی برای هموطنان ایرانی سه روز فقط در خراسان!!!! باز هم شک دارین که ایران به دست این رژیم آخوندی



اشغال شده؟!»

انفجار معدن زغال سنگ «معدنچو» در طیس شامگاه شنبه ۳۱ شهریورماه روی داد و گفته می‌شود بیش از ۵۰ کارگر کشته شده‌اند.

اکنون با انتشار خبرهای ضد و نقیض به نظر می‌رسد که مقامات مسئول قصد دارند شمار کشته‌شدگان را کمتر از واقعیت اعلام کنند!



در روزهای اخیر ضرباتی پی در پی به حزب‌الله لبنان وارد کرده که آنها فکرش را هم نمی‌کردند.

او بدون اشاره مستقیم به انفجارهای زنجیره‌ای لوازم الکترونیکی اعضای حزب‌الله تأکید کرد، این ضربات برای این بود که حزب‌الله حملات به اسرائیل را متوقف کند و «اگر پیام ما را نفهمیده، کاری خواهیم کرد که این مفهوم را درک کند.»



اما با وجود این غم و درد، من به فردایی بهتر باور دارم. فردایی که در آن با اتحاد و همدلی کارگران، و همه مردم ایران، برای ساختن کشوری تلاش خواهیم کرد که در آن جان ایرانیان و رفاه آنها اولویت داشته باشد. آینده‌ای که در آن کارگران معدن با اطمینان خاطر و در محیطی امن و به‌روز، به کار خود ادامه دهند. آینده‌ای که در آن اثری از جمهوری اسلامی در ایران نباشد.»

دو نفر از رهبران ارشد حزب الله در حمله اسرائیل کشته شدند

منابع عربی روز دوشنبه دوم مهرماه گزارش دادند شیخ محمد صالح و شیخ علی ابوریا دو نفر از رهبران حزب الله در حملات اسرائیل به لبنان کشته شدند. گفته شد در این حملات دست کم ۳۰۰ مقرر حزب الله هدف قرار گرفته است و بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از اعضای این گروه کشته و زخمی شدند.

مدیر حوزه‌های علمیه:

حوزه‌های علمیه هویت ایرانیان و عمامه نهاد هویت ایران است!

علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه و عضو مجلس خبرگان و امام جمعه قم در مراسم «عمامه‌گذاری» و «جشن حفظ کل قرآن» گفته است: «این افتخار ایران بود که پذیرای اسلام و تشیع شدند». وی همچنین افزود: «ایرانیان هوشمندانه پذیرای اسلام و تشیع شدند و این افتخار در شناسنامه فرهنگی ملت ایران ثبت شد. حوزه‌های علمیه هویت ایرانیان است!» او همچنین گفت: «این مراکز علمی و دینی هویت تاریخی ملت ایران است، این عمامه نماد مجاهدت در راه خدا و ادای رسالت الهی و هویت ایران است.» امام جمعه قم سپس درباره ملایانی مشابه خودش افزود: «روحانیت راستین و حوزه‌های علمیه در مقاطع گوناگون استقلال، پیشرفت و عظمت ملت را تضمین کرده اند، این روحانیت آشنا با درد، رنج و سختی هاست و امروز هم پای این پرچم ایستاده است!»

وعده‌های بی‌پاسخ؛

۱۳ هزار معلول در انتظار مستمری شهریورماه!

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، با وجود اعلام قبلی مبنی بر تأمین اعتبار مستمری ۱۳ هزار نفر از معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور برای شهریورماه ۱۴۰۳، این مستمری تا امروز واریز نشده است. این در حالیست که مشکلات مربوط به پرداخت‌ها از ماه‌های گذشته نیز



وعده‌های بی‌پاسخ؛
۱۳ هزار معلول در انتظار
مستمری شهریورماه!

نگرانی‌هایی در میان جامعه معلولان ایجاد کرده است. پیش از این، احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی وعده داده بود که با همکاری سازمان‌های مسئول و انجام رایزنی‌های لازم، مشکلات مربوط به تأمین اعتبار مستمری افراد تحت پوشش حل و مستمری این افراد واریز شود. با این حال، تا این لحظه، پرداخت‌ها انجام نگرفته و وضعیت معوقه‌امردان این افراد نیز همچنان نامشخص است.

فرمانده بسیج ساوه:

شیاطین برای از بین بردن حجاب برنامه دارند اما حجاب از هر سلاح نظامی قوی‌تر است!

علیرضا مهدی فرمانده «بسیج» ساوه روز یکشنبه اول مهرماه ۱۴۰۳ در مراسم آغاز هفته «دفاع مقدس» در مدرسه دخترانه «شاهد» ضمن سخنرانی در مورد نقش زنان در «حفظ انقلاب» گفت: «شیاطین و دشمنان برنامه بسیار خطرناکی برای لگدمال کردن نجابت، عفت و شرافت زنان ایرانی در نظر گرفته‌اند و با ایجاد بیش از ۲۶۰ کانال در فضای مجازی سعی در تخریب جایگاه حجاب دارند چراکه حجاب از هر گونه سلاح نظامی قوی‌تر بوده بنابراین نباید اجازه دهیم حجاب کم‌رنگ شود»

او همچنین افزود: «انتظار است دختران ایران اسلامی با متانت، معرفت و بینش قرآنی در برابر این برنامه‌ها بایستند.»

این سخنان در حالیست که همین زنان و دختران ایرانی در حال حاضر در صف اول مبارزه همه‌جانبه با حجاب اجباری قرار دارند!

افزایش فشار بر گوهر عشقی

گوهر عشقی مادر دادخواه ستار بهشتی کارگر ویلاگونیس ۳۶ ساله که ۹ آبان ۱۳۹۱ توسط پلیس «فتا» به علت فعالیت در فضای مجازی دستگیر و در سیزدهم همان ماه بر اثر شکنجه‌های وحشیانه در زندان اوین کشته شد، باز هم تحت فشارهای گوناگون قرار گرفته است.

حساب کاربری که به نام این مادر دادخواه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های وی را منتشر می‌کند، دوشنبه ۲ مهرماه خبر داده است که از غروب روز گذشته، مأموران با استقرار در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف خانه‌ی وی، منطقه را محاصره کرده و با قطع کامل ارتباطات تلفنی و موبایل، او را از هرگونه تماس با جهان بیرون محروم کرده‌اند که همین موضوع منجر به اُفت فشار خون وی می‌شود.



افزایش فشار
بر گوهر عشقی

همچنین نیروهای امنیتی صبح دوشنبه مانع رفتن او به تهران شدند تا اینکه توسط دوستان به خانه دخترش، سحر، منتقل شد. در حال حاضر این خانه نیز تحت کنترل قرار دارد و رفت و آمدها کنترل می‌شود.

گوهر عشقی همواره مردم را به مبارزه برای آزادی ایران و دادخواهی ایرانیان به اشکال مختلف از جمله با برگزاری تحصن‌های اعتراضی فرا خوانده است.

بلیت هواپیمایی «ایران ایر» در برخی مسیره‌های داخلی دو تا سه برابر شد

در روزهای گذشته شرکت هواپیمایی دولتی «ایران ایر» قیمت بلیت‌های پرواز برخی مسیره‌های پر تردد داخلی را با ۱۰۰ افزایش قیمت عرضه می‌کند. مسیر پرواز تهران- اهواز که در اوایل امسال یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود و چند ماه پیش به حدود دو برابر افزایش یافته بود، از روزهای گذشته با مبلغ ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. قیمت بلیت برخی پروازهای داخلی این شرکت از ابتدای سال تا کنون و طی شش ماه تا حدود چهار برابر افزایش یافته است.

۸۰ درصد بازار کیف و کفش ایرانیان در دست اتباع افغانستان است

وبسایت «تجارت نیوز» اول مهرماه ۱۴۰۳ گزارش داد اتباع افغانستانی بر صنعت کیف و کفش ایران تسلط پیدا کرده و این صنعت را دچار چالش‌های جدی کرده و آن را در آستانه فروپاشی قرار داده‌اند. محمود موسوی رئیس اتحادیه سراجان تهران درباره تولید کیف و کفش توسط اتباع افغانستانی به «اقتصادآنلاین» گفته است که در حال حاضر ۸۰ درصد تولید کیف‌های زنانه در تهران توسط اتباع افغانستانی انجام می‌شود. این افراد سال‌هاست در این صنف مشغول فعالیت هستند و تمام امور مربوط به بانکداری، کارگری و باربری را خود انجام می‌دهند.

محکومیت مادران دادخواه آبان ۹۸ به ۱۸ ماه حبس در دادگاه انقلاب شهریار

در ادامه فشارهای قضایی بر خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸، شعبه دوم دادگاه انقلاب شهریار، دو مادر از اعضای گروه «مادران کشته‌شدگان آبان ۹۸» را با اتهامات واهی به مجموعاً ۱۸ ماه و یک روز حبس محکوم کرد.



محکومیت مادران دادخواه
آبان ۹۸ به ۱۸ ماه حبس در دادگاه
انقلاب شهریار

طبق گزارش‌های منتشرشده، محبوبه رضانی مادر پژمان قلیپور و رحیمه یوسف‌زاده مادر نوید بهبودی به دلیل فعالیت‌های خود در پیگیری عدالت برای فرزندان‌شان، به «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروه مادران کشته‌شدگان آبان ۹۸» و «اهانت به مقام رهبری» متهم شده و هر یک از این اتهامات به صدور حکم شش ماه حبس علیه آنها منجر شده است.



عکس هفته | معدنکاران طبس

شامگاه یکشنبه اول مهرماه ۱۴۰۳ انفجاری عظیم بر اثر اشباع گاز متان در معدن زغال سنگ «معدنچو» در طبس روی داد که بیش از ۵۰ معدنکار را به کام مرگ فرستاد.